

سوره الرحمن الرحيم

صاحب امتیاز: محمدرضا زائری
مدیرمسئول: مرتضی وافی

تحریریه:

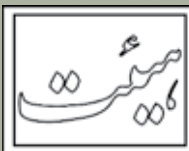
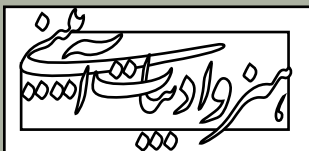
میشم غضنفری
دبیر سرویس تاریخ و اندیشه: حسین سخنور
دبیر سرویس ادبیات آیینی: امیر عیسی ملکی
دبیر سرویس جامعه: علی حقیقت
دبیر سرویس مردم‌شناسی: پیمان اسحاقی
دبیر سرویس هیئت: مجید رزازی
دبیر سرویس رسانه: مطهره آخوندی
دبیر بخش هنرهای نمایشی: هانیه خاکپور
سیدحجت سجادی‌زاده، داوود بهلولی
زهره قدیانی، برهان محمودی،
محمود مکتبی

همکاران این شماره: مجید سلیمیان
الهام حسینی، جواد جواهری
سعید رضا غضنفری، جلال
بیطرفان، محسن واحدی پور
جواد محمدی، فرامرز رحمانی
محمد علی بیطرفان، محمدجواد
اسماعیلی‌نژاد، سلیمان جهاندیده
یدا... جباری، فاطمه ایدوست

ویراستاری و تصحیح: مریم گلپاز
طراح نامواره: حمید عجمی
صفحه آرایی و طرح جلد:
علی اکبر محمدخانی
عکس: پیام اکبری

مطالب خود را در یک طرف کاغذ A4 بنویسید.
خیمه در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.
برگشت دادن مطالب ارسالی امکان‌پذیر نیست.
بهتر است برای مکاتبه از پست الکترونیکی استفاده کنید.

چاپ: سه‌هنگ گرافیک / ۳۰ هزار نسخه



دفتر ماهنامه خیمه: تهران، خیابان سمیه، نرسیده به تقاطع استاد
نجات‌اللهی، ساختمان شماره ۲۱۳، طبقه چهارم، واحد ۹
تلفن دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۹۳۴۹۷۰ - ۸۸۹۳۴۹۷۰
صندوق پستی تهران: ۱۹۴۱ - ۱۵۸۱۵
تلفن دفتر قم: ۰۲۵۱ - ۷۷۵۱۴۲۳ - ۷۷۵۱۴۲۳
صندوق پستی قم: ۳۷۱۸۵/۴۴۹
آدرس الکترونیک: www.kheimeh.com پست
الکترونیک: info@kheimeh.com



با همکاری مرکز مطالعات راهبردی خیمه
با حمایت سازمان تبلیغات اسلامی

اندیشه / ۴۸



عماد افروغ: این قیام مصداق امر به معروف و نهی از منکر است. عده‌ای این سطح کلام را نادیده می‌انگارند و امر به معروف و نهی از منکر امام حسین (ع) را تقلیل می‌دهند به روابط اجتماعی مردم با مردم. غفلت از تذکرها و نصیحت‌هایی که مردم می‌توانند به اصحاب قدرت و رهبرانشان داشته باشند.

جامعه / ۲۴



علیرضا پناهیان: در برخی از مجالس برای برخی از امور تشریفاتی زاید و یا برخی از مخارج غیر ضروری، میلیون‌ها تومان خرج می‌شود، ولی برای دادن ۱۰۰ یا ۲۰۰ هزار تومان به ذاکر اهل بیت (ع) خساست به خرج داده می‌شود.

جامعه / ۱۶



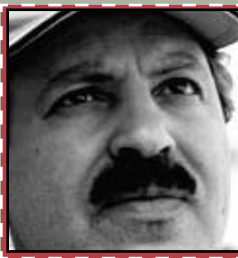
علی حقیقت: بسیاری از مسئولان هیئت‌های مذهبی خواستار ساماندهی مذاحان هستند. حال این پرسش اساسی مطرح می‌شود که اصلاً چیزی به نام «سقف قراردادها» یا به عبارت بهتر، «سقف دستمزدها»، یا هر اصطلاح مشابه دیگری ممکن است؟!

هیئت / ۵



حجت‌الاسلام سیدعباس لاجوردی: هیئات جایگاهی هستند و باید باشند که هم فکر را می‌دهند و هم روحیه را. هم ارتباط و انسجام را ایجاد می‌کنند و هم شخص را اجتماعی، مسئولیت‌پذیر و آزاده بار می‌آورند. در واقع دین در هیئت، دین اجتماعی شده است و در هیئت، حقیقت دین ظهور و بروز پیدا می‌کند.

هنر و ادبیات آیینی / ۴۲



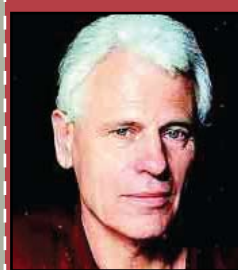
حسن احمدی: متأسفانه در این سی سال بعد از انقلاب، کاری که در زمینه انیمیشن واقعاً قابل توجه باشد، جز یک یا دو مورد نداشتیم. کارهایی که انجام شده، خیلی کم بوده و تکنیک قابل توجهی نداشته یا داستان خوبی نداشته‌اند.

اندیشه / ۵۱



سیدمحمدرضا هزاوه‌ای: مقولهٔ تکامل اجتماعی، یکی از مقولات مطرح در بیشتر مکاتب است و از مقولات پیچیده‌ای است که کمتر مکتبی توانسته به نحو شایسته از عهدهٔ طرح آن برآید. با اتکالی به بحث «امامت» می‌توان به تبیین کاملی از تکامل اجتماعی دست زد.

مردم‌شناسی / ۶۲



پیتر چلکوفسکی: چلکوفسکی را می‌توان از علاقه‌مندان جدی مذهب شیعه و فرهنگ ایران در مجامع دانشگاهی آمریکا دانست. وی همواره اظهار می‌دارد که «یک ایرانی» است. او دربارهٔ انگیزه پژوهشی خود می‌گوید: «غربی‌ها می‌خواهند اسلام را دین خشونت‌باری معرفی کنند و خب کار من این است که این را اصلاح کنم.»



وقتی «خلوت عبد و اله» در بین جماعت صورت می‌گیرد «روح جمعی» عبادت ظرفیت شگفت‌انگیزی را برای تبتل و پرواز در اوج بیکرانه‌ها فراهم می‌کند. «اعتکاف» نیز همچون «حج» عبادتی است که جامع افراد و مانع اغیار است و در ویژه‌نامه «داوطلب» که گردآوری و تألیف آن زیر نظر «مرکز مطالعات راهبردی خیمه» انجام شده، نیم‌نگاهی به این عمل عبادی شده است. این ویژه‌نامه به طور جداگانه ضمیمهٔ این شمارهٔ ماهنامهٔ خیمه شده است.



باز فهمید. کاری که هم شاید ضعف آثار برخی فضلالی حوزه و دانشگاه را پیرامون فرهنگ کلمات عاشورا و امام حسین (ع) جبران و هم حدود و ثغور بحث‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و ضعف‌ها و کاستی‌ها را مشخص کند.

یکی از آسیب‌های جدی در نهادهای فرهنگی جامعه ما عدم اهتمام به حفظ نیروهای کارآمد و متخصص و توانمندسازی آنان در جهت اهداف است. مدیریت‌های لغزنده‌ای که افراد را نه در زمان مسئولیت به برنامه‌ریزی و طراحی وا می‌دارد و نه در صورت کنار رفتن آنها به هر دلیلی، دیگر کسی سراغ از تجربه و سوابق آنان نمی‌گیرد. گاهی هنرمان در نیروسوزی بیشتر است تا نیروسازی. این آسیب آنچنان بر پیکره منابع انسانی ما در حیطه فرهنگ، ظلم روا می‌دارد که از جمله آنهاست:

۱- ریزش نیروهای متخصص (به دلیل عدم تحمل سلاقی مخالف و یا نبود سعه صدر و ظرفیت روحی و یا پاک کردن صورت مسئله) به نفع جبهه معارض و یا تبدیل نیروهای فعال به نیروهای منزوی، منفعل و دچار شک و تردید در فضای فرهنگی.

۲- عدم توجه لازم به جلب عناصر میانه به سمت جبهه فرهنگی انقلاب و برخورد‌های دفعی و سلبی و راندن آنان.

آنها که با سیر تحولات فرهنگی سی ساله انقلاب کم و بیش آشنا هستند به خوبی می‌دانند که چه هزینه‌های گزافی برای تربیت نیروهای فرهنگی پرداخت شد و چه آسان‌عده‌ای مبدأ جدایی همان نیروها از بدنه نظام، انقلاب و مبانی فرهنگی جامعه شدند. حساب آنان با کرام الکاتبین.

والسلام

یاعلی مدد

مدیر مرکز مطالعات راهبردی خیمه

فرهنگ مظلوم، مظلومیت‌های فرهنگی! (۴)

مرتضی وافی

دینی و شعائر حسینی باز می‌دارد و نهیب می‌زند که «با آل علی هر که در افتاد و افتاد!» تا آنجا که عاشورا پژهی واژه‌ای ناآشنا می‌نماید و پیرامون مداحی و خطابه بحث کردن خطایی نابخشودنی و هیئات را با داشتن سایت اینترنتی در تعارض به شمار می‌آورد و ...

۲- حضور عناصر ناآگاه و یا نفوذی، آنگاه که درک درستی از معانی واژگان کلیدی هر حرکت فرهنگی به دست نیاید و زمانی که محدوده‌های حرکت فرهنگی مشخص نباشد خدای ناکرده هر عنصر ناآگاه و یا نفوذی می‌تواند خود را میاندار حرکت فرهنگی بداند به صرف آنکه مالی دارد و حالی و قالی ...!

استاد ما می‌گفت: «سالها پیش آشنایی داشت، که علاقه‌مند بود اهل وعظ و خطابه شود و دعا می‌کرد سه مانع کارش برطرف شود. نحیف بود دعا می‌کرد خدا جثه‌ای به او بدهد آنچنانی، گردنی و شکمی، محاسنی فراخور حال، صدایی برای بیان و آواز و فرمود: «این سال‌ها دیدمش همان دعای اول در حقیقت مستجاب شده بود!»

وقتی آداب وعظ خطابه، شرایط، روش‌ها، حریم و محدوده‌ها، امر خطیر و مهم تکلم با مردم معلوم نشود، قضیه آنچنان است که ...

شاید از همین روست که همکاران خیمه به دنبال تدوین کتابی برای کلید واژگان خیمه هستند تا بتوان کلماتی چون: مداحی، هیئت، عاشورا، کربلا، شمر، حر، پرچم و ... را به درستی

همیشه گمان می‌کردم می‌بایست در هر سرمقاله یک حرف تازه زد، یک بحث روز را محور قرار داد و پیرامونش قلم‌فرسایی کرد تا زمانی که به این موضوع رسید «فرهنگ مظلوم، مظلومیت‌های فرهنگی»

این موضوع مهم است، هم به روز است هم حالاً‌ها حرف برای گفتن دارد و البته مصادیقش برای بسیاری از مخاطبان نشریه محسوس و ملموس و جذاب ... اما در ادامه سرمقاله‌های پیشین.

حرکت فرهنگی و فرهنگ‌سازی در هیئات و تشکل‌های دینی، پیرایش و تهذیب و تعمیق باورهای دینی در آن پایگاه‌های عظیم اجتماعی و تقویت نگاه همه جانبه و کارکردگرایانه به عاشورا و قیام سیدالشهدا (ع)، هم تشخیص راه و مسیر رشد را می‌طلبد، هم تخمین و تعیین چاه و حریم و محدوده‌ها را، در میان فرهنگ‌سازان و متولیان فرهنگی آنجا که اختلاف نظر در درک معنای کلمات کلیدی و مصادیق مفهوم‌های فرهنگی به چشم می‌خورد، برنامه‌های فرهنگی با دو مشکل جدی مواجه شده است:

۱- مشخص نبودن خط قرمزها؛ که در مقوله‌هایی همچون بحث مورد نظر ما گاه با روکش تقدس، حریم، دخالت در کار خدا و اهل بیت (ع)، هر متفکر و اندیشمندی را از اظهار نظر و بحث استدلال در امور مذهبی و رفتارهای

خیلیا

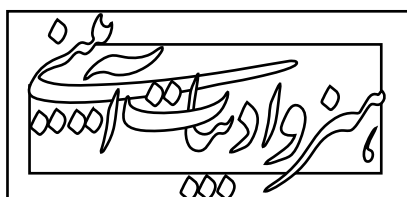
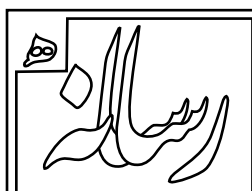
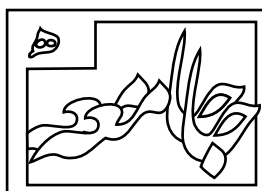
ماهنامه
فرهنگی
اجتماعی
خیمه

KHEIMEH
Cultural - Social
Monthly



در ادامه مباحث مربوط به «ارکان» و «هویت هیئات» در عصر حاضر، در این شماره با حجت الاسلام والمسلمین «سیدعباس لاجوردی» همچنین «حاج علی مالکی نژاد» گفت و گویی داشتیم. در این شماره به «اصول هیئت داری» و «مدیریت در هیئات» هم نقبی زدیم. گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین «سیدعلیرضا تکیه‌ای»، مسئول اعتکاف قم از دیگر موضوعات این بخش است.

KHEIMEH
Cultural - Social
Monthly



بد خوب نیست

گزیده‌ای از نهج البلاغه

کمیل چه لحظات سنگین و سختی را سپری می‌کرد، وقتی حضرت با اشاره به سینه خود به او می‌گفت: «بدان که در اینجا دانش فراوانی انباشته است. ای کاش کسانی را می‌یافتم که می‌توانستند آن را بیاموزند. آری تیزهوشانی می‌یابیم، اما مورد اعتماد نیستند. دین را وسیله دنیا قرار داده و با نعمت‌های خدا بر بندگان و با برهان‌های الهی بر دوستان خدا فخر می‌فروشند. یا گروهی که تسلیم حاملان حق هستند، اما ژرف‌اندیشی لازم را در شناخت حقیقت ندارند که با اولین شبهه‌ای، شک و تردید در دلشان ریشه می‌زند؛ پس نه آنها و نه اینها، سزوار آموختن دانش‌های فراوان من نیستند.

یا فرد دیگری که سخت در پی لذت بوده و اختیار خود را به شهوت داده است، یا آنکه در ثروت‌اندوزی حرص می‌ورزد، هیچ کدام از آنان نمی‌توانند از دین پاسداری کنند و بیشتر به چهارپایان چرنده شباهت دارند و چنین است که دانش با مرگ دانشمندان می‌میرد.^۱ حضرت دست کمیل بن زیاد را گرفته و به سوی قبرستان کوفه می‌برد. آه پر دردی می‌کشد و می‌فرماید:

«مردم سه دسته‌اند: دانشمند الهی و آموزنده‌ای بر راه رستگاری و گروهی مثل پشه‌هایی که دست‌خوش باد و طوفان هستند و همیشه سرگردان‌اند که به دنبال هر سر و صدایی می‌روند و با وزش هر بادی حرکت می‌کنند؛ نه از روشنایی دانش نور می‌گیرند و نه به پناهگاه استواری پناه بردند.»^۲

البته من و شما باید حواسمان باشد که متعلق به هر دسته‌ای که باشیم به امری آشکار دعوت شده‌ایم و «جز ناشنوایان کسی ادعای نشنیدن حق را ندارد و جز کوران و کوردلان کسی ادعای ندیدن واقعیت‌ها را نمی‌کند. آن کس که از آزمایش‌ها و تجربه‌های خدادادی سودی

نبرد، از هیچ پند و اندرزی سود نخواهد برد و کوتاه‌فکری دامنگیر او خواهد شد تا آنجا که بد را خوب، خوب را بد می‌نگرد.»^۳ «خوشا به حال کسی که قلبی سالم دارد، خدای هدایتگر را اطاعت می‌کند، از شیطان همراه‌کننده دوری می‌گزیند، با راهنمایی مردان الهی، با آگاهی به راه سلامت رسیده و به اطاعت هدایتگرش پیروزد و به راه رستگاری، پیش از آنکه درها بسته و وسایلش قطع شود، بشتابد، در توبه را بگشاید و گناهان را از بین ببرد. پس به راه راست ایستاده و به راه حق هدایت شده است.»^۴ «عقل تو را کفایت کند که راه گمراهی را از رستگاری نشانت دهد.»^۵

حضرت در جواب نامه ابوموسی اشعری درباره حکمت می‌گوید:

«همانا تیره روز کسی است که از عقل و تجربه‌ای که نصیب او شده، محروم ماند و من از آن کس که به باطل سخن گوید یا کاری را که خدا اصلاح کرده، بر هم زند، بیزارم.»^۶ «حقیقت را به شما نیز نشان دادند، اگر به درستی بنگرید و ندای حق را به گوش شما رسانند، اگر خوب بشنوید! و به راه راست هدایتان کردند، اگر هدایت پذیرید! راست می‌گویم، مطالب عبرت‌آموز اندر زده‌نده را آشکارا دیدید و از حرام الهی نهی شدید و پس از فرشتگان آسمانی، هیچ کس جز انسان، فرمان خداوند را ابلاغ نمی‌کند.»^۷

«ای مردم! چراغ دل را از نور گفتار گوینده باعمل، روشن سازید و ظرف‌های جان را از آب زلال چشمه‌هایی که از آلودگی‌ها پاک است، پر کنید. ای بندگان خدا! به نادانی‌های خود تکیه نکنید و تسلیم هوای نفس خویش نباشید که چنین کسی بر لبه پر تگاه قرار دارد و بار سنگین هلاکت و فساد را بر دوش می‌کشد و از جایی به جای دیگر می‌برد تا آنچه را که ناچسب است،

بچسباند و آنچه را که دور می‌کند، نزدیک جلوه دهد. خدا را، خدا را، مبادا شکایت نزد کسی برید که نمی‌تواند آن را برطرف سازد و توان گره‌گشایی از کارتان را ندارد.»^۸

«عقل با چشم دل سرانجام کار را می‌نگرد و پستی و بلندی آن را تشخیص می‌دهد. دعوت‌کننده حق، (پیامبر ص) دعوت خویش را به پایان رسانید و رهبر امت به سرپرستی قیام کرد، پس دعوت‌کننده حق را پاسخ دهید و از رهبرتان اطاعت کنید. گروهی در دریای فتنه‌ها فرو رفته، بدعت را پذیرفته و سنت‌های پسندیده را ترک کردند. مؤمنان کنارگیری کرده و گمراهان و دروغگویان به سخن آمده‌اند.»^۹

حضرت به شدت تبعیت از انسان‌های بیمار دل و ظاهرالصلاح را نهی می‌کند. انسان‌هایی که «وصفشان دارو و گفتارشان درمان، اما کردارشان دردی است بی‌درمان. بر رفاه و آسایش مردم حسد می‌ورزند و بر بلاء و گرفتاری مردم می‌افزایند و امیدواران را ناامید می‌کنند. آنها در هر راهی کشته‌ای و در هر دلی راهی و بر هر اندوهی اشک‌ها می‌ریزند. مدح و ستایش را به یکدیگر قرض می‌دهند و انتظار پاداش می‌کشند. اگر چیزی را بخواهند، اصرار می‌کنند و اگر ملامت شوند، پرده‌دری می‌کنند و اگر داوری کنند، اسراف می‌ورزند. آنها برابر هر حقی باطلی و برابر هر دلیلی شبهه‌ای و برای هر زنده‌ای قاتلی و برای هر دری کلیدی و برای هر شیئی چراغی تهیه کرده‌اند.

با اظهار یأس می‌خواهند به مطامع خویش برسند و بازار خود را گرم سازند و کالای خود را بفروشند. سخن می‌گویند، اما به اشتباه و تردید می‌اندازند. وصف می‌کنند، اما فریب می‌دهند. در آغاز راه را آسان و سپس در تنگناها به بن‌بست می‌کشانند. آنها یاوران شیطان و زبانه‌های آتش جهنم هستند: «آنان پیروان شیطان‌اند و بدانید که پیروان شیطان زیانکاران‌اند.»^{۱۰} و تأکید می‌کند «اگر چشم بینا داشته باشید، حقیقت را نشانان داده‌اند، اگر هدایت می‌طلبید، شما را هدایت کرده‌اند، اگر گوش شنوا دارید، حق را به گوشتان خوانده‌اند.»^{۱۱}

پی‌نوشت:

- ۱- حکمت ۱۴۷ ۲- حکمت ۱۴۷ ۳- خطبه ۱۷۶
- ۴- خطبه ۲۱۴ ۵- حکمت ۴۲۱ ۶- نامه ۷۸
- ۷- خطبه ۲۰ ۸- خطبه ۱۰۵ ۹- خطبه ۱۵۴
- ۱۰- خطبه ۱۹۴ ۱۱- حکمت ۱۵۷

حجت الاسلام والمسلمین سیدعباس لاجوردی *

دموکراسی دینی

درباره هیئت هم نمی توان گفت صرفاً کلاس و برهان است. در هیئات معرفت و عمل در هم نهفته است. هنگامی که هیئت را از بعد اجتماعی بررسی می کنیم، باید ببینیم من به عنوان یک جوان با یک روحانی و حتی یک مرجع تقلید وقتی به مجلس عزاداری امام حسین (ع) آمدم، چه چیزی از من کم شد؟

و چه چیزی به من اضافه شد؟ وقتی خود را در آیینۀ قمر بنی هاشم (ع) نگاه کردم، باید ببینم، آیا وفا را آموختم؟ آیا آمادگی لازم را پیدا کرده ام که از علی اصغرم بگذرم؟ کلاس عاشورا یعنی خوب انتخاب کردن. خوب پریدن همه این عالم سکوی پرواز است و هر لحظه ما شروع جدیدی است. معنی «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» این است که «هر زمینی زمین انتخابگری ماست و هر روزی روز بزرگ انتخاب کردن است. بزرگان می گویند شهادت یک انتخاب خوب است، اما هدف نیست. محمد

بن حنیفه یک برادر است و قمر بنی هاشم (ع) نیز برادر است. شیعه این را می آموزد. درباره بعد اجتماعی هیئات باید بگوییم: هیئت، بهترین حزب برخاسته از ایمان، عشق و فداکاری است؛ یعنی بهترین جاست. در واقع هیئات در متن جامعه، یک جامعه دینی کوچک هستند و به نوعی هیئت یک جور حزب عشقی است. قوی ترین و غنی ترین نوع دموکراسی در هیئت وجود دارد؛ زیرا پایه و اساس آن آرمان ها و دغدغه های مشترک است و در انجام کارهای آن هیچ اجباری نیست.

در آنجا کسی را مجبور نمی کنند، جای بریزد یا هر کار دیگری را انجام دهد. هر کس از روی میل و رغبت کاری را انجام می دهد، از کسانی که کار سیاسی می کنند، بپرسید چه سازمان و تشکیلاتی را می شناسید که می تواند به بچه چهارساله تا پیرمرد ۹۰ ساله انرژی دهد و آنها را به کار گیرد.

البته باید بگوییم که هیئات درجاتی دارند و منظور من هیئت هایی است که در آن اشخاص با اهداف، نیازها، دغدغه ها، نگرانی ها و آرمان های مشترک دور هم جمع شده اند و با یک برنامه برای زندگی آشنا می شوند. در چنین هیئاتی حتی خاموش کردن چراغ ها پیامی دارد. در آنجا حتی رنگ ها هم معنی مشخصی دارند و در چنین مکانی هر عملی با منطقی از پیش بررسی شده صورت می گیرد. ■

* مدیر مؤسسه تحقیقاتی-فرهنگی انتشارات [ع.ص] لیلۀالقدر (ناشر آثار علی صفایی حائری)

در بعد اجتماعی چه ضرورتی دارد. به نظر من تعزیه، عزاداری و تأسف در فرد، ظرفیت ساز و دشمن سوز است. آتشی است که علف های هرز را می سوزاند و قلب را آماده می کند. توجه به معارف ابا عبدالله (ع) باعث محبت ایشان در دل می شود و گناهان را می زداید و اشک علامت این جریان است و این جریان، مطلوب خداست. خدا می خواهد انسان به این قرب برسد. توجه به آن انوار پاک، این قرب، تضرع و انکسار را ایجاد می کند و این انکسار قلب زمینه تحقق دین خواهد شد.

خداوند در قرآن به حضرت ابراهیم (ع) می فرماید: «تو عبد خوبی هستی به خاطر اینکه قلب منیب داری. انابه و تضرع داری. ما تو را به مراتب بالاتر

دین در هیئت
اجتماعی شده است
و در این مکان
حقیقت دین
ظهور و بروز پیدا می کند

می بریم، چون تو منیبی.» در ذیل این آیه خداوند به حضرت ابراهیم (ع) می فرماید: «می دانی چرا تو را «خلیل» خود انتخاب کردیم؟ به دلیل چند صفت؛ یکی اینکه صورتت خیلی خاضع است. قلبت خاضع است، چون زیاد سجده می کنی و از خوف من گریه می کنی.» این گریه مانند سب زیبایی است که بر گونه مؤمن می نشیند و ثمره یک جریان معرفت شناسانه و عرفانی در درون شخص است.

البته این تنها یک بُعد ماجراست. همان طور که درباره حج نمی توانیم بگوییم، تنها یک عمل عبادی و معرفت شناسی صرف است؛ چراکه در «عرفه» عرفان را می بینی در «مشعر»، برنامه را می بینی، در «منا» این موضوع را که دشمنت کیست، می آموزی و در عین اینکه یکی از مناسک اجتماعی را انجام می دهی، در یک کارگاه و اردو یاد می گیری اسلام و مسلم چیست و چگونه می توانی به قرب حق برسی،

شناخت «ارکان» و «هویت هیئات» در عصر حاضر و تعیین مختصات آن در دستگاه مهندسی فرهنگی کلان کشور از ملزومات دسترسی به راهکاری برای دستیابی به نگاهی راهبردی به هیئت به مثابه مکانی آموزشی-پرورشی است. در ادامه سیر مطالعاتی و پژوهشی خیمه در این باره، نشست با حجت الاسلام والمسلمین، سیدعباس لاجوردی داشتیم و درباره ابعاد گوناگون یک هیئت، کارکرد هیئات در عصر حاضر و مقصد نهایی هیئات پرسیدیم. آنچه در ادامه می آید، بخشی از نظرات ایشان درباره موضوعات یاد شده است:

هیئات جایگاهی هستند و باید باشند که هم فکر را می دهند و هم روحیه را. هم ارتباط و انسجام را ایجاد می کنند و هم شخص را اجتماعی، مسئولیت پذیر و آزاده بار می آورند. در هیئات منبری، تاریخ و تفسیر می گوید و مداح با احساس، شور مفید ایجاد می کند. در واقع دین در هیئت، دین اجتماعی شده است و در هیئت، حقیقت دین ظهور و بروز پیدا می کند. مکتب آقا ابا عبدالله (ع) در هیئات انسان را می سازد. هیئت، ماکت جامعه دینی است. در جامعه دینی من و شما چه ارتباطی باید با هم داشته باشیم؟ چرا باید به همدیگر برادری کنیم؟ در واقع هیئت میدان تجربه است و اگر می خواهیم در جامعه، نظم پذیری، ایثار، بخشش و مردانگی را نهادینه کنیم، باید از ظرفیت هیئات استفاده کنیم و به آن توجه عالمانه داشته باشیم.

برای فهم کارکرد هیئات در عصر حاضر باید از خود بپرسیم؛ هیئت چگونه ایجاد شد؟ هیئات را دولت ها یا مسئولان مذهبی مانند مراجع ایجاد کرده اند و یا مردم بر اساس یک نیاز، درد و رنج مشترک و یک گرایش و همفکری دور هم جمع شده اند؟

از چند منظر می توان موضوع هیئت را بررسی کرد؛ یکی اینکه اظهار تأسف و عزاداری نسبت به یک فرد چه فلسفه ای یا چه فوایدی و یا



مدیریت در هیئت

گفت‌وگو با حاج علی مالکی نژاد

محسن واحدی

مدیریت به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان هیئت، در صورت طراحی مسیری با نقطه عزیمت مشخص و مقصد معین برای فعالیت‌ها در مراسم مختلف مذهبی در طول یک دوره مشخص می‌تواند منشاء تحولات و برکات ارزنده‌ای در زندگی اشخاص و مستمعین در هیئت و دست‌آورد‌های ارزشمندی در جامعه باشد. حاج علی مالکی نژاد، سرهنگ جانباز و پاسداری که از مادحین ائمه معصومین (ع) است، با اعتقاد به اینکه مسئول هیئت، تأثیرگذارترین فرد در هیئت است در پاسخ به سؤالات خیمه درباره اصول هیئت‌داری چنین گفت:

به نظر شما آنچه به هیئت، هویتی مستقل از سایر تشکلهای فرهنگی-مذهبی می‌دهد، چیست؟ و هیئات برای حفظ این هویت چه نکاتی را باید رعایت کنند؟

درک این موضوع به شناخت عمیق از راهی که یک هیئتی می‌خواهد برود و نتیجه‌ای که می‌خواهد به آن برسد، برمی‌گردد؛ یعنی دلیلی که می‌خواهد برایش هیئت تشکیل دهد و اولین نکته اخلاص است؛ یعنی اگر راهی را رفته‌ایم که در آن اخلاص، گذشت، بزرگواری، حل اختلاف، آموزش، حفظ قداست و حرمت هیئت، احترام به بزرگ‌تر است، آن هویت در حال شکل‌گیری است. البته بدون استاد و بزرگ‌تر با تجربه، هر کس راهی را شروع کند، به بن‌بست می‌رسد، ولی پیروی از اشخاص باتجربه‌ای که حرف و عملشان یکی است، به طور قطع به نتیجه می‌رسد. اگر در هیئتی، اخلاص وجود داشته باشد، شروعش نورانی و کارش مداوم خواهد بود.

آیا به طور کلی هیئات در حال حاضر از این هویت مستقل برخوردار هستند؟

خوشبختانه به برکت انقلاب و دفاع مقدس، پیشرفت‌های فرهنگی خوبی صورت گرفت. اما در گذشته اخلاص در هیئات بیشتر بود و حرف اول را می‌زد. (البته این موضوع کلیت

ندارد.) هیئتی که تشکیل می‌شد، ریشه‌دار بود و اشخاص باتجربه هیئت را برپا می‌کردند. کسانی که به قرآن و تفسیر تسلط داشتند و اهل ذوق هم بودند. شعر می‌گفتند. در گذشته حفظ حرمت‌ها بیشتر بود؛ به عنوان مثال در جلسات مرحوم «حاج ملاحسین مولوی» هنگام قرائت قرآن، فقط صدای قاری شنیده می‌شد. هنگام صحبت‌های مرحوم مولوی، فقط صدای ایشان بود. همه افراد در هیئت، متوجه نظرات رئیس هیئت بودند و برخوردها فرق می‌کرد. شما به خود اجازه نمی‌دادی، برخورد دیگری کنی. ضمن اینکه این‌طور نبود که هر کس به دلخواهش هیئت تشکیل دهد. اگر هیئتی برنامه‌هایش پر بار بود، آن را تقویت می‌کردند. اگر کسی می‌خواست هیئتی برپا کند، به او گفته می‌شد، چه نیازی هست؟ اگر می‌خواهید هیئت بروید، به فلان هیئت بروید. هم آن هیئت پربارتر و شلوغ‌تر می‌شود، هم شما زودتر به تجربه می‌رسید. اما امروزه هیئات دچار بحران

خیلی از هیئت‌ها
۲ ماه بعد از تأسیس
از هم می‌پاشند
و اعضای آن
هیئتی دیگر تشکیل می‌دهند

شده‌اند و خیلی از هیئت‌ها ۲ ماه بعد از تأسیس از هم می‌پاشند و اعضای آن هیئتی دیگر تشکیل می‌دهند و با زیر سؤال بردن هیئت قبلی‌شان به غیبت و تهمت می‌پردازند.

چرا برخی از هیئات دچار چنین وضعیتی شده‌اند؟

نباید هیئات را به امان خدا رها کرد. هیئات باید تأمین باشند. باید با تلفیق چند هیئت با همدیگر از تکرر هیئات جلوگیری کنیم و بار محتوایی برنامه‌های هیئت را افزایش دهیم. گاهی در طول چند ماه، چندین هیئت تشکیل می‌شود. زیارت عاشورایی می‌خوانند، مداخلی می‌کنند، یک سینه‌زنی و تمام. در حالی که هیئت منبر و مؤظله می‌خواهد، حدیث و تفسیر قرآن

می‌خواهد، چند ماه دیگر می‌بینی بسیاری از آنها از بین رفته‌اند، بدون اینکه خوراک فکری به مستمعین داده باشند. باید چند شخص باتجربه و مسئول و به خصوص روحانی در هیئت حضور فعالانه داشته باشند. عده‌ای مغرضانه می‌خواهند هیئت را از روحانی خالی کنند، در حالی که یک روحانی باید صحبت کند. منبر را نباید از روحانی خالی کرد. هیئت‌های زیادی هستند که زیارت عاشورا می‌خوانند سینه‌زنی می‌کنند و بعد هم گده می‌گیرند، اما این گده‌ها مشکلی را حل نمی‌کند. قدیم هیئات محل حل مشکلات بود، ولی الآن بعضی هیئات خودشان منشاء اختلاف و مشکل شده‌اند.

در گذشته کسی که قصد برپایی هیئت داشت، ابتدا بررسی می‌کرد که آیا توان انجام این کار را دارد یا خیر؟ آیا از جایگاه اجتماعی لازم برای این کار برخوردار است یا خیر؟ در گذشته مسئولان هیئت کمترین خطا را داشتند و از جایگاه خوبی در میان مردم برخوردار بودند.

دلیل مقبولیت مدیران قدیمی در هیئات را در چه چیزی می‌دانید؟

به خاطر دارم در یک هیئت، شخصی دست یک کودک را گرفت و شخص دیگری را در جای او نشاند. مسئول هیئت آن شخص را کنار کشید و از او پرسید: «چرا جای آن کودک را به دیگری دادی؟ از کجا می‌دانی از این آقا قبول است و از آن بچه قبول نیست؟ امروز دلی را شکستی، برو توبه کن و دل این بچه را به دست بیاور.» ببینید مسئول یک هیئت چقدر در کار خودش تیزبین است و چه ظرافت‌هایی را مد نظر دارد. به نظر من مسئول هیئت تأثیرگذارترین فرد در هیئت است. در گذشته مسئولان هیئت حرمت و جایگاه خود را حفظ می‌کردند. به نظر من اگر مسئول یک هیئت نمی‌تواند جایگاه خود را حفظ کند و اگر نمی‌تواند حرمت‌ها را نگاه دارد، باید کنار برود. در گذشته اگر اتفاقی در هیئت می‌افتاد که منجر به از هم پاشیدن اعضا می‌شد. مدیر هیئت از زندگی‌اش می‌گذشت تا حرمت جلسات حفظ شود. در حال حاضر هم اگر گاهی مشکلی پیش می‌آید، از حرمت‌شکنی است. ■



ماه رجب در گذر تاریخ

و بحث بیشتر در این باره از وضع تدوین این مختصر بیرون است.

ولادت حضرت امام محمد باقر (ع)

حضرت امام محمد باقر (ع) پنجمین امام شیعیان است که در سال ۵۷ هجری قمری در مدینه متولد شد. پدر بزرگوارش امام سجاد (ع) و مادر والامقامش ام عبدالله است.

وی اولین شخصی است که نسب پدر و مادرش به حضرت فاطمه زهرا (س) می‌رسد. امام باقر (ع) چون در اواخر دوران حکومت بنی امیه به سر می‌برد، از ضعف قدرت حاکمه استفاده و در نشر معارف اسلامی، تلاش گسترده‌ای کرد و با مخالفان و صاحبان عقاید مختلف، مناظرات مفصلی داشت و به سؤالات شیعیان و مخالفان پاسخ داد. پس از آن از امام (ع) در تمام مسائل فقهی و اجتماعی و حکومتی روایات فراوانی نقل شده است. امام باقر (ع) در زمان حکومت ولید بن عبدالملک به امامت رسیدند که پس از او سلیمان بن عبدالملک و سپس عمر بن عبدالعزیز و سپس یزید بن عبدالملک و پس از او هشام بن عبدالملک، یکی پس از دیگری حاکم ممالک اسلامی شدند.

گشودند که آیه ۲۱۷ سوره بقره مبنی بر اینکه اصل حرمت جنگ در ماه حرام اصلی مسلم است، اما فتنه و مبارزه با آن اگرچه در ماه حرام باشد، واجب است.

با نزول آن آیات عبدالله و یارانش از نگرانی و اضطراب بیرون آمده و پاسخ مشرکان و یهودیان و دیگران داده شد و رسول خدا (ص) نیز غنایم جنگ را قبول و تقسیم کرد.

تغییر قبله مسلمانان

از جمله اتفاقات این سال، تغییر قبله از بیت‌المقدس به کعبه بود که بنا بر مشهور در همین ماه رجب اتفاق افتاد و تا به آن روز مسلمانان به دستور خدای تعالی رو به بیت‌المقدس نماز می‌خواندند و از آن پس مأمور شدند، رو به کعبه نماز بگذارند و در این باره آیات ۱۴۲ تا ۱۴۴ سوره بقره نازل شده و چنان که از همان آیات استفاده می‌شود، رسول خدا (ص) نیز انتظار این دستور را داشت و چشم به راه چنین تحولی در قبله مسلمانان بود و البته در این باره از سوی یهود و مشرکان سخن بسیار شد و زبان ایراد و اعتراض گشودند که در آیات مذکور و روایات، پاسخ آنها داده شده و توضیح

سر ویس هیئت: ماه رجب هفتمین ماه از ماه‌های قمری، ماهی بسیار شریف و از ماه‌های حرام است. رجب نام نهری است در بهشت که از غسل شیرین‌تر و از شیر سفیدتر است و هر کس در این ماه روزه دارد، از آن نهر آب می‌نوشد. به ماه رجب، رجب‌الأصب، یعنی ماه ریش رحمت خداوند بر مردم نیز می‌گویند.

سریه عبدالله بن جحش

در ماه رجب سال دوم هجرت، رسول خدا (ص) عبدالله بن جحش، یکی از مهاجرین را مأمور کرد، با هشت نفر (و به گفته برخی دوازده نفر) از مدینه خارج شود و نامه‌ای سربسته بدو داد و فرمود: «به سمت مکه برو و تا دو روز نامه را باز نکن و پس از آن، نامه را باز کن و هر چه در آن نوشته بود، بدان عمل نما.»

عبدالله به جای عمل به دستور پیامبر (ص) یا فراتر نهاده به جنگ با آنها پرداخت. وقتی به مدینه آمدند با اعتراض رسول خدا (ص) که به آنها فرمود: «من به شما نگفته بودم در ماه حرام جنگ کنید؟» مواجه شده و به دنبال آن مسلمانان دیگر نیز زبان به ملامت آنها



امام با هر یک از آنها به نحو خاصی برخورد داشت، ولی متأسفانه بعضی از بستگان وی، از جمله زید بن حسن بن علی به بدگویی او دست زدند تا سرانجام هشام، امام (ع) را مسموم کرد و به شهادت رساند.

ولادت امام محمد تقی (ع)

نهمین امام شیعیان نام مبارکش محمد است و القاب و کنیه‌های فراوانی دارد؛ مشهورترین لقبش جواد و هادی است و معروف‌ترین کنیه‌اش ابوجعفر.

امام جواد (ع) در ماه رجب سال ۱۹۵ هجری قمری در مدینه چشم به دنیا گشود. مادر بزرگوار امام جواد (ع) خیزران نام دارد؛ زنی از خاندان ماریه قبطیه، یکی از همسران رسول خدا (ص). اگرچه امام جواد (ع) نسبت به سایر امامان در سن بسیار کمی به امامت رسید، اما دوران هفده ساله امامت او، دورانی به نسبت طولانی و پرحادثه است. زندگی پربرت امام جواد (ع) با نقشه معتمد، حاکم ستمگر عباسی و دخالت مستقیم ام فضل همسر آن حضرت پایان یافت. آن حضرت در تاریخ ۲۲۰ هجری قمری به شهادت رسید و در کنار قبر جد بزرگوارش حضرت امام موسی کاظم (ع) در کاظمین به خاک سپرده شد.

میلاد امام علی (ع) در کعبه

در سیزده رجب سی سال بعد از عام‌الفیل از فاطمه بنت اسد (س) و ابوطالب (ع) فرزندی به دنیا آمد که جز کعبه جای دیگری شایستگی میزبانی و خیرمقدم به او را نداشت. او فرزند نخستین خانواده هاشمی است که پدر و مادر او هر دو فرزندان هاشم‌اند. فرزندان پسر آن حضرت عبارت‌اند از: امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، محمد حنفیه، عمرو عاص، جعفر، عثمان، عبدالله، یحیی، عون، عبدالله اوسط، محمد اوسط، محمد اصغر، عبدالله اصغر و فرزندان دختر او نیز عبارت‌اند از: زینب، ام کلثوم، رقیه، ام‌الحسن، نفیسه، رقیه، صغری، نقیه.

۶۳ سال و دو ماه و ۷ روز عمر پرمایه‌اش بود و که در ۲۱ رمضان سال چهلیم هجری در مسجد کوفه به شهادت رسید.

رحلت حضرت زینب (س)

حضرت زینب (س)، دختر امیرالمؤمنین (ع) و فاطمه زهرا (س) در سال پنجم هجری، روز ۵ جمادی‌الاول سال پنجم یا ششم هجری قمری در مدینه، پس از امام حسین (ع) به دنیا آمد. کلمه زینب را مخفف، «زین اب» به

معنای «زینت پدر» دانسته‌اند.

کنیه حضرت ام‌الحسن و ام‌الکلثوم و القاب آن بانو؛ صدیقه الصغری، عصمة الصغری، ولیه‌الله العظمی، ناموس الکبری، شریکه‌الحسین (ع)، کامله، فاضله و ... است.

با عبدالله فرزند جعفر بن ابیطالب ازدواج کرد که از وی سه پسر به نام‌های علی، عون و جعفر و یک دختر به نام ام‌الکلثوم دارد. محل دفن: شام

حضرت زینب (س) بزرگ بانوی جهان اسلام، بیدادگر و ادامه دهنده حادثه عاشورا و دارنده دانش‌های دو جهان و به گفته امام سجاد (ع): «دانای بدون آموزگار و فهمیده بدون فهماننده» بود. الگوی راستین وی، بانوی دو جهان، حضرت فاطمه (س) مادر وی بوده است. زینب (س) در دامان پرمهر و معنویت فاطمه (س) از سرچشمه معارف اسلامی و قرآنی سیراب شد. رسالت راستین زینب هنگامی آغاز شد که پس از به شهادت رسیدن امام حسین (ع) و هفتاد و دو تن از یارانش با ایراد سخنان آتشین به بیدارگری مردم کوفه و ستیز با ستمکاران و یزیدیان پرداخت.

شمع پرفروغ آن مخدره در شب یکشنبه ۱۵ رجب سال ۶۳ هجری قمری به افول نشست و در زینبیه (در سوریه کنونی) و به اعتقاد بعضی دیگر در مصر به خاک سپرده شد.

شهادت امام موسی بن جعفر (ع)

هفتمین امام شیعیان حضرت موسی بن جعفر (ع) در هفتم ماه صفر سال ۱۲۸ هجری قمری در ابواء متولد شد. پدر بزرگوارش حضرت امام جعفر صادق (ع) و مادر گرامیش حمیده است. نام مبارکش موسی و القاب و کنیه‌هایش متعدد است؛ مشهورترین لقبش کاظم و صابر و معروف‌ترین کنیه‌اش ابوالحسن است. نقش نگین انگشتری‌اش جمله حسبی‌الله بوده است. پس از شهادت جانگداز امام صادق، موسی بن جعفر (ع) در سن بیست سالگی مسئولیت بزرگ امامت و هدایت امت را در یکی از بحرانی‌ترین دوران‌ها به دوش گرفت. از مشکلات روزهای نخستین امامت موسی بن جعفر (ع)، ادعای امامت دروغین برادر بزرگ‌تر حضرت، عبدالله افطح بود که گروهی را به دنبال خود کشید و فرقه «فطحیه» به همین ترتیب شکل گرفت. رفتار حضرت در زندان در زمینه‌های مختلف عبادی، تربیتی، ارتباط با دیگران و تأثیرگذاری بر دوست و دشمن و ... چنان عمیق و مؤثر بود که هارون در نهایت دستور داد: سندی بن شاهک، امام (ع) را در بیست و پنجم رجب سال ۱۸۳ هجری قمری در پنجاه و پنج سالگی با خرمای

زهراآلود به شهادت برساند.

پیکر مطهرش پس از تحمّل سال‌ها زندان به طور معجزه‌آسایی توسط فرزندش علی بن موسی الرضا (ع) غسل داده شد و در مقابر قریش در مدینه السلام -در حاشیه بغداد- مدفون شد. مزار شریفش مورد توجه عموم قرار گرفت و سال‌ها بعد نوه بزرگوارش حضرت امام جواد (ع) در کنارش دفن شد و شیعیان دلباخته آنها شهر کاظمین را در کنار تربت پاکشان تأسیس کردند.

مبعث پیامبر گرامی اسلام (ص)

آن حضرت در ۲۷ رجب سال چهلیم عام‌الفیل (مطابق با سال ۶۱۰ میلادی)، در چهل سالگی به رسالت مبعوث شد.

آن حضرت در حالی که در غار حرا، در حوالی مکه معظمه، به عبادت و نیایش می‌پرداخت، جبرئیل امین (ع) بر وی نازل شد و بر وی آیاتی از قرآن مجید را به عنوان طلیعه و آغاز کتاب هدایت و سعادت، بخواند و وی را به کسوت نبوت مقتدر ساخت.

نخستین آیاتی که بر آن حضرت فرود آمد، آیه‌های سورۃ علق بود. همین که وارد خانه شد، از نور چهره مبارکش خانه خدیجه کبری (س) منور شد و آن بانوی پرهیزکار پرسید: «ای محمد! این چه نوری است که در تو مشاهده می‌کنم؟» حضرت فرمود: «این نور پیامبری است. بگو: لا اله الا الله، محمد رسول الله.» خدیجه (س) گفت: «من سال‌هاست که پیامبری تو را می‌دانم و هم‌اکنون نیز شهادت می‌دهم که خدایی جز خداوند یکتا نیست و تو رسول و پیامبر خدایی.» بدین گونه، خدیجه (س) نخستین کسی بود که به همسرش حضرت محمد (ص) ایمان آورد. از میان مردان نیز امام علی بن ابی طالب (ع)، به محض دیدن چهره نورانی پیامبر (ص) به وی ایمان آورد و شهادتین را بر زبان جاری کرد. از آن پس، پیامبر (ص) در کنار خانه خدا نماز می‌گذارد و خدیجه (س) و علی (ع) بر او اقتدا می‌کردند و نماز می‌خواندند. این سه نفر، با جان و مال و هستی خویش اسلام را پروراندند و فراگیر کردند.

شهادت امام علی النقی (ع)

نام شریف دهمین امام شیعیان حضرت امام هادی (ع)، علی است. در میان القاب فراوان آن امام، «هادی» شهرت بیشتری دارد. کنیه امام هادی (ع) ابوالحسن است. سال ولادت حضرت ۲۱۲ یا ۲۱۴ هق است و محل ولادتش، جایی به نام صریا در نزدیکی مدینه است.

پدر بزرگوار امام هادی، حضرت امام محمد جواد (ع) است و مادر بزرگوارش بانویی به نام سمانه مغربیه. با شهادت امام جواد (ع) در سال ۲۲۰ هق،



حضرت هادی در سن شش یا هشت سالگی به امامت رسیدند.

اگرچه حضرت هادی ۴۲ سال بیشتر عمر نکرد، اما دوران در حدود ۳۴ ساله امامت او نسبت به دوران امامت برخی دیگر از ائمه (ع) طولانی تر است.

حضرت هادی (ع) حدود هجده سالگی یعنی تقریباً در سال ۲۳۰ هـ ق با زنی به نام حدیث یا سوسن ازدواج کرد که ثمره این ازدواج امام حسن عسکری (ع) است.

فرزندان دیگر امام هادی عبارتند از: حسین، محمد، جعفر کذاب و دختری به نام علیّه یا عایشه. حضرت هادی (ع) برادری به نام موسی مبرقع دارد و نیز دو خواهر به نام‌های فاطمه و امامه. امام هادی (ع) سرانجام پس از ۴۲ سال زندگی سراسر رحمت و برکت در سال ۲۵۴ هـ ق در سامراء توسط حاکمان ستمگر عباسی به شهادت رسید و در همان شهر به خاک سپرده شد.

وفات ابراهیم فرزند پیامبر اکرم (ص)

در سال هفتم هجرت پیامبر اکرم (ص) برای ابلاغ رسالت خویش، نمایندگانی را به نقاط مختلف فرستاد. حاطب بن ابی بلتعنه را نیز به سوی موقوفس، حاکم مصر فرستاد. موقوفس که بزرگ قبطیان بود، به نامه پیامبر (ص) احترام گذاشت و در پاسخ او، نام وی را بر نام خویش مقدم داشت. موقوفس هدایای گرانبهایی برای پیامبر (ص) فرستاد که در میان آنها کنیزی به نام ماریه بود. ماریه در تاریخ به ماریه قبطیه معروف است. در اواخر سال هشتم هجرت، ماریه از پیامبر (ص) فرزندی به دنیا آورد که ایشان او را ابراهیم نام نهاد. وقتی سلمی، قابله ماریه، بشارت تولد فرزندش را داد، پیامبر (ص) هدیه گرانبهایی به او داد. رسول خدا (ص) روز هفتم تولد ابراهیم، گوسفندی را عقیقه کرد و موی سر او را کوتاه کرد و به اندازه وزن آن، در راه خدا نقره انفاق کرد. ابراهیم در ۱۸ ماهگی در سال دهم هجرت از دنیا رفت.

وفات ابوطالب (ع) در سال دهم بعثت

پدرش عبدالمطلب و مادرش فاطمه دختر عمرو بود. فاطمه مادر عبدالله پدر پیامبر (ص) و زبیر بن عبدالمطلب نیز بود.

ابوطالب منصب رفادت و سقایت (مهمانداری و آبرسانی حاجیان) را از پدر به ارث برده بود، ولی به دلیل تنگدستی، این منصب را در عوض بدهی‌ای که به عباس بن عبدالمطلب داشت، به او واگذار کرد. بر اساس وصیت عبدالمطلب، کفالت محمد (ص) بعد از فوت او بر عهده ابوطالب بود و پس از فوت عبدالمطلب، محمد (ص) در هشت سالگی به خانه

ابوطالب رفت. ابوطالب پس از سال‌ها حمایت از رسول خدا (ص) با قلبی مملو از ایمان در ماه ذیقعدۀ یا شوال سال دهم بعثت در سن هشتاد و اندی سالگی دار فانی را وداع گفت.

حرکت امام حسین (ع) از مکه به سمت کوفه

از حضرت صادق (ع) روایت شده است: شبی حضرت سیدالشهداء (ع) عازم بود که صبح آن از مکه بیرون رود محمد بن حنفیه به خدمت آن حضرت آمد و عرض کرد: «ای برادر! همانا اهل کوفه کسانی هستند که می‌دانید چگونه با پدر و برادر تو غدر و مکر کردند. من می‌ترسم که با شما نیز چنین کنند. پس اگر رأی شریف‌ت قرار گیرد که در مکه بمانی که حرم خدا است، عزیز و مکرم خواهی بود و کسی معترض جناب تو نخواهد شد.» حضرت فرمود: «ای برادر! من می‌ترسم که یزید مرا در مکه ناگهان شهید کند و به این سبب حرمت این خانه محترم ضایع شود.» محمد گفت: «اگر چنین است، پس به جانب یمن برو یا متوجه بادیه شو که کسی بر تو دست نیابد.» حضرت فرمود: «در این باب فکری کنم.» چون هنگام سحر شد، حضرت از مکه حرکت فرمود. چون خبر به محمد رسید، بی‌تابانه آمد و مهار ناقه آن حضرت را گرفت. عرض کرد: «ای برادر! به من وعده نکردی در آن عرضی که دیشب کردم تأمل کنی؟» فرمود: «بلی.»

عرض کرد: «پس چه باعث شد شما را که به این شتاب از مکه بیرون روی؟» فرمود: «چون از نزد رفتی پیغمبر (ص) نزد من آمد و فرمود: «ای حسین! بیرون رو همانا خدا خواسته که ترا کشته راه خود ببیند.» محمد گفت: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» به عزم شهادت می‌روی. پس چرا این زن‌ها را با خود می‌بری؟» فرمود: «خدا خواسته آنها را اسیر ببیند.» پس محمد با دل بریان و دیده‌گریبان آن حضرت را وداع کرده، برگشت. ■

منابع:

- تفسیر علی بن ابراهیم قمی/ ج ۱، ص ۶۵
 البدایه و النهایه/ ج ۲، ص ۲۵۲. مجمع، ج ۸، ص ۲۴۴
 هدایه الانام الی وقایع الایام/ محدث قمی، ص ۹۷
 مفاتیح الجنان/ ص ۲۴۰
 بحارالانوار/ ج ۲۱، ص ۱۸۳
 اعیان الشیعه/ ج ۸، ص ۱۱۴
 الکنی و الالقاب/ ج ۱، ص ۱۰۸
 مستدرک سفینه البحار ج ۶ ص ۵۴۲
 قصه کربلا/ علی نظری منفرد
 فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام (ص)، ص ۹۳: تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۳۸۵
 منتهی الآمال، ج ۱، ص ۴۷
 فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام (ص)، ص ۹

روز	شرح واقعه	سال وقوع
-	سریه عبدالله بن جحش	۲ هـ ق
-	تغییر قبله مسلمانان	۲ هـ ق
۱	ولادت حضرت امام محمد باقر (ع)	۵۷ هـ ق
۳	شهادت امام علی النقی (ع)	۲۵۴ هـ ق
۱۰	ولادت امام محمد تقی (ع)	۱۹۵ هـ ق
۱۳	میلاذ امام علی (ع) در کعبه	۲۳ سال قبل از هجرت
۱۵	رحلت حضرت زینب (س)	۶۲ هـ ق
۲۵	شهادت امام موسی بن جعفر (ع)	۱۸۳ هـ ق
۲۷	مبعث پیامبر گرامی اسلام (ص)	۱۳ سال قبل از هجرت
۲۸	وفات حضرت ابوطالب (ع)	۱۰ سال بعد از بعثت
۲۸	حرکت امام حسین (ع) از مکه به مدینه	۶۰ هـ ق



داوطلب

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلیرضا تکیه‌ای*

سر ویس هیئت: وقتی «خلوت عبد و اله» در بین جماعت صورت می‌گیرد، «روح جمعی» عبادت ظرفیت شگفت‌انگیزی را برای تبث و پرواز در اوج بیکرانه‌ها فراهم می‌کند. حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلیرضا تکیه‌ای معتقد است «اعتکاف» همچون «حج» جامع افراد و مانع اغیار است و حلوای تن‌تنانی‌ای است که تا نخوری ندانی، وی ضمن دعوت از همه مشتاقان برای انجام این عمل عبادی ارزشی و ارزشمند در «ایام البیض» یعنی روزهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم ماه رجب در پاسخ پرسش‌های خیمه درباره اعتکاف این چنین گفت:

لطفاً مختصری درباره پیشینه اعتکاف و ظرفیت این عمل عبادی در تزکیه و تعالی نفس توضیح بفرمایید.

پیشینه اعتکاف را از لحاظ مکتبی باید در تمام سال‌های اسلام دید و مؤسس آن پیامبر اسلام (ص) است. اما در انقلاب، پیشینه آن در قم و از زمان نضج و تأسیس حوزه علمیه به دست مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی است. قریب به ۹۰ سال از این اقدام ارزشمند می‌گذرد و در ابتدا شاگردان ویژه ایشان نظیر آیت‌الله العظمی گلپایگانی و آیت‌الله العظمی بروجرودی در این باره اهتمام داشتند. کم‌کم این سنت حسنه تثبیت و ترغیب شد. در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی عده‌ای به صورت خودجوش و با امکانات شخصی و افطاری که از خانه یا توسط دوستانشان هنگام سحر برای آنها آورده می‌شد، معتکف می‌شدند.

نزدیک به انقلاب اسلامی جمعیتی شناور بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ نفر و شنیده‌ام در سال‌های بین ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰، ۳۰ الی ۴۰ نفر معتکف می‌شدند.

بعد از انقلاب اسلامی هنگامی که این سنت حسنه نضج گرفت، الحمدلله استقبال به گونه‌ای

بود که ناچار به تشکیل ستاد اعتکاف شدیم. در این هنگام مسئله ستاد اعتکاف مطرح شد و آیات عظام فرمودند: «مسجد جامع محدود به یک مسجد نیست و در بلاد اسلامی اگر شرایط لازم و ضروری وجود داشته باشد، تعدد مساجد جامع اشکالی ندارد. بدین ترتیب اعتکاف شامل





«بر عاقل است که زمان شناس و جامعه‌شناس باشد. (از احوالات زمان خود به طور کامل باخبر باشد.)» و این باخبر بودن باعث نشود که زبانش بی‌ترمز باشد. (ضمن اینکه مطلع و آگاه است، زبان خود را حفظ کند.) قسمت اول به طور کامل، اجتماعی است. دومی، تذکر اخلاقی است و سومی، کامل فردی است و عکس نقیض مطلب، این است که اگر این انجام نشود، باید در عقلانیت خود تردید کنی. بنابراین انسان ضمن اینکه یک شخصیت حقیقی دارد؛ به طور قطع باید اجتماعی باشد. اما در درون اجتماع هضم نشود و شخصیت خود را حفظ کند، ضمن آنکه در اجتماع هم تأثیرگذار باشد. امروز در اعتکاف فرد در کنار جمع آراسته می‌شود، ضمن اینکه اجتماع معتکفان در چهره معنوی اعتکاف تأثیرگذار است. من فکر می‌کنم اصالت با هر دو طرف قضیه است؛ یعنی بر اساس شخصیت حقیقی انسان، فردی است و یک اثر فردی دارد و با توجه به اینکه باید در مسیر جامعه باشد و به واسطه انس انسان با دیگران، اصالت اجتماعی هم دارد.

بعد فردی آن جدا شدن از همه تعلقات و به مسجد رفتن است و بعد اجتماعی آن در مسجد جامع مستقر شدن است.

آیا این عمل عبادی با توجه به ظرفیت عظیمی که دارد، با یک برنامه از پیش اندیشیده شده توسط ستادهای اعتکاف انجام می‌شود؟ آیا ستادهای اعتکاف در مسئولیت‌های اجرایی و برنامه‌هایشان در حال آزمون و خطا هستند یا با یک برنامه مدون و مشخص اقتدار مختلف از طیف نوجوان تا معتکفان سالخورده را همراهی می‌کنند؟

اولین توفیق در اعتکاف الزامات فردی است؛ یعنی هرکس خودش باید برنامه‌ریزی کند تا حسن استفاده را از این عمل عبادی داشته باشد. ما تنها

شفاف‌سازی و غبارروبی از بعضی مسائل اعتکاف را بر عهده داریم. بنابراین در ابتدا خود فرد باید ظرفیت‌سازی کند، اما با توجه به توسعه اعتکاف دغدغه شما کاملاً درست است؛ یعنی ستادهای اعتکاف باید بسترهای لازم را برای اعتکاف مناسب فراهم کنند تا معتکفان حداکثر

و یکی از راه‌های خوب که جامعه، به خصوص نسل جوان توانسته از آن بهره ببرد، اعتکاف است. دلیلش هم این است که تزکیه و تعالی با نظرات بشری عجین است.

آیا کسی هست که تاکنون به اعتکاف آمده و پشیمان باشد؟ این به خاطر جاذبه روحانی اعتکاف است و شاید یکی از بهترین دلایل جامعیت اعتکاف باشد. از هر عبادت ریشه‌داری که در دین اسلام وجود دارد، بخشی در اعتکاف وجود دارد. به علاوه

جدایی از تعلقات و آرایش و آرایش‌ها که می‌تواند انسان را به خودش مشغول کند، در اعتکاف به حداقل می‌رسد و آنچه می‌تواند

انسان را هشیار کند، در اعتکاف به حداکثر می‌رسد؛ یعنی اعتکاف هم «جامع افراد» است، هم «مانع اغیار».

امالی نظیر «اعتکاف» و «حج» با جامعیتی که دارند و با مانعیتی که از اغیار دارند، سرعت تزکیه و تعالی را تسریع می‌کنند.

آیا اعتکاف یک عمل فردی است یا اجتماعی؟ در انجام عمل اعتکاف اصالت با «روح جمعی» اعتکاف است یا خلوت «عبد و اله» در بین جماعت اصالت دارد؟

من از این ظرافت در طرح سؤال خیلی خوشوقتم و فکر می‌کنم اینها لازم و ملزوم هم هستند؛ یعنی انسان هم یک روح مجرد فردی دارد و هم بر اساس انس و انسانیت خود یک حقیقت اجتماعی دارد.

به طور قطع، آن روح فردی بدون بُعد اجتماعی، تجلی ندارد و اگر اجتماع نباشد، این روح فردی نه تأثیرگذار است و نه در تزکیه و تعالی، تسریع صورت می‌گیرد. پس من فکر می‌کنم، اعتکاف ضمن اینکه یک عمل فردی و خلوت انس است، به طور دقیق باید در اجتماع تجربه شود تا معلوم شود، انسان در اجتماع هم باید خود را دریابد. روایتی از امام صادق (ع) داریم که می‌فرماید: «علی العاقل ان یتکون عارفاً بزمانه و حافظاً به لسانه و مقبلاً به شأنه»؛

توسعه نسبی شد و جمعیت از چند صد نفر به چند هزار نفر افزایش یافت. وقتی مقام معظم رهبری درباره مسائلی چون شبیخون فرهنگی و ناتوی فرهنگی هشدار دادند، ستاد اعتکاف قم به عنوان وظیفه از مقام معظم رهبری برای توسعه اعتکاف استمداد و برای مقابله با آسیب‌های فرهنگی توسعه اعتکاف را پیشنهاد کرد. ایشان با انگیزه‌ای خاص و در یک مدت کوتاه به طور

غیر رسمی ابلاغ کردند، به امر اعتکاف پرداخته شود و خوشبختانه به علت حضور مقام معظم رهبری در مسجد جمکران و خواندن نماز صبح با معتکفان و اشاره صریح ایشان به اعتکاف در پیام

نوروزی و به واسطه خاطراتی که ایشان از اعتکاف تعریف کردند، اعتکاف کشوری شد. ما نیز از این فرصت استفاده کردیم و با تأسیس «سایت اعتکاف»، اعتکاف را جهانی کردیم. در حال حاضر جهان اسلام رویکرد مناسب و مثبتی به اعتکاف داد. هر چند این مقدار کافی نیست، اما مطلع هستیم که در کشورهای متعددی اعتکاف در ایام رجبیه انجام می‌شود. به هر حال پیشینه اعتکاف قریب به ۹۰ سال در قم است، اما پیشینه آن در اسلام از آغاز تأسیس مدینه منوره و حکومت اولیه اسلام و به دست شخص رسول الله (ص) و حضور مبارک خودشان در اعتکاف بوده است.

فکر می‌کنم؛ شکر این نعمت که انقلاب اسلامی فرصتی پیدا کرده تا درباره این سنت حسنه اقدامات مناسب و خوبی را انجام دهد، چیزی جز استفاده کافی و وافی از اعتکاف نیست.

اما درباره بخش دوم سؤال شما یعنی ظرفیت این عمل عبادی، ذات اقدس اله برای تزکیه و تعالی نفس انسان، بستر بسیار وسیع و متنوعی را متناسب با انواع افکار آحاد جامعه فراهم کرده، به گونه‌ای که راه‌های تزکیه، متکثر و متنوع است و هر کسی با هر روحیه‌ای می‌تواند از آیه آیه قرآن کریم، کلمه به کلمه فرمایشات پیامبر اسلام (ص)، نفس نفس ائمه خدا (ع) و پیروان وارسته و شخصیت‌های به خدا پیوسته و رسته از همه آرایش‌ها و آرایش‌ها، بهره‌مند شود. راه کارهای تزکیه در جامعه موجود است

شکر این نعمت که انقلاب اسلامی فرصتی پیدا کرده تا درباره این سنت حسنه اقدامات مناسب و خوبی را انجام دهد چیزی جز استفاده کافی و وافی از اعتکاف نیست

امالی نظیر «اعتکاف» و «حج» با جامعیتی که دارند و با مانعیتی که از اغیار دارند سرعت تزکیه و تعالی را تسریع می‌کنند

به طور قطع، آن روح فردی بدون بُعد اجتماعی، تجلی ندارد و اگر اجتماع نباشد، این روح فردی نه تأثیرگذار است و نه در تزکیه و تعالی، تسریع صورت می‌گیرد. پس من فکر می‌کنم، اعتکاف ضمن اینکه یک عمل فردی و خلوت انس است، به طور دقیق باید در اجتماع تجربه شود تا معلوم شود، انسان در اجتماع هم باید خود را دریابد. روایتی از امام صادق (ع) داریم که می‌فرماید: «علی العاقل ان یتکون عارفاً بزمانه و حافظاً به لسانه و مقبلاً به شأنه»؛

استفاده را ببرند. در قم به دلیل سابقه طولانی در انجام عمل اعتکاف و به دلیل حاشیه امن مرجعیت و حضور شخصیت‌های بسیار کهن که سابقه و بنیه علمی‌شان در اعتکاف بالاست، آزمون و خطا وجود ندارد. اما متأسفانه در برخی از جاهای دیگر با گذشت این همه سال هنوز هم آزمون و خطا صورت می‌گیرد. البته ما در تقدیم تجربیاتمان که به صورت مدون درآمده و چارتی دارد، نه تنها دریغ نکرده‌ایم، بلکه به همه بزرگواران اعلام کردیم و از طریق سایت هم اطلاع‌رسانی کرده‌ایم. این نقص وجود دارد که ستاد اعتکاف قم یک بستر کشوری ندارد و ساز و کارش محدود به قم است. من از جایگاه‌های فرهنگی و تبلیغی از جمله سازمان تبلیغات که در این زمینه سابقه‌ای هم دارد، تقاضا دارم که با ایجاد تعاملی با ستاد اعتکاف قم این برنامه‌ها را که آزمون و خطایش تمام شده و تقریباً می‌توان گفت که بهترین برنامه‌های موجود است، به همه مراکز تلقین و تقدیم کند تا برگزاری اعتکاف بهتر صورت گیرد.

بسیاری از بزرگان گفته‌اند
اگر انسان بدون مقدمه
و بدون آماده‌سازی روحی
در ماه‌های رجب و شعبان
پای در ماه رمضان گذارد
حظ کمی از ماه رمضان می‌برد

لطفاً بخشی از برنامه‌هایی را که ستاد معتکفان پیش‌بینی کرده، تشریح کنید.

در خصوص برنامه باید بگویم، رویکرد ستاد اعتکاف قم، خدماتی و تدارکاتی نیست، بلکه ما سعی در تعمیق و تحقیق در گنه مفهوم اعتکاف و کارکرد و برکاتش در جامعه داشته‌ایم. برنامه‌ریزی‌های ما بر اساس مسائل فرهنگی و بر روی فرهنگ‌سازی اعتکاف متمرکز بوده است. ما سعی در بررسی عقبه مکتبی اعتکاف، آیات و روایات مرتبط، پیشینه و حتی تاریخچه آن در ادیان آسمانی قبل از اسلام، همچنین روش علما و عرفایی که در اعتکاف نقش داشته‌اند و ... داشته‌ایم.

درباره احکام و آداب اعتکاف با دفتر مراجع در تماس بوده‌ایم و مسائلی را که به آنها می‌رسیم و یا از سطح کشور بر ایمان ارسال می‌شود، به حضرات عرضه می‌کنیم و بعد از دریافت جواب‌ها در سایت، نشریه و بروشور منتشر می‌کنیم.

دعوت از علما برای قلم زدن درباره اعتکاف تا جایی که تاکنون بیش از ۴۰ جزوه و کتاب درباره اعتکاف تألیف شده و اولین کتاب، ۱۸ سال پیش در قم منتشر شد نیز از دیگر کارهای ماست. در حین عمل اعتکاف هم به منظور کیفیت‌بخشی به این امر، مجموعه‌ای از فعالیت‌های تدبیر شده را در دستور کار خود دادیم؛ از جمله، از بزرگان

از اهل علم و معرفت دعوت می‌کنیم، اگر شرایطشان مقتضی است در اعتکاف حضور داشته باشند یا لاقلاً به اعتکاف سر بزنند. البته ما فقط قصد پر کردن ساعات معتکفان را نداریم و تنها در حد ایجاد انگیزه و در حد تغییر روحیه و اینکه غفلت‌ها زدوده شود، از استادان مشهور اخلاق، حتی استادانی در سطح مرجعیت، دعوت می‌کنیم به مناسبت میلاد حضرت علی (ع) و شهادت حضرت زینب (س) یا تحت عنوان افتتاحیه و اختتامیه برای معتکفان سخنرانی کنند. از دیگر کارهای ما ایجاد حلوات انس گوناگون در قالب گفت‌وگو با طبقه جوان و استقرار اشخاص مسلط به فتوای خاص است که به صورت فردی، تریبونی یا جمعی پاسخگوی مسائل مربوط به اعتکاف و احکام شرعی خواهند بود. ما هر سال تجربیات سال‌های گذشته و حکایت تلخ و شیرین وقایع، احکام جدید و

خاطرات زیبایی را که در اعتکاف‌های پیش رخ داده و نکات زیبایی را که از ناحیه استادان صادر شده و در بایگانی اطلاعات مربوط به اعتکاف وجود دارد، در قالب یک بولتن روزانه در ایام اعتکاف به معتکفان هدیه می‌کنیم. در کنار همه این برنامه‌ها، دعا و مناجات به صورت خیلی کوتاه و تأثیرگذار برگزار می‌شود؛ به عنوان مثال هر صبح را با «زیارت آل یاسین» آغاز می‌کنیم و در تعقیبات نماز «دعای فرج» و دعاهای خاص نظیر «زیارت امین الله» که در روز ولادت علی

(ع) خوانده می‌شود، بسیار تأثیرگذارند. یک برنامه خیلی خوب برای عبادت «ام داوود» داریم. این دعا بسیار سنگین است و در گذشته هر کس توان انجامش را در خود می‌دید، انجام می‌داد. با برنامه‌ریزی‌های انجام شده، این دعا به صورت جمعی و خیلی خوب برگزار می‌شود. البته راه برای کسانی که می‌خواهند

اعمال را به صورت فردی انجام دهند، بسته نیست و شرایط برای هر دو سلیقه مهیاست. لازم است بر این موضوع تأکید کنم که دعای پایانی ام داوود دعای پرمحتوا و پرمغزی است و خواندن آن در اوقات دیگر هم بسیار مفید است. مضمون این دعا به شدت محیرالعقول و توجه به معانی‌اش تأثیرگذار و تکان‌دهنده است. از جمله کارهای فرهنگی دیگر، عرض ارادت به پیشگاه امیرالمؤمنین علی (ع) و عرض ادب به ساحت حضرت زینب کبری (س) است و تلاش





در سراسر کشور آن را مد نظر داشته باشند، شرح دهید.

متأسفانه گزارش‌هایی دریافت می‌شود، مبتنی بر اینکه در بعضی از محل‌های اعتکاف رعایت قداست این موضوع به حد کمال صورت نمی‌گیرد و برنامه‌ریزی دقیق برای بهره‌برداری کیفی از اعتکاف و ایجاد خلوت انیس با خدا صورت نمی‌پذیرد. در حالی که در ایام اعتکاف باید همه آنچه که باعث دلشغولی و سرگرمی احتمالی معتکفان می‌شود، از بین برود تا معتکفان حداکثر استفاده را از این اوقات ارزشمند داشته باشند، عده‌ای به جای پرداختن به نماز و اعمال ارزشمند این ایام به گفت‌وگو با اطرافیان می‌پردازند و گاهی اوقات را به بطالت می‌گذرانند. باید از کسانی که دست‌اندرکار امور اعتکاف هستند، تقاضا شود، به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که چنین مشکلاتی پیش نیاید و احياناً اگر در مواردی نیاز به تذکر دادن است با طمأنینه و آرامش و با خلق نیکو تذکر داده شود.

استادان باید توجه داشته باشند که احکام اعتکاف رعایت شود و خدایی نکرده شاهد این نباشیم که کسی به علت عدم آگاهی توقف در مسجد را رعایت نکرده و بدون دلیل شرعی از مسجد خارج شده، اعتکافش باطل شده، اما تصور می‌کند هنوز معتکف است. این موضوع اگر به روز سوم برسد، باعث حرمت شرعی می‌شود.

احکام باید به تفصیل و به وضوح آموزش داده شود. اگر قرار است در اعتکاف پذیرایی صورت گیرد، این پذیرایی نباید انسان را دچار نگرانی و یا دچار غفلت کند. برنامه‌ریزان باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که اعتکاف صحیح صورت گیرد و البته این اولین قدم است؛ یعنی اعتکاف صحیح و کار حرام نکردن و عدم تخلف از احکام اعتکاف، این کمترین درجه از مراحل اعتکاف است تا اعتکاف صحیح باشد. اما مسئولان اجرایی باید به دنبال قبولی اعتکاف باشند؛ یعنی تقرب تنها در شرط صحت نیست. باید شرایط قبولی این عمل عبادی فراهم شود و البته این به میزان توفیق هر شخص نیز بستگی دارد. خادمین باید خدمات اصلی خود را فرهنگی بدانند و نسبت به احکام، آداب و علاوه بر صحت اعتکاف به قبولی در حد قرب الهی فکر کنند. طبیعی است خودشان ساز و کار را فراهم می‌کنند. ان‌شاءالله. ■

* مسئول ستاد اعتکاف استان قم

از مقدمات و ملزومات نماز است. بسیاری از بزرگان گفته‌اند: اگر انسان بدون مقدمه و بدون آماده‌سازی روحی در ماه‌های رجب و شعبان پای در ماه رمضان گذارد، حظ کمی از ماه رمضان می‌برد. مانند کسی که اشتباهی لازم را کسب نکرده و شرایط روحی خوبی را برای خود فراهم نکرده و به علت عدم ظرفیت‌سازی لازم

نمی‌تواند بهره کافی از نعمت‌های الهی ببرد. بنابراین اعتکاف ضمن اینکه زمینه‌ساز بهره‌بری از برکات ماه رمضان است، خود نیز ملزومات و مقدماتی دارد؛ به عنوان مثال در بعد اجتماعی، حلالیت طلبیدن، در بعد خانوادگی، رعایت حقوق دیگران، در بعد اخلاقی، اراده بر تغییر و تحول و در بعد عبادی تلاش برای وصل شدن. بنابراین قبل از اعتکاف حتماً باید از نظر اجتماعی و هم از نظر فردی و فرهنگی مقدمات کار فراهم شود و کسانی که قصد اعتکاف دارند، حتماً باید با یک اراده و عقیده و با یک برنامه باشند تا بتوانند حداکثر استفاده را ببرند. البته باید تأکید کنم که کسانی که این کارها را انجام ندهند نیز بی‌بهره نخواهند بود، اما عرض می‌کنم که بهره کمی خواهند برد.

نکته دیگری که می‌خواهم به آن اشاره کنم، این است که اعتکاف «حلوای تن‌تنانی» است. من همه آحاد ملت ایران و این امت خداجو را دعوت می‌کنم که این حلوای تن‌تنانی را که تا نخوری نداری، بچشند. بنده با حدود ۳۵ سال توفیق خدمتگزاری

در اعتکاف هنوز ندیده‌ام کسی به اعتکاف آمده باشد و بگوید؛ حظ نبردم یا بگوید نپسندیدم یا اینکه بگوید؛ آمدم ولی میل به حضور مکرر ندارم. حتی کسی را ندیده‌ام که بگوید؛ من از اعتکاف نتیجه نگرفتم. هر کس به هر امیدی که آمده، حاجت‌روا شده و هر کس که بیاید دیگر نمی‌تواند فراقش را تحمل کند.

لطفاً درباره موضوع اعتکاف هر نکته‌ای را که از منظر سؤالات مغفول مانده و شما لازم می‌دانید معتکفان و مسئولان اجرایی

می‌کنیم آماج و پایان اعتکاف توجه به امام زمان (عج) باشد؛ زیرا معتقدیم که ما در محضر صاحب‌الزمان (عج) هستیم. اینها مجموعه‌ای از ایده‌ها و فعالیت‌های ماست که حالا دیگر با آزمون و خطا همراه نیست. ما واقعاً به این نتایج و به این روش رسیده‌ایم و حالا تنها دیگر به افزایش کیفیت فعالیت‌ها توجه داریم.



شما چه نکاتی را به کسانی که قصد انجام این عمل عبادی را دارند، جهت آمادگی و کسب فیض بیشتر توصیه می‌کنید؟

اگر به نماز و روزه و دیگر احکام دینی توجه کنیم، می‌بینیم هر عمل ارزشی و ارزشمند، به‌خصوص اعمال عبادی مقدماتی دارد. برای حسن استفاده از اعتکاف نیز مقدماتی لازم است که توجه به احکام و آداب اعتکاف از ابتدایی‌ترین آنهاست؛ به عنوان مثال وضو گرفتن، اذان و اقامه گفتن، جهت‌گیری قبله و سپس تکبیرة الاحرام

عجب

زهرا/قدیانی

از مسئول ثبت نام پرسید: ببخشید خانم، شما سال‌های پیش هم بودید؟ حاجت می‌ده؟ شما حاجتتونو گرفتین؟! نمی‌خواست ریسک کند!

دو مرد وارد مسجد شدند، یکی فاسق بود و دیگری عابد. وقت خارج شدن فاسق، صدیق شده بود و عابد، فاسق. عابد آمده بود نشان دهد چقدر اهل عبادت است، فاسق آمده بود برای طلب آموزش.^۱

غذا می‌داد دست مردم، دست پیرزن‌ها را می‌گرفت، کفش‌ها را جفت می‌کرد، شب‌ها هم که مردم می‌خوابیدند، دست‌شویی‌ها را می‌شست. یک سال منتظر ۱۳ رجب بود. قبل از ثبت‌نام قرآن باز کرد، آمد: عهدنا الی ابراهیم و اسماعیل ان طهرا بیٹی للطائفین و العاکفین و الرکع السجود. از مسئول ثبت‌نام پرسید: خادم داوطلب هم می‌پذیرید؟!^۲

از بچه‌های مسجد شنید پسر احمد آقا، همسایه بغلی تصادف کرده توی بیمارستان است. می‌دانست احمد آقا به نان شبش هم محتاج است؛ چه برسد به خرج بیمارستان. توی این شهر کس و کار هم که ندارد به دادش برسد. از آن موقع رفته بود توی فکر، دیگر دل و دماغ نماز خواندن هم نداشت. مجله‌ای را که دم دستش بود باز کرد. اول صفحه نوشته بود: «امام سجاد (ع) فرمود: «به خدا قسم برآوردن حاجت برادر مؤمن در پیشگاه الهی محبوب‌تر از دو ماه روزه متوالی در حال اعتکاف در مسجدالحرام است.»^۳ مجله را گذاشت زمین. بلند شد برود بپرسد روز دوم می‌شود اعتکاف را شکست.

از اول زیر نظرش داشت. از وقتی آمده بود، رفته بود یک گوشه‌ای نشسته بود و بی‌توجه به دور و برش، سرش را کرده بود توی موبایلش. دو سه باری قصد کرد برود تذکر بدهد. بگوید آخر جوان خیر سرت آمده‌ای اعتکاف! این دو سه روز دیگر دست از سر این موبایل بردار. ترسید احترام

موی سفیدش را نگه ندارند. جوان‌های امروزند دیگر، حرمت بزرگ‌تری سرشان نمی‌شود که. آخرش طاقتش تمام شد. بلند شد، رفت پیشش گفت: پسرم مسجد حرمت دارد. اینجا که جای بازی نیست. این فرصت‌ها کم به دست می‌آید. موبایلت را این سه روز بگذار کنار، دو صفحه قرآنی، زیارت عاشورایی چیزی بخوان. جوان لبخندی زد و صفحه گوشی‌اش را گرفت طرفش. اولین بار بود قرآن را روی صفحه گوشی می‌دید.

سیزده رجب بود. اعلام کردند فلانی دم در مسجد ملاقاتی دارد! طرف برگشت با یک بغل هندوانه و شیرینی و چیپس! یاد سیزده‌به‌در افتادم. ■

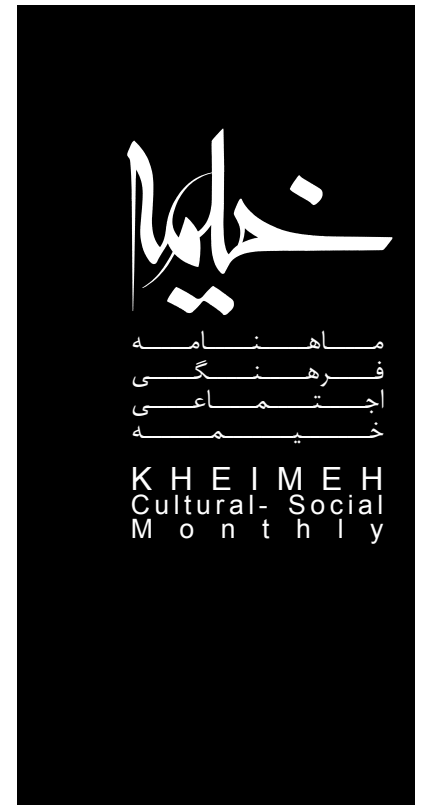
پی‌نوشت:

۱- از فرمایشات امام باقر (ع) یا امام صادق (ع)، وسائل الشیعه، جلد ۱،

ص ۷۶

۲- بقره ۱۲۵

۳- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۱۳



بررسی پرونده «دستمزدهای بالای برخی از مداحان» در شماره قبل بازتاب‌های متفاوتی بین مخاطبان و به‌ویژه خود مداحان داشت. نظر به اهمیت موضوع در این شماره نیز به بررسی ابعاد دیگری از این مسئله و بازخوردهای مطالب شماره پیشین پرداخته‌ایم. همچنین درباره موزه «محرم» که در استان آذربایجان شرقی و موزه «فرهنگ عاشورا» که در زنجان در حال راه‌اندازی است، اطلاعاتی در قالب دو مصاحبه با دست‌اندرکاران آن ارائه شده است.

KHEIMEH
Cultural - Social
Monthly

تاریخ و اندیشه

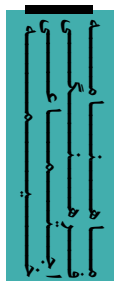
چهارموردی

رسالة

هنر و ادب

مست

مردم شنای



وقتی همه خوابیم؟!



نگاهی به بازخوردهای پرونده «دستمزدهای بالای برخی از مداحان»

علی حقیقت

یکی می‌گوید مرا قاطی این موضوعات و بازی‌ها نکنید. دیگری از ترس برخورد دوستانش حرف‌های ما را تأیید می‌کند، ولی حاضر به مصاحبه نیست. بسیاری نیز حاضر به مصاحبه هستند، ولی تأکید می‌کنند که نباید نامی از آنها ببریم. نکته جالب اینکه چند نفر هم مصاحبه می‌کنند، به این شرط که متن تنظیم شده مصاحبه را قبل از چاپ ببینند و ما با وجود اینکه این کار را «حرفه‌ای» نمی‌دانیم، می‌پذیریم. جالب‌تر اینکه یک نفر از همین گروه بعد از اینکه پس از دو هفته وعده دادن حاضر به مصاحبه شده است، بدون هیچ دلیلی می‌گوید که مصاحبه‌اش کار نشود و در برابر اصرار خبرنگار ما، او را تهدید به برخورد می‌کند!

مواردی که در بالا ذکر شد، مربوط به پرونده «دوپینگ»، «لالی» و «تبیانی» در فوتبال ایران نیست، هر چند در آن مورد نیز مصادیق مشابهی می‌توان یافت! این موارد حاصل دسترنج خبرنگاران خیمه است که پرونده «دستمزد بالای برخی مداحان» را دنبال می‌کردند.

به راستی، در صورتی که گرفتن دستمزد بالا توسط برخی از مداحان دارای توجیه و استدلال مناسب است، چرا افرادی که برای ۱۵ دقیقه مداحی دو فیش حج عمره دریافت می‌کنند یا افرادی که برای دهه اول محرم حدود ۱۰ میلیون تومان پول می‌گیرند، حاضر به دفاع از خود در برابر منتقدانشان نیستند؟!

عجیب‌تر آنکه تعدادی از مداحان مشهوری که چنین مبالغی دریافت نمی‌کنند با وجود اذعان به این واقعیت که چنین رویکردی باعث ضربه خوردن به جریان مداحی و انجام مراسم سوگواری اهل بیت (ع) می‌شود، سکوت کرده و دم بر نمی‌آورند و این سوژه را عبور از «خط قرمز» می‌دانند.

نمی‌دانم و احتمالاً شما هم نمی‌دانید تاکنون چندین بار مداحان در برنامه‌های خود، هدف اصلی قیام سیدالشهدا (ع) را به درستی اصلاح امت و احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر عنوان کرده‌اند، تا حدی که تعداد قابل توجهی از آنها حاضرند در محافل خصوصی از جریان ایجاد شده در مداحی به شدت گلایه کنند، ولی حاضر نیستند تبعات یک اظهار نظر

ساده را بپذیرند!

مطالبی که در شماره پیشین نشریه خیمه در قالب پرونده «دستمزد بالای برخی از مداحان» ملاحظه کردید، با واکنش‌های متفاوتی میان مداحان و جامعه مذهبی کشور به‌ویژه مسئولان هیئت‌ها مواجه شد. کاش می‌شد نام آن روحانی برجسته‌ای که برنامه‌اش را به صورت مستمر از تلویزیون می‌بینیم، عنوان کنیم. ولی اینجا تنها به گفته‌اش بسنده می‌کنیم: «به شما چه مربوط که در این مسائل دخالت می‌کنید؟ این یک مسئله شخصی است. اگر کسی حقوق شما را بپرسد، خوشتان می‌آید؟ چرا اصلاً روی چنین سوژه‌ای کار می‌کنید؟ دیگر موضوعی ندارید که به آن بپردازید؟»

**چرا باید اجازه دهیم
وضعیت معنوی ترین مسائل جامعه
به گونه‌ای پیش برود
که لازم ببینیم
با فرمول‌های «مادی»
مسائل «معنوی» را حل کنیم؟**

و هنگامی که خبرنگار نشریه با دعوت او به آرامش، پاسخ می‌دهد که این سوژه، موضوعی است که تعدادی از خوانندگان و مخاطبان نشریه خواستار پیگیری آن شده‌اند، پاسخی می‌دهد که این بار حتی بدون ذکر منبع نیز از درج آن معذوریم!

از سوی دیگر، با بازخوردهای مثبت زیادی هم مواجه شدیم. بیشتر این واکنش‌های مثبت مربوط به مسئولان هیئت‌های مذهبی می‌شد که از بالا رفتن سرسام‌آور و بی‌رویه نرخ تعدادی از مداحان گلایه‌مند بودند. دغدغه اصلی بسیاری از آنها تأمین هزینه‌های مداحان به عنوان اصلی‌ترین هزینه هیئت بود.

از یکی از آنها که خود، پدر و پدربزرگش سال‌هاست افتخار خادمی اهل بیت (ع) به‌ویژه ابا عبدالله الحسین (ع) را دارند، پرسیدم: «آیا هزینه مداح از هزینه شام هیئت هم بیشتر می‌شود؟» او پاسخ داد: «بسیاری از ملزومات پذیرایی توسط خود مردم در قالب نذری اعم از برنج، گوشت و ... تأمین می‌شود و ما بیشتر در هیئت‌ها شاهد کمک‌های غیرنقدی مردم هستیم که با احساسات پاک خود، نذور خود را تقدیم مجالس امام حسین (ع)

می‌کنند، ولی تأمین هزینه‌ها و هماهنگی مداحان، شاید مهم‌ترین مشکل ما در برگزاری مراسم باشد.»

از یکی دیگر از مسئولان هیئت‌ها پرسیدم: «چه اجباری در استفاده از مداحان مشهور با نرخ‌های نجومی دارید؟» او در حالی که غم سنگینی در چشمانش مشاهده می‌شد، سری تکان داد و چنین گفت: «آرزوی ما این است که مجالس‌مان با حضور گسترده مردم و باشکوه برگزار شود. به هر حال میزان حضور مردم ارتباط مستقیمی با مداح دارد!»

مسئول یکی از هیئت‌های بزرگ تهران می‌گوید: «موضوع دستمزد بالای تعدادی از مداحان چند سالی است که آغاز شده و تا چند سال پیش اصلاً چنین چیزی مشاهده نمی‌شد. علت اصلی آن نیز چشم و هم‌چشمی‌های تعدادی از هیئت‌های مذهبی در کاشان بود که با نرخ‌های نجومی که گاه نرخ یک دهه آن برابر کل دستمزد یا صله یک مداح در طول یک سال و یا حتی بیشتر بود، این رویه و بدعت غلط را در جامعه مداحی بنیان گذاشتند.»

به گفته وی، ادامه چنین روندی باعث تعطیلی هیئت‌های کوچک‌تر و رونق گرفتن بیشتر تعدادی از هیئت‌ها و مجالس بزرگ‌تر می‌شود که از استطاعت مالی بهتری برخوردارند. حرف‌های او را به دقت گوش می‌دهیم و در پایان امیدوارانه از او می‌خواهیم اجازه دهد، سخنانش را با ذکر نامش منتشر کنیم. چند لحظه‌ای سکوت می‌کند، لبخند تلخی تحویل‌مان می‌دهد و می‌گوید: «لطف کنید، مشکلات مرا زیاده‌تر نکنید!»

بسیاری از مسئولان هیئت‌های مذهبی خواستار ساماندهی مداحان هستند و چند نفر از آنها می‌خواهند مشابه آن چیزی که این روزها در فدراسیون فوتبال تحت عنوان «سقف قراردادهای بازیکنان مطرح می‌شود، در جامعه مداحی کشور اعمال شود! حال این پرسش اساسی مطرح می‌شود که اصلاً چیزی به نام «سقف قراردادها» یا به عبارت بهتر، «سقف دستمزدها»، «سقف صله‌ها!» یا هر اصطلاح مشابه دیگری ممکن است؟! و از آن مهم‌تر، چرا باید اجازه دهیم، وضعیت معنوی ترین مسائل جامعه به گونه‌ای پیش برود که لازم ببینیم با فرمول‌های «مادی»، مسائل «معنوی» را حل کنیم؟ ■

آیا حضرت سیدالشهداء (ع) عاشق صدای ما مداحان است؟ اگر ما صدایی برای خواندن نداشته باشیم، نمی‌توانیم نوکر امام حسین (ع) باشیم؟ آیا درست که برخی با اشاره به اینکه در سنین پیری و سالخوردگی دیگر صدایی برای مداحی نمی‌ماند، صله‌های سنگینی از عاشقان امام حسین (ع) طلب کنند؟ این پرسش‌ها را از این جهت می‌پرسم چون متأسفانه افرادی مداحی را به شغلی برای کسب درآمد تبدیل کرده‌اند، در حالی که مداحی نه «شغل»، بلکه «عشق» است.

به اعتقاد من، مداحی عنایت خاصی است که نصیب هر کسی نمی‌شود و نصیب عده‌ای می‌شود که واقعاً نوکر امام حسین (ع) هستند و نفسشان را خرج آقا می‌کنند. پس اگر ما مدعی هستیم که نوکر امام حسین (ع) هستیم، باید بدانیم که ارباب، اوست و خودش نوکرانش را تأمین کرده و خواهد کرد. ما نباید انتظار داشته باشیم که مردم برای ما کاری انجام دهند. چشم ما باید به دنبال دست

ارباب باشد. اعتقاد شخصی من این است که اگر در جایی صله می‌دهند، از طرف اشخاص نیست،

بلکه از طرف آقا است. همچنین معتقدم که اگر در جایی هم صله ندادند، باز هم به خواست آقا است. من با این تفکر همیشه احساس آرامش می‌کنم؛ چون می‌دانم که مولا می‌داند، چطور نوکران خود را اداره کند. نمی‌دانم چرا گاه افرادی با اشاره به اینکه بعد از چند سالی صدایی برای مداحی برایشان باقی نمی‌ماند، برخی از اقدامات خود را توجیه می‌کنند! پرسش من این است که امام حسین (ع) با غلام سیاه خود چه کار کرد؟ مگر در قدیم که رسم ارباب و نوکری وجود داشت، وقتی نوکری پیر می‌شد، ارباب او را از خانه‌اش به بیرون می‌انداخت؟ نه این‌طور نبوده و نیست. دیدگاه افرادی که می‌گویند ما نگران دوران پیری هستیم، ناشی از این است که واقعاً شناخت ندارند؛ نه اینکه از روی عناد این کار را می‌کنند. از خود امام حسین (ع) می‌خواهم که واقعاً به همه نوکران خود این شناخت و معرفت را بدهد تا به این درک و شعور برسیم که همه چیز ما دست امام حسین (ع) است. متأسفانه یکی از مشکلات ما این است که امام‌شناس خوبی نیستیم؛ یعنی مولایمان را نمی‌شناسیم. هر چند عده‌ای وجود دارند که از ترس خراب شدن صدایشان در آینده صله‌های

سنگینی می‌گیرند، ولی واقعیت این است که اگر صدایی هم خراب شود، امام حسین (ع) می‌داند که چطور زندگی آن شخص را اداره کند.

متأسفانه یکی از مشکلاتی که در جامعه مداحان وجود دارد، کم‌اطلاعی بعضی از افرادی است که در این عرصه مشغول به فعالیت هستند. در گذشته مداحان مجتهد بودند. من حتی از بزرگ‌ترها شنیده‌ام که در گذشته مداحانی که به شهرستان برای مداحی می‌رفتند از سر اعتقادشان حتی چایی‌شان را نیز با خود می‌بردند. ولی امروزه افرادی وجود دارند که هنوز با ساده‌ترین موضوعات در مداحی آشنا نیستند و اطلاعات مذهبی و دینی زیادی هم ندارند و از همه بدتر اینکه افراد ناواردی وجود دارند که در کنار مداحی، روی منبر رفته و در جایگاهی که قرار گرفتن در آن نیاز به معلومات خاصی دارد، برای مردم سخنرانی هم می‌کنند! بدون اینکه نظارتی وجود داشته باشد! این مظاهر خوبی نیست و نشان‌دهنده نقاط ضعف ماست.

شهرت عزت نمی‌آورد

اسلام میرزایی^۱

اما گذشته از اینکه خودمان مسبب برخی از کاستی‌ها هستیم، باید بگوییم که بعضی از عوامل نیز در ایجاد برخی از مشکلات نقش داشته‌اند که در این میان صدا و سیما نیز بی‌تقصیر نیست. می‌توان مشاهده کرد که صدا و سیما در جریان پخش برنامه‌های نوحه و عزاداری عملکردی منصفانه ندارد و به طور مساوی در اختیار همه مداحان نیست. شرایط طوری است که من می‌توانم بگویم که در

شهرت «شهوت» می‌آورد
شاید شهرت چیز خوبی باشد
ولی «عزت» نیست
مردم شاید کسی را بشناسند، ولی خدا
نمی‌گذارد
که در دل مردم
محبتی نسبت به آن شخص شکل بگیرد

جریان مداحی نوعی تشکیلات خاص وجود دارد، اما موضوعی که خود ما مداحان باید حواسمان به آن باشد، این است که تحت تأثیر شهرت مداحی قرار نگیریم، چون شهرت «شهوت» می‌آورد. خدا

نکند که آدم در نتیجه شهرت «بت» شود؛ چون اگر حتی بفهمد که اشتباه می‌کند نیز دیگر نمی‌تواند خود را بشکند. شاید شهرت چیز خوبی باشد، ولی «عزت» نیست. مردم شاید کسی را بشناسند، ولی خدا نمی‌گذارد که در دل مردم محبتی نسبت به آن شخص شکل بگیرد. عزتی که امام حسین (ع) به مداحی بدهد، با شهرتی که مردم برای یک مداح درست کرده باشند، خیلی متفاوت است. فراموش نکنیم که اولیاء خدا در عرش معروفاند نه در فرش. افرادی در بعضی شهرستان‌ها دیده‌ام که آن چنان با اخلاص و معنویت روضه می‌خوانند که خیلی از مداحان معروف نمی‌توانند، مثل آنها بخوانند. اینکه مردم مداحی را می‌شناسند و فیلم مداحی‌ها و روضه‌خوانی‌هایش در همه جا وجود دارد، دال بر عزت او نیست، خیلی‌ها هستند که پیش امام حسین (ع) خیلی عزت دارند، ولی ناشناخته باقی مانده‌اند.

همه آنچه گفتم، تنها بخشی از دردهایی است که در دل بسیاری از مداحانی که جان، مال و زندگی خود را وقف دستگاه اهل بیت (ع) کرده‌اند، وجود دارد. از آنجایی که تداوم این مسیر به فضای معنوی هیئت‌ها آسیب خواهد

زد، امیدوارم که مسئولان اقدامی برای ساماندهی این وضعیت انجام دهند، چون اگر جلوی کسانی که شأن مداحی ندارند، گرفته نشود، هیئت‌های ما در آینده روح و معنویت نخواهند داشت.^۲ در همین حال خاطر نشان می‌کنم، کسانی که می‌خواهند برای تصحیح این مسائل وارد عمل شوند، باید خود از کار هیئت شناخت داشته باشند، مداحی را بشناسند، دین‌شناس و اهل درد باشند و نباید نسنجیده و سلیقه‌ای برخورد کنند. هیچ کس امروز نمی‌تواند منکر این باشد که مداحان نیازمند ساماندهی هستند. خوشبختانه شعرا، بازیگران و بسیاری دیگر از فعالیت‌های فرهنگی و هنری برای خود انجمنی یا تشکیلی دارند، ولی متأسفانه تنها قشری که یک دفتر هم ندارند، مداحان هستند. ان‌شاءالله خدا به همه ما معرفت و این شناخت را بدهد تا بدانیم در خانه چه کسانی هستیم و بدانیم که جوانی و جانمان را خرج چه بزرگوارانی می‌کنیم. ■

پی‌نوشت:

- ۱- مداح اهل بیت (ع)
- ۲- البته اکنون مداحان که در حال حاضر فعال است، می‌تواند بخشی از این نیازها را برطرف کند.

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا پناهیان:

مداح بهتر است شغل جانبی داشته باشد



محمدصادق امینی

کردن صله از نظر شرعی و عرفی کار درستی است؟

تعیین کردن صله کار درستی نیست، اما به نظر من مهم‌تر از درست نبودن این کار، نوع برخوردی است که در جامعه ما با مداحان صورت می‌گیرد. من فکر می‌کنم گروهی باید به فرهنگ‌سازی در میان مردم اقدام کنند تا خود مردم از مداحان به

حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا پناهیان یکی از واعظی است که توانسته با تکیه بر ادبیات و نگاه متفاوتش، ارتباط خوبی با مردم و به‌ویژه مخاطبان جوان خود برقرار کند و در مدت نزدیک به ۱۵ سال فعالیت تبلیغی، جوانان زیادی را به مجالس و عظ و خطابه بکشاند. پناهیان با حضور مؤثر خود در دانشگاه‌ها توانسته است به جوانان زیادی ژرف‌اندیشی در تعمق دینی را بیاموزد که این امر او را به یک روحانی مشهور در تبلیغ مفاهیم دینی تبدیل کرده است. آنچه در ادامه می‌خوانید مصاحبه ایشان با نشریه خیمه در خصوص هزینه‌های مداحی و عواملی است که باعث ایجاد زمینه‌ای برای تعیین دستمزد -آن هم ارقام بالا- از سوی تعدادی از مداحان شده است.

این سیره ائمه اطهار (ع) بوده که با دادن هدایای بسیار زیاد مادی و معنوی، با مداحان برخورد می‌کردند و حتی من با این هم موافق هستم که مداحان، بیشتر از سخنرانان ارجمند مورد تقدیر قرار بگیرند.

چرا؟

به این دلیل که این‌گونه مبالغ و هدایا به دلیل علم داده می‌شود. حتی باید شأن حرفه «مداحی» را در جای خود قرار داد و غیر از فرهنگ‌سازی که باید صورت بگیرد، نهادهای فرهنگی جامعه مثل سازمان تبلیغات اسلامی و سایر نهادهای فرهنگی هستند که باید به تأمین معیشت و نیازهای واجب ذاکران اهل بیت (ع) بپردازند. شاید وقتی یک ذاکر اهل بیت (ع) بخواهد خوب خدمت کند، نیازهای فراوانی در زندگی‌اش داشته باشد که این نیازها را باید نهادهای فرهنگی از طریق فراهم کردن کتاب‌ها، منابع، برگزاری دوره‌های آموزشی و ... تأمین کنند.

مداحی که مدام در سفر است خانواده‌اش لطمه می‌بیند و به عشق اهل بیت (ع) بهترین اوقاتی را که می‌تواند در کنار خانواده‌اش سپری کند می‌گذارد و می‌رود در مجالس مذهبی شرکت کند تا وقتی به آنها بدهد چطور می‌توان از این فرد تقدیر کرد؟

خوبی تقدیر کنند.

من بالاترین هدایایی را که به مداحان داده می‌شود، حداقلی می‌دانم و وقتی تقدیری که از نظر اجتماعی باید از این قشر به خاطر انرژی‌ای که صرف این کار می‌کنند - به عمل آید با وضعیت فعلی مقایسه می‌کنم، بالاترین هدایا را هدایای اندکی برای مداحان می‌دانم.

به نظر من این بد است که مداحان ارجمند صله را خود تعیین کنند. ولی بدتر از آن این است که افراد مذهبی وظایف خودشان را در این خصوص شناسند و تنگ‌نظرانه در این خصوص عمل کنند.

همان‌طور که می‌دانید مدتی است که بسیاری از علما و رؤسای هیئت‌ها معترض عملکرد تعدادی از مداحان هستند که صله‌های سنگینی برای شرکت در مجالس عزاداری تعیین می‌کنند. در همین حال تعدادی از مداحان نیز وجود دارند که با دفاع از این رویکرد، این طور استدلال می‌کنند که ما هم روزی پیر می‌شویم و توانایی و صدایمان را از دست می‌دهیم. نظر شما در این خصوص چیست؟ آیا تعیین

حتی به نظر من، بنیادهای قوی مذهبی باید خودشان هزینه کنند تا بهترین موسیقی را استخراج کرده و در اختیار مداحان قرار دهند. اینها همه، اقداماتی است که می‌تواند هزینه مداح بودن را کم کند. وقتی که ما نه پشتیبانی و نه فرهنگ‌سازی درستی کردیم، این عارضه تعیین مبلغ به طور طبیعی پیش می‌آید، هر چند که عارضه خوبی نیست. ولی ما باید مسائل را همه‌جانبه ببینیم. مداحی که مدام در سفر است، خانواده‌اش لطمه می‌بیند و به عشق اهل بیت (ع) بهترین اوقاتی را که می‌تواند در کنار خانواده‌اش



سپری کند، می‌گذارد و می‌رود در مجالس مذهبی شرکت کند تا رونقی به آنها بدهد. چطور می‌توان از این فرد تقدیر کرد؟ در حالی که اگر کسی بود که با خواندن ترانه‌های مرسوم در جامعه می‌خواست هزینه‌های خودش را تأمین بکند هیچ کس به او چنین ایرادهایی نمی‌گرفت! اگر ما به این موضوع‌ها توجه کنیم، این‌گونه عوارض منفی کمتر در جامعه دیده خواهد شد.

شما در اظهاراتتان به این موضوع اشاره کردید که باید از مداحان تقدیر شود. ولی بسیاری از مسئولان هیئت‌ها که من با آنها صحبت کرده‌ام به این موضوع اشاره کرده‌اند که با توجه به هزینه‌های سنگین برگزاری مجالس مذهبی، از توان مالی زیادی برخوردار نیستند تا بتوانند برای یک جلسه مبلغ یک یا دو میلیون تومان بپردازند. آنها هر چند دوست دارند از مداحان بزرگوار به طرز شایسته‌ای تقدیر و تشکر کنند، ولی به خاطر محدودیت‌های مالی، همه آنها از چنین توانی برخوردار نیستند؛ در حالی که دوست دارند به عشق ائمه (ع) از مداحان خوب برای شرکت در مجالسشان دعوت کنند. نظر شما در این خصوص چیست؟

در این تردیدی نیست که مبلغ دو میلیون تومان برای یک جلسه رقمی نجومی است. ولی من به دو نکته در اینجا اشاره می‌کنم. یکی اینکه هر ذاکر اهل بیتی که بخشی از هزینه زندگی‌اش از طریق مداحی تأمین می‌شود، خوب است که شغلی برای خود فراهم کند تا بخشی از هزینه زندگی‌اش از آن طریق تأمین شود و مسئولان هیئت‌ها هم می‌توانند برای پیدا کردن چنین مشاغلی برای مداحان کمک کنند. حتی نهادهای فرهنگی هم می‌توانند کمک کنند تا فردی که به ذکر اهل بیت (ع) می‌پردازد شغلی هم داشته

باشد، چون مداحان که مثل علما نیستند که همه وقتشان را بخواهند صرف این کار کنند. آنها می‌توانند شغل آزاد داشته باشند. به نظر من این توصیه خوبی است که اگر

بشود آن را مطرح کرد و دیگران هم به تحقق آن کمک کنند، شرایط خوبی به وجود خواهد آمد. نکته دوم اینکه هر ذاکر اهل بیتی که هدایایی را

از مجالس دریافت می‌کند، به یقین برکت زندگی‌اش به این خواهد بود که در تعدادی از مجالسی که می‌بیند مسئولان آنها توان مالی زیادی ندارند، شرکت کند و چیزی دریافت نکند. نمک زندگی ذاکران اهل بیت (ع) و برکتش به این است که در این‌گونه

مجالس شرکت کنند و مبلغی دریافت نکنند. این خیلی زیباست و به نظر من باید در زندگی هر ذاکر اهل بیتی باشد و خودش هم این تشخیص را

من بالاترین هدایا را
هدایای اندکی برای مداحان می‌دانم
این بد است که مداحان صله را خود تعیین کنند
ولی بدتر از آن این است که
افراد مذهبی وظایف خودشان را
در این خصوص نشناسند
و تنگ‌نظرانه در این خصوص عمل کنند

بدهد که همه را با یک چشم نگاه نکند؛ به عنوان مثال، زمانی جوان‌ها در جایی هیئت گرفته‌اند و دوست دارند از ذاکر خوبی هم دعوت کنند؛ چه خوب است که ذاکران هم به خاطر پرداخت زکات دارایی‌ها و اعتبارشان را در این‌گونه مجالس به صورت رایگان مداحی کنند. طبیعی است این‌گونه مجالس نمی‌تواند حجم فراوانی از مجالس ذاکران باشد. اما نکته دیگری که می‌خواهم اضافه کنم این است که در برخی از مجالس برای برخی از امور تشریفاتی زاید و یا برخی از مخارجی که چندان ضرورت ندارند، میلیون‌ها تومان خرج می‌شود، ولی برای دادن ۱۰۰ یا ۲۰۰ هزار تومان به ذاکر

اهل بیت (ع) خساست به خرج داده می‌شود. این هم نوع دیگری از بی‌معرفتی‌هاست که خیلی از ذاکران اهل بیت (ع) دیده‌اند و شاید به این راه کشیده شده‌اند که نرخ‌های نجومی تعیین کنند. افرادی هستند که برای اعتبار محلی و فامیلی‌شان چه خرج‌هایی که نمی‌کنند. گاه معلوم است که این هزینه‌ها خرج‌های اعتباری است نه مخلصانه. ولی به ذاکر اهل بیت (ع) که می‌رسند، عدالتشان گل می‌کند و حداقلی برخورد می‌کنند. ما باید به این مسائل هم توجه کنیم و به سمت اصلاح حرکت کنیم.

این فرمایش جنابعالی خیلی متین و

پسندیده است، اما دیدگاه دیگری هم بین خود مداحان وجود دارد که معتقدند ما باید در قبال ائمه اطهار (ع) که تمام زندگی، خانواده و دار و ندارشان را در راه اسلام داده‌اند، طوری رفتار کنیم که اجر دنیوی و اخروی‌مان را از دستان مبارک ائمه اطهار

بگیریم. خیلی از مداحان بزرگ و معروفی که با آنها صحبت کرده‌ام، معتقدند که گرفتن صله‌های سنگین صحیح نیست؛ چون به جلسات مذهبی لطمه وارد می‌کند. نظر شما در این خصوص چیست؟

به نظر من اصلاً این تعبیر مبالغه بالا گرفتن یا پول گرفتن، تعبیر زیبایی نیست. هر کسی هم به مداحی به چشم شغلی درآمزا نگاه کند، نگاه بسیار بدی به آن کرده است. حتی ما روایت داریم که هر کسی ارتباطش با اهل بیت (ع) را منبعی برای کسب درآمد قرار دهد، خداوند با این فرد در روز قیامت برخورد سختی خواهد کرد. در اینکه مداحان ارجمند مبلغی را طی نکنند و بلکه سعی‌شان بر نگرفتن پول باشد، تردیدی نیست. مداحان ارجمند باید بدانند که به طور یقین خداوند متعال اجر دنیایی آنها را نیز در کنار اجر اخروی مضاعف محافظت خواهد کرد. ما تعیین‌کننده روزی خودمان نیستیم. کسی که وارد این حوزه می‌شود، باید واقعاً روزی خود را به خدا بسپارد. من در زندگی بسیاری از خوبان تجربه کرده‌ام که خدا واقعاً جبران خواهد کرد. مداحان اصلاً نباید سعی بکنند که در انتخاب مجالسشان مسائل مالی را مد نظر قرار دهند. سعی کنند که اصلاً حرفی از مسائل مالی نزنند و حتی دل نسپارند به افرادی که به آنها هدایای خوبی تقدیم می‌کنند. وقتی

دلشان را به خدا بسپارند، آن وقت خواهند دید که گشایش‌های فراوان در زندگی آنها ایجاد خواهد شد. صحبت ابتدایی من این بود که اگر درست نیست مداحی صله خود را تعیین بکند و عشق امام حسین (ع) را با پول خرید و فروش بکند، این هم بد است که جامعه و نهادهای فرهنگی از مداحان به خوبی قدردانی نکنند و به وظایف خودشان به دقت و به‌طور کامل عمل نکنند.

شما در اظهاراتتان پیشنهاد کردید که بهتر است مداحان شغلی داشته باشند تا منبع درآمد دیگری هم برای خودشان داشته باشند.

این پیشنهادی است که در گفت‌وگوهای

قبلی با مداحان مطرح

شده بود، ولی دو

دیدگاه در خصوص

آن بین مداحان وجود

دارد. بعضی از مداحان

بزرگوار آن طور که شما

اشاره کردید گفتند که

به فعالیت‌های دیگری

نیز مشغول‌اند تا تمام

درآمدهای زندگی‌شان از این طریق نباشد،

ولی عده دیگری هم معتقدند که مداحی که به

صورت حرفه‌ای بخواهد در این حرفه فعالیت

کند، چون باید تمام وقت خود را به این کار

اختصاص دهد، دیگر فرصتی برای پرداخت به

سایر مشاغل نخواهد داشت. حتی تعدادی از

آنها گفتند که در گذشته شغل دولتی داشتند،

ولی به خاطر زمان زیادی که باید صرف این

کار می‌کردند، دیگر نتوانستند مشاغل خود را

حفظ کرده و تمام توانشان را روی این کار

گذاشته‌اند. در واقع آنها معتقدند مداحی که به

صورت حرفه‌ای مداحی می‌کند، نمی‌تواند شغل

دومی داشته باشد. نظر شما در این خصوص

چیست؟

من فکر می‌کنم اگر مداحان ارجمند بتوانند

در کنار مداحی شغلی هم برای خودشان فراهم

و دیگران هم در این زمینه به آنها کمک کنند،

نور و برکت زندگی آنها بیشتر خواهد شد. چون

بالاخره اگر دلشان حتی مقداری به مبالغی که

بخواهد از این راه به دست بیاید وابسته شود، به

یقین دچار آسیب‌های فراوانی خواهند شد. ولی

روحیه مستقلی که در اثر داشتن درآمدهای جانبی

به دست می‌آید، به معنویت بیشتر آنها کمک

خواهد کرد.

من این دیدگاه را در جهت تبلیغ این نظریه

عرض کردم. اما باید بگویم، این مسئله که نمی‌توان در کنار مداحی به کار دیگری پرداخت قبول ندارم. شغل که حتماً کاسبی نیست. بسیاری از شغل‌ها امروز تجارت است؛ به عنوان مثال یکی از دوستان بنده هست که وقتش را برای فیلمبرداری از مجالسی که بنده در آنها شرکت می‌کنم، گذاشته است. بنده یک بار از ایشان پرسیدم؛ شما مگر کار و زندگی ندارید؟ ایشان هم در پاسخ گفتند که مغازه‌ای دارند که با حضور شاگردانش اداره می‌شود و احتیاجی به حضور همیشگی ایشان در آن نیست و هر وقت هم که ضرورتی پیش می‌آید با تلفن و یا حضوری برطرف می‌کند. به این ترتیب است که آن دوست تمام وقت خود را صرف مجالس مذهبی کرده و به اندازه خود من در این مسیر وقت می‌گذارد.

ممکن است حجم فعالیت‌های من کمتر از حجم فعالیت‌های ذاکران اهل بیت (ع) باشد، ولی به هر حال شغل‌هایی مثل سرمایه‌گذاری یا مشارکت مالی در برخی از تعاونی‌ها وجود دارند که وقت زیادی نمی‌گیرند. اینکه بنده می‌گویم که دیگران هم می‌توانند در تحقق این موضوع به مداحان کمک کنند، به همین دلیل است. چه اشکالی دارد که یک تعاونی سرمایه‌گذاری و یا بنیاد خاصی به جای اینکه تنها به فکر بیمه کردن مداحان باشد، به فکر درآمد آنها نیز باشد؟

منظورتان بنیاد دعبل است؟

من به طور دقیق خبر ندارم که این بنیاد چقدر فعال شده، ولی این مرکز بیشتر به فکر بیمه کردن مداحان است. به هر حال این امکان وجود دارد که به جای پول دادن به مداح، سهام یا مشارکتی در کاری به آنها داده شود تا این دوستان بتوانند با آسایش خاطر از اینکه آب باریکه‌ای از جایی در زندگی آنها وجود دارد، با خیال راحت بتوانند به اهل بیت (ع) خدمت کنند. نهادهای دولتی هم که اعتباری در اختیار دارند، می‌توانند بخشی از این اعتبار را صرف امور فرهنگی کنند، بدون اینکه وقت زیادی از آنها گرفته شود. امام صادق (ع) به دیگران پول می‌دادند. آنها با این پول تجارت می‌کردند و درآمد و سود آن را به حضرت می‌دادند. مگر پول‌دار بودن چیز بدی است؟ این هم شغل است؛ شغل همیشه به این نیست که شخصی پشت دحل بایستد. با این حال باز تأکید می‌کنم که برای یک مداح داشتن یک فعالیت اجتماعی، صنعتی و حتی یک فعالیت کشاورزی، از نظر معنوی بسیار مفید خواهد بود.

اینکه ممکن است تشکیلات خاصی در برخی از مراکز در این خصوص شکل گرفته باشد، من آن قدر بدبین نیستم؛ چون این دستگاه صاحب دارد و هر کسی می‌تواند با مراجعه به صاحبان این دستگاه به حق خود برسد و خداوند ان شاء الله زمینه‌های آن را فراهم خواهد کرد. با این حال باید گفت که بعضی وقت‌ها خدا می‌خواهد مداحی یا ذاکر اهل بیتهی به شهرت برسد و یا نرسد و ما باید به این مسئله نیز توجه کنیم. هر چند ممکن است حق و ناحق در همه زمینه وجود داشته باشد. در واقع هر جایی عرضه و تقاضایی وجود داشته باشد، اقبال و استقبالی است. پس طبیعی است، دوستی و دشمنی‌هایی اتفاق بیفتد و این اتفاقات امکان‌پذیر است. ولی فضای معنوی هیئت‌های مذهبی فضای بسیار سالمی هستند. به هر حال باید مراقب بود تا مطلب به صورتی بیان نشود که فضا مشوش شود و در ذهن مردم ذهنیتی نسبت به این مجموعه‌ها به وجود آید.

حرف آخر شما در این خصوص چیست؟
باید بگویم کسانی که در دستگاه اهل بیت (ع) کار می‌کنند، باید پیش از دیگران به عنایات ایشان توجه داشته باشند. واقعاً برای ذاکر اهل بیت (ع) زیباتر است که روزی خود را من حیث و لایحسب از خود ایشان دریافت کند. این بسیار لذت‌بخش‌تر خواهد بود تا اینکه خودش مستقیم تلاشی برای کسب روزی از این طریق کند. ■

این سازمان و تعدادی از مؤسسات فرهنگی که اقدام به پشتیبانی از تعدادی از مداحان می‌کنند، چیست؟

من از ساز و کار سازمان صدا و سیما و اینکه در درون تشکیلات این مهم، تصمیمات

هر کسی به مداحی
به چشم شغلی درآمدزا نگاه کند
نگاه بسیار بدی به آن کرده است
حتی ما روایت داریم
که هر کسی ارتباطش با اهل بیت (ع) را
منبعی برای کسب درآمد قرار دهد
خداوند با این فرد در روز قیامت
برخورد سختی خواهد کرد

کارشناسی در خصوص هر مقوله و از جمله مقوله بسیار مهم مداحی چگونه اتخاذ می‌شود، خبر ندارم. به یقین اگر صدا و سیما بخواهد در این زمینه توفیقی پیدا کند و کارش را به خوبی انجام دهد، نیاز به یک گروه کارشناسی بسیار برجسته با مشارکت پیشکسوتان عرصه مداحی دارد. حال اینکه چنین گروهی وجود دارد یا خیر و اینکه نتیجه تصمیم‌گیری آنها چیست، زیاد مطلع نیستم. ولی اگر صدا و سیما در این زمینه به خوبی برای رسیدن به یک نتیجه مطلوب و رضایت‌بخش مقدمه‌سازی نکند، زمینه برای این گله‌مندی‌ها ایجاد می‌شود. اما در خصوص

یک بار امام باقر (ع) سخت در حال کار بودند و عرق می‌ریختند. فردی حضرت را در آن وضعیت دیدند و پرسیدند: «شما چرا کار می‌کنید، وقتی غلامانتان می‌توانند کار کنند؟» امام (ع) هم در پاسخ فرمودند: «خدا در هنگام خستگی از کار، نظری به بنده خود می‌کند و من خواستم که از این نظر خداوند محروم نباشم.» من بیشتر از اینکه از داشتن شغل به فکر بهره‌برداری مالی برای مداحان ارجمند باشم، بیشتر به فکر تواضع و نورانیتهی هستم که در مداحان از این راه ایجاد می‌شود. مداحی که شغل دارد، خود آن شغل می‌تواند به معنویت بیشتر مداح کمک کند. حساب طلبه‌ها و علما به طور کامل متفاوت است و در خصوص آن احکام دیگری جاری است، ولی طلبه‌ها هم اگر می‌توانستند از نظر مالی مستقل شوند، بسیار عالی بود.

شما تاکنون به موضوعات خوبی که در ایجاد شرایط فعلی نقش داشته‌اند اشاره فرمودید. ولی دیدگاه دیگری نیز در خصوص نقش سازمان صدا و سیما وجود دارد. بسیاری از مسئولان هیئت‌ها و حتی تعدادی از خود مداحان بر این باورند که استفاده مکرر این سازمان از یک سری مداحان، باعث ایجاد شهرتی برای آنها می‌شود که همین شهرت، زمینه را برای گرفتن مبالغ بالا فراهم می‌کند. از طرفی صدا و سیما به عنوان رسانه ملی وظیفه دارد که مناسبات مذهبی را پوشش دهد. نظر شما در خصوص نقش و عملکرد



مدیرکل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری آذربایجان شرقی:

هدف از تأسیس موزه «محرم» ماندگاری آیین‌های عاشورایی بود



در طول این یک سال، شما چه کارهایی انجام دادید؟

مادر این یک سال یک خانه خریدیم، سپس آن خانه را مرمت کردیم و وسایل مربوط به دسته‌ها و هیئات عزاداری حسینی را از شهرها و روستاهای مختلف استان جمع‌آوری کردیم. همچنین کتاب‌های نوحه و خیلی از وسایلی را که نذر حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) شده و در هیئت‌ها و یا دسته‌های عزاداری، دیگر از آنها استفاده‌ای نمی‌شد و با وسایل جدید جایگزین شده بودند، جمع‌آوری کردیم. البته هدف اصلی ما از تأسیس این موزه، نگهداری وسایل قدیمی نبوده و بزرگ‌ترین انگیزه ما حفظ شعائر مذهبی بوده است. همان‌طور که می‌دانید این موزه‌ها، بیشتر موزه‌های معنوی هستند. با این حال در طول این یک سال وسایلی جمع‌آوری شد که هر چند کامل نیست، ولی می‌توان آن را برای شروع کار قابل قبول دانست. ما از مجموع دسته‌ها و هیئات حسینی استان آذربایجان شرقی هم دعوت کردیم و آنها نیز از موزه بازدید کردند و همین‌جا اعلام آمادگی می‌کنیم در صورتی که آنها مشتاق باشند، حاضریم مدیریت و اداره این موزه را به صورت هیئت امنایی

**هدف اصلی از ایجاد موزه «محرم»
زنده نگاه داشتن شعائر اسلامی
و توسعه و رونق بخشیدن
به این موضوع مهم بود
چون چیزی که به موزه می‌رود
زنده می‌ماند و ماندگار می‌شود**

تحويل آنها دهیم.

آیا فکر می‌کنید موزه «محرم» استان آذربایجان شرقی می‌تواند مشوقی برای سایر استان‌ها باشد تا آنها هم مثل شما تصمیم بگیرند که برای ثبت آیین‌ها و مناسک عاشورایی در استان‌های خودشان یک موزه عاشورایی بیندازند؟

البته می‌دانید که در استان‌های مختلف این شعائر

(ع) روضه‌خوانی می‌شد. به این ترتیب بود که این موزه افتتاح شد و با همکاری مردم شروع به جمع‌آوری و قرار دادن وسایل قدیمی که در گذشته در هیئات و دسته‌های عزاداری حسینی استفاده شده و همچنین اشعار و کتب خطی به جا مانده از آن دوران کردیم.

هدف اصلی شما از افتتاح این موزه چه بود؟

هدف ما در واقع زنده نگاه داشتن شعائر اسلامی و توسعه و رونق بخشیدن به این موضوع مهم بود؛ چون چیزی که به موزه می‌رود، زنده می‌ماند و ماندگار می‌شود.

به نظر شما چرا حفظ کردن رسوم و آیین‌های کهن مرتبط با عاشورا ضرورت دارد؟

ما باید این سنت‌ها را حفظ کنیم و با راهکارهای جدید برای حفظ و گسترش شعائر اسلامی و مسائل مربوط به اهل بیت (ع) کوشا باشیم و عاشورا را همیشه زنده نگه داریم. حضرت امام خمینی (ره)

همیشه می‌فرمودند؛ عاشورا و تاسوعاست که اسلام را زنده نگاه داشته است و یا با این گریه‌هاست که اسلام زنده می‌ماند. به همین علت ما هم خواستیم تا با موزه‌ای کردن ابزار و وسایل مرتبط با این مسئله و جمع‌آوری وسایلی که

مرتبط با عاشورا است، به نسل جوان در شناخت هر چه بیشتر شعائر اسلامی کمک کنیم و زمینه را برای گسترش هر چه بیشتر فرهنگ عاشورا فراهم کنیم؛ چون اصالت ما در زنده نگاه داشتن آیین‌ها و سنت‌های قدیمی ماست.

از زمانی که ایده تشکیل موزه به ذهنتان رسید تا زمان افتتاح موزه چقدر طول کشید؟ تقریباً یک سال.

مهندس «قراب محمدی» در حدود یک سالی است که مدیرکل سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان آذربایجان شرقی را بر عهده دارد. در طول این یک سال، او و سایر همکارانش زحمات بسیاری برای تأسیس موزه‌های کشیده‌اند که تأسیس آن، توجه بسیاری از افراد را به خود جلب کرده است. این موزه که به نام «محرم» نامگذاری شده، بخشی از نمادها و نشانه‌های نمادین مراسم و آیین‌های ماه محرم را که در اقصی نقاط استان آذربایجان شرقی رواج دارند، در شهر تبریز به نمایش گذاشته شده است. آنچه در ادامه می‌خوانید ماحصل گفت‌وگوی نشریه خیمه با مهندس محمدی پیرامون اهداف تشکیل این موزه است.

لطفاً کمی در خصوص نحوه شکل‌گیری موزه «محرم» که توسط سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان آذربایجان شرقی تأسیس شده است، توضیح دهید؟

استان آذربایجان شرقی و به‌ویژه شهر تبریز از قدیم خواستگاه تشیع و محل تجمع مریدان خاندان عصمت و طهارت بوده، از این رو به خاطر حفظ شعائر اسلامی، رونق بخشیدن به آنها، جلوگیری از نابودی و از بین رفتن یک سری وسایل قدیمی عزاداری که از صدها سال قبل و به طور خاص از زمان صفویه در دسته‌ها و هیئت‌های عزاداری حسینی به کار رفته و همچنین جلوگیری از به فراموشی سپرده شدن یا از بین رفتن نوحه‌ها و اشعار مربوط به اهل بیت (ع) که معمولاً در کتب خطی از شعرای قدیمی باقی مانده، تصمیم به ایجاد موزه «محرم» در یکی از خانه‌های قدیمی شهر تبریز گرفتیم. البته این خانه متعلق به مرحوم دکتر صحتی بود و سالیان سال در آنجا برای امام حسین



به صورت‌های مختلف زنده نگه داشته می‌شود، ولی با این حال می‌توان این تلاش را منطقه‌ای کرد. به این صورت که ما می‌توانیم تمام وسایل مربوط به شمال غرب کشور را در آنجا نگهداری کنیم؛ چون در سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشور آیین «تعزیه» هم ثبت ملی شده و هم در تلاشیم تا ثبت جهانی شود. با این حال تمامی استان‌های کشور می‌توانند، اقدام به تأسیس چنین موزه‌هایی کنند؛ چون این موزه‌ها ابزاری برای ثبت جهانی شدن است. با توجه به اینکه استان آذربایجان شرقی و شهر تبریز همیشه شهر «ولین‌ها» بوده است، ما با کمک کارشناسان و با راهنمایی علمای بزرگ به‌ویژه نماینده محترم ولی فقیه در استان این موزه را ایجاد کردیم که در آینده ان‌شاءالله آن را کامل‌تر نیز خواهیم کرد.

با توجه به اینکه شیعیان در سایر کشورهای جهان نیز آیین‌ها و مناسک خاص خود را دارند و با توجه به وجود شیعیان زیاد در کشورهای همسایه ایران مثل ترکیه و آذربایجان، آیا شما تصمیمی دارید که از مناسک و آیین‌های کشورهای دیگر نیز استفاده کنید و موزه خود را به یک موزه بین‌المللی تبدیل کنید؟

خوشبختانه در محلی که ما موزه را تأسیس کردیم، چند خانه قدیمی وجود دارد که آنها نیز ثبتی هستند و سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در نظر دارد آنها را نیز خریداری کرده و موزه «محرم» را گسترش دهد. در خصوص کشورهای هم‌جوار ما مثل آذربایجان، ترکیه و جمهوری نخجوان هم که آیین‌های خاصی برای زنده نگه داشتن شعائر عاشورایی دارند، ما تصمیم گرفتیم با انتشار کتابچه‌ای به دو زبان

انگلیسی و فارسی اقدام به معرفی موزه محرم کنیم، ولی باز قصد داریم همچنین این کتابچه را به زبان‌های ترکی استانبولی و آذری نیز چاپ کنیم تا بتوانیم شیعیان این کشورها را نیز با موزه محرم آشنا کنیم، اما به طور قطع اگر بتوانیم از آیین‌ها

و ابزارآلات موجود در این کشورها نیز استفاده کنیم، حتماً این کار را انجام خواهیم داد.

شما در کلامتان به این مسئله اشاره کردید که هدفتان فقط جمع‌آوری وسایل قدیمی و موزه‌ای نیست و گفتید که هدفتان این است که این موزه یک موزه معنوی باشد. به نظر شما، چنین موزه‌هایی به‌ویژه موزه «محرم» تا چه حد می‌تواند در افزایش آگاهی‌های مردم از فرهنگ

عاشورا مؤثر باشد؟

موزه دو نوع کارکرد دارد. یکی بحث فیزیکی است که در آن، اجسام جمع‌آوری و نگهداری می‌شوند که این یک نیاز است. علت اینکه ما اقدام به جمع‌آوری وسایل قدیمی کردیم، این بود که بسیاری از این وسایل در معرض نابودی قرار داشتند، ولی بحث اصلی ما در این موزه، بحث معنوی و حفظ آیین‌ها و سنت‌هاست تا آنها را زنده نگه داریم. به همین علت یک حسینه نیز در طبقه زیرین این موزه در نظر گرفته‌ایم که همیشه آماده برگزاری مجالس عزاداری هیئت‌های حسینی و پذیرایی از دوستان اهل بیت (ع) است تا آنها بتوانند در مناسبت‌های مختلف مذهبی در آنجا نسبت به عزاداری و حفظ شعائر اسلامی اقدام کنند. خوشبختانه

و وصیت صاحب‌خانه‌ای که بخشی از این منزل را اهدا کرده و البته قسمتی از آن را نیز ما خریداری کرده‌ایم، این است که باید ۱۰ روز در سال در این مکان مجلس عزاداری برای حضرت

اباعبدالله الحسین (ع) برگزار شود. در هر صورت هدف اصلی ما همین حفظ، توسعه و رونق دادن به شعائر اسلامی است تا بتوانیم با این اقدامات نسبت به افزایش آگاهی‌های مردمی از فرهنگ عاشورا اقدام کرده باشیم. همچنین باید بگوییم که با توجه به فرمایش‌های مقام معظم رهبری برای حذف و جمع‌آوری بدعت‌هایی که وارد فرهنگ و آیین‌های عاشورا شده ما باید مواظب باشیم تا

وجود موزه‌هایی درباره فرهنگ دینی از جمله موزه «محرم» می‌تواند مکانی برای به نمایش گذاشتن آیین‌ها و سنت‌های درست و زدودن فرهنگ‌های غلطی مثل قمه‌زنی و استفاده از موسیقی‌های نامناسب باشد

بدعتی به نام فرهنگ اصیل و غنی عاشورا، به این سنت‌ها و آیین‌های قدیمی ما اضافه نشود که در این خصوص، وجود چنین موزه‌هایی می‌تواند مکانی برای به نمایش گذاشتن آیین‌ها و سنت‌های درست و زدودن فرهنگ‌های غلطی مثل قمه‌زنی و استفاده از موسیقی‌های نامناسب باشد.

به نظر شما موزه محرم چطور می‌تواند برای آفت‌زدایی از آیین‌ها و مناسک عاشورایی مورد استفاده قرار بگیرد؟

یکی از کارکردهای این موزه می‌تواند به نمایش گذاشتن آیین‌ها، سنت‌ها و ایجاد شرایطی برای مقایسه رسوم مختلف در نزد مخاطبان و بازدیدکنندگان باشد. برنامه دیگر ما این است که در حسینه‌ای که در زیر موزه قرار دارد، برنامه‌های سخنرانی علما و استادان حوزه و دانشگاه را درباره فرهنگ غنی عاشورا و آشنایی بیشتر با آموزه‌های اهل بیت (ع) برگزار کنیم. در همین حال برنامه‌هایی نیز برای آموزش مداحان جدید که می‌خواهند وارد این عرصه شوند، داریم. در مجموع امیدواریم از طریق حمایت‌ها و امکاناتی که در اختیار داریم، این موزه بتواند در آفت‌زدایی از آیین‌ها و مناسک عاشورایی به شکل مطلوبی مورد استفاده قرار بگیرد.

آیا شما برنامه‌ای دارید که از آثار هنرمندان تبریزی که در زمینه عاشورا فعالیت می‌کنند نیز استفاده بکنید؟

بله؛ ما در این موزه در حال حاضر حدود ۲۰ تابلوی بزرگ هنری و یک پرده بزرگ تعزیه‌خوانی نیز به نمایش گذاشته‌ایم. با این حال بنده قصد دارم با پیگیری این مساله، از هنرمندان نیز برای حضور و ایفای نقش بیشتر در موزه «محرم» استفاده کنم، چون هنر مدیدن روح تعهد به انسان‌هاست. ■

تأسیس موزه فرهنگ عاشورا می تواند الگویی برای سایر استان ها باشد

مدیر کل سازمان تبلیغات اسلامی استان زنجان:



یعنی ریشه‌های اصلی فرهنگ مذهبی به طور عمده در این آیین‌ها نهفته است و اگر ما نتوانیم با آنها ارتباط برقرار کنیم، شاید در آینده دچار تزلزل و یا به نوعی گسست در این موضوعات شویم. ولی با تأسیس این نوع از موزه‌های فرهنگی و مذهبی به طور قطع می‌توان جلوی ایجاد چنین گسست‌هایی را گرفت و یا آنها را به میزان قابل توجهی کاهش داد.

با توجه به مسائلی که به آنها اشاره کردید، لطف کنید؛ در خصوص نحوه شکل‌گیری موزه فرهنگ عاشورا در زنجان توضیحاتی دهید؟

بر اساس مصوبه دو سال پیش شورای عالی انقلاب فرهنگی، ستاد شئون مناسبت‌های مذهبی در استان‌ها تشکیل شده و این ستادها، ساماندهی امور فرهنگی و مذهبی استان‌ها را برعهده دارند. یکی از وظایف این ستادها که متشکل از دستگاه‌های فرهنگی به دبیری سازمان تبلیغات اسلامی است، مراقبت از برنامه‌های مناسبت‌های مختلف برای جلوگیری از به وجود آمدن هرگونه انحرافی در آنهاست. یکی از همین انحرافات که مقابله با آن هم مورد تأکید مقام معظم رهبری و هم مراجع معظم تقلید است، جلوگیری از استفاده از بعضی ابزار و آلات است که زینده دستگاه حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و در شأن عزاداران نبود.

در همین راستا، این ستاد در استان زنجان کارهای بسیار مناسب فرهنگی و آموزشی را برای متولیان امر در دو سال گذشته انجام داد که یکی از آثار این فعالیت‌ها این بود که بدون هیچ‌گونه مقاومتی استفاده از ابزارهای نامتعارف و نامأنوس به راحتی از سطح هیئت‌ها و دسته‌ها جمع‌آوری شد.

اما از آنجایی که باقی ماندن این ابزار و آلات در هیئت‌ها مناسب نبود و این احتمال می‌رفت که در آینده دوباره مورد استفاده قرار گیرند و افراد فرصت‌طلب هم از این مسئله سوءاستفاده کنند، ستاد تصمیم گرفت موزه‌ای تأسیس کند. بر همین اساس از مدیر کل محترم سازمان میراث

به نظر شما جمع‌آوری و ثبت آیین‌ها و مناسک عاشورایی چقدر ضرورت دارد؟ یکی از ضرورت‌های مهم این موضوع این است که ما همه آیین‌های سنتی و کهن را در مورد تمامی موضوعات فرهنگی، به‌ویژه موضوع عاشورا جمع‌آوری و حفظ کنیم.

با تأسیس موزه‌های مذهبی چه دستاوردهایی را می‌توان در زمینه فرهنگ‌سازی مذهبی به دست آورد؟

با توجه به سرعت پیشرفتی که امروزه به لحاظ رشد فن‌آوری و سایر علوم در دنیا مشاهده می‌کنیم، گه‌گاه این احتمال وجود دارد که ما نتوانیم از نظر فرهنگی با سنت‌های بسیار پسندیده‌ی ابا و اجدادی‌مان ارتباط برقرار کنیم. ارتباطی که تأثیرگذاری آن در ماندگاری مسائل فرهنگی و ریشه‌ای بسیار زیاد و قابل توجه است؛

چندی پیش در خبرها آمده بود که در سال جاری قرار است ۱۴ موزه در سطح استان زنجان تشکیل شود. از آنجایی که یکی از این موزه‌ها مربوط به فرهنگ عاشورا خواهد بود، گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام والمسلمین «علی دشتکی»، مدیرکل سازمان تبلیغات

اسلامی استان زنجان در این خصوص انجام دادیم. این موزه که قرار است طبق برنامه‌ریزی‌های انجام شده، در اوایل تیرماه سال جاری به طور رسمی افتتاح شود، در یک بنای قدیمی زیر حسینیّه

از آنجایی که استان زنجان به عنوان پایتخت شور حسینی مطرح است به طور قطع این انتظار وجود دارد که در همه حرکت‌های فرهنگی و مذهبی و از جمله تأسیس موزه «فرهنگ عاشورایی» به عنوان الگویی برای سایر استان‌ها باشد

اعظم زنجان قرار دارد که قدمت ساختمان آن به دوره صفویه باز می‌گردد. آنچه در ادامه می‌خوانید ماحصل این گفت‌وگوست.

فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان دعوتی به عمل آمد که ایشان در جلسه ستاد شئون فرهنگی در مناسبت‌های مذهبی استان زنجان حضور پیدا کردند و متقبل شدند تا موزه‌ای را با عنوان موزه «فرهنگ عاشورا» طراحی و تأسیس کنند تا این ابزارها و وسایل از سطح هیئت‌ها و مساجد جمع‌آوری شده و با افزودن سایر تولیدات فرهنگی و هنری در این موزه نگهداری شوند.

پس از مصوبه ستاد، مدیرکل محترم سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان تلاش‌های بسیاری انجام دادند و در نهایت در طبقه زیرین حسینیه اعظم زنجان محل بسیار مناسبی با متراژی در حدود ۵۰۰ مترمربع برای تأسیس موزه عاشورا در نظر گرفته شد و بر اساس قولی که دوستان داده‌اند امیدواریم در اوایل تیرماه موزه فرهنگ عاشورا به طور رسمی راه‌اندازی شود تا ستاد بتواند به اهداف خود از تأسیس این موزه عاشورایی دست یابد.

به نظر شما، آیا تشکیل چنین موزه‌ای می‌تواند منجر به آفت‌زدایی از مراسم عزاداری متعلق به حضرت سیدالشهداء (ع)

و حذف فرهنگ‌های غلطی مثل قمه‌زنی شود؟

این موزه‌ها به طور قطع اهداف چند منظوره‌ای را دنبال می‌کنند. جالب است بدانید که ما در نمایشگاه فرهنگ

عاشورایی در خصوص بحث خودزنی و قمه‌زنی و برخی حرکات نامتعارف، شاهد این بودیم که وقتی جوانان تصاویر گردآوری شده در این خصوص را تماشا می‌کردند، بدون اینکه کسی چیزی به آنها بگوید، به این نتیجه می‌رسیدند که انجام این‌گونه اقدامات در مجالس عزاداری مناسب نیست و بعد از خروج از نمایشگاه، بیشتر در خصوص این اقدامات ناپسند تفکر و تأمل می‌کردند.

مسلم است که تأسیس چنین موزه‌هایی می‌تواند، خود به خود در کاهش انحرافات بسیار تأثیرگذار باشند و در فضایی آرام و به دور از احساس، با ایجاد شرایطی برای تفکر و تعقل، به جوان‌ها و مردم آگاهی لازم را بدهد تا جلوی

این‌گونه انحرافات گرفته شود.

پس با توجه به چنین مسائلی، شما معتقدید که تأسیس چنین موزه‌هایی می‌تواند در رشد آگاهی مردم و به‌ویژه جوانان در خصوص فرهنگ عاشورا مؤثر باشد؟

بله؛ به طور قطع بسیار می‌تواند تأثیرگذار باشد.

به نظر شما آیا تأسیس موزه عاشورا در استان زنجان می‌تواند، مشوقی برای سازمان‌های دولتی در سایر استان‌ها باشد تا آنها نیز مثل شما که زحمات بسیاری برای تأسیس این موزه کشیده‌اید، تصمیم بگیرند که آیین و مناسک مربوط به عاشورا در اقوام مختلف کشور را جمع‌آوری و ثبت کنند؟

از آنجایی که استان زنجان از لحاظ نوع عزاداری و حتی بی‌پیرایه بودن عزاداری‌های مذهبی، به عنوان پایتخت شور حسینی مطرح است، به طور قطع این انتظار وجود دارد که در همه حرکت‌های فرهنگی و مذهبی به عنوان الگویی برای سایر استان‌ها باشد.

همان‌طور که دسته‌های عزاداری استان

زنجان به عنوان الگویی برای سایر استان‌ها و جهان تشیع مطرح هستند، در مورد موزه فرهنگ عاشورایی هم استان زنجان می‌تواند، الگویی برای سایر استان‌ها باشد.

از آنجایی که

شیعیان در سایر کشورهای جهان نیز مراسم و آیین‌های خاص خود را در خصوص عزاداری برای امام حسین (ع) دارند، آیا موزه استان زنجان تصمیمی برای تبدیل شدن به یک موزه بین‌المللی در این باره دارد یا اینکه می‌خواهد فقط در سطح استان زنجان فعالیت کند؟

خوشبختانه امکانات و فن‌آوری روز، دست ما را برای فعالیت‌های فرهنگی - در صورتی که بتوانیم از این امکانات استفاده کنیم - آزاد گذاشته است. در این راستا ما راه‌اندازی هیئت مجازی جهان اسلام را انجام داده‌ایم که در مرحله اول نزدیک به یک میلیون نفر عضو می‌گیرد و قرار است طبق برنامه‌ریزی‌های انجام شده،

تأسیس موزه‌هایی درباره مسائل مذهبی به‌ویژه موضوع عاشورا می‌تواند در فضایی آرام و به دور از احساسات با ایجاد شرایطی برای تفکر و تعقل بیشتر به مردم به‌ویژه جوان‌ها آگاهی لازم را بدهد تا جلوی انحرافات را بگیرند

یکی از بخش‌های مختلف این هیئت مجازی بحث لینک دادن به موزه عاشورا باشد که عموم مردم جهان و به‌ویژه شیعیان می‌توانند از طریق اینترنت اقدام به بازدید از موزه فرهنگ عاشورا کنند.

آیا به جز سازمان‌های دولتی، مردم نیز می‌توانند در تأسیس این‌گونه موزه‌ها کمک کنند؟

اصلاً این‌گونه موزه‌ها توسط دستگاه‌های دولتی راه‌اندازی نمی‌شوند، بلکه سیاست‌های کلی که در ستاد تصویب شده‌اند، تنها از طریق متولیان امر پیگیری می‌شود. ولی متولی اجرایی آن حسینیه اعظم زنجان و هیئت امنای حسینیه بوده‌اند. به طور کلی، عرض من این است که این یک موزه دولتی نیست، بلکه موزه‌ای مردمی است.

آیا پیامی برای سایر همکاران‌تان در سایر استان‌ها دارید که هنوز اقدام به تأسیس چنین موزه‌هایی در استان‌های خود نکرده‌اند؟

مقام معظم رهبری در چند سال اخیر به شیوه‌های مختلف در مورد تقویت حوزه‌های فرهنگی اشاره داشته‌اند و در این باره جمع‌بندی فرمایش‌های ایشان را بنده می‌توانم در یک جمله «تشکیل جبهه فرهنگی در مقابل تهاجم دشمن» اعلام کنم.

برای تشکیل جبهه فرهنگی حرکات و ابزار لازم است که یکی از آنها تولیدات و گسترش کیفیت فعالیت‌ها، الگوسازی فرهنگی و ... آن هم از نوع غیر دولتی است و همه اینها مستلزم این است که ما بخش فعالان تأثیرگذار را تقویت کرده و مردم را نیز ضمن جهت‌دهی پشتیبانی کنیم که راه‌اندازی موزه فرهنگ عاشورا نیز در همین راستا صورت گرفته است.

در همین جا بنده از همه همکارانم در سطح کشور تقاضا دارم که در وهله اول، به خواست مقام معظم رهبری برای تشکیل جبهه فرهنگی توجه ویژه‌ای داشته باشند و آن را در اولویت فعالیت‌هایشان قرار دهند. دوم اینکه، برای انجام این‌گونه حرکت‌ها هدف‌گذاری داشته باشند تا شاهد بهبود روش‌ها و فرایندها به منظور افزایش سطح آگاهی عموم مردم باشیم. ان‌شاءالله اگر چنین دیدگاهی را سرلوحه اقدامات خود قرار دهیم، به طور قطع می‌توان زمینه تحقق اهداف فرهنگی و افزایش تأثیرگذاری فعالیت‌های فرهنگی را به وجود آورد. ■

بالنسبت شما

امیرعیسی ملکی

«هر چند از قبیله آینه نیستیم/همچون غبار آینه پوشی نمی کنیم»^۱
 شما نه، با شما هستیم!

شاید ما مؤمن نیستیم - به قول یکی از دوستان، البته که نیستیم - مسلمانییم. هر چند به نظر من نیازی نیست که مؤمن باشیم تا از یک سوراخ هزار و یک بار گزیده نشویم. همان مسلمانیمان به همراه اندکی تعقل کفایت می کند. حتی اگر نمی شود، می توانیم تصمیم بگیریم که اصلاً کاری نکنیم، حرفی نزنیم. در این صورت لاقول دوباره گزیده نمی شویم، آن هم از یک سوراخ.

درست می گوید. اتفاقاً اینجا، همان جایی است که باید محکم پا را بر زمین کوبید و با تمام توان برای حفظ ارزش ها اصرار کرد. از قضا جای «امر به معروف و نهی از منکر» هم همین جاست. اما عرض من چیز دیگری است. من می گویم؛ جای تأسف است که گاهی ما ارزش و اهمیت مهم ترین دارایی هایمان را آنچنان که باید و شاید درک نمی کنیم و این سوراخی است که نمی دانم چندین و چند بار باید از آن گزیده شویم تا بالاخره سر انصاف بیایم و طرحی نو دراندازیم. از آن جهت نمی گویم سر عقل که اتفاقاً درباره نوع عملکرد خویش می اندیشیم، منتها با معیارها و سلیقه شخصی و جهت دستیابی به منظور مورد علاقه خود.

شما شک دارید که سلامتی روح برای هر شخص و سلامتی روح جمعی برای هر جامعه، یکی از مهم ترین دارایی های آن جامعه است؟

یک سؤال هم از شما آقای مسئول دارم. چند هنرمند؟ چند هنرپیشه؟ چند ورزشکار؟ چند سیاستمدار؟ و ... فکر می کنید صافی سلیقه های شما چه عیب و نقصی دارد که برخی از کسانی که مجبورند، در برهه های از فعالیت های هنری، فرهنگی، مذهبی، ورزشی، سیاسی و ... از آن عبور کنند، ناخودآگاه یا خودآگاه تبدیل به شخصیت هایی با ابعاد و رنگ های متفاوت می شوند و از لحظه ظهور در عرصه فعالیت ها تا رسیدن به شهرت و در برخی موارد تا

نشستن بر منصفه مصاحبه در شبکه های خارجی و ... در جزئی ترین حالات رفتاری از پوشش و طرز بیان و ... تا کلی ترین رفتارها و کردارها دچار تغییرات شدید ماهوی می شوند؟ و فکر می کنید، این اتفاق تا چه زمانی و تا کجا باید ادامه پیدا کند تا برای حل این معضل چاره ای بیندیشیم؟

اشتباه نکنید. این معضل به چهره ها باز نمی گردد. آنها در نهایت چیزی را نشان می دهند که در ابتدا پنهان می کردند و شاید مجبور به پنهان کردنش بودند. این اشتباه بیشتر متوجه خودمان است؛ یعنی این ما هستیم که منفعلانه و عاجزانه از این چهره ها می خواهیم که تظاهر کنند و به قول خودمان لاقول ظاهر را حفظ کنند. به نظرم می رسد که حکایت ما حکایت آن قومی است که در آن «پدران پاره زمینی پی معبد هستند/پسران میوه ممنوعه در آن می کشتند»^۲ و فکر می کنم این خطا از آنجا ناشی می شود که بسیاری از فعالیت های فرهنگی و ... انجام می شود برای آنکه کاری انجام شده باشد، فقط همین.

بگذارید عرصه سخنم را کمی تنگ تر کنم و وارد حوزه متناسب با این ماهنامه شوم؛ یعنی عاشورا، امام حسین (ع) و مناسک آیینی. سؤال من از همه عزیزانی که در این باره به فعالیت می پردازند، این است؛ آیا امروز بعد از حدود ۳۰ سال از انقلاب «اسلامی» توانسته ایم با ارائه راهکارهای مناسب جامعه ای را بسازیم که از زندگی کردن در آن خوشوقت و سعادتمندیم؟ آیا می توانیم سرمان را بالا بگیریم و بگویم آنچه تجلی فرهنگ، مذهب، سیاست و ... در این جامعه است، مطلوب ماست و مقتدرانه در بنای این ساختمان، در همه خوب و بدش سهیم هستیم؟ آیا از وضعیت آموزش و پرورش نوجوانان و جوانان و آحاد جامعه رضایت کامل داریم؟ آیا خوشوقتیم که آنچه بازتاب همه عینیت های جامعه است، محصول شعور، فهم و بینش ما در مجموعه همه فعالیت هایمان است؟

بدیهی است که لازمه هر نوع فعالیت فرهنگی، مذهبی، سیاسی و ... شناخت درست و منطبق با گروه های هدف یعنی کسانی که آن فعالیت ها در جهت آموزش و پرورش آنها صورت می گیرد، است و بدیهی است که جامعه ما همین چیزی است که هست؛ یعنی برای تعریف جامعه و باورهای موجود

در آن نباید ایده آل ها و مطلوب های ذهنی خود را جایگزین واقعیت های موجود در آن کنیم که اگر چنین کنیم، چنان شود - حکایت سوراخ و ... -
 ■ گفتیم؛ «سلامتی روح برای هر شخص و سلامتی روح جمعی برای هر جامعه یکی از مهم ترین دارایی های آن جامعه است.» بگذارید سری هم به سرچشمه بزنیم. در جایی خواندم: «یکی از دوستان می گفت؛ در ایام تبلیغات، حدیثی به دستش رسیده که «ایرانیان زمینه ساز ظهور مهدی (عج) هستند و نشانه آنان پارچه های سبز است!» از آن طرف چندین و چند بار این حدیث را برایم فرستاده اند که «از نشانه های یاران دجال، شال های سبزی است که بر خود می بندند!»^۳ بعضی چیزها را هم با گوش خودمان شنیدیم. حضرت آقای مسئول فرهنگی! حضرت آقای فعال سیاسی! حضرت آقای کاسه داغ تر از آش! از کجا فهمیدی تو هستی که در لشکر امام حسین (ع) هستی؟ از کجا فهمیدی، هر کس مخالف توست، پس یزیدی است؟ در همان متن خواندم؛ «اگر این نوع تبلیغات در دو طرف، سوءاستفاده از احساسات دینی مردم نیست، پس چیست؟ اگر این کارها اخباری گری نیست، پس چیست؟ آخر چه کسی به ما یاد داده، دست ببریم و احادیث را بی توجه به صحت و سقم و قوت و ضعف سند و راویانش و بی توجه به قواعد و تطبیقش بر مصادیق، از یک گوشه برداریم و به راحتی به نفع خود یا به ضرر دیگران به کار ببریم؟»
 جناب آقای هنرمند! جناب آقای سیاستمدار! جناب آقای مسئول فرهنگی و مذهبی! جناب آقای هم مرام ماکیاول! این رفتار شما برای بسیاری از جوانانی که شما را الگوی خود قرار داده اند، در طولانی مدت نوعی بی هویتی و چندگانگی به ارمغان می آورد و بدتر از آن بذر نفاق است که در جان جامعه کاشته می شود و این روش و منش تبدیل به یک فرهنگ عمومی خواهد شد.

■ واقعیت امر این است که در برخی موارد علی رغم ظرفیت بالایی که در مفاهیم و اعتقادات ارزشمند دینی و ملی ما وجود دارد، توانسته ایم بهره مفید را برای تضمین سعادت جامعه ببریم و فکر می کنم که زمان آن رسیده است که به دور از ادا و اطوارهای ساختگی، فکری برای رسیدن به جامعه مطلوب خود از حیث فرهنگی و ... بکنیم و یقین دارم، نخستین گام رسیدن به یک جامعه مطلوب، پیراستن گرد و غبار نفاق و کاشتن دانه صداقت در گفتار و کردار و پندارمان است. ■

پی نوشت:

۱ و ۲ - محمد کاظم کاظمی

خیمه

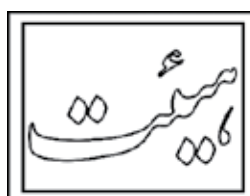
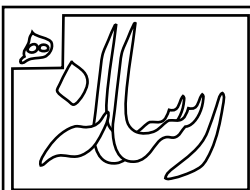
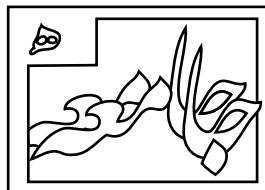
ماهنامه
فرهنگی
اجتماعی
خیمه

KHEIMEH
Cultural - Social
Monthly



در این بخش طی گفت و گوهایی با «حسن احمدی»، مدیر طرح و برنامه مرکز پویانمایی صبا و «محمد ابراهیم سطلانی فر»، نویسنده و کارگردان و سرپرست کارگاه تاریخ و ادیان این مرکز و «ناهدی صمدی امین» کارگردان انیمیشن «عاشورایان» که در این زمینه کارهای موفقی دارد، پرونده‌ای درباره تولید انیمیشن‌های دینی ارائه کرده‌ایم؛ بررسی شعر آیینی با موضوع و موضع دینی با محوریت امام علی (ع) در شعر فارسی در گفت و گویی با حجت‌الاسلام والمسلمین، محمد صحتی سردرودی، از دیگر موضوعات این بخش است.

KHEIMEH
Cultural - Social
Monthly



مرحوم ملاحسن «داعی» آرائی

بشنوای شیعه کنون شمه‌ای از منقبت شیر خدا، صهرا^۱ پیمبر، علی آن ساقی کوثر، ولی الله غضنفر، شه اقلیم ولایت، دُر دیهیم^۲ هدایت، مه افلاک کمال، اختر اقبال و جلال، آنکه محیط کرم و پادشه محترم و مولدش اندر حرم و سید و سالار امم باشد و فرزند ابوطالب فرخنده مناقب، اسدالله یدالله، بتول است و را همسر و سبطین رسولش دو پسر، آنکه بلافصل وصی نبی و نایب خاصش بود اول ز امامان مبین است، که با تخت و نگین است، دگر جبل متین است و در کعبه صدف، شحنه ایوان نجف، قدوة اقطاب سلف، مخزن اسرار شرف، پادشه من عرف و لو کشف و نور فروزنده و یکتاگهر از جوهر ارزنده که از یمن نفس مرده پوسیده کند زنده و از فیض نظر غیرت خورشید و سها^۳ را.

هست منقول که آن زوج بتول و وصی خاص رسول و شه اورنگ قبول، آنکه نبی لحمک لحمی به حقش گفته و بس گوهر مداحی وی سفته و هم آیت تبلیغ به شأنش شده نازل، به غدیر خم و در بیعت او آمده مردم به یکی روز به مسجد شده بر منبر و می گفت: سلونی که یکی سائلش از مسکن جبریل پرسید نظر کرد شه و دید به سوی فلک و خیل ملک، مشرق و مغرب همه آفاق بفرمود تو خود روح امینی که درین بزم مکینی، به همان لحظه نهان شد ز نظر سائل و یاران متعجب شده گفتند بفرما که چه سر است، علی گفت الهی که همین شخص ز جبریل پرسید و مکانش نظر افکنده بدیدم ملکوت همه اطباق سماوات، دگر جمله زمین و طبقات انفس و آفاق، ندیدم اثرش گشت عیان آنکه خودش روح امین است، خبر دادم و او گشت ز هر دیده نهان تا که ازین معجز و هم کشف و کرامت کند آگاه شما را.

حیدرا! صفدر لشکرشکنا! بوالحسنا! ای که ز شمشیر دو سر، ملت اسلام عیان ساختی و رایت ایمان تو برافراختی و تاختی آن دُلْدُل^۴ صرصر روش برق وش اندر صف هیجا و به میدان و غا^۵ گرم پی رزم اعادی به همه کشور و وادی و شکستی تو به هر حمله مردانه بسی لشکر و بستی سد بربر، به مثل سد سکندر و در بئر علم کرده دلیرانه مصافی که شدت دیو مسخر، زد و انگشت ز جا کنده در خیبر و پل ساخته بر معبر و بس شیردلان را ز شجاعان عرب طعمه شمشیر نمودی و در افکنده ز مرکب، ز غضب حارث و مرحب، شده مقتول حسام^۶ تو هشام و پس از آن جبله و هم عمر و دگر عنتر و پس عمرک بن عبدود کافر و زان ضرب ثواب ثقلین است تو را هم احد و بدر و حنین است تو را فتح حرم، کسر صنم، سیف و علم، حسن شیم، جود و کرم، لوح و قلم، جمله تو را هست مسلم، تویی آن کس که به جان کرد مواسات رسول دو سرا را.

پی نوشت:

- ۱- خویشاوندی، داماد
- ۲- تاجی که مخصوص پادشاهان است.
- ۳- ستاره‌ای معروف و باریک در بنات‌النعمش
- ۴- نام اسبی که امیر مصر به پیامبر (ص) هدیه داده بود.
- ۵- کارزار و جنگ
- ۶- شمشیر بران



تکلیف مالایطاق

سرویس ادبیات: «سر ارادت ما و آستان حضرت دوست/ که هر چه بر سر ما می‌رود ارادت اوست»، خدا را شکر.

شاعری را می‌شناسم که به قول خودش شعر را می‌زاید و زندگی را بستر اندیشه و عشقی می‌داند که حاصل پیمانش مولودی پاک و خلف به نام ایمان است. این بنده خدا شعرهای آیینی‌اش را - در اینجا منظوم شعرهایی با موضوع دینی و به طور عمده در مدح ائمه معصومین (ع) است - در گوشه دنج بی‌دنیایش جمع می‌کند و با محک دانسته‌هایش آنها را و بهتر بگویم خود را در بوتۀ ارادت به صلابه نقد می‌کشد و به گونه‌ای شعرهای شرحه‌شده از شوق را از حیث فرم و محتوا حلاجی می‌کند که آدم را سر ذوق می‌آورد. کوتاه کنم، این رفیق ما عمده شعرهایی را که با موضوع دینی می‌سراید، هدیه می‌کند به جوی پاک و روان و می‌گوید: خجالت می‌کشم شعری بگویم که در آن نامی از خوبان عالم برده شود و از لحاظ فرم و محتوا ضعیف باشد. به قول استاد محمدعلی بهمنی: «این غزل‌ها - همه جانپاره دنیای من‌اند/ لیک با این همه از بهر تو می‌خواهمشان» مدح و منقبت خوبان عالم، تکلیف مالایطاقی است که گمان نمی‌کنم حالاً‌ها از عهده آن برآیم. ان‌شاءالله خودشان عنایتی کنند.

بگذریم؛ در یکی از شماره‌های اخیر این ماهنامه در صفحاتی که با عنوان «مضمون ناب» و قبل‌تر «زرمه» و گاهی متناسب با زمان «اندوه نیلی آه» نامیده می‌شود، شعری آمده است که مورد انتقاد برخی از استادان عزیز قرار گرفت. بی‌تردید فرمایش دوستان و استادان عزیز مبتنی بر این حقیقت است که اشعاری که درباره مدح و منقبت ائمه معصومین (ع) در نشریات ذکر می‌شود، باید از بدیهی‌ترین اصول شعری بهره‌مند باشند و از لحاظ مفهومی و سطح بیان نمره قابل قبولی کسب کنند و جایز نیست، اشعاری که با موضوع دینی سروده می‌شود، خدایی ناکرده به بیراهه و هن و ابتذال کشیده شود، هرچند نیت شاعر خیر باشد. این حرف کاملاً درست و حسابی‌ای است. موضع من نیز در قبال اشعاری که در ماهنامه ذکر شده‌اند و احیاناً به

آن بیراهه کشیده شده‌اند، پوزش و عذرخواهی است و «دلم می‌خواهد، نقطه بگذارم، تماش کنم.»^۱ اما گزارشی از پیگیری سرویس ادبیات، درباره آنچه گذشت، خالی از لطف نیست؛

واکنش شدید دوستان به صفحه شعر در آن شماره و مقایسه محتوای آن با اشعاری که در همان نگاه اول وهن و ابتذال در آن هویدا است و فاصله ضعف شعر مذکور با ضعف اشعاری که با این موضوعات در برخی از ماهنامه‌ها و روزنامه‌ها و ... دیده بودم، آنچنان تعجب را برانگیخت که فوری با چهار تن از دوستان و استادان گرامی تماس گرفتم و شعر را برایشان خواندم و نظرشان را جویا شدم. یکی از استادان عزیز گفت: «این شعر اگرچه موهون و مبتذل نیست، اما شعر قوی‌ای نیز محسوب نمی‌شود و از سطح کیفی بالایی برخوردار نیست. شعرهای قوی و بسیار خوبی در این باره موجود است.» به نظر شاعر توانمند، حمیدرضا شکارسری، این کار نه از لحاظ فنی و نه به لحاظ محتوا و معنا کار خوبی نیست و علی‌رغم اشکال‌های دستوری و ضعف تألیف از بدیهی‌ترین اصول شعری بی‌بهره است.

یکی دیگر از دوستان عزیز گفت: «من اصولاً با شعرهایی که ائمه معصومین (ع) را در حد انسان‌هایی رنجور و ضعیف نشان می‌دهند، مخالفم. هدف این گونه اشعار، نگه داشتن جامعه در حدی ضعیف و درگیر کردنشان با اعتقاداتی ضعیف است. بیان درد و ضعف برای ایشان از هر شاعری حتی حافظ و سعدی هم که باشد، خطاست.»

با استاد حجت‌الاسلام والمسلمین ابوالقاسم حسینی (ژرفا) نیز تماس گرفتم. نقد نجیب ایشان درباره شعر این گونه بود:

«- زبان این شعر ضعیف است و هرچند ممکن است که آمیزش محاوره با زبان اصلی عمدی باشد؛ این عمد روا نیست.

- اگرچه زبان، زبان معمولی است، این گونه اشعار از لحاظ عاطفی اثرگذار هستند و حوزه عاطفی مؤثرتری دارند و معمولاً درک و بهره این اشعار نیازمند تأمل و وقت‌گذاری نیست.

- اگرچه شعرا و مداحان می‌گویند این شعر،

«زبان حال» است، اما سطح بیانی نباید از سطح مفهومی بکاهد. این گونه شعرها اگر چه با نیت خیر سروده می‌شوند و از لحاظ عاطفی بسیار تأثیرگذارند، اما باید به سمت روئین مفهومی نیل کنند.»

همه چیز را گفتم، الا علت نگارش این سطور. در مقدمه کتاب شاعر آن شعر آمده؛

«هزار مرتبه شویم دهان به مشک و گلاب/ هنوز نام تو بردن کمال بی‌ادبی است.

حقیر کمترین قصد ایراد سخن و مقدمه‌چینی ندارم، چراکه خود را شاعر نمی‌دانم و بدون هرگونه تعارف و شکسته نفسی بی‌جا هیچ ادعایی در زمینه شعر و مدیحه‌سرایی آستان آل الله (ع) ندارم.

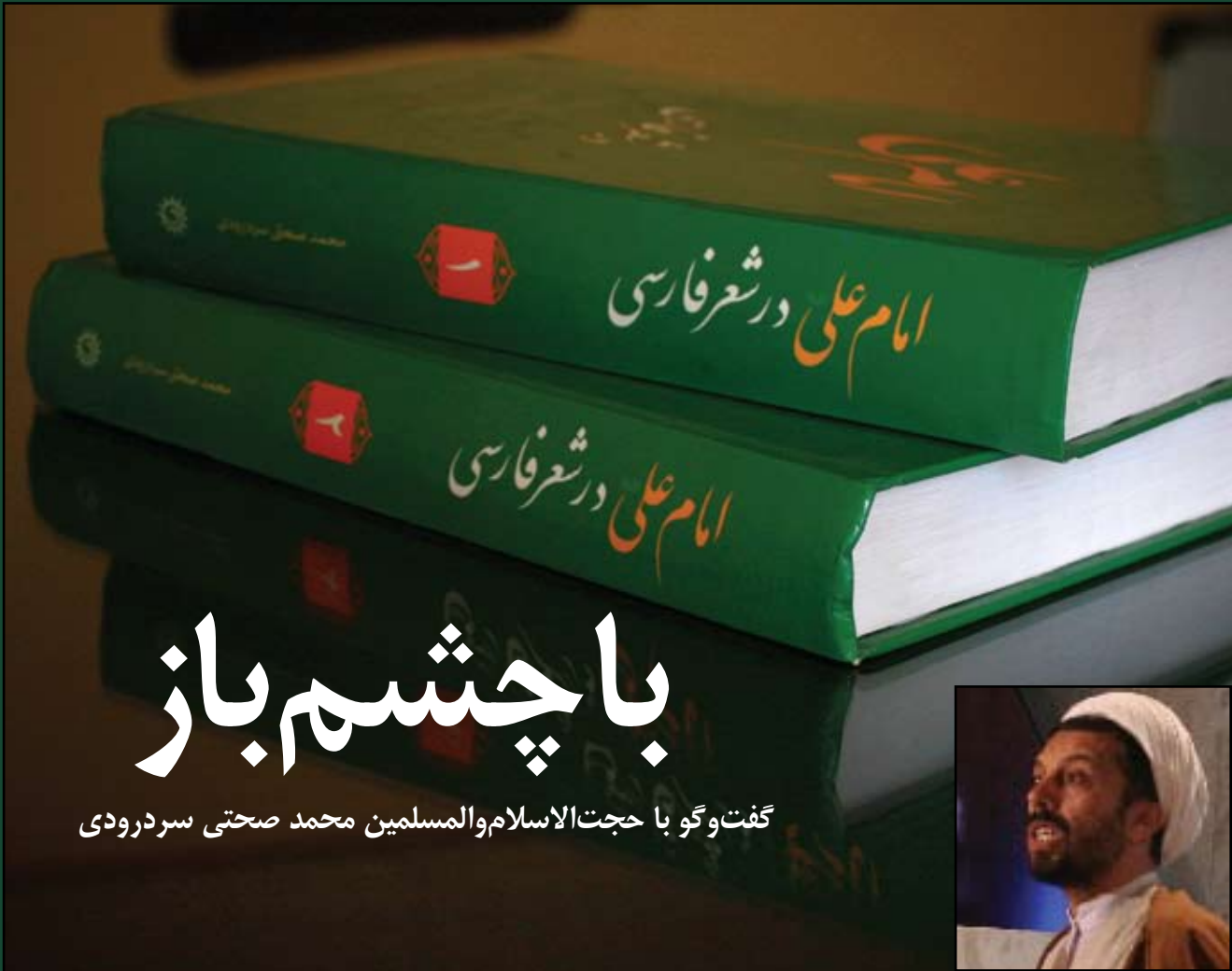
می‌دانم که این مجموعه دارای ایرادات ادبی خارج از شمار و اندازه است که از دید نکته‌سنجان و خوانندگان فهیم دور نخواهد ماند. پس خاضعانه دست همه ارادتمندان خاندان عصمت و استادان و بزرگان صاحب قلم را می‌بوسم و تمنا می‌کنم با ذره‌پوری، به دیده اغماض به دست‌نوشته‌های حقیر بنگرند. امید دارم به عنوان حرف دل به دل بنشینند.»

خدا رحمت کند سیدحسن حسینی را که می‌گفت: «عده‌ای از شعرا، خودشان از شعرشان بهترند. برخی دیگر شعرشان بهتر از خودشان است. عده کثیری نه خودشان خوب‌اند و نه شعرشان و بالاخره تعداد اندکی هم خودشان خوب‌اند و هم شعرشان. البته لازم به یادآوری است که این گروه آخر را می‌توان گروه «کیمیا» نام نهاد!»

راست می‌گوید صائب که «گر سخن اعجاز باشد، بی‌بلند و پست نیست/ در ید بیضا، همه انگشت‌ها یک‌دست نیست» از دوستان و استادانی هم که توقع راهنمایی و انتقاد مستقیم و بی‌سر و صدا داریم، گلایه نمی‌کنم و «سه نقطه می‌گذارم و می‌روم»^۲ اما «از دم صبح ازل تا آخر شام ابد/ دوستی و مهر بر یک عهد و یک میثاق بود» موضع ما درباره آنچه گذشت، همان است که گفتم. ■

پی‌نوشت:

۱ و ۲- سیدعلی صالحی/گزیده اشعار



با چشم باز

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین محمد صحتی سردرودی



گرفته است؟

تا آنجا که حافظه‌ام یاری می‌کند، برخی از معیارها به قالب‌ها و شاکله‌های شعری برمی‌گشت و برخی دیگر از جهت معانی و مفاهیم اشعار بود. از نظر قالب، فصاحت و بلاغت ظاهری اشعار، دنبال اشعاری بودم که از صمیمت بیشتری برخوردار بوده و تکلف، تصنع و مشکلات فنی (از جهت ضعف در قافیه یا وزن و ...) نداشته باشند. در این خصوص اشعار را تا جایی که ممکن بود تصحیح و اگر امکان نداشت، حذف می‌کردیم.

از جهت محتوا و مفاهیم، اشعاری که دچار اغراق‌گرایی و افراط شده بودند، حذف کردیم؛ برای نمونه، از کتاب «گنجینه‌الاسرار» عمان سامانی، قصیده بلندی در مدح حضرت علی (ع) وجود دارد که از کل آن قصیده چند صفحه‌ای، تنها چند بیت (در حدود ۴ یا ۵ بیت) گزینش شده، یعنی قصیده به غزل

به بهانه‌ی مبالغه در شعر به ورطه‌ی مخوف غلو و افراط افتاد که مولا (ع) خود گفت: «هَلْکَ فِی اثْنان: مَحَبَّ غَالٍ وَ مِبْغُضِ قَالٍ»؛ «دو گروه درباره‌ی من به هلاکت رسیدند: دوستان افراطی و دشمنان کوتاه‌نگر»
حجت‌الاسلام صحتی سردرودی می‌گوید: «من از توصیف امام علی (ع) بسیار عاجز و ناتوانم و اعتراف می‌کنم که نمی‌توانم در این باره چیزی بنویسم. تو گویی قلم از هیبت علی (ع) می‌شکند و فکر از اندیشیدن فرو می‌ماند.» آنچه در ادامه می‌آید، گفت‌وگویی است که درباره‌ی کتاب با استاد داشتیم؛

با توجه به اینکه شما اشاره کردید که این مجموعه از بین بیش از ۳ هزار صفحه برگزیده شده، معیار شما در گزینش اشعار چه بوده و با چه شاخص‌ها و اولویت‌بندی‌هایی این انتخاب صورت

«امام علی (ع) در شعر فارسی» عنوان کتابی است که در دو جلد و چهارده فصل تنظیم شده است. جلد اول این کتاب از ولادت تا امامت در شش فصل و جلد دوم از غربت تا شهادت مولا (ع) را در هشت فصل دربرمی‌گیرد. حجت‌الاسلام والمسلمین «محمد صحتی سردرودی» در این کتاب، ادوار مختلف از زندگی‌نامه‌ی امام علی (ع) را -از ولادت تا شهادت- از زبان شیرین و جذاب شاعران حکایت می‌کند. اشعار ذکر شده، حاوی موضوعات متنوعی چون، «اسم یا ذکر علی (ع)»، «ولایت علی (ع)»، «خطبه‌ی رسول‌الله (ص) در غدیر»، «فضایل و مناقب مولا»، «امامت و خلافت مولا»، «مکتب مرتضی‌علی (ع)»، «علم علی (ع)»، «عرفان علی (ع)» و ... است. این کتاب حاصل تلاش ایشان از سال ۱۳۶۵ تا زمان تألیف کتاب است. استاد می‌گوید: «هر چه دارد از خدا دارد علی» پس نباید

آورده شده است.

در مقدمه یکی از مجموعه‌هایی که بعد از این کتاب داشتیم، به نام «سوگنامه ۱۴ معصوم» تاریخی ذکر کرده و اعلام کرده‌ام که تا این تاریخ اشعار گردآوری شده‌اند. اگرچه نمی‌توان ادعا کرد که همه اشعار مرتبط را بازبینی کرده‌ایم، ولی بیشتر آنها را دیده و گلچین کرده‌ام. خیلی از موارد هم بوده‌اند که از این جهت که ارزش چاپ مجدد نداشته‌اند، نیاورده‌ام. من قصد نداشتم، اشعاری که در مقام مداحی استفاده می‌شوند و مخاطب عام دارند و به حد نصاب هنری نرسیده‌اند، بیاورم.

آیا از ماحصل اشعار سروده شده درباره حضرت علی (ع)، منش، روش و دیدگاه آن حضرت قابل استخراج است؟ آیا می‌توانیم از دل این اشعار حکمت علوی را درک و مشاهده کنیم؟ دیگر اینکه موضوع غالب در این گونه اشعار، چه مباحثی است؟

آنچه که از مجموع این اشعار می‌توان استنباط کرد این است که به نظر می‌رسد بیشتر شعرا چندان اهل مطالعه نیستند؛ یعنی یک شاعر قیل از سرودن هر شعری باید یک بار یک ترجمه از نهج البلاغه که به نظر من بهترین ترجمه را مرحوم استاد سیدجعفر شهیدی دارند، بخواند و با چشم باز به سراغ سرایش خود برود؛ به عنوان مثال بیشتر زبان حال‌ها به خود شعرا برانده است تا به مولا (ع)؛ یعنی شاعر، انسان بزرگی را فرض می‌کند و تا آنجا که عقل خودش قد می‌کشد، او را بزرگ می‌بیند. بعضی هم که حس می‌کردند حضرت نسبت به آنها خیلی بزرگ است، دچار افراط شده و از طرف دیگر بام افتاده‌اند. در این حالت از امام (ع) اسطوره و افسانه‌ای ساخته‌اند که گویا دست‌نیافتنی و غیر قابل دسترس است. غافل از آنکه ایشان امام اول شیعیان هستند و ما باید ایشان را بشناسیم تا بتوانیم به او اقتدا کنیم. اگر قرار باشد امام (ع) را از حد انسان بودن خارج کنیم، به نظر من، این نه تنها مدح نیست، بلکه ذم است. یکی از شعرا با صنعت تضاد شعری دارد که می‌گوید: «شیخ شهر آنچه به خوبی ملکش می‌خوانی/حرف من نیز همین است که او آدم نیست» چنین برخوردهایی با امام (ع)، مدح نیست. انسان خود خلیفه الله است. چنانچه قرآن می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا آتَا

دادن» بوده است و مراد ایشان معنای لغوی کلمه بوده و نه معنای اصطلاحی آن. ما در اینجا برای پرهیز از به اشتباه افتادن خواننده، این بیت را حذف نکرده و در پاورقی این مطلب را توضیح داده‌ایم. البته سعی بر این بوده که موارد این چنینی کم باشد؛ چراکه تعمد داشته‌ایم، از پاورقی کمتر استفاده کنیم. علت هم این بوده که زیر رگبار اطلاعات رسانه‌های عمومی و عوالم مجازی کسی رغبت به مطالعه یک مثنوی و قصیده طولانی را نخواهد داشت. ما نیز دست به تلخیص و گزینش زده‌ایم.

چقدر می‌توان امیدوار بود که این کتاب حاصل گزیده‌ای از همه یا لاقلاً بیشتر اشعار سروده شده در مورد امام علی (ع) باشد؟ احتمال دارد که به شعری برخورد کنیم که اگر شما آن را می‌دیدید، در کتاب نقل می‌کردید، ولی چون شما آن شعر را ندیده‌اید، در کتاب نیامده است؟

بیشتر زبان حال‌ها به خود شعرا برانده است تا به مولا (ع)
یعنی شاعر، انسان بزرگی را فرض می‌کند و تا آنجا که عقل خودش قد می‌کشد او را بزرگ می‌بیند
بعضی هم که حس می‌کردند حضرت نسبت به آنها خیلی بزرگ است دچار افراط شده و از طرف دیگر بام افتاده‌اند

این امکان وجود دارد، منتهی خیلی کم؛ یعنی ممکن است در هر ۵۰۰ شعری که ارزش دوباره چاپ شدن را داشته، یکی را ندیده باشیم. البته این اشعار شامل اشعاری هستند که تا تاریخی که در مقدمه ذکر شده سروده شده‌اند. پس از آن تاریخ حتماً اشعار زیبای دیگری چاپ شده که بالطبع ما ندیده‌ایم. اما قبل از این تاریخ، از سال ۱۳۶۵ تاکنون هر جا شعری، چنگی به دل می‌زد، برگزیدیم. به هر حال نمی‌توان ادعا کرد که همه را آورده‌ام، به خصوص ممکن است در کشورهای دیگر اشعاری به زبان فارسی چاپ شود که اصلاً به دست ما نرسد، از همان‌ها هم که به ایران رسیده، همه را ندیده‌ایم. بنابراین نمی‌توان مدعی شد که همه اشعار

تبدیل شده است. بقیه ابیات در عین اینکه از جهت قالب و شاکله، مغلق بودند و نیاز مداوم به تفسیر در پاورقی داشتند، از نظر محتوا هم در بیان مطلب دچار نوعی غلو شده بودند.

معیار دیگری که در گزینش ما مؤثر بود، اشعاری را که دارای واژگان کوچک و بازاری، بودند و ایجاد دلزدگی می‌کردند تا جایی که خود شاعر بعد از مدتی از استفاده از آنها پشیمان می‌شود، حذف شدند؛ برای مثال، در جایی که شاعری به مضموم خود از طریق واژه «ناکس» می‌تازد؛ واژه‌ای که از لحاظ هنری، نه تنها آرایه‌ای با خود ندارد، بلکه تنها فحش و ناسزا است، حذف شده است.

آیا این نوع برخورد در مقوله ادبیات و به ویژه شعر که سراینده‌گان آن با حساسیت خاصی از کلمات استفاده می‌کنند، در طولانی مدت و طی تصحیح‌های متوالی، منجر به تحریف تاریخی موضوعات نخواهد شد؟ چرا وقتی می‌خواهیم از شاعری همچون عمان سامانی نقل قول کنیم، عقیده خود او را انتقال ندهیم؟

در آن صورت مجبور بودیم به تحلیل بپردازیم که نوع کارمان از تهیه کتاب گزیده اشعار به تهیه و تنظیم کتاب و نقد و بررسی تغییر پیدا می‌کرد. البته ما برای پیشگیری از این مشکلاتی که شما فرمودید هم فکر کرده‌ایم؛ بدین ترتیب که هیچ شعری را بدون سند نیاورده‌ایم، مگر اشعاری که قبل از این کتاب چاپ نشده و از شعرای معاصر به دست آمده بودند. این اشعار نیز قبل از چاپ به رؤیت مجدد شعرا رسیده و رضایت آنها کسب شده است. در مورد اشعاری که از شاعران معاصر به دست نیامده، همگی با ذکر منابع و مأخذ آورده شده‌اند و مخاطب با رجوع به مأخذی که ذیل هر اثر آورده شده، اصل شعر را خواهد دید.

البته ما در خود ابیات دست نبرده‌ایم و این تغییرات تنها در خصوص حذف ابیات صورت گرفته؛ چراکه نیازی به آوردن تمامی ابیات یک قصیده نبود. چیزی به اشعار اضافه نشده و برخی ابیات به طور کامل حذف شده‌اند. گاهی هم که نتوانسته‌ایم بیتی را حذف کنیم، در پاورقی توضیح داده‌ایم؛ به عنوان مثال، قصیده‌ای از احمد عزیزی که در جایی به پیغمبر (ص) جعل حدیث نسبت داده که منظور ایشان از کلمه جعل، «قرار

بشر مثلکم یوحی الی...»* در دو مورد به این مسئله اشاره و مثلکم هم در هر دو مورد آورده می‌شود. فقط تنها تفاوتی که قائل می‌شود این است که: «یوحی الی»: «به من وحی می‌شود»

حضرت علی (ع) انسان بودند؛ نه شخصی ماورای انسان. شعرا در برخی موارد از این مسئله غفلت کرده‌اند. اما از حق نمی‌توان گذشت که این مسئله شامل همه شعرا نمی‌شود. شاید بتوان گفت نیمی از شاعرانی که در این زمینه شعر سروده‌اند، انسان‌های فرهیخته، باکمال، باسواد و اندیشمندی بوده‌اند؛ چه از قدما و چه از معاصران. از فصل ۱۴ این کتاب فصلی به نام «مکتب علی (ع)» داریم یا فصلی به نام «سخن علی (ع)» که نشان می‌دهد به نهج‌البلاغه یا اندیشه‌های امام (ع) هم التفات بوده است. چنین رویکردهایی لازم و زیباست اما به اندازه کافی نیست. باید سعی کنیم در این وادی بیشتر پیش برویم.

بنابراین آنچه شما در کتاب «فاطمه زهرا (س) در شعر فارسی» درباره شعر مذهبی گفته‌اید؛ مبنی بر اینکه دچار نوعی تکرار مکررات و فقر فکر و اندیشه است، به طور خاص در مورد اشعار مرتبط با امام علی (ع) نیز وجود دارد. همین طور است؛ البته در این گونه از اشعار این ضعف زیاد

تنها
موضوع دینی داشتن
کافی نیست
باید موضوع دینی نیز باشد

نیست. ولی در زمینه اشعار مرتبط با فاطمه زهرا (س) زیاد است. همین مسئله ما را مجبور کرده در آنجا به این امر بپردازیم. درباره امام علی (ع) از آن جهت که بیش از بانو فاطمه زهرا (س) شناخته شده‌اند، این ضعف کمتر به چشم می‌خورد. اگرچه هر دو بزرگوار غریبانند، اما در مقایسه با حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س) غریب‌تر هستند تا آنجا که تا ۱۵۰ سال پیش شاید اصلاً شعری درباره ایشان پیدا نشود. از عصر صفوی یک یا دو نمونه قصیده بیشتر نیست، آن هم چنگی به دل نمی‌زند. از قدما هم تنها

شعری به ناصر خسرو علوی نسبت داده‌اند که البته این شعر هم در دیوان‌هایی که به دقت تصحیح شده وجود ندارد. اصلاً فاطمه زهرا (س) در طول تاریخ در ادبیات فارسی غریب بوده‌اند و این مطلب به مرور برای خود جا

باز می‌کند. متأسفانه قدما از آن غفلت داشته‌اند.
برخی از استادانی که ما در خدمت آنها بودیم، روی این مطلب تأکید دارند که ما به جای اینکه به تشویق شعرا برای سرایش اشعاری با موضوعات دینی بپردازیم، آنان را تشویق کنیم.

این بسیار حرف حسابی است.

حدود و ثغور این مسئله کجاست؟ عده‌ای نیز می‌گویند اگر این به سمت نوعی افراط برود، ما ممکن است از آن دسته اول نیز محروم شویم.

مسئله این است که اثبات شیء نفی ما ادا نمی‌کند. التفات به هر دو جنبه لازم است؛ هم موضع دینی داشتن و هم موضوع دینی داشتن. اگر شما موضع دینی داشته باشید، اما مصداق تعیین نکنید، مخاطبتان تنها خواص و متفکران خواهند بود. عوام از این اشعار محروم می‌مانند؛ به فرض شما موضعی به جهت «توسعه صلح» در نظر بگیرید و این رسالت را برای خود برگزینید که کاری کنید که در هیچ کجای دنیا جنگی درنگیرد. این یک موضع دینی است؛ چراکه ادیان الهی برای آن آمده‌اند که ظلم نباشد و عدالت حکم فرما شود. می‌توانید این امر را به صورت اعم به مخاطب خود انتقال دهید، طوری که مخاطب همه را از خود بداند و بگوید: «خلق همه یکسره نهال خدایند/هیچ نه بشکن از این نهال و نه برکن» یا به قول سعدی: «بنی آدم اعضای یکدیگرند/ که در آفرینش ز یک گوهرند» این لازم است، اما کافی نیست. عوام و به‌خصوص جوان‌ها دنبال آن‌اند که مصداق بیابند؛ کمال را می‌خواهند و دنبال انسان کامل هم هستند. کمال را با ارائه انسان کامل بهتر می‌توانید به مخاطب عوام تفهیم کنید. بنابراین شمول

یک شاعر
قبل از سرودن هر شعری
باید یک بار
یک ترجمه از نهج‌البلاغه
که به نظر من بهترین ترجمه را
مرحوم استاد سیدجعفر شهیدی دارند
بخواند و با چشم باز
به سراغ سرایش خود برود

مخاطبتان بیشتر خواهد شد. تنها موضع دینی داشتن کافی نیست. باید موضوع دینی نیز باشد. این همه در قرآن به قصص انبیاء پرداخته شده، برای چیست؟ و گرنه خداوند هم می‌توانست به صورت کلی به بیان مطالب بپردازد، اما آمده و مصداق تعیین کرده است؛ به فرض اخلاص را ستوده و حضرت ابراهیم خلیل الله (ع) را هم به عنوان مصداق آورده است. بنابراین هم موضع و هم موضوع هر دو در قرآن موجود است.

در صورت پذیرش این مطلب، روش راهبردی برای تشویق شعرا به سمت هر دو دیدگاه چه خواهد بود؟ برای موضوع دینی معمولاً به احادیث و روایاتی که برای ثواب در شعرهای اینچینی گفته‌اند، اتکا می‌شود. اما در مورد دیدگاه دوم چه روش راهبردی‌ای برای تشویق شاعران وجود دارد؟

ابتدا عرض کنم که یکی از استادان در مقاله‌ای می‌گوید: «به ما احکام دین را آموخته‌اند، اما نگفته‌اند اهداف دین چیست؟» شناختن این اهداف از طریق شعر و تأمین این اهداف در شعرهایشان به صورت بسترسازی و فراهم کردن زمینه برای نزدیک کردن مخاطبان به اهدافی که خداوند از تشریح ادیان در نظر داشته، پرداختن به موضع دینی خواهد بود. شاعری می‌تواند موضع دینی داشته باشد که آن را به درستی فهمیده باشد. زمانی که کسی دین را تنها به احکام، پوسته، شعائر و ظواهر دین محدود می‌کند، هرگز نمی‌تواند موضع دینی داشته باشد. چنین شخصی باید متفکر و دین‌شناس باشد؛ مثال بارز آن می‌تواند شخص مولانا نگارنده «مثنوی معنوی» باشد؛ کاملاً موضع دینی دارد و به موضوعات دینی هم می‌پردازد. مثال دیگر در این باره حافظ است که بیش از مولانا نسبت به موضوع دینی به موضع دینی پرداخته است. اما تأثیری که مولانا بر فرهنگ ما و سایر نقاط جهان دارد و روزه‌روز بیشتر می‌درخشد، بیش از حافظ است. علت این است که مولانا جامع عمل

غلط تاپی نیست. غلط تاپی که این همه نمی‌شود. شعر خود داد می‌زند که چه کلمه‌ای باید اینجا باشد؛ برای نمونه، کتابی به نام «تاریخ محمدی» از شاعری به نام مولانا شیخ حسن کاشی که گفتیم قدیمی‌ترین و معروف‌ترین ترکیب‌بند متعلق به اوست و دوست بزرگوارمان آقای رسول جعفریان - که آدم موفق است و کارهای خوبی هم دارد- آن را تصحیح کرده‌اند. سال ۱۳۷۷ هم چاپ اول آن بوده است. این کتاب پر از غلط است. اگر کسی کمی شم شعری داشته باشد، به سادگی متوجه می‌شود که چه کلماتی در این اشعار باید باشد. کسی که شم شعری ندارد، نباید به سراغ تصحیح چنین آثاری برود.

لطفاً برای معرفی بهتر این دو جلد کتاب و موضوع امام علی (ع) در شعر فارسی اگر مطلب دیگری هست، بیان کنید.

این کتاب حاصل کار چند نفر است. شاید نزدیک به ۴۰۰ شاعر این اشعار را سروده‌اند. حق این است که برخی از اشعار تابلو شوند و به دیوار بچسبند. ما برای آنکه قیمت کتاب بالا نرود، برای صرفه‌جویی، در صفحه‌بندی کتاب، اشعار را دو ستونه چیده‌ایم.

من نگران بودم که حق این اشعار ضایع شود. گویا در این دیوان این ابیات برجسته گم شده‌اند. ارزش این اشعار بیش از آن است که بتوانیم به سادگی حق آنان را ادا کنیم. ما تنها خواسته‌ایم آن را جمع کرده و در منظر دید هنرمندان قرار دهیم تا در آینده کسی بیاید و از آن گزینش‌هایی کند، شرح و بسط دهد، توضیح و تفسیر کند تا حق این اشعار ادا شود. همه نگرانی من این است که بسیاری از این اشعار که شاهکار هنری در ادبیات فارسی به حساب می‌آیند و در اینجا بدون هیچ شرح و توضیحی آن هم دو ستونه و با خط ریز حروف‌چینی شده‌اند و حشاش ضایع شده باشد؛ به عنوان مثال همان شعری که از مولانا نام بردم، در این کتاب گم شده است. اگر کسی بخواهد ارزش این شعر را بفهمد باید به شرح‌هایی که از مثنوی موجود است، مراجعه کند. ■

پی‌نوشت:

* سورة الکهف، آیه ۱۱۰

به نام «کاشی» بود که کاشانی و همشهری محتشم است. او ترکیب‌بند بلندی برای حضرت علی (ع) دارد که محتشم کاشانی از روی آن تقلید کرده است.

آیا به اندازه شعر محتشم معروف است؟ معروف‌ترین و دلنشین‌ترین شعری که درباره حضرت علی (ع) سروده شده و حافظه عمومی جامعه آن را پذیرفته، چیست؟

دو شعر محمد حسین شهریار بیش از همه جا باز کرده است؛ یکی «علی‌ای همای رحمت» و دیگری یک مثنوی به نام «شب و عشق و علی» که از این عمیق‌تر است؛ «علی آن شیر خدا شاه عرب/ الفتی داشته با این دل شب» که شهرت بالایی دارد. در بین قدما نیز مولانا با اشعار خود و به خصوص شعر «از علی آموز اخلاص عمل/ شیر حق را دان منزه از دغل» که شعری بسیار عمیق است و خیلی جا باز کرده است. فراتر از این شعر من سراغ ندارم. به‌ویژه در آن ابیاتی

به ما

احکام دین را آموخته‌اند

اما ننگته‌اند

اهداف دین چیست؟

که می‌گوید: «زین سبب پیغمبر با اجتهاد/ نام خود را و آن علی مولا نهاد - گفت هر کس را منم مولا و دوست/ این عم من علی مولای اوست - کیست مولا آنکه آزادت کند/ بند رقیبت ز پایت وا کند» در جای دیگری می‌گوید: «ای علی که جمله عقل و دیده‌ای/ شمه‌ای واگو از آنچه دیده‌ای - تو ترازوی احد خو بوده‌ای/ بل زبانه هر ترازو بوده‌ای» این شعر مولانا بیشترین جایگاه را در ادبیات فارسی داشته است.

انتقادی که در مقدمه از تصحیح بعضی از مصححین کرده‌اید، بیشتر از جنبه فنی بوده یا آنکه آنها تحریف در محتوا کرده‌اند؟

از آنجا که این افراد خود از ذوق شعری محروم بوده‌اند، وقتی بعضی از اشعاری را که به عنوان تصحیح چاپ کرده‌اند، مطالعه می‌کنی، متوجه می‌شوی در هر صفحه چندین غلط املائی وجود دارد. این غلط‌ها

کرده و آثارش نمونه کاملی است. در خصوص شب شعرهایی که برپا می‌شود، گفته می‌شود؛ به دلیل نوعی فقر نگاه علمی و راهبردی در جهت گرفتن موضع دینی نتیجه عکس حاصل می‌شود و نگاهی افراطی به سمت موضوع دینی به وجود می‌آید. نظر شما چیست؟

سؤال شما را این‌گونه فهمیدم که جای انتقاد است که کسی موضع دینی نداشته باشد و به موضوعات دینی بپردازد که چنین عملکردی منجر به تحریف و تحقیر دین خواهد شد. مسلماً این کار خبط و خطاست و متأسفانه رواج هم دارد.

بنابراین شما هم معتقدید که شب شعرها و همایش‌هایی که برگزار می‌شود، چنین نقضی دارند؟

من نمی‌خواهم کلی بگویم. در شب شعرها چنین نقضی کمتر به چشم می‌آید. در بین شعرای شرکت‌کننده در این مجالس، کسانی هستند که می‌خواهند موضع دینی داشته، اما موضوع دینی نداشته باشد. نقضی که شما اشاره کردید بیشتر در شعر شعرای مداح و نوحه‌سرایان به چشم می‌خورد که برای هیئت‌ها خوراک ادبی تأمین می‌کنند. این اشخاص بیشتر موضوع دینی داشته و موضع دینی ندارند که این کار باعث می‌شود دین به ابتذال کشیده شود.

گفته می‌شود؛ اولین شعری که درباره عاشورا و امام حسین (ع) سروده شده، شعر کسائی مروزی در قرن چهارم است. آیا مشخص است که اولین شعری که درباره حضرت علی (ع) سروده شده، متعلق به چه قرنی و کدام شاعر است؟

با توجه به میراث مکتوبی که برای ما باقی مانده - چراکه بخشی از آن به دست ما نرسیده است - من در کتاب «غدیریه‌های فارسی» به ترتیب این اشعار را آورده‌ام و اشاره کرده‌ام که اولین شاعری که به موضوع امام علی (ع) پرداخته، همان کسائی مروزی بوده و بعد از آن هم با کمی فاصله دقیقی طوسی و پس از آن منوچهری دامغانی است.

در میان این اشعار، آیا شعری مانند شعر محتشم که درباره عاشورا سروده است و تا این حد معروف شده، وجود دارد؟ بنیان‌گذار ترکیب‌بند در شعر آیینی، شاعری

آنچه در پیش روست، شرحه شرحه گزینشی از شرح تلاش شاعران عقیده در به تصویر کشیدن امام حسین (ع) و عاشورا است. با برخی از مؤلفان در شماره‌های پیشین گفت‌وگو کرده‌ایم و ان‌شاءالله در شماره‌های آتی گفت‌گویی هم با سایر استادان خواهیم داشت.

شاعران مکتبی

شعر عاشورا، در واقع به گونه‌ای ادعائیه شیعه علیه همه دستگاه‌های جبار و ستمگر است که در «بنی امیه» تبلور یافته و کالبدشکافی آن حماسه به زبان شعر، درس‌های بیداری و خروش ظلم‌ستیزانه را در طول قرن‌های متمادی حفظ کرده است. شعر عاشورا و مرثیه‌سرایی شاعران مکتبی، نقد



از قبیل: محتوای عالی و معتبر و آرمان‌گرا، قوت ادبی و استواری زبان ادبی، پرهیز از زبون‌نمایی عاشوراییان، اجتناب از نشر خرافات به نام مذهب و عاشورا، شناختن و شناساندن چهره‌های تابان و الهام‌بخش قهرمانان کربلا و انتقال «پیام‌های عاشورا» به نسل امروز و فرداییان تاریخ، توجه داشته باشند.

در این صورت است که «شعر عاشورایی» به حد کمال خویش رسیده و مورد ستایش ائمه شیعه قرار می‌گیرد.^۱

شعر حسینی، تحذیرها و ترغیبها

از جمله حرکت‌های دل‌آورانه‌ای که از شجاعت و بی‌باکی شاعران در قرون اولیه پس از عاشورا حکایت می‌کند، بیان مصایب امام حسین (ع) و حمایت از قیام حضرت در شعر و ادب



شمشیر بران شعر

است؛ امری که موجب تضییق، تهدید و آزار شاعر و خانواده او می‌شد. قدرت‌های حاکم، با وجود سیاست‌های متفاوت - چه در عصر اموی و چه در عصر عباسی و پس از آن - به خوبی به خطر این‌گونه اشعار واقف بودند، چراکه تأثیری که این اشعار در تحکیم ارتباط دین و مبارزه و آمیختگی عاطفه و جهاد داشته بر کسی پوشیده نبود. این امتزاج به ناچار مشروعیت حاکمان سلطه‌طلب را زیر سؤال می‌برد.

از همین روست که مرثیه‌های حسینی در خفا و منزل به منزل، راه رشد و انتشار خود را می‌یابد و هنگامی که سفیان بن مصعب (۱۲۰ ق.) شاعر در منزل امام صادق (ع) به مرثیه‌سرایی مشغول است، از شنیدن صدای شیون و ندبه زنان، مردم به خانه هجوم آورده، علت را جویا می‌شوند و حضرت برای حفظ جان شاعر، پیام می‌دهد: «به مردم بگویند چیزی نیست، کودکی حالش به هم خورده ...»^۲

اصناف مسلمانان، در شعر شیعه

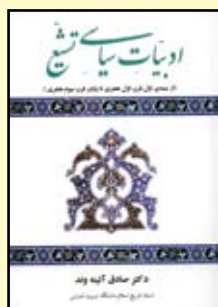
از نگاه شاعران شیعه، همه کسانی که صدای مظلومیت و طلب یاری امام حسین (ع) را شنیدند

حکام غاصب و احیای مفاهیم زنده و زندگی‌ساز دین و نشر ارزش‌های ماندگاری است که زیربنای فداکاری و جهاد و جانبازی در راه عقیده به شمار می‌رود. خط روشن امامان (ع) نیز از این رهگذر، ماندگار و روشن شده است.

وقتی حضرت رضا (ع) به شاعر بزرگ شیعه، «دعبل خزاعی» می‌فرماید: «ای دعبل! برای حسین بن علی (ع) مرثیه بگو؛ چراکه تو تا زنده‌ای، یاور ما و ستایشگر مایی، پس تا می‌توانی از یاری ما کوتاهی مکن»، این اشاره، گویای آن است که «شعر عاشورا» به نوعی در مسیر و خط نصرت اهل بیت پیامبر (ص) و ترویج افکار و مکتب این خاندان به شمار می‌آید. بی‌جهت نیست که شاعران شیعه و مرثیه‌سرایان عاشورایی، پیوسته در معرض خطر جانی و تهدید جدی از سوی حکام جور بوده‌اند؛ چراکه شعر عاشورا، بیشتر انتقال‌دهنده فرهنگ شهادت و خط حمایت از خاندان مظلوم پیامبر (ص) بوده است.

با این حساب، سزاوار است که شاعران عاشورایی، در پدید آوردن آثار عاشورایی به نکاتی

و به آن پاسخ ندادند، اخلاقاً محکوم‌اند؛ زیرا ترک واجب کرده‌اند. از این میان بعضی نفاق ورزیده و بعضی دیگر توأکل کرده‌اند. کوفیان به نفاق و تخاذل محکوم‌اند و امویان، مجرمان حقیقی این جنایت‌اند.



خالد معدان در تفسیر حادثه جانسوز کربلا و مصیبتی که به دست امویان بر دین و مردم رفت، سروده است:

«ای فرزند پیامبر خدا (ص) تشنه لب تو را کشتند و در کشتن تو به تفسیر قرآن کریم در تأویل و تنزیل آن توجه نکردند! اینان [امویان] تکبیر برآورده و شادمانی می‌کنند که تو را کشته‌اند. در حقیقت باید گفت که با شهادت تو هم تکبیر و هم تهلیل را هر دو کشتند!» منصور نمری درباره کسانی که صدای یاری امام (ع) را شنیدند و از یاری او تن زدند، سروده است:

«من در کفر قاتلان فرزند پیامبر خدا (ص) شکی ندارم، شک من در این است که آنها که ندای یاری‌خواهی او را شنیدند و پاسخ نگفتند، کافرند یا مسلمان؟»

دیک الجن حمصی گوید:

«ای دیدگان من! در سرزمین کربلا، بزرگانی در خاک خفته‌اند که دل‌م را برای همیشه گورستان اندوه کرده‌اند.»^۳

شاعری در مشعر



هاشمیات، اولین و بااهمیت‌ترین اثر اوست که با فاصله اندکی در حدود ۱۵ یا ۲۰ سال پس از شهادت امام حسین (ع) و در فضای اختناق و بیداد امویان سروده شد و به سرعت انتشار یافت و به زودی عراق و شامات را درنوردید و صدایش در شهرها و مساجد پیچید تا شاعر را شهرة آفاق ساخت و حکام ستمگر اموی را آشفته و سردرگم کرد. کمیت اسدی دانشورترین و هنرمندترین شاعر

جای بحث دارد. تصور رایج از عاشورا نزد بیشتر شیعیان به‌ویژه در مناطق کم‌سواد، تصویری است که مرثیه‌سازان به وجود آورده‌اند.

بیشترین تلاشی که برای مبارزه با تحریفات صورت گرفته و می‌گیرد مربوط به کارهای مرثیه‌سازان و مرثیه‌خواهان است. مرثیه‌سازان را می‌توان به دو دسته و گروه دسته‌بندی کرد: نخست، مرثیه‌سازانی که کتاب نوشته‌اند و دوم، مرثیه‌سازانی که شعر سروده‌اند. هر چند مرثیه‌سازان در حوزه کتاب، شناخته شده‌تر و محدودتر هستند، ولی در حوزه شعر بسیار گسترده‌اند.

بسیاری از کسانی که درباره عاشورا شعر سروده‌اند، شاعر نبوده و اشعار خود را با توجه به فهم و حالی که به دست آورده‌اند، سروده‌اند و اغلب این سروده‌ها در هیچ جایی نوشته یا حفظ نشده است.^۶

سابقه کهن شعر عاشورا



در کتاب «ادب الطف» و «معالی السبطین»، می‌توان سابقه کهن ادبیات منظوم عاشورایی را ردیابی کرد، بنابر نقل این دو کتاب، نخستین مرثیه‌سرایان، اهل

بیت (ع) امام حسین (ع) بوده و حتی ابیاتی نیز از آن امام همام (ع)، خطاب به یکی از دخترانش در روز عاشورا ثبت شده است که در آن امام (ع) از گریه‌های طولانی سکینه بر مصیبت مرگ خود خبر می‌دهد. از حضرت زینب کبری (س) نیز ابیاتی در ادب‌الطف مضبوط است. ام‌کلثوم دختر امام علی (ع) و سکینه دختر امام حسین (ع) نیز ابیاتی جانگداز در وصف این واقعه سروده‌اند.^۷

پی‌نوشت:

- ۱- «ادب آل الله (ع)» تألیف جواد محدثی
- ۲- «امام حسین (ع) در شعر معاصر عربی» تألیف دکتر انسیه خزعلی
- ۳- «ادبیات سیاسی تشیع» تألیف دکتر صادق آئینه‌وند
- ۴- «عاشورا پژوهی» تألیف محمد صحتی سردودی
- ۵- دانشنامه شعر عاشورایی، مرضیه محمدزاده
- ۶- «معرفی و نقد منابع عاشورا»، تألیف سیدعبدالله حسینی
- ۷- «جامعه‌شناسی تحریفات عاشورا» تألیف دکتر سیدعبدالحمید ضیایی



چهارم هجری یعنی همزمان با تأسیس دولت‌های شیعی در ایران که مذهب تشیع رونق و رواج گرفت و نام گرامی ائمه (ع) حرمت خداداد خویش را بازیافت، شعرای ایران در مدایح و

مراثی خاندان نبوت سخن‌سرایی کردند و این چراغ روز به روز بر روشنایی خود افزود.

...اگرچه گروهی فردوسی را نخستین شاعر شیعه مذهب ایران می‌دانند، اما تصور می‌شود که قدیمی‌ترین مراثی را در سوگ شهیدان کربلا کسایبی روزی شاعر قرن چهارم هجری سروده باشد.

کسایب با بیان مناقب خاندان پیامبر و سرودن مراثی برای شهدای این خاندان که همواره مورد ستم و آزار بنی‌امیه و بنی‌عباس بودند، همدردی مردم ایران را با آن خاندان باز گفته است.

قصیده مسمط او کهن‌ترین سوگنامه ماجرای کربلاست و از این رو وی را می‌توان پیشکسوت همه شعرای شیعه مذهب زبان فارسی دانست که در سوگ حسین (ع) شعر سروده‌اند.^۸

تحریف‌گران واقعه عاشورا

بسیاری از کسانی که درباره عاشورا شعر سروده‌اند از مردم عادی بوده و با درک سطحی و اطلاعات ناکافی به این کار پرداخته‌اند، همچنین نسبت به مبانی فکری و اعتقادی که یاران امام (ع) بر اساس آن جان خود را فدا کردند، آشنایی کاملی نداشته‌اند. نگاه اصلی مرثیه‌سرایان درباره عاشورا، نگاه تراژدی به این واقعه است و تا آنجا که توانسته‌اند به قضایا شاخ و برگ داده و تصورات و تخیلات ذهنی را درباره حوادث عاشورا شکل داده‌اند.

بی‌تردید بخش اعظم ادبیات عاشورا، ادبیات عامیانه با محوریت «بیان مظلومیت» است و در این جایگاه، اشعار و گفته‌هایی دیده می‌شود که واقعاً



عصر خویش و هاشمیات شاهکار هنری اوست. فرزدق، هنگامی که خود شاعری پیر و باتجربه بود. آن‌گاه که هاشمیات را برای نخستین بار از زبان کمیت جوان شنید، گفت: «پسرم خدا پاداشت دهد! راست و نیکو گفته‌ای، به خدا که تو از شاعران پیشین و معاصر، استادتری.»

هاشمیات در تحلیل حماسه عاشورا از قضا و قدر، عوالم غیبی، معجزات و کرامات، کارهای خارق‌العاده و غیر قابل فهم و پیروی، سخن به میان نمی‌آورد تا جبر و اضطرار، «روزگار غدار و چرخ کجمدار» را مقصر در قتل امام حسین (ع) شناساند. کمیت در عین اینکه قافیه را نمی‌بازد، هرگز به خاطر ضرورت شعری هم که شده، زمین و زمان را به جای زمامداران و جنایت‌کاران نفرین نمی‌کند. عاشورا را با عوالم غیبی آغوشن و کربلا را با قضا و قدر، کرامات و خارق‌العادات آمیختن، بیشتر و پیشتر از همه در کتاب‌های تاریخ‌نگاران شام و دمشق دیده می‌شود که گزارش آن همه فجایع و وقایعی که در قیام امام حسین (ع) رخ داد، در چند صفحه بسیار محدود و نارسا خلاصه می‌کنند، اما ده‌ها صفحه در عجایب و غرایب عاشورا قلم‌فرسایی می‌کنند. از تأثیر و تأثر افلاک و ملائک و جن‌گرفته تا حیوانات و نباتات و جمادات روایت‌ها می‌گویند. اما هرگز از تأثیر و تقصیر مردمان و مسلمانان، سخن به میان نمی‌آورند.^۹

گرایش شعر فارسی

به مدح و رثای خاندان پیامبر (ص):

از نیمه دوم قرن نخستین هجرت به رغم تمایل حکومت دمشق، در شعر عربی نشانه‌هایی از گرایش به خاندان پیامبر (ص) پدیدار شد و شعرا شروع به سرودن اشعاری در مظلومیت آل پیامبر (ص) کردند.

اما در شعر فارسی گرایش به مدح و رثای خاندان پیامبر (ص) از قرن چهارم هجری آغاز شد، به طوری که شمار اشعار سروده شده در این باب در سراسر حکومت‌های سامانیان، غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان بسیار اندک است که از دلایل اصلی آن می‌تواند این باشد که از سال ۴۳ هجری تا پایان حکومت ولید بن عبدالملک بن مروان، ایران و منطقه شرقی زیر فشار حاکمانی چون زیاد، عبیدالله، حجاج بن یوسف، ابن اشعث و دیگرانی از این قبیل بوده و جای تعجب اینجاست که در شهر مدینه که به طور مستقیم تحت نظر خاندان اموی اداره می‌شد، شاعری چون کمیت آشکارا به ستایش هاشمیان برمی‌خیزد، ولی در نیشابور، طوس، غزنه و هرات نظیر چنین شاعری را نمی‌بینیم از قرن

مضمون ناب

نکوهش

که به ماسوا فکندی همه سایه هما را
به علی شناختم من به خدا قسم خدا را
چو علی گرفته باشد سر چشمه بقا را
به شرار قهر سوزد همه جان ماسوا را
که نگیں پادشاهی دهد از کرم گدا را
چو اسیر تست اکنون به اسیر کن مدارا
که علم کند به عالم شهدای کربلا را
چو علی که می‌تواند که بسر برد وفا را
متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را
که ز گوی او غباری به من آر توتیا را
چه پیام‌ها سپردم همه سوز دل صبا را
که ز جان ما بگردان ره آفت قضا را
که لسان غیب خوش‌تر بنوازد این نوا را
به پیام آشنایی بنوازد آشنا را»
غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا

علی‌ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را
دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین
به خدا که در دو عالم اثر از فنا نماند
مگرای سحاب رحمت تو بیاری ار نه دوزخ
بروای گدای مسکین در خانه علی زن
به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من
به جز از علی که آرد پسری ابوالعجایب
چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان
نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت
بدو چشم خون فشانم هله‌ای نسیم رحمت
به امید آن که شاید برسد به خاک پایت
چو تویی قضای گردان به دعای مستمندان
چه زخم چونای هر دم ز نوای شوق او دم
«همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی
ز نوای مرغ یا حق بشنو که در دل شب

شهریار

واندر پی عشق، عاشق انگیزته‌اند
چون شیر و شکر به هم در آمیخته‌اند

تا باده عشق در قدح ریخته‌اند
با جان و روان «بوعلی»، مهر علی

ابوعلی سینا/گنجینه نور

«امام علی (ع) در شعر فارسی» / محمد صحتی سردرودی

کردید و نکردید!
میراث تبار خرد آینه‌ها را
- کان پیر، همی جست نشان‌شان به چراغی
تا یابد از آن آینه مردان، مگر اینجا
در ظلمت هنگامه ایام سراغی-
زاندیشه عشاق وز آفاق ستردید.

آن یوسف گمگشته آمال بشر را
گامی دو برون نامده تا مرز حقیقت
بردید و بدان گرگ سپردید.

بی‌مرزی هوش و هنر صاعقه‌ها را
چون جدول اندیشه افلیج و شل خویش
محصور و فرو مرده شمردید.

آن قامت رویان و روان ازلی را
آن آرزوی زنده سقراط و علی را
- با آن همه خون‌ها که فشانند به راهش
در گوری از اندیشه خود، تنگ، فشردید.

با این همه آن شعله فزاینده و زنده‌ست
چون بوی بهاران، به همه دهر، و زنده‌ست
در جمله شما و شما
شما

که مُردید

زیرا

کردید و نکردید

کردید و نکردید.

محمد رضا شفیعی کدکنی / هزاره دوم آهوی کوهی

خلیل هم خندید

خبر رسید خدا را که ماه در راه است
و ماند تا چه بگوید که کوه یا ماه است
و چشم چشم نگاهش که ماه را شاه است
دهان حیرت عالم شد هر کجا چاه است
جمال حضرت حق را ببین چه دلخواه است!
و گفت: عین علی، عین عین الله است

همین که بنت اسد گفت: «پای بر ماه است»
شکفت کودک کعبه، خلیل هم خندید
سترگ سینه و بازو به کوه می مانست
و سنگ سنگ زمین چون ستاره چشمک زن
خبر رسید به یوسف بیا تماشا کن
چو دید چشم علی را به چشم خود خندید

محمد صحتی سردرودی / امام علی (ع) در شعر فارسی

ای سبب خلقت عالم علی
نوح به یاد تو به کشتی نشست
معجزه حضرت موسی، عصا
پرتوی از رحمت تو کاینات
روز ازل منشی لوح و قلم
مظهر الطاف خدا از ازل
عدل و عدالت ز تو معنا شود
نیست بدین خوبی و پاکی بشر
ای همه پاکی تو بگو کیستی
سدره نشین، بنده خاص خدا
ای اسد بیشه صولت علی
شیر خدای ولی کردگار
ای شرف کون و مکان یا علی
قدرت حق، در ید و بازوی تو
مرشد جبریل امین یا علی
گشت به شأن تو بیان، هل آتی
عشق تو آموخت مرا شاعری
مظهر و سرخیل امامت تویی
تاج گر از مدح تو دم می زند

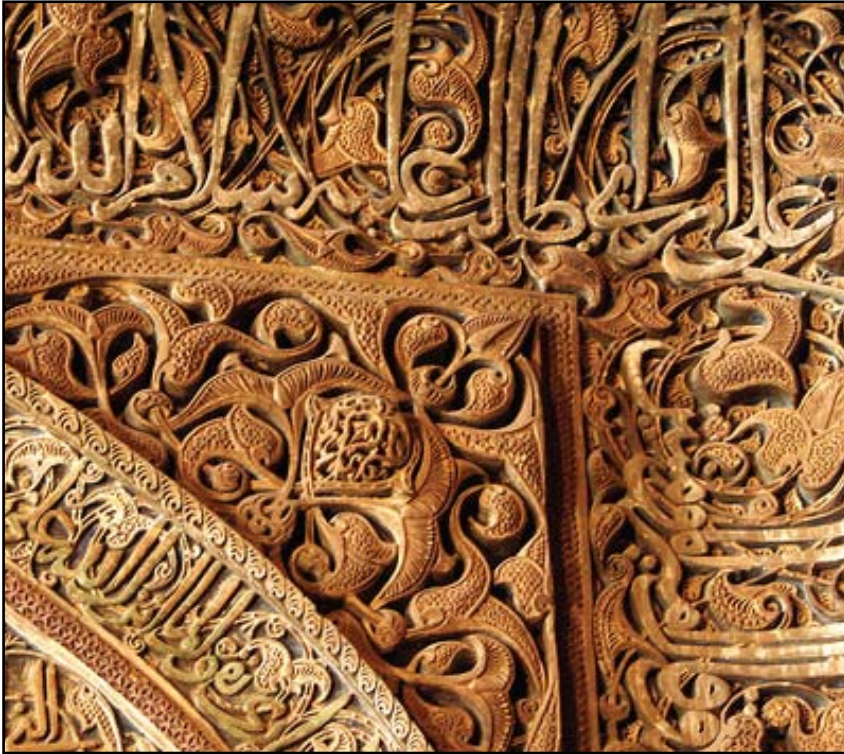
حاج ابوالقاسم تاج

بعد نبی اشرف آدم علی
نام تو برده که ز طوفان پرست
ذکر تو کرده است عصا، ازدها
قطره ای از فیض تو آب حیات
ذره ای از عشق تو زد در گلم
شعر مرا نام تو بیت الغزل
دین محمد ز تو احیا شود
من به فدای تو، خدایی بشر
پس تو که ای گر چه خدا نیستی
ابن عم و سپهر رسول خدا
اسوه توحید و عدالت علی
ای ز تو بگرفته شرف ذوالفقار
از تو شد آینه دل منجلی
خلق جهان شیفته روی تو
دست خدا روی زمین یا علی
زوج بتول و هدف انما
نغمه سرا کرد چو بک دری
شافع فردای قیامت تویی
نام تو بر لوح رقم می زند

خبر بگم چه

نیاز به تعریف مجدد اثر هنری*

هدی حمیدی



مفهوم هنر اسلامی و نسبت آن با مباحث جامعه‌شناسی موضوعی است که کمتر مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته و بیشتر تلاش‌ها برای شناخت هنر به‌ویژه هنر اسلامی، با رویکرد فلسفی انجام شده است. دکتر اعظم راوردراد، دانشیار دانشگاه تهران در بیستمین جلسهٔ سلسله نشست‌های تبیین ماهیت هنر اسلامی که به همت فرهنگستان هنر برگزار شد، تلاش کرد به این بحث مغفول ورود یابد. او تعاریف فلسفی هنر را که عموماً انتزاعی هستند، تنها در حوزهٔ فلسفه کارگشا می‌داند و بر آن است که چون جامعه‌شناس، با اثر هنری در عالم ملموس و محسوس سر و کار دارد، پس نیازمند تعریفی جدید از آن است. تعریفی که به مدد آن بتوان هنر، به‌ویژه هنر اسلامی را از غیر آن باز شناخت.

از این دو تعریف را نمی‌پذیرد؛ زیرا مفهوم هنر را وابسته به زمان می‌انگارد. او هنر را وسیلهٔ ارتباط انسان‌ها می‌داند. به هر حال این تعریف زمینهٔ ورود جامعه‌شناسانه به شناخت هنر را فراهم کرد.

جانث ولف که یک جامعه‌شناس هنر است نیز در کتاب «تولید اجتماعی هنر» می‌گوید: «منظور من از کلمهٔ هنر، یک مفهوم عام است که شامل نقاشی، ادبیات، موسیقی، تئاتر و ... می‌شود.»

ویکتوریا الکساندر اعلام می‌کند که تعریف رسمی از هنر ارائه نخواهد کرد؛ چراکه در عمل ممکن نیست هنر را در عبارات انتزاعی تعریف کرد. بلکه شناخت هنر بستگی به نوع محل و زمینهٔ خلق آن دارد.

راوردراد در ادامه به ارائهٔ نظریهٔ خود می‌پردازد و می‌گوید: «در فرآیند آفرینش هنری سه مرحله وجود دارد؛ مرحلهٔ کشف و شهود که انسان ارتباط بی‌واسطه با جهان هستی دارد و حقیقتی را کشف می‌کند. هر کس ممکن است این مرحله را تجربه کند، اما همهٔ هنرمند نمی‌شوند. به عبارت دیگر همه، وارد مرحله دوم یعنی

کار هنرمند کنار زدن پرده از روی زیبایی طبیعت است. کسانی که به این نظریه قائل‌اند، معتقدند درست است که شناخت زیبایی از انسان نشأت می‌گیرد، اما این کیفیت تنها در برابر بعضی اشیای بیرون به جنبش درمی‌آید.

پس زیبایی، امری درونی-بیرونی است. این تعاریف به طور عمده در حوزهٔ فلسفه هستند، در حالی که ما در جامعه‌شناسی به تعریفی نیاز داریم که ما را به مصداق نزدیک کند. راوردراد نظریه‌های جامعه‌شناسانه دربارهٔ هنر را نیز به سه گروه تقسیم می‌کند و در توضیح آنها به دیدگاه‌های لئو تولستوی، جانث ولف و ویکتور الکساندر تأکید می‌ورزد.

تولستوی در کتاب «هنر چیست؟» می‌گوید: «در دوره‌های مختلف اجتماعی معنای هنر برای انسان‌ها متفاوت بوده است.» او تاریخ را به ۲ دورهٔ قرون وسطی و پس از آن تقسیم می‌کند. در دورهٔ نخست، هنر نوعی بیان عواطف دینی بود؛ چراکه جوامع، سنتی بودند. در دورهٔ بعد با تغییر جوامع و تبدیل آنها به مدرن، هنر به عنوان چیزی که حس زیبایی‌شناختی فرد را ارضا می‌کند، تعریف شد. اما تولستوی هیچ‌کدام

فیلسوفان همواره تلاش کرده‌اند هنر را به بند تعریفی مورد وفاق بکشند، اما هرگز موفق نشده‌اند. این مشکل درخصوص تعریف هنر اسلامی مضاعف است. از طرفی، تعریف جامعه‌شناسانهٔ هنر که تعریفی مصداقی است و نه مفهومی، هنوز برای پذیرفته شدن، نیازمند پشتیبانی‌های نظری و استدلالی است.

به گفتهٔ راوردراد، تعاریف هنر با توجه به مفهوم زیبایی، در سه دستهٔ عینی بیرونی، ذهنی درونی و عینی ذهنی قابل تقسیم است. تعاریف‌های گروه اول زیبایی را یکی از صفات عینی در عالم محسوس می‌داند که در خارج از ذهن بشر وجود دارد. در تعاریف دستهٔ دوم عقیده بر آن است که آنچه در عالم خارج هست، فی‌نفسه نه زیباست و نه زشت، بلکه زیبایی به کیفیت ذهن انسان در برابر محسوسات مربوط می‌شود.

در واقع زیبایی فعالیت روحی صاحب حس است و نه صفتی برای شی محسوس. نظریه‌های گروه سوم، جمعی از دو تعریف قبل هستند. به این معنا که زیبایی همچنان که یک فعالیت روحی است در طبیعت نیز وجود دارد. بنابراین

معطوف شود، چه کسی باید اسلامی بودن آن را تشخیص دهد؟

او در پاسخ به این پرسش می‌گوید: «از نظر جامعه‌شناس این کار فیلسوف است. جامعه‌شناس از آنجا که دنبال معیارهای عینی است، باز هم به دریافت توجه می‌کند. در بحث از دریافت هنر اسلامی به سه گروه مخاطب می‌توان توجه کرد؛ مخاطب عام (مسلمانان)، اندیشمندان شرق‌شناس و اندیشمندان مسلمان که گروه سوم مخاطبان به دلیل آگاهی و ایمان به مبانی اعتقادی، شایستگی توجه بیشتری دارند.

از نظر محتوایی نیز برای اینکه اثر هنری در مرحله دریافت اسلامی تلقی شود، باید قابل تاویل به عقاید اسلامی و از نظر شکل شامل نمایش شعائر و مناسک اسلامی با رویکردی مثبت و ترویجی باشد. بنابراین می‌توان گفت هنر اسلامی هنری است که برای مخاطب عام و خاص، هنر اسلامی تلقی شود.»

این استاد دانشگاه می‌افزاید: «در برخورد با هنر در حوزه جامعه‌شناسی سه رویکرد اساسی وجود دارد که قابل تعمیم به هنرهای اسلامی نیز هست؛ اول، رویکرد هنر و جامعه به این معنا که بینیم آثار هنر اسلامی برآمده از جوامع اسلامی مختلف چه تشابهات و تفاوت‌هایی با هم دارند. رویکرد دوم توجه به هنر در جامعه است؛ یعنی تحولات هنری را در یک جامعه مشخص در طول یک دوره زمانی به موازات تحولات اجتماعی بررسی کنیم و نگاه سوم به هنر به مثابه جامعه توجه می‌کند؛ یعنی هنر چیزی داخل جامعه نیست، بلکه خود نهادی اجتماعی است. در این رویکرد ما با مفهوم دنیای هنر مواجه می‌شویم و به طریق اولی می‌توان دنیای هنر اسلامی را هم تعریف کرد. برای فهم این دنیا باید کنشگران، عناصر، هنرمندان و نهادهای اجتماعی مربوط به آن را بازشناخت.»

مباحث قابل طرح در این نشست همین جا قطع می‌شود. در حالی که مخاطب پس از مواجهه با انبوهی از تعاریف و برخلاف تأکیدات مکرر سخنران جلسه بر لزوم ارائه مصداق در رویکرد جامعه‌شناسانه به هنر بدون هیچ شاهد گواهی بر مفاهیم ارائه شده، رها می‌شود. راوردراد اصرار دارد، سخنان او تنها مقدمه‌ای بر نظریه‌پردازی در حوزه جامعه‌شناسی هنر اسلامی است و بحث در مقدمه این مقدمه متوقف شد. ■

* روزنامه جام جم/یکشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۸۷، سال نهم، شماره ۲۵۱۵

این صورت مضامین دینی را دستمایه کار خود قرار می‌دهد، در حالی که ماهیت هنر او دینی نیست.

به گفته سیدحسین نصر، هنر سنتی و مقدس با تمدن‌های اساساً دینی رابطه دارد و در این تمدن‌ها هنر در اصل و به طور خاص مقدس است؛ اما هنر دینی مربوط به دنیای مدرن است که تمدن غیر دینی دارد، ولی می‌خواهد خود را به ظاهر هنر مقدس بیاراید.

او خود به نقد این دسته‌بندی می‌پردازد. به اعتقاد او، در این تقسیم معیار قدسی بودن، جامعه است، نه انسان که این امر مخالف ویژگی آزادی و انتخاب در اوست. آیا هر انسانی که در جامعه دینی زندگی می‌کند، انسان دینداری است؛ البته که نه. پس هر اثر هنری که در این جامعه ایجاد می‌شود نیز الزاماً دینی نیست. او معیار دینی بودن یا نبودن هنر را هدف و محتوای آن می‌داند.

هنر اسلامی

در تعریف و بازشناسی هنر اسلامی گروهی بر این باورند که هنر اسلامی متأثر از روح کلی تمدن اسلامی است و بنابراین اسلامی است و همین که هنری برآمده از جامعه اسلامی باشد، می‌توان این

برای اینکه اثر هنری در مرحله دریافت اسلامی تلقی شود باید قابل تاویل به عقاید اسلامی با رویکردی مثبت و ترویجی باشد

نام را به آن اطلاق کرد. مستشرقان بیشتر از این تعریف استفاده می‌کنند. عده‌ای از اندیشمندان نیز بر این باورند که هنر اسلامی نشان‌دهنده حقایق الهی منبعث از دین اسلام است.

این تعریف بر محتوا تأکید دارد. تعریف سومی هم از هنر اسلامی وجود دارد که بر اساس آن هنر اسلامی از نظر محتوا، برگرفته از حقایق الهی اسلام و از نظر شکل و سبک و بیان هنری تداوم هنرهای شکل گرفته در تمدن اسلامی است. از نظر راوردراد، اگرچه تعاریف اول و سوم می‌توانند بخش بزرگی از هنر اسلامی را شامل شوند، اما کامل نیستند و تعریف دوم از آنجا که بر محتوا تأکید دارد، می‌تواند شمول بیشتری داشته باشد. سؤال اینجاست که اگر توجه بر محتوا

خلق اثر هنری که مرحله بیان مکشوفات است، نمی‌شوند. در این مرحله آنچه کشف شده، با استفاده از رمزها و روش‌های شناخته شده هنری یا زیبایی‌شناختی، در قالب بیان درمی‌آید.»

او می‌افزاید: «فلاسفه معتقدند هنر در این مرحله ایجاد می‌شود. اما جامعه‌شناسان بر این باورند که اثر هنری زمانی به وجود می‌آید که به دست مخاطب برسد. آثار هنری به هنگام مصرف «کامل» می‌شوند. بنابراین مرحله سوم یعنی مرحله دریافت اثر، مرحله‌ای خنثی نیست. بلکه مرحله‌ای از تولید است که جامعه‌شناس بر مبنای آن تصمیم به مطالعه اثر هنری می‌گیرد. می‌توان گفت؛ مرحله‌ای که امکان تمییز آثار هنری از غیر آن و شناخت بهتر از جامعه را برای جامعه‌شناس فراهم می‌کند، مرحله دریافت است.»

راوردراد راه تشخیص هنر در مرحله دریافت را توجه به قصد و انگیزه آفرینش هنری می‌داند و می‌افزاید: «راه شناخت این قصد نیز توجه به کاربرد هنر است.»

هنر دینی

در جامعه‌شناسی همواره بر عدم قضاوت ارزشی در مورد موضوع (در اینجا هنر) تأکید شده است. ولی وقتی می‌خواهیم از هنر دینی و اسلامی صحبت کنیم، دیگر نمی‌توانیم قضاوت‌های ارزشی را کنار بگذاریم؛ چراکه با طرح صفات دینی و اسلامی وارد حوزه ارزش‌ها می‌شویم.

اساساً این نوع قضاوت بخشی از جامعه‌شناسی هنر اسلامی است و جامعه‌شناس هم تمایلی به پنهان کردن آن ندارد. بنابراین تعریف جامعه‌شناسانه از هنر دینی با تعریف جامعه‌شناسانه هنر به کلی متفاوت است. البته در هر دو تعریف تأکید بر مرحله دریافت است. مفهوم هنر دینی توسط اندیشمندان زیادی مورد مذاقه قرار گرفته که در یک جمع‌بندی از دیدگاه‌های آنها می‌توان گفت؛ هنر دینی در جامعه مدرن به وجود می‌آید، در حالی که در جامعه سنتی، هنر قدسی وجود دارد. جامعه مدرن، انسان‌محور و جامعه سنتی دین‌محور است.

در جامعه سنتی همه چیز در رابطه با خدا و ساحت مقدس او تعریف می‌شود و هنر هم بدون برنامه‌ریزی خاص، قدسی است. اما در جامعه مدرن، هنر به طور عمده تحت تأثیر انسان است و بنابراین «این دنیایی» است. مگر این که هنرمندی بخواهد، هنر دینی خلق کند. در

سرویس هنر: آداب، رسوم و آیین‌هایی که در هر جامعه وجود دارد، از مهم‌ترین و جذاب‌ترین شاخصه‌هایی است که جامعه‌شناسان به بررسی آن می‌پردازند. این موضوع دربارهٔ مراسم سوگواری و به‌ویژه نمایش تعزیهٔ امام حسین (ع) بسیار پررنگ‌تر به چشم می‌آید؛ زیرا از یکسو برگزاری این نوع مراسم، سابقه‌ای نزدیک به هزار ساله در جامعهٔ ایران دارد و از سوی دیگر، جنبه هنری که در بعضی از این آیین‌ها وجود دارد،

به‌ویژه برپایی تعزیه در ایران به چه زمانی برمی‌گردد؟
اولین نشانه‌هایی که از برگزاری مراسم سوگواری برای امام حسین (ع) در دست است، به زمان حکومت دیلمیان در ایران برمی‌گردد. ایرانیان دسته‌های عزاداری برای امام حسین (ع) راه می‌انداختند و سوگواری می‌کردند. عناصری مانند لباس مشکی، گل مالیدن به سر و کفن پوشیدن کم‌کم در میان مردم باب شد و حالتی نمادین به مراسم داد. اما نمایش تعزیه تا

مختلف تقسیم شد. می‌توان گفت؛ در تعزیه، نقش نقال تکرر پیدا کرده، نه اینکه بازیگر به معنای دقیق وارد کار شده باشد. به همین خاطر است که می‌بینیم در تعزیه مانند دیگر نمایش‌ها و تئاترها میزانشن‌های دقیق نداریم.

در سده‌های اخیر، موضع‌گیری‌های پررنگی از سوی حکومت‌های ایران نسبت به مراسم عزاداری و به‌ویژه برگزاری تعزیه وجود داشته است. آیا این موضع‌گیری‌ها نقشی در تداوم

تعزیه نمایش نیست، آیین است

دکتر «تاجبخش فنائیان»، کارگردان تئاتر و پژوهشگر تعزیه:

از بهترین شاخص‌های فرهنگی ایران به شمار می‌رود.
تعزیه به عنوان یکی از تأثیرگذارترین و همه‌گیرترین نوع مراسم، شایان توجه و بررسی بیشتر است. نمایش تعزیه نوعی ناب و ویژه از عزاداری‌های محرم است که اوج بلوغ و کمالش دستخوش حوادث و کش‌وقوس‌های گوناگونی شده است. علاوه بر این، تعزیه که یکی از اجتماعی‌ترین هنرهای نمایشی محسوب می‌شود، در طول چندین دهه اجرا، جایگاه خاص و مخاطبان ویژه‌ای برای خود یافته است و به خوبی با آنان ارتباط برقرار کرده است. با دکتر «تاجبخش فنائیان» به گفت‌وگو نشستیم تا از وضعیت تعزیه در ایران بشنویم. او که عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، کارگردان و پژوهشگر تعزیه است از تأثیرات این نمایش بر مردم، نقاط ضعف و قدرت آن می‌گوید.

زمان زندیه نبوده و در واقع در تاریخ پیش از این دوره چیزی از آن سراغ نداریم. هر چند در زمان صفویه پرده‌خوانی، مداحی و مناقب‌خوانی داشته‌ایم. ملاحسین واعظ کاشفی در کتاب فتوت‌نامهٔ سلطانی که در اوایل قرن دهم هجری قمری نوشته، به تمامی نمایش‌ها مانند پرده‌خوانی، نقالی و غیره اشاره کرده، اما نامی از تعزیه نبرده است و از همین روست که می‌گوییم تا زمان زندیه نمایش تعزیه شکل نگرفته بود.

منشاء اصلی شکل‌گیری تعزیه در جامعه ایران چه بوده است؟

کسی منشأ اصلی آن را نمی‌داند، ولی به نظر من تعزیه از نقالی ریشه گرفته است. در نمایش‌هایی مثل نقالی و پرده‌خوانی، یک نفر که همان نقال است، نقش تمامی افرادی را که راجع به آنها شعر می‌خواند و حرف می‌زند، بازی می‌کند. به مرور زمان افرادی به این فکر افتادند که به جای بازی یک نفر در نقش چند نفر، اشخاص متفاوتی نقش این شخصیت‌ها را به عهده بگیرند. در واقع شیوه‌های بازیگری نقال بین افراد

برپایی تعزیه داشته‌اند؟
بله؛ اصلاً یکی از دلایل ماندگاری تعزیه دولتی شدن آن در زمان ناصرالدین شاه و مخالفت‌های سرسختانه با برگزاری آن در زمان رضاخان است.

قاجاریه به انواع هنرها علاقه داشتند. تعزیه یکی از همین هنرها بوده است. ناصرالدین شاه پس از سفرش به اروپا و دیدن تئاترهای مختلف، به فکر می‌افتد تا تئاتر را در ایران هم برپا کند. بنابراین از تعزیه که به نحوی تئاتر ایرانی بوده و مردم هم نسبت به آن دیدگاه خوبی داشته‌اند، شروع کرد که البته با استقبال خوبی در جامعه مواجه شد. از این رو تکیه دولت در تهران و معاون‌الملک در کرمانشاه ساخته می‌شود که مخصوص اجرای تعزیه بوده است. البته در این سالن‌ها فقط درباریان و اشراف اجازهٔ ورود و تماشای تعزیه داشته‌اند. در واقع در آن دوره، ناصرالدین شاه منشأ شکل‌گیری قانونمند و حمایت‌شدهٔ تعزیه بوده است. البته در این مدت در روستاها، تکیه‌ها و میدان شهر هم تعزیه برای مردم عادی

سابقهٔ تاریخی عزاداری عاشورا و

بی‌تردید ساختار نمایش بسیار قوی است و از عهده اثرگذاری بر مخاطب بر می‌آید. اما مسئله اینجاست که در نظر مخاطبی که از تاریخ خبر دارد، کار ارزش خود را از دست می‌دهد و دیگر او حاضر نیست به خاطر دیگر نقاط قوت نمایش، متن ضعیف را تحمل کند و به تماشای تعزیه بپردازد. ضمن اینکه برخی از مخاطبان تعزیه از خود سؤال نمی‌کنند که آیا این چیزها می‌تواند واقعیت داشته باشد؟ آنها در نظر نمی‌گیرند که واقعه کربلا فقط گریه و زاری و عزاداری نبوده است. امام حسین (ع) بزرگ‌ترین قهرمان تاریخ است و قابل دلسوزی نیست و اشکی که در مراسم عزاداری او ریخته می‌شود، به خاطر مظلومیت حق است؛ حقی که ایشان برای دفاع از آن به مبارزه پرداخت و شهید شد. به هر حال، این مسئله در نظر گروهی از روحانیون بسیار پراهمیت بوده و هست که به خاطر آن با برگزاری تعزیه مخالفت می‌کنند. اما مشکل این گروه مخالف، این است که هرگز پیشنهاد سازنده‌ای در این زمینه نمی‌دهند و تنها گفته‌هایشان سلبی است و نه ایجابی.

امام حسین (ع)
بزرگ‌ترین قهرمان تاریخ است
قابل دلسوزی نیست
و اشکی که در مراسم عزاداری او
ریخته می‌شود
به خاطر مظلومیت حق است

تلاش‌های جدیدی برای رفع این مشکل تعزیه شده است؟
متأسفانه متن‌های جدید نوشته نشده است و همه متن‌هایی که امروز اجرا می‌شود، مربوط به گذشته است. بسیاری از آنها توسط افراد گمنام نوشته شده‌اند و آنهایی که منسوب به شاعران به نام دوره‌های پیشین است، از ضعف میرا نیستند. اگر متن‌های جدید با رویکرد خردگرایانه و دانش‌محور نوشته شود، این نمایش می‌تواند بسیار خوب و ایده‌آل اجرا شود و دیگر نقصی در آن نخواهد بود. ■

حتی توریست‌های خارجی هم به دیدن آن رغبت زیادی نشان می‌دهند. رنگ‌های متنوع، صحنه‌های سوزناک و تأثیرگذار، حالت روایی و حماسی بودن تعزیه آن را از دیگر نمایش‌ها متمایز می‌کند و باعث جذب مردم به سمت خود می‌شود. می‌توان گفت دسته‌های مختلفی از مردم با رویکردهای مختلف نسبت به این نمایش رغبت نشان می‌دهند. حتی افراد کم‌سواد و روستایی جذب شعرگونه بودن متن و آواز نمایش می‌شوند و اینکه موضوع را کاملاً می‌دانند و در درک آن مشکلی ندارند، برایشان دلپذیر است.

آیا تعاملی بودن تعزیه باعث جذابیت آن برای عامه نیست؟
بی‌شک یکی از دلایل عمده حضور فعال مخاطب در تعزیه است که آن را از دیگر نمایش‌ها جدا می‌کند. تعزیه از انواع محدود نمایش‌هاست که تماشاگر در آن شرکت دارد و حتی جزوی از تعزیه به حساب می‌آید؛ چرا که تعزیه بیش از اینکه یک نمایش باشد، یک آیین است. ممکن است مخاطب در خلال نمایش همراه بازیگران، صلوات بفرستد و یا لعنت کند.

از نظر تکنیکی تعزیه را چطور ارزیابی می‌کنید؟
در تعزیه شبه کارگردانی به نام معین‌الباکا وجود دارد که وظیفه‌اش تحریک احساسات و به گریه انداختن مخاطبان است. او معمولاً برای رسیدن به این هدف متوسل به هر بیانی می‌شود و حتی گاهی نسبت‌های دروغی هم به ائمه (ع) و اولیا می‌دهد تا آنها را مظلوم‌تر بنمایاند و اشک بیشتری از چشم مردم سرازیر کند. در واقع همین موضوع نقطه ضعف تعزیه به حساب می‌آید. گاهی تعزیه تنها با احساس مخاطب سر و کار دارد، نه با عقل و منطق او. گاه مشاهده می‌شود که متن شعرها بسیار ضعیف است و بیشتر توسط کسانی نوشته شده که از یک سو طبع شعر داشته‌اند و از سوی دیگر علایق شدید شیعی و مذهبی دارند و احساسات و عواطف خود را در قالب این شعرها بیان کرده‌اند. آنها عموماً فاقد دانش تاریخی بوده‌اند و هیچ کجای متن به دلایل درگیری این نزاع و جنگ نپرداخته‌اند.

اجرا می‌شد و همیشه مورد استقبال بود. در زمان رضاخان هم، از آنجا که او شروع به مخالفت با برگزاری عزاداری و به‌ویژه برپایی تعزیه کرد، مردم که در سال‌های قبل با آن خو گرفته بودند و تعزیه را یکی از امور مهم در برپایی مراسم عزاداری سالار شهیدان می‌دانستند، به شکل خودجوش تلاش می‌کردند تا به هر شکل تعزیه برپا شود و شاید این عمل پهلوی به نوعی ضد تبلیغ تبدیل شده و آنان نتیجه‌ای عکس آنچه می‌خواستند، به دست آوردند.

تعزیه بیش از اینکه یک نمایش باشد
یک آیین است
ممکن است مخاطب
در خلال نمایش
همراه بازیگران
صلوات بفرستد و یا لعنت کند

آیا دیدگاه‌های مختلف مذهبی در برابر اجرای تعزیه موضع‌گیری نداشتند؟
در جامعه همیشه دو دسته فکری از روحانیون وجود داشته‌اند که نسبت به تعزیه واکنش نشان می‌دادند؛ یک دسته که مخالف برگزاری تعزیه بودند، اعتقاد داشتند، چون تعزیه بازسازی نمایشی واقعه عاشورا است و همراه خود ساز و آواز دارد، مجاز نیست و نباید اجرا شود. دسته دوم که موافق برپایی تعزیه بودند، می‌گفتند که چون این نمایش در میان مردم و جامعه تأثیر عمیق روحی دارد و قدرت اجرایی‌اش به گونه‌ای است که می‌تواند مردم را عمیقاً تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین در تقویت اعتقادات شیعی و مذهبی مردم بسیار مؤثر است و نباید جلوی اجرای آن گرفته شود.
مهم‌ترین عواملی که باعث تداوم چند صد ساله تعزیه در جامعه ایرانی شده و استقبال همیشگی مردم را هم در پی داشته است، چیست؟
همان‌طور که گفتیم تعزیه قدرت اجرایی بالایی دارد و می‌تواند احساسات مردم را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. جذابیت‌های صحنه‌ای این نمایش آن قدر زیاد است که



گزارشی از تولید انیمیشن‌های دینی

قصه خوب دینی نداریم

هانیه خاکپور

حسن احمدی، مدیر طرح و برنامه مرکز پویانمایی صبا مهم‌ترین مشکل انیمیشن را نبودن داستان مناسب به‌ویژه در حوزه دین می‌داند. در خصوص ظرفیت‌های انیمیشن و نیز ارتباط کودکان با مفاهیم دینی از طریق انیمیشن با وی گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌آید:

آیا انیمیشن قابلیت این را دارد که بتواند مفاهیم دینی را تعریف کند؟

انیمیشن صنعتی است که در همه زمینه‌ها اعم از دینی، تخیلی، علمی و فانتزی می‌تواند به شکل بسیار خوب، طرح موضوع کند، اما این مسئله به نوع دید، نگاه و تکنیک‌هایی که قرار است استفاده شود، مرتبط است.

اگر مفاهیم دینی را بخواهیم آن قدر ساده کنیم که برای کودک قابل فهم باشد، آیا به آن مفهوم لطمه نمی‌زند؟

بستگی به نوع نگاه ما دارد. هنرمند می‌تواند به یک مسئله پیچیده، ساده نگاه کند؛ پرداخت ساده داشته باشد، مثال‌های ساده بزند و شخصیت‌هایی را وارد داستان کند که در خدمت

هدف باشد و به زبان کودکانه‌تری طرح موضوع کند. در این صورت است که مفهوم خیلی پیچیده را می‌شود به آن بچه خردسال هم فهماند. راه و روشی که فیلمنامه‌نویس انتخاب می‌کند، مهم است؛ یعنی زاویه دید، نگاه، فرم کار و حتی طراحی شخصیت‌ها در انیمیشن نقش مهمی دارند و می‌توانند به رساندن مفهوم و پیام کمک کنند و فکر می‌کنم، این امر دست‌یافتنی است. ضمن آنکه بچه‌های خردسال ما هم خیلی بیشتر می‌فهمند.

نگاه شما به انیمیشن دینی چگونه است؟ یکی از دغدغه‌های من، تولید انیمیشن‌های دینی و دفاع مقدس است و در صورتی می‌توانیم به این هدف برسیم که داستان محکمی داشته باشیم. تا زمانی که قصه‌ای ضعیف به دست ما برسد، از هر تکنیک و روشی هم که استفاده شود، به نتیجه مطلوب نمی‌رسد.

کودکان نسل امروز خوراکی می‌خواهند که طبق سلیقه‌ها و تکنیک‌های روز جلو رود. پس اگر قصه‌ای دینی ساخته و با تکنیک‌های امروز کار شود، با علاقه آن را نگاه می‌کنند؛ انیمیشن «عاشورا بیان» با داستان حضرت مسلم نمونه قابل توجهی است. یکی از حسن‌های این کار، داستان خوب، کارگردانی خوب و استفاده از نیروی متخصص است. اگر ما از شیوه‌های

جدید امروزی که بچه‌ها به آن علاقه‌مندند، استفاده کنیم، می‌توانیم در کارهایمان به نتایج خوبی برسیم.

انیمیشن چه نقشی می‌تواند در ساخت تفکر دینی کودک امروزی داشته باشد؟

اگر ما خوراک خوب به بچه‌ها بدهیم، از همه لحاظ ساخته می‌شوند، اما وقتی چنین خوراکی نداریم، او به برنامه‌های تولیدی دیگر کشورها رجوع می‌کند و جذب آن می‌شود و ما این فرصت‌ها را از دست می‌دهیم.

اگر رابطه بچه‌ها با انیمیشن و رابطه انیمیشن با مفاهیم دینی را بپذیریم، آیا به جهت تفکر دینی رابطه‌ای بین بچه‌ها و انیمیشن دینی به وجود خواهد آمد؟

وقتی ما انیمیشنی می‌سازیم که یک قصه دینی را مطرح می‌کند، اگر بچه‌ای با علاقه آن را تماشا کند، به فکر فرو می‌رود؛ یعنی قصه روی او تأثیر داشته است. این کودک در جریان آن انیمیشن تحت تأثیر قرار می‌گیرد و خودش را جای آن شخصیت قرار می‌دهد و کارهای او را تکرار می‌کند و همان عمل را انجام می‌دهد. ما اگر بتوانیم این خوبی‌ها را در انیمیشن خود برجسته نشان دهیم، این کودک ساخته می‌شود؛ زیرا فکر بچه زلال است و بسیاری از این مفاهیم را راحت می‌پذیرد.

همین بخش سرمایه‌گذاری کنیم و راحت جلو برویم. ولی وقتی شما مجبورید کاری را که یک میلیارد تومان هزینه دارد با ۱۵۰ میلیون تومان آماده کنید، کار به نتیجه نمی‌رسد.

کارهای دینی بودجه خاصی هم دارند؟
ما کارهایی که تولید می‌کنیم بر اساس اولویت‌های مختلف‌اند. در صبا، کارهای دینی همیشه جزو اولویت‌های اصلی است و اگر قصه خوبی برسد، بودجه‌ای که لازم باشد به آن اختصاص داده می‌شود.

چشم‌انداز شما در صبا برای تولید انیمیشن‌های دینی به لحاظ کیفی و کمی چیست؟

ما در صبا کارگاه‌های دینی راه‌اندازی کردیم که هر هفته، تشکیل جلسه می‌دهد. ضمن آنکه چند کار تحقیق و پژوهش سفارش داده‌ایم که اگر به نتیجه برسد، در تولیدات این مرکز کارهای خوبی خواهیم داشت.

ما فعلاً می‌توانیم به صورت برداشت‌های آزاد از فلان سوره یا آیه یا شخصیت دینی پیش ببریم، نه اینکه بخواهیم آن‌قدر به قضایا خشن نگاه کنیم که به جای آنکه کودک را علاقه‌مند کند، او را فراری دهد. ■

چرا باید کار خوب کم به دست شما برسد؟ در حالیکه نه آدم مذهبی کم داریم، نه فیلمنامه‌نویس. قاعدتاً فیلمنامه‌نویس مذهبی هم نباید کم داشته باشیم. چه چیز باعث می‌شود که اگر قرار است خروجی داشته باشیم، با محدودیت مواجه باشیم و دستمان خالی باشد؟

من به جرأت می‌توانم بگویم فیلمنامه‌نویس خوب انیمیشن نداریم. نویسنده خوب زیاد است، اما فیلمنامه‌نویس خوب زیاد نیست. به همین دلیل صبا تصمیم گرفت کارگاه‌های فیلمنامه‌نویسی راه‌اندازی کند. در حال حاضر ۹ کارگاه فیلمنامه‌نویسی در مرکز صبا وجود دارد و با این هدف که بعد از ۲ یا ۳ سال، از میان شرکت‌کنندگان در این کارگاه‌ها، فیلمنامه‌نویسان خوبی تربیت شوند که نه فقط در حوزه انیمیشن، بلکه در تمامی زمینه‌ها بتوانند کار کنند.

تأثیر بودجه و میزان سرمایه‌گذاری در انیمیشن به عنوان یکی از قالب‌های نمایشی چگونه است؟

در دنیا به این نتیجه رسیده‌اند که انیمیشن می‌تواند بزرگ‌ترین حرف را در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و ... بزند و تمایل پیدا کرده‌اند تا حرف‌هایشان را به این طریق منتقل کنند. با بودجه مناسب و کافی می‌توانیم روی

اگر قصه‌های خوب دینی نوشته شود و در قالب انیمیشن و با تکنیک‌های خوب کار شود، هم در ساخت شخصیت بچه‌ها و هم در شناخت و فهم صحیح از آن محتوایی که ما می‌خواهیم مطرح کنیم، تأثیر خواهد گذاشت. **آیا شیوه‌های اجرایی برای ساخت انیمیشن در ایران به گونه‌ای است که کودک را ترغیب به تماشا کند؟**

در انیمیشن همه چیز به پول و سرمایه‌ای که در اختیار دارید، ربط دارد. اگر پول خوب به مجری طرح داده شود و کارگردان خوبی هم به کار گرفته شود، از آنجا که همه چیز با دستگاه و نرم‌افزارها انجام می‌شود، به راحتی می‌توان یک کار خوب تولید کرد.

ما در حوزه انیمیشن، به جای آنکه پیشرفت کنیم، متأسفانه در جا می‌زنیم؛ زیرا برنامه‌ریزی برای آینده نیروهایمان نداریم. در حالی که ما نیروهایی داریم که توانایی‌هایی خود را نشان داده‌اند و در این حوزه می‌توانند بهتر و قوی‌تر از پیشرفته‌ترین کشورها تولید داشته باشند.

مرکز صبا برای تولید کارهای باکیفیت در حوزه انیمیشن دینی چه سیاستی را دنبال می‌کند؟

متأسفانه در این سی سال بعد از انقلاب، کاری که واقعاً قابل توجه بوده باشد، جز یک یا دو مورد نداشتیم. کارهایی که انجام شده، خیلی کم بوده که یا تکنیک قابل توجهی نداشته یا داستان خوبی نداشته‌اند.

سیاست مرکز پویانمایی صبا در دوره مدیریت جدید، قصه‌های خوب است. چنانکه صبا قول داده اگر قصه خوب داشته باشیم، بودجه‌اش را تأمین خواهد کرد. اما ما متأسفانه هنوز این خوراک اولیه را نداریم.

مشکل بزرگ ما این است که برخی فکر می‌کنند، اگر یک داستان دینی ارائه دهند، سریع‌تر برای تولید، تصویب و تأیید می‌شود. اما از وقتی که من مسئولیت این بخش را بر عهده گرفته‌ام، با این هدف بوده که اگر می‌خواهیم اقدام مثبتی برای قصه‌های قرآنی و یا اخلاقی انجام دهیم، لازم است داستان محکمی داشته باشد. پس ما به دنبال این هستیم که قصه‌های خوب پیدا کنیم و در این راستا با دوستانی که در زمینه‌های دینی و قرآنی خوب کار می‌کنند، قرارداد ببندیم تا فیلمنامه‌های خوب انیمیشنی تولید شود و آن را برای کار به مؤسسات تولید انیمیشن دهیم.





هانیه خاکپور

سرپرست کارگاه تاریخ و ادیان مرکز صبا

تکلیف نویسندگان درباره واقعه عاشورا روشن نیست

حضرت زهرا (س) و حضرت زینب (س) و دیگر اشخاصی است که به طور مشخص و آشکار در زندگی ائمه (ع) نقش و حضور داشتند.

البته یک بخش از تاریخ اسلام «تاریخ عاشورا» است که به تنهایی دارای جایگاه خاص است و بسیاری از فیلمنامه‌ها و ایده‌ها و طرح‌هایی که به دست ما می‌رسد، در این خصوص است.

تاریخ عاشورا به دلیل مفصل و مشروح بودن و اینکه پرحادثه و پرمعناست؛ در کارگاه ما دارای پرونده جداگانه است و تاکنون در کارگاه، چند فیلمنامه در مورد برخی از یاران حضرت سیدالشهداء (ع) مثل زهیر بن قین نگارش شده است.

محور دیگر فعالیت ما آثاری هستند که به طور مشخص و شفاف و صریح با مذهب سر و کار دارد. فی‌المثل آثاری که مضمون عبادات را دنبال می‌کنند؛ مثل نماز، روزه و ماه رمضان و به طور کلی جنبه‌های عبادی. به عنوان مثال یکی از پروژه‌هایی که ما در دست داریم، درباره ماه رمضان، جنبه‌های مختلف آن، اهمیت و تأثیراتی است که می‌تواند در جهت انسان‌سازی داشته باشد و یا فیلمنامه‌هایی در خصوص آموزش احکام؛ مثلاً نماز یا روزه.

تعامل و تبادل ایده و اندیشه است. در بخش تاریخ این کارگاه، بیشتر به آثاری که جنبه تاریخی دارند و تاریخ ایران را موضوع کار خود قرار می‌دهند، می‌پردازیم. هرچند که در این قسمت دست پری نداریم و افرادی که کارهای خود را به اینجا ارائه داده یا می‌دهند، تعدادشان محدود است.

در بخش ادیان، کارهای ما بر چند محور مبتنی است که یکی از آنها «تاریخ انبیا» است که بسیار مورد توجه فیلمنامه‌نویسان و داستان‌نویسان است و بسیاری از ایده‌ها و طرح‌هایی که به مرکز صبا پیشنهاد می‌شود، در این خصوص است.

یکی از پروژه‌هایی که ما هم‌اکنون در دست داریم، زندگی انبیا از آدم تا خاتم را بیان می‌کند. اما این پروژه مانع از آن نیست که اگر فیلمنامه‌ای در این حوزه ارائه شود، آن را نپذیریم.

ما در حال حاضر حدود ۳-۴ فیلمنامه مد نظر داریم که درباره حضرت یونس و اصحاب کهف است و فیلمنامه‌هایی درباره حضرت سلیمان و حضرت موسی را نیز آماده داریم.

محور دیگر فعالیت ما «تاریخ اسلام» است که شامل زندگی پیامبر (ص) و ائمه معصومین و

محمدابراهیم سلطانی‌فر، نویسنده و کارگردان و سرپرست کارگاه تاریخ و ادیان مرکز پویانمایی صباست. گفتگوی ما با وی درباره فعالیت و برنامه‌های این کارگاه است.

از چه سالی کارگاه تاریخ و ادیان راه‌اندازی شد و چه تعداد عضو دارد؟

کارگاه تاریخ و ادیان از اسفند ماه ۸۶ شروع به فعالیت کرده است. این کارگاه دو نوع عضو دارد؛ یک عده پیوسته و مرتب حضور دارند و حدود ۱۰ تا ۱۵ نفر هستند و یک عده اعضای وابسته که موردی در کارگاه حاضر می‌شوند.

کمی از فعالیت‌های کارگاه تاریخ و ادیان بگویید و اینکه هدف از راه‌اندازی آن چه بود؟

از جمله کارگاه‌هایی که در شرکت صبا فعال هستند، کارگاه تاریخ و ادیان است که من سرپرستی آن را بر عهده دارم.

در کارگاه تاریخ و ادیان، صرف نظر از اینکه نام آن چقدر جامع است و آیا اصلاً بیانگر کاری که ما انجام می‌دهیم هست یا خیر، آثاری که جنبه تاریخی، مذهبی و دینی دارند، مورد بحث،

شما بیشتر سفارش می‌دهید یا فیلمنامه به شما می‌رسد؟

ما هر دو کار را انجام می‌دهیم. موضوعات سفارشی را به نیروهای کارگاه خود سفارش می‌دهید؟

خیر؛ به بیرون هم سفارش می‌دهیم. منتها اگر به بیرون سفارش کار دهیم، از آنها می‌خواهیم که در کارگاه‌های ما شرکت کنند تا متن فیلمنامه در جریان کارگاه پرورش پیدا کند.

البته این کارگاه‌ها را نباید به عنوان یک محدودیت و یک مانع تلقی کرد، بلکه یک امکان است؛ زیرا ده نفر راجع به یک طرح نظر می‌دهند، در مورد آن فکر می‌کنند و ایده می‌دهند و این اتفاق خوبی است. از نظر من بهترین نوع آموزش، آموزش توأم با تجربه است و دوستان از این نظر می‌توانند بهره ببرند و راضی هم هستند.

آیا شما به چگونگی ساخته شدن تولیدات نیز نظارت می‌کنید؟

مرکز صبا یک ساز و کار مشخص دارد که به این مسائل نظارت می‌کند. البته ما گاهی پیشنهادهایی می‌دهیم که در فلان قالب و شیوه ساخته شود، ولی در حد پیشنهاد است. در واقع ما در این کارگاه‌ها فقط فیلمنامه ارائه می‌دهیم.

چه برنامه‌ای برای این کارگاه‌ها دارید؟

در برنامه بلندمدت این کارگاه‌ها، همان پروژه‌های وسیع مثل پروژه تاریخ انبیا را در نظر داریم که یک حرکت چندین ساله است.

برنامه‌های کوتاه‌مدت ما هم به این گونه است که مثلاً تا چند ماه دیگر ایام ماه رمضان شروع می‌شود و ما به مناسبت این ایام کاری تولید می‌کنیم و در حقیقت مناسبتی کار می‌کنیم.

در برنامه میان‌مدت خود نیز همین برنامه‌های سینمایی انیمیشن را داریم؛ یعنی بالای ۶۰ دقیقه است.

البته از آنجا که کارگاه‌های ما شناخته شده نیستند و اطلاع‌رسانی درستی راجع به این کارگاه‌ها انجام نشده است، هیچ برخوردی نه سلبی نه ایجابی با این کارگاه‌ها صورت نگرفته است. در این شرایط که بازتاب این کارگاه‌ها را نمی‌بینیم، طبعاً نمی‌توانیم تصور درست و جامع و قابل استنباطی داشته باشیم و وقتی این بازتاب صورت نگیرد، بعد از مدتی مسئولان فکر می‌کنند این کارگاه‌ها تأثیری ندارد و چرایی آن را زیر سؤال می‌برند. ■

در قالب کمیک استریپ یا فتورمان درمی‌آوریم و نه انیمیشن تک‌فریم.

نقش انیمیشن در ساخت تفکر دینی بچه‌ها چیست؟

من با تحقیق، پژوهش و مقاله‌ای که در این زمینه کار کرده‌ام، برخورد نکرده‌ام و در این زمینه مطالعات آکادمیک و همه‌جانبه ندارم، اما با اتکا به تجربیاتم می‌گویم که انیمیشن، تفکر دینی بچه‌ها را می‌سازد و بسیار اهمیت دارد.

کودک با انیمیشن رابطه خوبی برقرار می‌کند و می‌توان گفت منشاء پیدایش انیمیشن هم این بود که برای مخاطب کودک ساخته شود. به نظر من انیمیشن برای کودک مؤثرترین رسانه است.

تولید انیمیشن‌های دینی در مرکز صبا چه جایگاهی دارد؟

باید برای فیلمنامه‌نویسان انیمیشن جنبه‌هایی از عاشورا را تعریف کرد که با این قالب متناسب باشد زیرا دوستان از این نظر مشکل دارند

از جمله مضامینی که صدا و سیما دنبال می‌کند و محور کارهای خود قرار می‌دهد، مضامینی هستند که ریشه در اعتقادات و آیین‌های مذهبی دارد. به تبع این سیاست کلی که در صدا و سیما حاکم است، شرکت صبا هم از این قاعده مستثنی نیست و در چارچوب همان سیاست‌ها به این مضامین اهمیت و اولویت داده است.

آیا هر فیلمنامه انیمیشن دینی باید از کانال شما عبور کند؟

لزوماً نه. فیلمنامه‌نویسان می‌توانند فیلمنامه خود را به صورت مستقل عرضه کنند تا مورد تأیید و تصویب قرار گیرد.

در واقع فیلمنامه‌نویس می‌تواند دو گونه عمل کند؛ فیلمنامه خود را به کارگاه بیاورد تا با کمک اعضای کارگاه، نگارش آن را انجام دهد و یا به صورت مستقل این کار را بکند. البته بیشتر دوستان ترجیح می‌دهند که کار خود را به کارگاه بیاورند؛ زیرا در کارگاه با تعدادی کارشناس در ارتباط هستند که به دنبال نقد و عیب‌جویی نیستند، بلکه ایده پیشنهاد می‌کنند و باعث تقویت کار می‌شوند یا اینکه فیلمنامه را شخصاً نگارش کند و آن را برای تصویب و اخذ مجوز تحویل دهد.

فیلمنامه‌هایی که در خصوص تاریخ عاشورا به دست شما می‌رسد، چگونه است؟ بیشتر به متن واقعه عاشورا می‌پردازد یا حاشیه؟ و اساساً نظر شما این است که این واقعه را برای کودکان چگونه بازگویی و تشریح کنید؟

اصلاً عمده مشکل ما در زمینه آثار انیمیشن این است که با توجه به مخاطب کودک و قالب انیمیشن، تکلیف نویسندگان در مورد واقعه عاشورا روشن نیست و غالب کارهایی که عرضه می‌شود در کارگاه‌ها، به همین دلایل مردود شناخته می‌شود.

به نظر من باید برای فیلمنامه‌نویسان انیمیشن، جنبه‌هایی از عاشورا را تعریف کرد که با قالب انیمیشن متناسب باشد؛ زیرا دوستان از این نظرها مشکل دارند.

البته بیشتر فیلمنامه‌هایی که به دست ما می‌رسد، به صورت غیرمستقیم به حادثه عاشورا می‌پردازند؛ مثلاً داستان «زهیربن قین» که یکی از سپاهیان امام حسین (ع) بود که اتفاقاً در برخی جنگ‌ها با حضرت امیر (ع) نیز جنگید اما در ظهر عاشورا حائل شد، بین حضرت امام حسین (ع) و لشکر این سعد تا بتواند نماز بخواند و در برخی از صحنه‌های فیلمنامه هم گفت‌وگوی زهیر با امام حسین (ع) را داریم.

یا به صورت فانتزی به این واقعه می‌پردازیم، مثلاً فیلمنامه‌ای داریم که از زبان یک مشک روایت می‌شود.

آیا هر فیلمنامه‌ای می‌تواند به صورت انیمیشن درآید؟

در یک فیلمنامه باید قواعد انیمیشن رعایت شده باشد و ذاتاً انیمیشن باشد؛ یعنی اگر فیلمنامه بسیار قوی و خوبی به دست ما برسد، اما مخاطب آن کودک نباشد و قالب کار مناسب انیمیشن نباشد، از نظر ما قابل قبول نیست؛ پس آثاری که به مرکز صبا و کارگاه‌های بررسی فیلمنامه ارائه می‌شوند، باید دو خصیصه را داشته باشند: ۱- مناسب مخاطب کودک باشد. ۲- ذاتاً انیمیشن باشد.

اگر فیلمنامه‌ای ناظر به جنبه‌های آموزشی است، نباید جنبه‌های نمایشی را تحت تأثیر قرار دهد؛ زیرا آموزش در انیمیشن، در چارچوب قواعد نمایشی معنا پیدا می‌کند. البته اگر برخی مطالب به دست ما برسد که قابلیت انیمیشن شدن نداشته باشد و آن بار نمایشی لازم را نداشته باشد، کنار گذاشته نمی‌شود، بلکه آن را

حرف مهم را باید به بهترین نحو بیان کرد

هانیه خاکپور

ناهید صمدی امین، کارگردان انیمیشن «عاشوراییان» با موضوع سفر مسلم بن عقیل به کوفه است که در حوزه انیمیشن دینی کار موفقی محسوب می‌شود و توانست جوایز بسیاری در جشنواره‌های داخلی و خارجی کسب کند. وی همچنین انیمیشن «حبیب بن مظاهر» را در کارنامه خود دارد. با وی درباره وضعیت تولیدات انیمیشن دینی در کشور و سختی‌های کار بر روی موضوعات دینی در حوزه انیمیشن صحبت کردیم. وی معتقد است:

انیمیشن‌های دینی در ساخت تفکر دینی کودکان نقش مهم و تعیین کننده دارند؛ زیرا کودک در پیرامون خود با چنین موضوعاتی برخورد داشته و زمانی که این مفاهیم را در قالب انیمیشن که مختص خود اوست، می‌بیند، ارتباط خوبی با آن برقرار می‌کند. اما این در صورتی است که تولیدکنندگان انیمیشن بتوانند کاری تولید کنند که هم به لحاظ شیوه‌های اجرایی برای این دسته از مخاطبان جذابیت داشته باشد و هم به لحاظ محتوایی بتواند موضوعاتی با این درجه از اهمیت را آن چنان بیان کند که کودک نسبت به تماشای آن علاقه نشان دهد. متأسفانه انیمیشن‌های تولید شده دینی نه با زبان امروزی بیان شده‌اند و نه توانسته است حق مطلب را به درستی بیان کنند. بنابراین کودک ما به چنین کارهایی علاقمند نشده است. در نتیجه انیمیشن‌های دینی در کشور ما به آن کارکردی که شایسته است در ساخت تفکر دینی کودکان و نوجوانان داشته باشند، نرسیده‌اند.

اگر کودک در میان انبوه انیمیشن‌های داخلی و خارجی حق انتخاب داشته باشد، رقابت سخت و فشرده می‌شود؛ مگر آنکه نحوه پردازش موضوع در انیمیشن دینی

به گونه‌ای باشد که کودک را با اتفاقات و هیجاناتی که در داستان آورده می‌شود، به سمت خود بکشاند. اما متأسفانه انیمیشن‌های دینی تولید شده این خاصیت را ندارد، به پارامترهای جذابیت در انیمیشن دقت نمی‌کند و تنها به بیان داستان و روایت در یک مقطع زمانی خاص بسنده می‌کند.

در ایران انیمیشن‌ها تنها از رسانه تلویزیون است که می‌توانند با مخاطب خود ارتباط برقرار کنند و از آنجا که انیمیشن‌های دینی در ایام خاص مذهبی پخش می‌شود که زمان مناسبی برای بیان این مفاهیم است و خانواده‌ها هم از آن استقبال می‌کنند، کودک به دانستن در خصوص موضوعات و مفاهیم دینی و مذهبی ترغیب می‌شود.

متأسفانه مرکز صبا دارای برنامه مسجعی برای تولیدات دینی در چند سال آینده نیست

هدف از ساخت انیمیشن‌های مذهبی، بیان مناسب شخصیت‌های دینی است. بنابراین باید به گونه‌ای کار شود که درخور شأن و شخصیت این بزرگان باشد؛ زیرا موضوعات و مفاهیم دینی و مذهبی از آنجا که جزو آرمان‌ها و اعتقادات یک ملت هستند، حساس هستند.

متأسفانه مرکز پویانمایی صبا به عنوان تنها مرکز برنامه‌ریزی و تولید انیمیشن در کشور، دارای برنامه مسجعی برای تولیدات دینی در این قالب در چند سال آینده نیست.

تنوع زیاد در زمینه موضوعات انیمیشن نیز سبب شده تا به جهت تعدد انیمیشن‌های در انتظار مجوز و بودجه، از حجم تولیدات دینی کاسته شود.

عدم حضور فیلمنامه‌نویسان حرفه‌ای در حوزه انیمیشن دینی نیز مشکل را دو چندان کرده است و باعث شده تا افرادی وارد این حوزه شوند که در این کار حرفه‌ای نیستند و نمی‌توانند قصه‌های خوبی خلق کنند که تأثیرگذار باشد و ذهن مخاطب کودک را

بتواند درگیر کند. تولید انیمیشن مذهبی سختی‌های دیگری نیز دارد؛ تلاش برای واقعی شدن حرکات، رفتارها و شخصیت‌ها باعث می‌شود کار سخت شود؛ چه از نظر صرف بودجه و چه به لحاظ تحقیق و پژوهش.

همچنین بسته بودن دست تولیدکنندگان انیمیشن‌های دینی در نوع روایت به دلیل حساسیت موضوع باعث شده تا نیروها به دلیل وجود این مشکلات و اینکه انگیزه‌های اقتصادی آنها مرتفع نمی‌شود، از کار بر روی چنین موضوعاتی فاصله بگیرند.

اگر انیمیشن «عاشوراییان» را به عنوان یک کار موفق و قابل قبول در حوزه انیمیشن‌سازی دینی بدانیم، با توجه با اقبال خوبی که کودکان به این کار داشتند و با علاقه آن را دنبال کردند، می‌توان گفت که کودکان با این قبیل موضوعات به خوبی ارتباط برقرار می‌کنند و آن را دنبال می‌کنند. اما از آنجا که این موضوعات در کارهای انیمیشن به صورت دنباله‌دار پیگیری نمی‌شود، کودک نمی‌تواند تاریخ اسلام و بزرگان دینی را در آنها جستجو کند و از این حیث نیاز کودک بی‌پاسخ گذاشته می‌شود.

در این کار ما بر اساس الگوها و اهدافی که داشتیم، در مرحله اول به آن تأثیر و تأثیری که در میان مخاطبان دنبال می‌کردیم، دست پیدا کردیم و در مرحله دوم نیز توانستیم مطمئن را منتقل کنیم. در این کارها موضوعاتی که انتخاب می‌شود، مهم و حساس است. اما مهم‌تر آن است که آن را به بهترین نحو بیان کرد.

ظرفی که ما برای این کار در نظر گرفتیم، واجد همه پارامترهای اساسی تولید انیمیشن از جمله گرافیک، اجرا، نقطه‌گذاری‌های مناسب سینمایی و ... بود و عوامل تولیدکننده در این کار توانستند با صبر، دقت و حوصله، رسالتی که داشته‌اند را به نحو مطلوب به پایان برسانند و مخاطب ما با استقبالی که از این کار داشت، نشان داد که درک کرده، این کار از سایر کارها متفاوت است و برای آن فکر، زمان و انرژی صرف شده است. ■



خپلپا

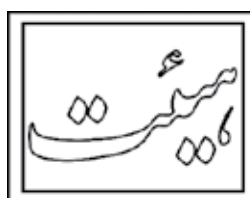
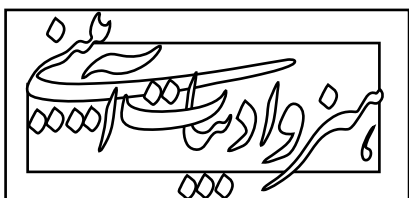
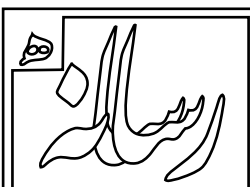
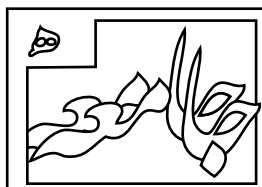
ماهنامه
فرهنگی
اجتماعی
خپلمنه

KHEIMEH
Cultural - Social
Monthly



«امام حسین (ع) در عصر حاضر» موضوع محوری این بخش در همه شماره‌هاست. در این شماره در گفت‌وگویی که با «دکتر عماد افروغ» در این باره داشتیم و طی نشست دنباله‌داری که با استاد «سیدمحمد رضا هزاوه‌ای» در دفتر مرکز برگزار شد و هم‌اکنون ادامه دارد، موضوع را دنبال کرده‌ایم؛ «نگاه کلامی به بحث نذر» و مذاقه در «زیارت امین‌الله» از دیگر موضوعات این بخش است.

KHEIMEH
Cultural - Social
Monthly



خطر امروز؛ تقلیل امر به معروف و فراموشی حاکمان

گفت‌وگو با عماد افروغ



به معروف و نهی از منکر در سطح کلان و در سطح رابطه مردم با حکام مطرح می‌شود. این قیام مصداق امر به معروف و نهی از منکر است. عده‌ای این سطح کلام را نادیده می‌انگارند و امر به معروف و نهی از منکر امام حسین (ع) را به روابط اجتماعی مردم با مردم تقلیل می‌دهند؛ یعنی تذکرات روزمره‌ای که مردم به همدیگر می‌دهند. غفلت از تذکرها و نصیحت‌هایی که مردم می‌توانند به اصحاب قدرت و رهبران‌شان داشته باشند. ما باید این درس را بگیریم که این قدر امر به معروف و نهی از منکر را تقلیل به مسائل جزئی ندهیم. یک وجه این امر به معروف و نهی از منکر نصیحت ائمه مسلمین است. بنابراین تفسیری از ولایت فقیه به دست ندهیم که این امر به معروف و نهی از منکر از مردم گرفته شود. این مسئله بسیار اساسی است. نکته دیگری که باید در پاسخ به این سؤال مطرح کرد، این است که چرا امام حسین (ع) مجبور به قیام شد. چگونه یعنی سازوکار این قیام چه بود و چرا امام حسین (ع) عطف به بیعت‌هایی که دریافت کرد، تصمیم به قیام گرفت. این سؤال خیلی جدی و اساسی است؛ یعنی ما قیام را در زمان اباعبدالله (ع) می‌بینیم. اما ریشه‌های آن به گذشته برمی‌گردد؛ به مصلحت‌گرایی‌ها و مصلحت‌اندیشی‌های کاذبی که از زمان حضرت علی (ع) شروع شد و صلحی که به خاطر مصلحت‌اندیشی‌های بیش از حد یاران، به امام حسن (ع) تحمیل شد.

پس شما معتقدید برای شناخت ریشه‌های قیام امام حسین (ع) باید به صلح امام حسن (ع) بازگشت؟

بله؛ اگر آن مصلحت‌اندیشی‌ها نبود و اگر آن عدم حمایت‌ها و عدم حق‌طلبی‌های طرفداران امام علی (ع) نبود، نه کار به حکمیت می‌رسید، نه کار به صلح تحمیلی می‌رسید و نه نوبت به قیام اباعبدالله (ع) می‌رسید. تعبیر عرفانی من این است که امام حسین (ع) قیام کرد که به همه ثابت کند، صلح برادرش با معاویه یک صلح اولاً و بالذات نبود، بلکه یک صلح ثانیاً و بالعرض و تحمیلی بود. نکته دیگر، خیلی از منبری‌های ما می‌گویند که امام حسن (ع) قیام

اصلی خیلی از گفت‌وگوهای ما در این بخش بوده است؛ به نظر شما آیا در این دوران ما همچنان می‌توانیم از الگوی انقلاب و عاشورای حسینی صحبت کنیم؟

عبارتی معروف و مشهور در مورد فلسفه قیام حضرت اباعبدالله (ع) وجود دارد که کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا. این بدین معناست که ما واقعاً می‌توانیم در هر عصر و مکانی از قیام تاریخی حضرت سیدالشهدا (ع) عبرت بگیریم و درس بیاموزیم. امام حسین (ع) اتفاقاً قیامشان در ذیل یک نظام به اصطلاح اسلامی است؛ یعنی شروع کننده یک قیام نوظهور اسلامی نیستند. آن قیام نوظهور اسلامی مربوط به پیامبر اکرم (ص) بود.

در دوران ما که نظام اسلامی مستقر شده اتفاقاً بهره‌گیری از اباعبدالله (ع) بیشترین کاربرد و عبرت را می‌تواند داشته باشد. امام حسین (ع) قیام می‌کند و قیام خودش را مصداق و مظهر امر به معروف و نهی از منکر می‌داند. این اولین درس است که می‌توانیم از ایشان بگیریم که امر

امامان ما باید الگو می‌بودند، اما چگونه می‌توان از آن‌ها الگو گرفت؟ حسینی که همواره با قیام و انقلاب همراه شده، به چه کار امروز ما می‌آید که قرار است در دوران صلح زیست کنیم؟ آیا همچنان حسین (ع) می‌تواند الگو باشد؟ عماد افروغ جامعه‌شناس و استاد دانشگاه تهران، معتقد است؛ اگر حسین (ع) را درست معرفی کنیم، اتفاقاً بیش از آنکه برای انقلاب‌ها مؤثر باشد، برای دوران صلح کارآمد خواهد بود. او به «امر به معروف و نهی از منکر» که از عمده اهداف قیام حسین (ع) است، تأکید می‌کند و می‌گوید؛ گرچه عده‌ای می‌خواهند این اصل را به امور جزئی تقلیل دهند، اما واقعیت آن است که این اصل متعالی اسلامی بیش از هر چیز باید متوجه حاکمان اسلامی باشد و حسین (ع) نیز به خاطر امر به معروف و نهی از منکر خلیفه وقت خود چنین قیامی را به پا کرد.

سؤالی تکراری اما اساسی که محور

هم مصلحت‌اندیشان و قدرت‌طلبان بودند. در جامعه‌مان هر دو را داریم. هم مصلحت‌اندیشان و هم قدرت‌گرایانی داریم که نان به نرخ روز می‌خورند. ماکیاولیست‌هایی داریم که لباس دین پوشیده‌اند. در کنار اینها هم یک سری متحجر داریم. به نظر من اگر متحجرین و سطحی‌اندیشان نبودند، این قدرت‌طلبان و رندان دنیاگرا توفیق چندانی به دست نمی‌آوردند.

تقریباً در دوره‌ای از همین تاریخ معاصر ما، مثلاً در دهه ۵۰ و ۶۰، روشنفکرانی مثل مرحوم شریعتی بیشتر یک قرائت و تفسیر انقلابی از عاشورا و امام حسین (ع) ارائه می‌دادند شاید این قرائت در آن دوره که عصر انقلاب‌ها بود، به کار می‌آمد اما آیا همان قرائت‌ها و تفاسیر الان که عصر انقلاب‌ها به پایان رسیده باز هم کاربرد دارد؟

به این بستگی دارد که چگونه قیام ابا عبدالله (ع) را فهم کنیم. به نظر من قیام ایشان چند وجه دارد؛ یکی اینکه به هر حال به عنوان یک اسطوره جاودان، جنبه اسطوره‌ای پیدا کرده و به عنوان یک حقیقت و واقعیت متعالی در ذهن مسلمین به خصوص شیعیان حک شده است. وجه دیگر قیام حضرت، پویایی و زایا بودن آن است؛ یعنی هر بار پیام جدیدی به دست می‌دهد. مسئله بعدی منحصر به فرد بودن آن است. هیچ تراژدی مثل تراژدی کربلا در تاریخ بشریت سراغ نداریم. یک تراژدی منحصر به فرد است که اختصاص به یک فرد نداشته و اختصاص به مردان ندارد و اختصاص به زنان نیز دارد. پیام‌رسانی حضرت زینب (س) نمونه آن است. یک قیام جاودانه و همیشگی است. چندین درس دارد؛ اول اینکه کسی مثل امام حسین (ع) یا یزید بیعت نمی‌کند. دوم، امام (ع) تا نامه‌های دعوت را دریافت نمی‌کند، قیام نمی‌کند. این در فلسفه سیاسی پیام دارد؛ یعنی مشروعیت و قانونیت یک نظام در گرو حقانیت و مقبولیت است. مقبولیت به رضایت عامه برمی‌گردد. امام حسین (ع) اوج حقانیت است. اما باید نامه‌ها بیاید تا حجت برای ایشان تمام شود. نباید فقط یک بخش قیام را ببینید. یک شرایط پیدایی دارد که از آن باید تحلیل خوبی به دست داد و عطف به این تحلیل‌های خوب، فهم‌های خوبی از وجوه مختلف آن به دست آورد و تکلیف و رسالت خود را نسبت به این فهم‌های مختلف مشخص کنیم. ■

مقابل این موانع بایستیم. اما وقتی که عده و عده نداریم و منافع و مصلحت‌ها این اجازه را به ما نمی‌دهند که در برابر این سنگ‌اندازی‌ها بایستیم، امور ثانوی وارد قضیه می‌شوند و ما باید کوتاه بیایم. اما این‌ها اصالت ندارد و حد و مرز دارد و باید به خارج از این محدوده‌های مصلحت‌های زودگذر روییم.

نکته دیگری که در این بحث می‌توان مطرح کرد، دشمنان امام حسین (ع) است که می‌تواند برای امروز ما مؤثر باشد. دشمنان حسین (ع) طیف ناهمگونی را تشکیل می‌دهند. در صف مقابل امام حسین قاریان برجسته قرآن از خوارج تا کسانی که برای گرفتن ملک و سرزمین وارد جنگ با امام (ع) شده‌اند، هستند...

امام حسین (ع)
تا نامه‌های دعوت را دریافت نمی‌کند
قیام نمی‌کند
یعنی مشروعیت و قانونیت یک نظام
در گرو حقانیت و مقبولیت است

عده‌ای متحجرند. عده‌ای درک سطحی از دین دارند و فکر می‌کنند در حال عمل به تکلیف هستند. عده‌ای دیگر هم منفعت‌طلب و قدرت‌طلب هستند. در عصر ما هم می‌توانیم توجه به این معنا داشته باشیم؛ یک عده ظاهرگرا و متحجر و کسانی هستند که درک عمیقی از دین ندارند. کسانی که ظاهرگرا هستند، اینها می‌توانند یک طرف انقلاب باشند و کسانی که قدرت‌طلب هستند و به گونه‌ای به مطامع دنیوی چشم طمع دوخته‌اند، طرف دیگر. من نگرانم کسی بخواهد مصداق یابی کند؛ مصداق‌یابی‌هایی که در عرف صف‌آرایی‌های ما معمول است. دسته‌ای یزیدی می‌شوند و دسته‌ای دیگر خود را حسینی می‌دانند و دیگران را متهم به شمر و عمر سعد بودن می‌کنند. این اخلاقی نیست که در جامعه بگردیم و شمرها و عمر سعدها را پیدا کنیم. چرا خودمان را جای امام حسین (ع) گذاشته‌ایم؟ این را چه کسی می‌تواند ثابت کند که برعکس نباشد. یک مقداری باید از این شبیه‌سازی‌های مطلق تاریخی و مصداقی پرهیز کرد و به صورت جریانی مسئله را بررسی کرد؛ یعنی تحلیلی نگاه کرد. در برابر امام حسین (ع) متحجرین و ظاهرگراها بودند. کسانی که درک عمیق از دین نداشتند. یک طرف

نکرد؛ چون فسق معاویه آشکار نبود. ولی امام حسین (ع) قیام کرد؛ چون فسق یزید آشکار بود. به نظر من سطحی‌ترین تحلیل است. اتفاقاً از ائمه خود توقع داریم که در برابر فتنه‌ها و مکرها و فسق‌های غیر آشکار قیام کنند تا نوبت به فسق آشکار نرسد. امام حسین (ع) می‌توانست قیام کند، یاران حمایت نکردند. امام علی (ع) قیام کرد و می‌خواست فتنه معاویه را ریشه کن کند، اما یاران پشتیبانی لازم را نرساندند. بنابراین نباید منتظر بود که فسقی آشکار شود. باید سکوت‌ها و رخوت‌ها را برملا کرد. باید یاری نرساندن‌های به حق را روشن کرد تا نوبت به قیام آشکاری به نام حضرت ابا عبدالله (ع) یعنی قیام واضح و آشکاری علیه فسق آشکار نرسد. به نظر من در دوران استقرار نظام بهترین استفاده را می‌شود از حضرت ابا عبدالله (ع) برد. خود قیام هم یک فلسفه و ریشه‌هایی دارد که باید به آن توجه کرد.

اشاره داشتید صلح امام حسن (ع) بالذات بود و بالعرض نبود. آیا نمی‌توان گفت که باید در دنیای کنونی متناسب با مقتضیات و شرایط و تعاریفی که از مناسبات بین‌الملل و روابطی که بین کشورهای در منطقه و جهان مطرح شده، صلح را اصل قرار دهیم و بهتر است هر موردی که پرخاشگرانه یا غیر صلح باشد در عرضیات قرار گیرد؟ آیا صلح امام حسن (ع) نمی‌تواند الگوی بهتری باشد؟

در سخنان شما اشکالی وجود دارد. چه کسی گفته ما باید همیشه در قیام باشیم و چه کسی گفته همه روابط در عالم ظالمانه است؟ ما یک مواضع اصولی و عقیدتی ثابت داریم. باید در جهت این مواضع اصولی و ثابت خود حرکت کنیم و به این سمت برویم. اما وقتی شرایط به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد و تحمیل می‌شود، ممکن است به خاطر ضرورت بالاتری مجبور شویم از مواضعمان فاصله بگیریم، ولی این فاصله گرفتن اصالت ندارد. در واقع تحمیلی است. جنبه اجتماعی دارد و باید ریشه‌یابی شود که چرا این اتفاقات رخ می‌دهد. بنابراین مسئله صلح متعلق به مسلمان‌هاست. ما هر روز چند باره هم می‌گوییم سلام علیکم؛ یعنی صلح بر شما باد. ما مکتب صلح هستیم. ما اهل این نیستیم که بخواهیم در زمان غیبت، جهاد ابتدایی داشته باشیم. یک سری آرمان‌ها و اصولی داریم که کاملاً انسانی و مبتنی بر صلح است. منتهی برخی مانع می‌شوند و ما باید در

وجوه سلبی امامت

گزیده‌ای از سلسله نشست‌های عاشورا پژوهی*

سید محمد رضا هزاوه‌ای

«چیزی را حفظ کردی و چیزهای دیگر [از ذهن شما] غایب شد. [فراموش شد.]» پس امامت، تمام اسلام در وجه اجرایی و عملی آن است. البته این به این معنی نیست که وجه نظری در امامت وارد نمی‌شود. به طور قطع، این وجه، قوی و مستحکم وجود دارد. اما توجه آن بیشتر به جنبه اجرایی، تحقق و تجلی عملی اسلام است.

مطلب دیگری که در بحث امامت باید مد نظر قرار گیرد و تاکنون مغفول عنه واقع شده، نسبی‌گرایی‌هایی است که در متون نویسندگان متجدد ما به چشم می‌خورد؛ چه صراحتاً باشد و چه تلویحاً. چنین اتفاقاتی تنها ناشی از عدم توجه به امامت است؛ یعنی اگر مباحث اسلامی با لحاظ کردن امامت مورد بحث قرار گیرد، خیلی از کجروی‌ها و نسبی‌گرایی‌های افراطی اصلاح و از آن سو مطلق‌گرایی‌های افراطی هم تعدیل خواهد شد.

در اینجا ما با توجه به بضاعت خود امامت را از منظر به نسبت جدیدی مطرح خواهیم کرد.

داستان امامت درباره «انسان‌سازی» در همه ابعاد آن است. حتی ابعاد عرفانی و معنوی امامت که تحت عنوان «ولایت به امر» در آیات قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته و مفسران آن آیات را در همین مورد توضیح داده‌اند، وجه دیگری از وجوه اجرایی امامت است. بنابراین لازم است به نحو مستوفاتی به آن پرداخته شود.

ولی معمولاً در جامعه ما به صورت تک بعدی به این قضیه پرداخته شده است؛ بدین معنی که مثلاً فقط از منظر کلامی به امامت پرداخته شده و تمام تلاش بحث‌کنندگان مصروف بر اثبات حقانیت امام علی (ع) و امامت بلافصل ایشان می‌شود که البته این از وجوه مهم امامت است و به طور قطع در این مبحث نباید مغفول عنه واقع شود، ولی در هر صورت این مورد، تمام امامت نیست. در حالی که متأسفانه اذهان بیشتر به این بحث معطوف بوده و همین توجه بیش از حد به آن، وجوه دیگر را مورد فراموشی قرار داده است. مصادق: «حَفِظْتَ شَيْءٌ وَ غَابَتْ عَنكَ الْأَشْيَاءُ»؛

مبحث «امامت» که موضوع سخن ماست، یکی از مظلوم‌ترین بحث‌های اسلامی در جامعه شیعه است. اگرچه به آن فراوان پرداخته شده و می‌شود، اما جوهر و حقیقت بحث کمتر مورد اعمال نظر قرار می‌گیرد. می‌دانیم که «امامت»، وجه اجرایی اسلام است. البته این «اجرا» تنها بُعد حکومت و ابعاد سیاسی و اجتماعی را شامل نمی‌شود. اگرچه به طور قطع این ابعاد جزو ابعاد مهم امامت به شمار می‌روند، اما امامت منحصر به این وجوه نیست. این بحث دارای وجوه و ابعاد گسترده‌تری است که در واقع در معنای وسیع‌تری بیانگر وجه اجرایی اسلام است؛ چراکه اسلام آمده تا انسان بسازد و آن را در مسیر کمال و شایستگی قرار دهد. «چه گویمت که به میخانه دوش مست و خراب/سروش عالم غیبم چه مژده‌ها داده‌ست - که‌ای بلندنظر شاه‌باز صدره‌نشین/نشیمن تو نه این کنج محنت آباد است - تو را ز کنگره عرش می‌زنند صغیر/ندانمت که در این دامگه چه افتاده‌ست»

البته اصراری بر تجددگرایی نداریم و تنها قصد داریم امامت را آنچنان که شایسته آن است، مطرح کنیم.

بحث دیگری که می‌تواند از طریق طرح مسئله امامت، تأمین شود، «تبیین تکامل اجتماعی از نظر اسلام» است. مقوله تکامل اجتماعی، یکی از مقولات مطرح در بیشتر مکاتب است. از سوی دیگر یکی از مقولات پیچیده‌ای است که کمتر مکتبی توانسته به نحو شایسته از عهده طرح آن برآید. با اتکالی به بحث «امامت» می‌توان به تبیین کاملی از تکامل اجتماعی دست زد. چنانچه یکی از وجوه بارز مقوله «مهدویت»، مسئله تکامل اجتماعی است. در این مقوله، هم مفهوم تکامل اجتماعی به نحو صحیح روشن می‌شود و هم جهت‌گیری آن مشخص شده و هم نقشی که افراد در تحقق، حرکت در آن مسیر و شتاب بخشیدن به آن دارند، تعیین می‌شود. در هر صورت امامت دارای ابعاد گسترده‌ای است که شاید بعضی از وجوه دیگر آن را در خلال بحث‌هایی که پیش خواهد آمد، بیان کنیم.

ابتدا به عنوان مقدمه و مدخل بحث، به برخی از «وجوه سلبی امامت» می‌پردازیم و بیان می‌کنیم که «امامت چه چیزهایی نیست» اما بد نیست قبل از وارد شدن به این بحث، یادآوری کنیم که هر مقوله‌ای دارای یک سری وجوه «سلبی» و یک سری وجوه «ایجابی» است. علمای منطق ابتدا از مقولات «تعریف» ارائه می‌دهند و توضیحی که از «تعریف» دارند، این است که «تعریف» باید جامع و مانع باشد؛ یعنی «تعریف» باید هم وجوه ایجابی و هم وجوه سلبی موضوع را بیان کند. یک پدیده برای قوام خود به همان اندازه که به وجوه سلبی نیاز دارد، به وجوه ایجابی نیز نیازمند است.

بنابراین اگر در هر بحثی تنها به وجوه ایجابی بپردازیم و وجوه سلبی را بیان نکنیم، در واقع آن بحث درست مطرح نشده است. به‌خصوص اینکه تلقی جامعه ما از بحث امامت به گونه‌ای است که اگر وجوه سلبی این بحث را بیان نکنیم، تصورات نادرستی همراه با تصور امامت برای ما وجود خواهد داشت.

اولین وجه سلبی امامت این است که امامت یک مقوله موروثی نیست. متأسفانه این تصور غلط در جامعه وجود دارد که امام علی (ع) از آن جهت که داماد پیامبر (ص) بود، به امامت رسید و بقیه امامان (ع) نیز به جهت رابطه پدر و فرزندی به امامت می‌رسیدند. این برداشت تا آنجا ادامه دارد که عده‌ای که خود را به غلط تحلیل‌گر

می‌دانند، در حالی که با یک برداشت سطحی به قضیه نگاه کرده‌اند، گفته‌اند: «علت اینکه شیعه به امامت اعتقاد دارد، موروثی بودن آن است!»

امامت مقوله وراثتی نیست. ائمه ما (ع) هر کدام به دلیل صلاحیتی که برای امامت و رهبری مسلمانان داشتند، برگزیده شدند. اسناد و مدارک آن را در جلسه‌های آتی وقتی به بحث «اثبات امامت» رسیدیم، مطرح خواهیم کرد.

نکته‌ای که اینجا در تکمیل این بحث باید گفت این است که در مورد انبیاء (ع) و در مورد امامان ما (ع)، مسئله وراثت تکوینی مطرح است، نه مسئله وراثت تشریحی. حقوقدانان و عالمان علوم سیاسی امروز، بحث مشروعیت نه به معنای شریعت، بلکه ترجمه کلمه legitimacy را مطرح می‌کنند. این مشروعیت یعنی باید بررسی شود که شخص به چه دلیل و بر اساس چه شایستگی‌هایی صاحب منصب و جایگاهی در جامعه می‌شود.

خیلی‌ها معتقدند که پیامبران (ع)، منحصر به پیامبران سامی نیستند؛ به عنوان مثال عده‌ای لااچوچو یا زرتشت را پیغمبر می‌دانند. همین‌طور شهید مطهری احتمال می‌داد، سقراط هم پیغمبر بوده باشد.

بنابراین پیامبران (ع) در سراسر دنیا ظهور کرده‌اند، اما ما در اینجا به پیامبران سامی اشاره می‌کنیم و من می‌گویم که اغلب این پیامبران سامی از میان تبار ابراهیم (ع) بوده و برگزیده شده‌اند. در این معنا ما وراثت را قبول داریم. این برگزیدگی هم از جهت قابلیت آنها برای این کار بوده است. این وراثت، وراثت تکوینی است. اما وراثت تشریحی و وراثت قراردادی را قبول نداریم و نفی می‌کنیم.

امامت به معنایی که ما لحاظ می‌کنیم، یک منصب است نه یک مقام. قبل از اینکه درباره منصب بودن امامت سخن بگویم، لازم می‌دانم که نتیجه مقام دانستن امام را اجمالاً عرض کنم. اگر ما امامت را یک مقام بدانیم، به ناچار به تعمیم آن فتوا داده‌ایم. یعنی اگر امامت یک مقام باشد، به قول فلاسفه یک مقوله بالتشکیک خواهد شد. یعنی یک مقوله ذومراتب خواهد شد. همان‌گونه که علم مقوله بالتشکیک است. یعنی مثلاً می‌توانیم بگوییم که یک دانش‌آموز دبیرستان هم عالم است، یک استاد دانشگاه هم عالم است و مثلاً یک پرفسور هم عالم است. یعنی به هر کدام از این‌ها می‌توانیم لفظ عالم را اطلاق کنیم، منتهی هر کدام از این‌ها در مرتبه خودشان علم دارند. پس بنابراین به همه آن‌ها

می‌شود گفت عالم. اگر امامت هم یک مقام باشد، پس امامت تعمیم پیدا می‌کند. یعنی همه آدم‌ها یا گروه‌کنیری از انسان‌ها می‌توانند امام باشند. حال آنکه ما بر این باوریم که امامت لااقل در دوره اسلامی اختصاص به دوازده امام دارد که از جانب خداوند منصوب شده‌اند. اگر امامت را یک مقام بدانیم، به ناچار باید به تعمیم امامت فتوا دهیم. در مورد ضرورت انتصاب امام فعلاً نمی‌خواهم وارد بحث مفصل شوم. تنها به یکی دو آیه از قرآن استناد می‌کنم. قرآن وقتی در داستان حضرت ابراهیم (ع)، داستان طی مراتب کمال ایشان را تذکر می‌دهد، می‌فرماید: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ»؛ «آن‌گاه که خداوند ابراهیم را به اموری آزمود و ابراهیم از همه آن امتحانات با موفقیت بیرون آمد.»

در واقع خداوند او را در مسیر تکامل قرار داده است. ابراهیم (ع) این مراحل تکامل را به نحو مطلوبی سپری کرده و گذشته است. وقتی این مراحل را طی کرده، مقام امامت را احراز کرده است. اما این کافی نیست؛ زیرا در ادامه می‌فرماید: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ فَقَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا.» «بعد از اینکه آن مقام را احراز می‌کند و شایستگی را به دست می‌آورد، شکی نیست که خداوند هر انسانی را به امامت بر نمی‌گزیند.» چنان‌که در ادامه این آیه وقتی ابراهیم (ع) می‌گوید: «وَمَنْ ذَرِيَّتِي» یعنی آیا ذریه من را هم به این مقام می‌رسانی و در واقع به آن‌ها هم این مقام را می‌دهی یا نه؟ خداوند می‌فرماید: «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ.» مفسرین در این‌جا بحث مفصلی کرده‌اند که منظور از ظالمین در این‌جا کسی است که گناهی را مرتکب شده ولو این که توبه هم کرده باشد، این ظالم است؛ یعنی نفی ظلم، نفی گناه است و از آن عصمت را نتیجه می‌گیرند. این‌جا معلوم می‌شود که خداوند هر کسی را به امامت نمی‌گمارد.

اگر این آیه هم نگفته بود، عقلاً هم قبول می‌کردیم که خداوند هر انسانی را به امامت نمی‌گمارد. انسان‌هایی را که از شایستگی ویژه‌ای برخوردار باشند، به امامت برگزیده می‌شوند. صرف احراز آن شایستگی برای امامتی که مورد نظر ماست، کافی نیست. خداوند می‌فرماید: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا»؛ «من تو را به عنوان امام برای مردم می‌گمارم.» این‌جا خداوند جعل امامت می‌کند. یا در مورد حضرت داود (ع) می‌فرماید: «مَنْ تَوَّابًا»؛ «من تو را در زمین خلیفه قرار دادم.» یا در مورد حضرت آدم (ع) می‌فرماید: «وَإِذِ قَالَ رَبُّكَ



معنا روند تکاملی داشته باشد و اگر می‌تواند به چه معنا می‌تواند؟ اینها سؤالاتی است که در این زمینه مطرح است.

امامت نظامی است که مقصد حرکت جوامع بشری را مشخص می‌کند، نه اینکه در واقع خود حرکت را دقیقاً مشخص می‌کند. امامت همان‌گونه که در نظر قابل تعمیم نیست، یعنی در واقع یک مقام نیست تا قابل تعمیم باشد، همین‌طور هم در عمل قابل تعمیم نیست. هم در عمل و هم در نظر، اختصاص به امامت معصومین (ع) دارد و تنها در آن وادی می‌تواند مطرح باشد و این تعمیم امامت در عمل و تعمیم امامت در نظر که هر کدام به وسیله گروهی ادعا شده و یا عمل شده، تناقضات، مشکلات و ذهنیت‌های غلطی را ایجاد کرده و خیلی‌ها را به بیراهه کشانده است. خلاصه کلام اینکه امامت مقام نیست و منصب است و نتیجه مترتب بر مقام دانستن امام که تعمیم امامت است، چه در بعد نظر و چه در بعد عمل مردود است. امامت نه در بعد عمل قابل تعمیم است نه در بعد نظر. کسانی که در این وادی‌ها امامت را تعمیم دادند، تناقضاتی را ایجاد کردند و مشکلاتی را پیش روی انسان و اعتقادات مسلمانان و حتی شیعیان ایجاد کردند که باید به آنها توجه داشته باشند. ■

* این نشست‌ها هم‌اکنون در دفتر ماهنامه برگزار می‌شود

و شایستگی‌های لازم را احراز می‌کند، خداوند او را منصوب می‌کند. پس امامت به این معنا یعنی به معنای انتصاب یک امر عام است؛ یعنی یک شایستگی محض نیست. در نتیجه یک امر عام و قابل تعمیم نیست. از جهت نظری امامت غیر قابل تعمیم است و فقط به ائمه‌ای که خداوند با مشخصات معین از زمان پیامبرش معرفی و منصوب کرده، اختصاص دارد. از جهت عملی هم قابل تعمیم نیست؛ یعنی امامت امامان به وسیله دیگران قابل تکرار و قابل ادامه و استمرار نیست. امامت امامان تنها و تنها توسط خود امامان قابل طرح است. اصلاً امامت نظام فکری است که جهتگیری حرکت اجتماعی را به سوی یک جامعه آرمانی و ایده‌آل مشخص می‌کند. بعضی مقولات در مسائل فکری هستند که خیلی ساده به نظر می‌رسند؛ مثل تکامل اجتماعی، در حالی که به نظر من تکامل اجتماعی از آن مقولات سهل و ممتنع است. همه فکر می‌کنند معنای تکامل را می‌فهمند، اما اگر عمیق شوید معلوم می‌شود که تکامل پیچیدگی‌هایی دارد. اول باید بدانیم کمال چیست و بعد بدانیم تکامل اجتماعی چیست. آن مفهومی که ما از کمال در فلسفه لحاظ می‌کنیم، آیا آن را بر جامعه هم می‌توانیم تعمیم دهیم؟ یعنی جامعه هم می‌تواند به همان

لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً.» که این آیه‌ای که درباره‌ی انی جاعل فی الارض خلیفه آمده، بعضی‌ها این آیات سی به بعد سوره بقره را وقتی تفسیر می‌کنند، می‌گویند این داستان خلقت انسان است. داستان خلقت انسان در سوره‌های دیگر آمده که می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ.» «زمانی که خداوند به فرشتگان گفت که من می‌خواهم بشری را از خاک بیافرینم، وقتی این را آفریدم و به سامانش کردم و روح خودم را در آن دمیدم، شما به آن سجده کنید.» داستانی که از آیه ۳۰ به بعد سوره بقره آمده، داستان خلافت انسان است. فرشتگان درباره‌ی داستان خلافت است که با خداوند احتجاج می‌کنند؛ «قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ؟» «آیا کسی را می‌خواهی خلیفه قرار دهی که فساد و خونریزی می‌کند و ما داریم تو را عبادت می‌کنیم؟» و خداوند می‌فرماید: «من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.» پس در داستان آدم (ع)، داود (ع) و ابراهیم (ع) مسئله جعل خلافت از جانب خداوند مورد توجه است؛ یعنی بعد از این که انسان خلق می‌شود، رشد می‌کند و کمالات



نگاه کلامی به بحث نذر

سید حجت سجادی زاده

تقریر شبیهه

وهابیون نذر را برای غیر خدا حرام می‌دانند و آن را شبیهه نذر برای بت‌ها می‌شمارند و می‌گویند این کار از غلو و بزرگ دانستن کسی که برای او نذر شده است، سرچشمه می‌گیرد. ابن تیمیه می‌گوید: «علمای ما گفته‌اند که جایز نیست که برای قبر و یا کسانی که در کنار آن هستند، چیزی را نذر کند؛ نه پولی و نه روغنی و نه شمعی و نه حیوانی و نه غیر آن. تمامی اینها نذر عملی خلاف شرع است و در روایت صحیح آمده است: «هرکس نذر کرده که خدا را اطاعت کند، پس باید او را اطاعت کند و هرکس که نذر کرده خدا را عصیان کند، از او سرپیچی نکند.»^۸ و شهرستانی از وی نقل

می‌کند که گفته است: «وقتی که خواسته از مردگان - حتی اگر انبیا باشند - به خاطر ترس از شرک حرام باشد، پس نذر برای قبور یا برای کسانی که در کنار آنها هستند نیز نذر حرام و باطل است و شبیهه نذر برای بت‌هاست و هرکس که اعتقاد داشته باشد که نذر برای قبور فایده یا ثوابی دارد، او گمراه و جاهل است.»^۱

پاسخ به شبیهه

در منطق قرآن بزرگ‌ترین گناه و زشت‌ترین عمل شرک است. آیا می‌توان هر عملی را که مورد پسند ما نباشد شرک به حساب آورد؟ آیا اگر کسی برای قبور نذری کند، عمل مشرکانه انجام داده است؟ برای پاسخ دقیق و منطقی ابتدا باید نذر را تعریف کرد، وانگهی نسبت فوق را مورد ارزیابی قرار داد.

معنی نذر آن است که انسان خود را

متعهد به پرداخت چیزی معین، در صورت تحقق هدف و برآورده شدن مقصود کند و بگوید: «برای خدا بر گردن من است که اگر چنین شد، فلان کار را انجام دهم.» این همان نذر شرعی است. به همین خاطر است که می‌بینیم تمام فقهای شیعه شرط تحقق نذر را استعمال کلمه (الله) در صیغه نذر می‌دانند. مرحوم صاحب جواهر در این زمینه می‌گوید: «واجب است در صیغه نذر - که سبب ملتزم شدن به آن می‌شود - بگوید: «برای خداست بر گردن من»؛ به این معنی که اگر برای غیر خدا مانند پیامبر یا فرشته مقربی نذر کند، صحیح نیست.^۲ مراد از نذر برای اموات در واقع نذر برای خداوند است و اهدای ثواب آن به صاحب قبر، نه اینکه نذر برای صاحب قبر صورت گرفته باشد و علت نذر در این موارد، هدیه دادن ثواب آن به پیغمبر (ص) یا ولی او یا

نیکان است و مقصود از آن تقرب به مرده به سبب نذر برای او نیست، بلکه مقصود تقرب به خداست. چگونه انسان قصد قربت به مرده‌ای را بکند با اینکه می‌داند او از دنیا رفته و نمی‌تواند از این نذر سودی ببرد؛ نه می‌تواند غذای نذری را بخورد و نه می‌تواند از آن اگر پول باشد، استفاده کند و نه اگر لباس باشد آن را بپوشد.

قرآن می‌فرماید: «انما الصدقات للفقراء والمساکین والعاملین علیها والمولفه قلوبهم و فی الرقاب والغارمین و فی سبیل الله وابن السبیل» (توبه، ۶۸) روشن است که صدقه یک عمل عبادی است و بدون نیت اخلاص برای خداوند باطل است. اما خداوند می‌فرماید که صدقات مخصوص فقرا و مساکین است؛ یعنی منفعت و مورد مصرف آن نیازمندان و درماندگان‌اند. در جای دیگر قرآن می‌فرماید: «فقولی انی نذرت للرحمن صوما فلن اکلم الیوم انسیا» (مریم، ۲۸). صدقه مانند نذر باید به نیت اخلاص و تقرب به خداوند انجام شود. اما اگر مورد مصرف و جهت انتفاع آن برای غیر خداوند باشد، خللی بر آن وارد نمی‌کند.

مطابق حدیثی از سعد بن عباده نقل شده است که روزی او از رسول الله (ص) پرسش می‌کند که مادرش مرده است کدام صدقه فضیلت بیشتری دارد تا برای مادرش انجام دهد؟ پیامبر (ص) فرمود: «آب». پس سعد بن عباده چاهی را حفر کرد و گفت: «این برای مادر سعد است.» روشن است که در صدقه غایت و مقصد اصلی خداوند است، اما ثواب ناشی از صدقه را برای مادرش اختصاص داده است. اگر این کار، شرک باشد، چطور، مطابق سفارش پیامبر اسلام (ص) است و صحابی گرانقدری مانند سعد بن عباده، آن را انجام داده است؟ صدقه و نذر هر دو عمل عبادی است؛ یعنی قصد قربت و تقرب به خداوند، از شرایط اصلی آنهاست. بنابراین اگر در قرآن، صدقه را برای فقرا و... اختصاص داده است، برای تعیین جهت انتفاع صدقه است و الا غایت و مقصد صدقه فقط خداوند متعال است. اگر در حدیث منقول از سعد بن عباده، حفر چاه به عنوان صدقه برای مادرش اختصاص داده شده است، تنها جهت اهدای ثواب صدقه برای مادرش است. در نذر نیز

همین وضعیت موجود است. به همین جهت «العزای» در رد شبهه ابن تیمیه، گفته: «اگر کسی از واقعیت کار نذرکنندگان در کنار قبور، جويا شود، می‌یابد که آنان از ذبح و نذرشان در کنار قبور انبیاء و اولیاء، جز پرداخت صدقه از طرف اموات و اهدای ثواب برای آنان، مقصد و هدفی دیگر ندارند و روشن است که اهل سنت، اجماع و اتفاق نظر دارند که صدقه دادن زندگان، برای مردگان فایده و نفعی دارد.»

جامعه‌شناسی نذر

تمامی مفاهیم و موضوعاتی که ما انسان‌ها با آنها سروکار داریم در حوزه معناشناسی و مفهوم ممکن است که با شرایط یا ایده‌آل‌هایی مواجه باشده اما همان مفاهیم و موضوعات شفاف و سلیس ذهنی در برخورد با موجودی به نام انسان که در حقیقت وظیفه تحقق عینی بخشیدن به آن مفاهیم در خارج را عهده‌دار است، دست‌خوش یکسری تغییرات ماهوی یا مفهومی می‌گردند؛ چراکه از خصوصیت بارز آدمی فراموشی و راحت‌گرایی است که برای رسیدن به هدف خود کوتاه‌ترین راه ممکن را برمی‌گزیند که از رهگذر همین ویژگی انسان، مفهوم نذر نیز با تغییراتی در حوزه هدف و غایت مواجه شده است. در بحث ما جامعه‌شناس، نگاهی کارکردگرایانه به این مفهوم خواهد داشت و از آن به عنوان مناسک تقویت‌کننده بنیان جامعه یاد می‌کند که اتحاد و همدلی میان مردم و در نتیجه کاهش اضطراب و ایجاد تعادل و آرامش جامعه را به دنبال دارد. به زبان دیگر آیا آن مفهوم مد نظر اسلام از نذر همانی است که امروزه در جامعه دینی و ملی ایران رواج دارد؟

تعریف جامعه دینی از نذر

جامعه ایرانی علاوه بر مؤلفه ملیت و ریشه تاریخی عمیق خود، جامعه‌ای دینی نیز هست. هریک از آیین‌های دینی عنصری تشخیص‌آفرین برای افراد، گروه‌ها و طبقات اجتماعی‌اند. سیر تاریخی نذرها به صورت‌های مختلف از قبیل قربانی کردن و اطعام برای خدایان و بزرگان دینی رایج است، نشان از آن دارد که این پدیده در فرهنگ دینی و غیر دینی ایرانیان حضوری جدی دارد. پس با تغییر موقعیت فرهنگی جامعه، نوع و موقعیت نذر نیز دچار تغییر

می‌شود.

نوع مراسم و نذر

هر دینی از یک سری مفاهیم اعتقادی برخوردار است که برخی از این مفاهیم نمود خارجی دارند که در فرهنگ دینی از آنها به شعائر تعبیر می‌شود؛ مانند نماز، حج، جهاد، قربانی و ... و نذر نیز از همین قسم شعائر است که مردم در زمان‌ها و مناسبت‌های مختلف، چه عزا مانند ایام محرم و عاشورا و فاطمیه و اربعین و ... چه در ایام جشن اهل بیت (س) و یا در ایام عبادی مانند ایام حج و ماه رمضان به انجام نذورات خود اقدام می‌کنند. نذر در این ایام در واقع یک فعالیت اجتماعی است که به برخی از آنها می‌توان اشاره کرد:

برپایی مجالس روضه‌خوانی، قربانی کردن گوسفند، اسپند دود کردن، سفره‌های نذری از قبیل سفره حضرت رقیه (س) یا سفره حضرت ابوالفضل (ع) یا چراغانی کردن یا شربت درست کردن برای عزاداران یا در روزهای جشن.

معمولاً شروع سفره‌های نذری با دعا و مناجات، به‌خصوص دعای توسل آغاز می‌شود و پس از قرائت دعا و احیاناً ذکر مصایب اهل بیت (ع) سوگواری به اتمام رسیده و میوه و غذاهای موجود در سفره را بین حاضرین پخش می‌کنند. پس از اتمام مراسم نیز سفره را روی سر دختران دم بخت یا سایر افرادی که حاجتی داشته باشند، می‌تکانند. در تمامی سفره‌های نذری فقط زنان حضور دارند و مردان در این مراسم شرکت نمی‌کنند؛ مثلاً سفره حضرت رقیه (س) را بایستی روز جمعه بیندازند. طریقه برپایی این مراسم بدین نحو است که یک نان سنگک و مقداری خرما گرفته، وارد امامزاده‌ای می‌شوند. سفره‌ای پهن می‌کنند، نان را تکه تکه کرده و در لای هر نان چند عدد خرما می‌گذارند. روضه‌ای از حضرت رقیه در امامزاده خوانده می‌شود و در پایان نان و خرماها را بین شرکت‌کنندگان پخش می‌کنند. معمولاً در دو طرف این سفره شمع روشن می‌کنند. مواد اساسی و لازم برای این سفره به شرح زیر است: نان سنگک، پنیر، سبزی خوردن، خرما و شمع.

سفره دیگر سفره حضرت ابوالفضل (ع) است که مفصل‌تر از سفره حضرت رقیه

(س) بوده و شامل مواد زیر است: عدس، پلو، آش رشته، خرما، حلوا، نان، پنیر، سبزی خوردن، شله زرد و آجیل مشکل گشا. سفره امام حسن (ع) نیز از دیگر سفره‌های نذری مرسوم است که همه مواد و محتویات سفره از جمله شمع و سفره و ... آن سبز رنگ بوده و بیشتر در نیمه ماه رمضان همزمان با میلاد آن بزرگوار پهن می‌شود و شامل غذاهایی چون سبزی پلو، کوکو سبزی و آش رشته است.

البته سفره‌های نذری بسیاری در سرتاسر ایران پهن می‌شود که در اینجا فرصت پرداختن به تمامی آنها نیست و ما به مهم‌ترین آنها اشاره کردیم.

افراد در هر طبقه اجتماعی متناسب با موقعیت طبقاتی‌شان نذورات خاصی را ادا می‌کنند. انواع غذاهایی که در مراسم خاص سرو می‌شود؛ از قبیل انواع میوه، آب‌میوه، بستنی، آجیل مشکل گشا، حلوا و انواع آش‌های سنتی که هر منطقه‌ای آش مخصوص خود را دارد. جالب اینکه در محرم سال گذشته در یکی از مناطق شمالی شهر تهران به جای پخت غذاهای معمول از قبیل قیمة یا قرمه و غیره با پیتزا از عزاداران پذیرایی شد.

در خصوص غذا دادن گاهی اوقات افراد اصل غذا دادن را نذر قرار می‌دهند که اختصاص به طبقه به نسبت متوسط به بالای جامعه را دارد، اما برخی افراد نیز به خاطر عدم مکتب مالی و یا نوع نذر خاصی که کرده‌اند، فقط بر سر دیگ غذا ایستادن را نذر می‌کنند که همان هنگام هم‌زدن غذای نذری حاجت خود را در دل یا بر لب می‌گذرانند.

متعلقات نذر در جامعه دینی ایران

به طور کلی می‌توان متعلقات نذر را به سه دسته تقسیم کرد:

دسته اول: متعلقاتی که نمادین هستند و خود موضوعیت ندارند، بلکه وسیله رسیدن به هدف دیگری هستند؛ مثل بلند کردن علم در ایام عزا به خصوص ایام محرم، زنجیر زدن، طبل زدن که در مورد این موارد خود این نشانه‌ها اگرچه دارای معنایی خاص باشند، اما تنها وسایلی هستند، برای ابراز نهایت حزن و اندوه عزادار یا در موارد جشن‌ها اسپند دود کردن و ... که کارکرد

اجتماعی آنچنانی ندارند.

دسته دوم: آن متعلقاتی هستند که ممکن است فلسفه یا حکمتی در اصل آن عمل داشته باشد، اما نتیجه آنها که مثلاً اطعام عزاداران یا مؤمنان نیازمند باشد، بیشتر مد نظر هستند؛ از قبیل آش نذری، غذا دادن در ایام عزا که بیشتر مطابق مفاد آیه ۳۶ سوره حج است.

دسته سوم: آن دسته از متعلقات نذری هستند که اصلاً نمود خارجی ندارند و فقط به صورت گردآوردن گروهی از انسان‌ها به جهت همدردی و هم‌فکری دسته‌جمعی و ... بروز می‌کنند؛ مثل برگزاری مجالس روضه که فقط عده‌ای با یک هدف واحد و به جهت تجربه و مرور آرمان‌ها و عقاید دینی گرد هم آمده‌اند. در این دسته، هدف اصلی جامعه‌شناس که همان آرامش‌بخشی به جامعه و ایجاد حس همدلی و اتحاد باشد، برآورده می‌شود.

آسیب‌شناسی نذر

تا اینجا با اصل مفهوم نذر و تعریف حقیقی و شرایط آن و تا حدودی با کارکردهای آن در جامعه آشنا شدیم. اکنون به برخی آسیب‌هایی که متوجه امر نذر شده، می‌پردازیم.

از جمله آسیب‌هایی که متوجه مفهوم و واقعیت نذر شده، بحث ریا در نذر است. خداوند متعال در آیاتی از قرآن درباره فلسفه قربانی کردن این‌گونه می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاَهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»؛ «و شترهای چاق و فربه را (در مراسم حج) برای شما از شعائر الهی قرار دادیم، در آنها برای شما خیر و برکت است. نام خدا را (هنگام قربانی کردن) در حالی که به صف ایستاده‌اند بر آنها برید و هنگامی که پهلوهایشان آرام گرفت (و جان دادند)، از گوشت آنها بخورید و مستمندان قانع و فقیران را نیز از آن اطعام کنید. این‌گونه ما آنها را مسخرتان ساختیم تا شکر خدا را به‌جا آورید.» (حج/۳۶)

خداوند در این آیه یکی از فلسفه‌های تعظیم شعائر از جمله قربانی را شکرگزاری از خداوند متعال دانسته که نتیجه اجتماعی

این شکرگزاری در رسیدگی به وضعیت نیازمندان ظهور خواهد کرد. همان‌گونه که می‌دانیم، امروزه برخی از نذورات مسیری طبیعی خود خارج شده و آن اهداف مورد نظر خداوند و دین اسلام را تأمین نمی‌کنند؛ چراکه اسراف و ریخت‌وپاش‌هایی که در خلال انجام نذورات صورت می‌گیرد، خود گویای این حقیقت تلخ است. دوستی می‌گفت: «در ماه محرم برخی افراد که قربانی نذر می‌کنند، هنگامی که زمان وفای به نذرشان فرا می‌رسد، جگر گوسفند یا سردست را که از بهترین اعضای گوسفند است، برای خود جدا می‌کنند و بقیه قربانی را برای آن امامی که نذر کرده‌اند، اهداء می‌کنند.»

خوب است همان‌گونه که در برخی موارد مسئولان در صدد ساماندهی به برخی شعائر هستند؛ مثلاً ستاد احیای فریضة زکات راه‌اندازی می‌شود، در سال احیای الگوی مصرف مقدمات و قوانین و راهکارهایی دراز مدت در نظر گرفته شود. تا به امر نذورات مردمی سروسامانی داده شود. آیا واقعاً نمی‌توان با یک فرهنگسازی در جامعه جنس و نوع نذورات را هم جهت‌دهی کرد؟! باید مشکلات و معضلات جامعه، شناسایی کرده و نذورات مردم را نیز در مسیر رفع همان معضل اجتماعی جهت‌دهی کنیم؛ برای نمونه یکی از معضلات جامعه ما مشکلات ازدواج جوانان است که می‌توان با یک برنامه‌ریزی در هر حسینه یا مسجد محل به جای نذرهای میلیونی، برای ازدواج همان جوانان هیئتی و مسجد چاره‌ای بیندیشیم.

از دیگر آسیب‌هایی که برخی خانواده‌های مذهبی با آن دست به گریبان هستند نذوراتی است که خانم‌های محترم نیت می‌کنند و از آنجایی که در بیشتر خانواده‌ها درآمد مجزا و مستقلی ندارند، این نذورات از محل اصل درآمد خانواده تأمین می‌شود که متأسفانه بسیاری از آن موارد نیز بدون آگاهی مرد خانه از وقوع چنین نذوراتی است. نکته اول اینکه همان‌گونه که در بخش موارد صحت یک نذر گفته شد، این چنین نذری از اصل باطل است و نکته دوم نذرهایی که در حالت غیر ارادی مثل ناراحتی شدید یا عصبانیت و ... منعقد شود نیز باطل است. ■

پی‌نوشت:

۱- الملل والنحل/۲۹۱

۲- جواهرالکلام/۱۷۲/۳۵



زیارت امین الله

سید حجت سجادی زاده

بحث سندشناسانه

زیارت امین الله، زیارت امام معصوم است و به سندهای بسیار معتبر از جابر روایت شده به این ترتیب که جابر، از امام محمد باقر (ع) نقل می کند که امام زین العابدین (ع) به زیارت امیرالمؤمنین (ع) می رود و نزد قبر آن حضرت ایستاده، می گرید و این زیارت نامه را می خواند.^۱ مرحوم محدث قمی (ره) زیارت امین الله را به عنوان دومین زیارت امام علی (ع) نقل کرده، است.

سند اول: بحار الانوار

مرحوم علامه مجلسی (ره) در بحار می فرماید: «ما این زیارت را از چند جهت نقل و تکرار کردیم:

۱- از جهت اختلاف الفاظ، ۲- این زیارت از نظر سند صحیح ترین زیارت هاست، ۳- از نظر مورد و جاهایی که می توان آن را خواند؛

چراکه از همه آنها عمومی تر است و در همه جا می توان آن را خواند.»^۲

سند دوم: کتاب کامل الزیارات

در کتاب شریف «کامل الزیارات» و مفاتیح الجنان و ... نیز این زیارت نقل شده است.^۳

امام سجاد (ع) با دو حالت و کیفیت این زیارت را در کنار قبر حضرت امیر (ع) قرائت کرد: ۱- بخش اول این زیارت را در حال ایستاده و در حال گریه خواند. ۲- بخش دوم آن، یعنی از قسمت «اللهم انّ قلوب المختبین الیک و الهة...» صورت مبارک خود را بر قبر امام علی (ع) گذاشت و بقیه زیارت را خواند.^۴ در واقع امام سجاد (ع) با این متن کوتاه درس های بزرگی را به همه انسان های وارسته و خداجوی یاد داده است؛ از جمله: ۱- درس توحید، ۲- درس امامت و ولایت، ۳- درس اخلاق و تعلیم و تربیت، ۴- درس ادب و تواضع و ...

نتیجه اینکه سند این زیارت در نهایت اعتبار

شرحی بر زیارت امین الله

در زیارت امین الله با یک کلاس آموزشی نحوه زیارت مواجه می شویم. ما چند شماره قبل در خیمه، به مفهوم شناسی زیارت پرداختیم که عزیزان می توانند برای مبسوط ساختن بحثها به آنجا مراجعه کنند.

سه مقام که انسان زائر با آن یک زیارت را به سرانجام می رساند، در زیارت امین الله مد نظر است.

مقام نخست: (ادب ورود) یعنی هنگام ورود مراقب باشیم که با چه سخنی و چه ادب گفتاری و کرداری با امام (ع) مواجه شده و با چه صفاتی به او سلام دهیم.

مقام دوم: (ادب حضور) که مربوط به زمانی است که شخص زائر رنج سفر را به آن سبب بر خود هموار ساخته که همانا فرصت سخن گفتن و تجدید عهد کردن با امام خویش را به دست آورد.

مقام سوم: (ادب وداع) که اشاره به زمان



خداحافظی دارد.

در اینجا به توضیح هر کدام از این مقامها پرداخته و به شرح برخی کلیدواژه‌های آن می‌پردازیم.

۱- ادب ورود

ابتدا این‌گونه به امام (ع) سلام می‌دهیم.
 «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا امِينَ اللهُ فِي أَرْضِهِ وَحُجَّتَهُ
 عَلَى عِبَادِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ»
 تعبیر به امین و امانت‌داری در زیارات با تعبیر
 مختلفی آمده است؛ از جمله در فقراتی از دعای
 عرفه امام حسین (ع) آنجا که می‌فرماید: «رَبِّ
 صَلِّ عَلَيَّ أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ... وَ جَعَلْتَهُمْ...
 حَزَنَةً عَلَيَّكَ وَ حَفْظَةً دِينِكَ»

اصطلاح «امین‌الله» از کلیدواژگان آغازین
 زیارت است و آنچنان از درجه اهمیت برخوردار
 است که نام زیارت برگرفته از همین اصطلاح
 است. ابتدا ساختار ظاهری این عبارت را با هم
 بررسی می‌کنیم؛ امین، صفت مشابهه از واژه
 «أمن» و امنیت است و به شخص یا وسیله‌ای
 اطلاق می‌شود که از امانتی چه مادی و چه
 معنوی به خوبی مراقبت کند که در بحث‌های
 اخلاقی و متون فقهی مفصل به آن پرداخته
 شده است. نکته بعدی درباره نوع اضافه‌ای
 است که در اینجا مطرح است؛ یعنی اضافه
 شدن لفظ امین به الله که اگر بنا بر ظاهر‌گرایی
 اشعریون معنا شود، نتیجه‌ای جز اینکه خداوند
 در حد موجودی ضعیف‌تر از انسان تنزل خواهد
 کرد (نمود بالله)، نخواهد بود. اما در این‌گونه
 مواقع طبق سنت امامان شیعه باید ظاهر را به
 معنایی باطنی تأویل برد؛ به این صورت که ما
 ناگزیریم، واژه «حق» را در تقدیر بگیریم که
 به این ترتیب امام (ع) وظیفه‌ای دارد و آن این
 است که باید امانتدار حق خداوند بر روی زمین
 باشد که مبادا حقی که همانا عبادت، بندگی و
 اجرای فرامین اوست، پایمال شده و در امانت
 او خیانتی صورت پذیرد.

آیه شریفه قرآن می‌فرماید: «إِنَّا عَرَضْنَا
 الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ
 أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ
 كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»؛ «ما امانت (تعهد، تکلیف
 و ولایت الهیه) را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها
 عرضه داشتیم، آنها از حمل آن سر برتافتند و از
 آن هراسیدند. اما انسان آن را بر دوش کشید.
 او بسیار ظالم و جاهل بود. (چون قدر این مقام
 عظیم را نشناخت و به خود ستم کرد!)»^۵
 عبارت بعدی «حجت الله علی عباد» است

که به امام (ع) با این عنوان عرض سلام و
 ادب می‌شود. بسیاری از مترجمان چه در اینجا
 و چه در حدیث معروف از امام صادق (ع)^۶
 به اینجا که رسیده‌اند، تنها به ارائه معنای
 تحت‌اللفظی اکتفا کرده‌اند و حال آنکه واژه
 «حجت» چندین معنای مختلف دارد؛ از قبیل:
 دلیل، برهان، نمودار، بینة. لجاج، سلطان،
 قطب صوفیه، امام دوازدهم و...^۷
 اما به نظر می‌رسد «حجت» به معنای
 دلیلی که به وسیله آن بر طرف مقابل احتجاج
 و سبب پیروگی بر او می‌شود، مد نظر است.
 چنانکه در تفسیر آیه شریفه: «قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ
 الْبَالِغَةُ»^۸ روایت شده است که روز قیامت
 بنده‌ای آورده می‌شود و به او گفته می‌شود:
 «هَلَّا عَمِلْتَ»؛ «چرا عمل نکردی؟» اگر
 بگوید نمی‌دانستم، به او گفته می‌شود: «هَلَّا
 تَعَلَّمْتَ»؛ «چرا نیاموختی؟» و این حجت بالغه
 است.

در کافی از حضرت امیرالمؤمنین (ع) روایت
 است که فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَا تُخْلِي أَرْضَكَ مِنْ حُجَّةٍ
 لَكَ عَلَى مَا خَلَقْتَ؛ خدایا قطعا تو خالی نمی
 گذاری زمینت را از حجتی از طرف تو بر
 آفریدگانت»^۹

۲- ادب حضور

(الف) معرفی امام (معرفت)

أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ
 وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ وَأَتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ فَقَبَضَكَ
 إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ وَأَلَزَمَ أَعْدَاكَ الْحُجَّةَ مَعَ مَالِكٍ
 مِنَ الْحَجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ.

به چهار مرحله زندگی امام رضا (ع) و تمامی
 امامان معصوم (س)^{۱۰} اشاره دارد.

۱- جهاد در راه خدا با تمام وجود

۲- عمل به گفتار خود یا مطابقت کردار با
 گفتار

۳- پاسداری از سنت رسول الله (ص)

۴- نیل به مقام شهادت

انسان زائر در این مقام شروع به مرور
 زندگانی معصومین (ع) می‌کند تا از این

رهگذر به برنامه عملی برای بهتر زیستن خویش دست یابد.

(ب) بیان حوائج کلی (حوائج معنوی)
اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدَعَائِكَ مُجِبَّةً لَصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ، صَابِرَةً عَلَى نُزُولِ بِلَانِكَ شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَاتِكَ ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آيَاتِكَ مُشْتَاكِرَةً إِلَى فَرْحَةِ لِقَائِكَ مُتَزَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَتَنَائِكَ.

در این فقره به چند کلیدواژه برخورد می کنیم:

عبارت «فاجعل نفسي مطمئنة» ریشه در آیه ۲۷ سوره فجر دارد «یا ایتها النفس المطمئنة»

واژگان بعدی «قضا» و «قدر» هستند که انحراف از همین دو اعتقاد دینی مسلمانان را به جبر و تفویض سوق داد، ولی شیعه بر ساحل امن «امر بین الامرین» اهل بیت (ع) به آنچنان آرامشی دست یافته که دل او به هر تغییری و هر تکانی به لرزه نمی افتد.

خواستۀ بعدی شخص زائر محبوبیت و مقبولیت اجتماعی است که خداوند متعال نسخه آن را چه زیبا پیچیده اند.

«قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ»؛ «بگو ای پیامبر! اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد.»^{۱۱} یعنی لازمه مقبولیت اجتماعی محبوب شدن در نزد خداوند است و لازمه محبوب شدن در نزد خداوند اطاعت از رسول اوست.

مسئله بعدی ابتلائاتی است که مردم در طول زندگی با آن دست به گریبان اند که در این مورد نیز خداوند می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا استعينوا بالصبر والصلاة إن الله مع الصابرين»؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، از شکیبایی و نماز یاری جوئید؛ زیرا خدا با شکیبایان است.»^{۱۲}

در ادامه، ما در زیارت به این موضوع توجه داده می شویم که علاوه بر آنکه شکر نعمت واجب است، یادآوری نعماتی که به ما ارزانی شده نیز واجب است.

در سه مورد خداوند متعال قوم بنی اسرائیل را به نعمتهایی که به آنها داده شده، متذکر می شود.^{۱۳}

خواستۀ بعدی فراهم کردن توشه تقواست

که باز در قرآن می خوانیم: «وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ»؛ «ای صاحبان خرد توشه و زاد تهیه کنید که بهترین توشه پرهیزگاری است.»^{۱۴}

(ج) بیان مقدمات فراهم آمدن حوائج (یادآوری نعمات الهی)

اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ وَالْهَمَّةُ وَسُبُلَ الرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةٌ وَأَعْلَامُ الْقاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةٌ وَأَفْئِدَةُ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَازِعَةٌ وَأَصْوَاتُ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةٌ وَأَبْوَابُ الْأَجَابَةِ لَهُمْ مُفْتَحَةٌ وَدَعْوَةٌ مِنْ نَاجَاكِ مُسْتَجَابَةٌ وَتَوْبَةٌ مَنْ آتَابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ وَعِبْرَةٌ مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ وَالْإِغَاثَةُ لِمَنْ اسْتَعَاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ وَالْإِعَانَةُ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُولَةٌ وَعِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجِزَةٌ وَزَلَّلَ مَنْ اسْتَقَالَكَ مَقَالَةً وَأَعْمَالَ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ

یکی از موانع ظهور امام عصر (عج) این است که ما حضرت را برای خودش نمی خواهیم بلکه او را برای خودمان و برای حاجات دنیایی مان می خواهیم

وَأَرْزَاقَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةٌ وَعَوَائِدُ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَأَصْلُهُ وَذُنُوبُ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ وَحَوَائِجُ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَةٌ وَجَوَائِزُ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُوقَرَةٌ وَعَوَائِدُ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةٌ وَمَوَائِدُ الْمُسْتَطْعِمِينَ مَعْدَةٌ وَمَنَاهِلُ الظَّمَاءِ مُتَرَعَّةٌ

«قُلُوبُ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ وَالْهَمَّةُ»؛ «دل های فروتنان به درگاهت حیران است.» یعنی که خداوند به نیاز از خودمان آگاه تر است؛ چراکه بیشتر مواقع ما چیزی را طلب می کنیم و بعدها خدا را شکر می کنیم که برآورده نشد؛ چون در تشخیص نیاز و مصلحت خویش دچار خطا می شویم.

«وَسُبُلَ الرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةٌ» رغبت یعنی علاقه قلبی.

در بحث مهدویت یکی از موانع ظهور امام عصر (عج) این است که ما حضرت را برای خودش نمی خواهیم، بلکه او را برای خودمان و برای حاجات دنیایی مان می خواهیم. با وجود این همه ندبه و ناله، اگر مردم راغب بودند، به طور قطع حضرت حجت (عج) آمده بود؛ یعنی در مقام حاجت خواهی خود را نبینیم هر چه دوست پسندد، پسندیم.

«مولعه بذكرک و دعائک» ذکر را می توان ذکر گفتاری گرفت که همانا ترنم زبان به اذکار و اوراد است که بسیار زیبا در دعای کمیل به آن اشاره شده است.

«أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَ قُدْسِكَ ... أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً وَ بِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً»^{۱۵}

۳- ادب وداع
اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَأَقْبَلْ ثَنَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَأَوْلِيَائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنِ إِنَّكَ وَلِيُّ نِعْمَائِي وَمُنْتَهَى مُنَائِي وَغَايَةَ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَمَوَائِي أَنْتَ الْهَيَّ وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ اغْفِرْ لِأَوْلِيَائِنَا وَكَفِّ عَنَّا أَعْدَائِنَا وَأَشْغَلْهُمْ عَنَّا وَأَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا وَأَذْهِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

معرفی کتاب جهت مطالعه بیشتر

شرح و تفسیر زیارت امین الله از سیدهاشم رسولی محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۹ ■

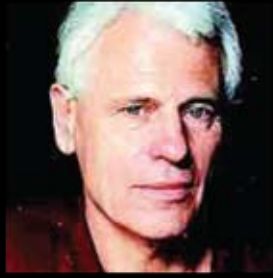
پی نوشت:

- ۱- انوار القلوب / ص ۱۶۲
- ۲- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۶۹
- ۳- قمی، عباس، مفاتیح الجنان، ص ۶۳۷
- ۴- همان، ص ۶۳۵
- ۵- الأحزاب/ ۷۲
- ۶- متن حدیث: «نحن حجج الله على خلقه و فاطمة حجة علينا»؛ «ما حجت ها و برگزیدگان خدا بر آفریدگانش هستیم و فاطمه (س) حجت راستین و پرشکوه خدا بر ما.» تفسیر اطیب البیان / ج ۱۳ / ص ۲۲۵
- ۷- در قدیم حجت را با «الحق» و «الدین» و «الاسلام» و غیره ترکیب کرده اند.
- ۸- سوره انعام، آیه ۱۴۹
- ۹- کافی / ج ۱ / ص ۱۷۸
- ۱۰- بر اساس گفته علامه مجلسی (ره) که فرمودند: زیارت امین الله از جهت متن و سند از بهترین زیارت است و باید که در جمیع روضات مقدسه بر این مواظبت کرد.» به نقل از کتاب شرح زیارت امین الله، سید هاشم رسولی محلاتی / ص ۱۰.
- ۱۱- آل عمران/ ۳۱
- ۱۲- بقره/ ۱۵۳
- ۱۳- سوره بقره آیات ۴۰ و ۴۷ و ۱۲۲
- ۱۴- بقره/ ۱۹۷
- ۱۵- فرازی از دعای کمیل

خیمه

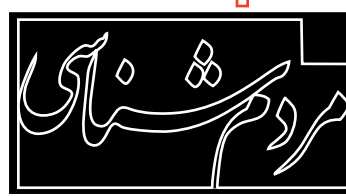
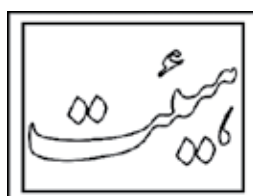
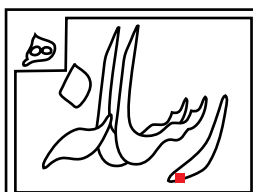
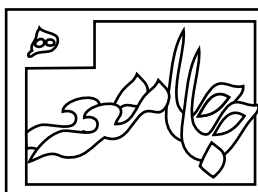
ماهنامه
فرهنگی
اجتماعی
خیمه

KHEIMEH
Cultural - Social
Monthly



در بخش مردم‌شناسی این شماره نوشتاری درباره تاریخ حسینیه در ایران را به شما ارائه کرده‌ایم. درباره یکی دیگر از مردم‌شناسان متخصص مناسک آیینی شیعه سخن گفته‌ایم و یکی از آثار اساسی درباره تعزیه را معرفی کرده‌ایم.

KHEIMEH
Cultural - Social
Monthly



حسینیه در ایران

نوشته ژان کالمار

سر ویس مردم‌شناسی: در متن حاضر حسینیه به عنوان یکی از اجزای اصلی مناسک آیینی شیعه مورد بررسی قرار گرفته است. رویکرد این نوشتار اساساً تاریخی و عمرانی است و حسینیه را بیشتر مسئله‌ای معمارانه و کمتر انسانی در نظر می‌گیرد. این نوشتار حسینیه را به طور عمده در ایران مورد بررسی قرار می‌دهد و سعی در ارائه مدلی فراگیر از این مفهوم دارد. حسینیه در این متن در حوزه فرهنگی ایران در نظر گرفته شده، اگرچه اندکی نیز به حسینیه‌ها در شبه‌قاره هند اشاره شده است. امیدواریم این مختصر بتواند کمکی هر چند کوچک به درک بهتر از این مفهوم فرهنگی مهم داشته باشد و راه را برای پژوهش‌های بیشتر بگشاید.

درباره مؤلف

ژان کالمار (Jean Calmard) (متولد ۱۹۳۱ م.) یکی از ایران‌شناسان برجسته حال حاضر جهان به شمار می‌آید. این دانشمند فرانسوی، مطالعات عمیقی درباره دوران قاجار در ایران داشته و نتیجه تحقیقات خود در این باره را در دو جلد کتاب تحت عنوان «تعزیه و نمایش مذهبی» به چاپ رسانده است.

از حوزه‌های پژوهش وی در عرصه ایران‌شناسی می‌توان به تاریخ سیاسی فرهنگی ایران در قرن ۱۶ تا ۱۹ م، جغرافیای تاریخی ایران و افغانستان، فرهنگ عامه، ادبیات عامه شیعی و مطالعات دوران صفوی اشاره کرد. کتاب «مطالعات صفوی، گزیده مقالات همایش پاریس» اثری است، به ویراستاری علمی ژان کالمار و ترجمه سید داوود طبایی که توسط انتشارات فرهنگستان هنر در ۱۷۸ صفحه منتشر شده است.

از دیگر مقالات کالمار در حوزه مناسک آیینی می‌توان به «مراسم محرم و دیپلماسی: یک بررسی مقدماتی»، «مناسک شیعی و قدرت: تحکیم فرهنگ عامیانه و دین عامه‌پسند تشیع صفوی» و «مناسک شیعی و قدرت، بخش دوم: تحکیم تشیع صفوی: فرهنگ عامه و دین عامه» اشاره کرد.



این حسینیه علی شریعتی (۱۹۷۷-۱۹۳۳ م.) مؤمن، ص ۲۵۸) بود.

در هندوستان، معمول‌ترین معادل برای حسینیه و تکیه، امام‌بازه است که گاهی عاشورخانه و عزاخانه نیز نامیده می‌شود. حسینیه (یا حسینی) دالان که در سال ۱۰۵۲ ق. / ۱۶۴۲ م. در دکن ساخته شده، قدیمی‌ترین امام‌بازه شبه‌قاره هند در نظر گرفته می‌شود. (حسن‌الامین، جلد ۴، ص ۱۹۸) ■

کتابنامه

M. Ayoub, *Redemptive Suffering in Islam*, The Hague, 1978. M. V. Fontana, *Iconografia dell Ahl al-Bayt. Immagini di arte persiana dal XII al XX secolo*, Supp. no. 78, AIUON 54/1, 1994. H. Homāyuni, *Ta'zia dar Irān*, Shiraz, 1368 Š./1989. M. Momen, *An Introduction to Shii Islam*, New Haven and London, 1985, p. 258. S. R. Peterson, "The Ta'ziyeh and related arts," in P. L. Chelkowski, ed., *Taziye: Ritual and Drama in Iran*, New York, 1979, pp. 64-87. F. Richard, *Raphaël du Mans missionnaire en Perse au XVIIe s.*, 2 vols., Paris, 1995, I, p. 26. M. Tawa'oli, "Mo'allā, takia, Hosayniya," in M. Y. Kiāni, ed., *Memāri-e Irān, dawra-ye eslāmi*, Tehran, 1366 Š./1987, pp. 81-90. Hassan ul-Ameene, *Islamic Shi'ite Encyclopaedia*, Beirut, 1973, IV, p. 198 ff.

منبع:

"Hosayniya", *Encyclopedia Iranica*, Edited by Ehsan Yar-Shater, Mazda Publishers, Costa Mesa, California, 2004

پی‌نوشت:

- ۱- زندگی‌نامه کالمار از پایگاه اطلاع‌رسانی بنیاد ایران‌شناسی اخذ شده است.
- ۲- حسینیه همچنین نام یکی از فرقه‌های مذهب زیدیه است.
- ۳- شماری از مسیحیان پرتغالی که در آن دوره در اصفهان زندگی می‌کردند.

حسینیه‌ها به طور عمده شبیه معماری کاروانسراها ساخته می‌شوند. الزام اولیه معماری حسینیه‌ها یک فضای بزرگ، مسقف یا روباز که مراسم محرم در آن برگزار شود و نشیمن‌گاه‌هایی برای مشارکت‌کنندگان [عزادار] است

تا در همه فصل‌های سال بتواند پذیرای سوگواران در ماه محرم باشد. (همایونی، ص ۲۷) (برای اطلاعات بیشتر درباره فضای مسقف این حسینیه به تصویر حسینیه کوچک در کتاب پترسون، صفحه ۷۲ نگاه کنید.) اگرچه بنای حسینیه‌ها هم‌اکنون در سراسر ایران در حال افزایش است، اما تنها حسینیه‌هایی که دارای اهمیت هنری یا معماری شایسته باشند، اهمیت می‌یابند. به عنوان نمونه می‌توان به حسینیه مشیر در شیراز و حسینیه امینی در قزوین (فوتانا، ص ۴۴) اشاره کرد که اهمیت خاصی یافته است.

حسینیه‌ها به طور عمده شبیه معماری کاروانسراها ساخته می‌شوند. الزام اولیه معماری حسینیه‌ها یک فضای بزرگ، مسقف یا روباز که مراسم محرم در آن برگزار شود و نشیمن‌گاه‌هایی برای مشارکت‌کنندگان [عزادار] است. با این وصف، سکوها گرداگرد یک حیاط (میدان) ساخته می‌شوند. درون میدان یک صحنه نمایش به شکل دایره یا صحنی مدور وجود دارد که سکو نامیده می‌شود. هزینه‌های نگهداری و اداره حسینیه‌ها، همچون خرج دعوت و منزل‌دهی عزاداران و اطعام فقرا، به طور عمده با مشارکت‌های مالی خیرخواهانه و اوقاف تأمین شده است.

در دوران انقلاب مشروطیت در سال‌های ۱۹۱۱-۱۹۰۵ م.، گردهم‌آیی‌های ماه محرم خصلتی سیاسی یافت. در این مراسم گرایش به وجود آمد که بعدها به وسیله مخالفان حکومت محمدرضا شاه پهلوی احیاء شد. در سال ۱۹۶۵ م. یک مؤسسه که حسینیه ارشاد نام داشت، در تهران تأسیس شد. در این حسینیه، در سال‌های ۱۹۶۷ م. تا ۱۹۷۳ م.، سخنرانی‌هایی برگزار شد که یکی از عوامل اصلی پیروزی انقلاب اسلامی در نظر گرفته می‌شود. مشهورترین سخنران

متن ترجمه به فارسی

حسینیه‌ها بناهایی هستند که به طور ویژه به عنوان اماکنی برای برگزاری مراسم محرم که در آن شهادت حسین بن علی [ع] گرامی داشته می‌شود، مورد استفاده قرار می‌گیرد. (لغتنامه دهخدا) نام حسینیه برای اشاره به برخی فرقه‌های تشیع متقدم^۲ و نیز اماکنی خاص مورد استفاده قرار گرفته است. حسینیه‌ها در اواخر قرن سوم هـ.ق/ نهم میلادی در برخی شهرهای مهم همچون بغداد، حلب و قاهره، در اصل به صورت ضمایمی به مساجد، ساخته شدند. (ایوب، ص ۱۵۴)

در آن زمان حسینیه‌ها به عنوان نقطه شروع دسته‌گردانی‌های [عزاداران] به شمار می‌رفت. هیچ سندی از ساخته شدن حسینیه‌ای در ایران قبل از دوره صفویه وجود ندارد. [اساساً] از حسینیه‌های [احتمالی] پیش از دوره صفویه اسناد کمی باقی مانده است. دسته‌گردانی‌های عاشورا می‌توانست از هر بنای مذهبی و یا از نزدیکی زیارتگاه‌ها آغاز شود و در همان اماکن پایان یابد و بنابراین لازم نبود که بنایی ویژه به راه‌اندازی دسته‌گردانی‌ها و به پایان رساندن آنها ساخته شود. با این وجود، برخی گزارشات وجود دارد که نشان می‌دهد از اوایل قرن هفدهم میلادی آگوستینی‌های پرتغالی^۳ نزدیک مسجد جامع اصفهان در محله‌ای به نام «محله حسینیه» زندگی می‌کردند. این گزارشات همچنین از وجود نوعی حسینیه در این مکان خبر می‌دهند. (نگاه کنید به ریشار، ص ۲۶)

در دهه ۱۷۸۰ م. [و مقارن با حکومت صفویه] گسترش مناسک نمایشی شده محرم، منجر به افزایش ساخت بناهایی به آن منظور شد. این بناها بیشتر تکیه نامیده می‌شدند و بیشتر در مناطق اطراف دریای مازندران ساخته شد. (پترسون، ص ۶۵) کارکردهای تکیه‌ها و حسینیه‌ها از آن زمان با هم همپوشانی پیدا کرد. (همایونی، ص ۲۷۸) حسینیه میدان بزرگ در شهر زواره نزدیک اردستان که در دوره آقا محمدخان [قاجار] یا در اوایل دوره فتحعلی شاه ساخته شد، اولین حسینیه ساخته شده در دوران قاجار در نظر گرفته می‌شود. این حسینیه دارای فضاهای مسقف و [نیز] روباز بود

نگاهی به زندگی و آثار دکتر پیتز چلکووسکی*

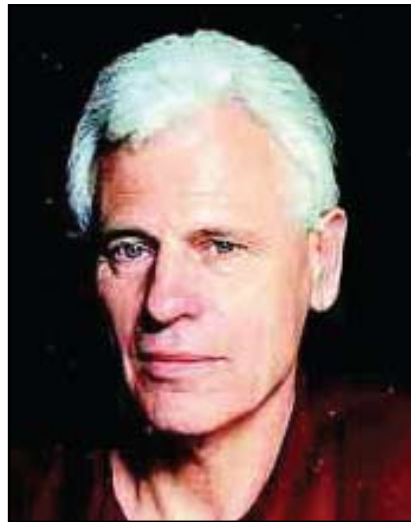
سر ویس مردم‌شناسی: دکتر پیتز ج. چلکووسکی (Peter J. Chelkowski)، یکی از مردم‌شناسان متخصص مناسک آیینی شیعه و از برجسته‌ترین متخصصان تعزیه به شمار می‌رود. این دانشمند آمریکایی لهستانی‌تبار، هم‌اکنون استاد رشته‌های مطالعات خاورمیانه، شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی در گروه مطالعات اسلامی و خاورمیانه دانشگاه نیویورک است. وی طی سال‌های فراوان تحقیقات میدانی در ایران و ترینیداد و توباگو درباره مناسک آیینی شیعه و به‌خصوص تعزیه، آثار فراوانی را به جامعه علمی ایرانی و غیر ایرانی تقدیم کرده است. برخی از آثار او، به‌خصوص در زمینه تعزیه‌شناسی، از آثار کلاسیک و بنیادین به حساب می‌آیند.

دکتر چلکووسکی درجه لیسانس خود را در سال ۱۹۵۸م. در رشته واژه‌شناسی شرقی از دانشگاه یگیلونین (Jagiellonian) شهر کراکوف لهستان دریافت کرد. همچنین توانست در مدرسه «درام» همان شهر به تحصیل در رشته هنرهای تئاتری بپردازد. در سال ۱۹۵۹م. به لندن رفت و در سال ۱۹۶۲م. در مقطع فوق لیسانس رشته تاریخ خاورمیانه اسلامی از مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی (SOAS) لندن فارغ‌التحصیل شد. او در اواخر دهه ۱۳۳۰ به تهران آمد و در اولین سفر خود به ایران، به تماشای یک مجلس تعزیه نشست که به قول خودش «همان شب، عاشق تعزیه» شد. (گفتگو... ۱۳۸۵: ۱۸)

چلکووسکی به زودی مجذوب تمام عیار تعزیه ایرانی شد. او درباره ادامه مطالعاتش درباره تعزیه می‌گوید: «بسیار درباره تعزیه مطالعه کردم. به واتیکان سفر کردم تا بزرگ‌ترین کتابخانه تعزیه در دنیا را ببینم. سفیر ایتالیا در ایران در سال‌های ۱۹۵۵-۱۹۵۰م. نیز عاشق تعزیه بود و این کتاب‌ها را جمع‌آوری کرده و به کتابخانه واتیکان سپرده است. ۱۰۵۵ نسخه تعزیه در واتیکان نگهداری می‌شود که تنها متعلق به ایران است. از ایران تا کارائیب سفر کردم تا گسترش تعزیه را ببینم.» (گفتگو... ۱۳۸۵: ۱۸)

علاقه به تعزیه باعث شد تا چلکووسکی در رشته ادبیات فارسی در دانشگاه تهران ثبت‌نام و پایان‌نامه خود را در سال ۱۳۴۰ (۱۹۶۸ م.) در

رشته ادبیات فارسی ارائه کند و از دانشگاه تهران دکترا بگیرد. دوران حضور او در ایران بسیار پر بار بود؛ زیرا او علاوه بر تحصیل، به فعالیت در یکی از بنیادهای خیریه می‌پرداخت و به همین دلیل به طور وسیع در ایران سفر کرد و با فرهنگ‌های گوناگون آن از نزدیک آشنا شد.



چلکووسکی در سال ۱۳۴۰ به عنوان مورخ فرهنگی خاورمیانه به دانشگاه نیویورک وارد شد و تا امروز به تدریس و تحقیق در این دانشگاه مشغول است. حوزه‌های تحقیق و تدریس او عرفان اسلامی، باورهای عامه و مناسک اسلامی، استفاده از زبان، نقش و تأثیر اسلام در معماری و ارتباط هنر با جامعه است. او در مقطع تحصیلات تکمیلی درباره اسلام در جهان معاصر و تصحیح سوء فهم‌ها از اسلام در غرب، هم به عنوان یک دین و هم در صورت‌های فرهنگی متنوع آن به بحث می‌پردازد.

وی در سال‌های اخیر درباره مراسم مذهبی «حُسی»، در میان شیعیان ترینیداد و توباگو، به تحقیق پرداخته و در سال ۱۹۷۶م. نخستین همایش با موضوع تعزیه را در ایران برگزار کرد که در نوع خود بی‌نظیر بود. او در این همایش چندین نفر را از کشورهای مختلف برای سخنرانی به ایران دعوت کرد. حاصل این همایش چندروزه در قالب کتاب «تعزیه: نیایش و نمایش در ایران» به زبان انگلیسی منتشر و به فارسی هم ترجمه شد. چلکووسکی را می‌توان از علاقه‌مندان جدی

مذهب شیعه و فرهنگ ایرانی در مجامع دانشگاهی آمریکا دانست. او این علاقه را به صورت‌های مختلف، در نوشته‌ها، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های خود بروز داده است. وی همواره اظهار می‌دارد که «یک ایرانی» است. دختر وی در ایران متولد شده و پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه تهران بارها برای دیدار، تحقیق و سخنرانی به ایران آمده است. او درباره انگیزه‌های پژوهشی خود می‌گوید: «غربی‌ها می‌خواهند اسلام را دین خشونت‌باری معرفی کنند و خب کار من هم این است که این را اصلاح کنم.» (گفتگو... ۱۳۸۵: ۱۸)

چلکووسکی همچنین «در تعزیه‌های مختلفی نیز به ایفای نقش پرداخته است. از جمله نقش‌هایی که بازی کرده، نقش مرد خارجی در دربار یزید است.» (موسوی گرمارودی و دیگران ۱۳۷۴: ۶۹) بررسی اجمالی آثار و تولیدات علمی دکتر چلکووسکی به خوبی نشان می‌دهد که وی بیش از همه درباره تعزیه، مناسک سوگواری حسینی، هنرهای عامیانه مذهبی در ایران و مراسم حسی در ترینیداد و توباگو به پژوهش پرداخته است. بررسی‌های دقیق‌تر نشان می‌دهد که تقریباً هیچ پژوهشگر مناسک آیینی شیعه از آثار وی، به‌خصوص در زمینه تعزیه، بی‌نیاز نیست. ■

* خلاصه‌ای از این نوشتار در پایگاه اطلاع‌رسانی انسان‌شناسی و فرهنگ منتشر شده بود. نگاه کنید به: <http://anthropology.ir/node/1803>

پی‌نوشت:

۱- در کشور ترینیداد و توباگو واقع در دریای کارائیب، مراسم «حسی» برگزار می‌شود. دکتر چلکووسکی، چنان که در بخش مآخذشناسی آثار وی خواهیم دید، درباره این مراسم نیز آثاری دارد.

منابع:

«گفت‌وگو با پیتز چلکووسکی شرق‌شناس آمریکایی: عاشق ایران و تعزیه هستم.» مهدی غزیزی، *روزنامه ایران*، شماره ۳۵۷۴، ۲۹ بهمن ۱۳۸۵
موسوی گرمارودی، سید محمدصادق و دیگران، ۱۳۷۴، *فرهنگ عاشورا*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۴

مآخذشناسی آثار دکتر پیتز چلکووسکی دربارهٔ مناسک آیینی شیعه



تألیف

«آثار سنت‌های ایرانی در مراسم ماه محرم در کارائیب»، *ایران شناسی*، سال ۵، شماره ۱، ۱۳۷۲

“Dramatic and literally aspects of Ta`ziyeh-khani—Iranain passion play”, *Review of National Literatures: Iran*, Edited by Javad Haidari, New York St. John`s University Press, No. 2, 1971, 121-138 p.

ابعاد نمایشی و ادبی تعزیه‌خوانی ایرانی
“Presenting Taziye at Lincoln Center”, By Nigel Redden, Mohammad B. Ghaffariari and Peter J. Chelkowski, *The Drama Review*, Vol. 49, No. 4, Winter 2005, 124–125 p.

اجرای تعزیه در مرکز لینکلن
“From Maqātel literature to drama”, *Alserāt*, No. 12, 1986, 227-264 p.

از ادبیات مقاتل تا نمایش
“From the Sun-Scorched Desert of Iran to the Beaches of Trinidad: Taziye's Journey from Asia to the Caribbean”, *The Drama Review*, Vol. 49, No. 4, Winter 2005, 156–170p.

از صحرای آفتاب سوختهٔ ایران تا سواحل ترینیداد: سفر تعزیه از آسیا به حوزهٔ دریای کارائیب

“From Karbala to New York City: Ta`ziyeh on the Move”, *Draman Review*, Vol. 49, No. 4, 2005, 13-14 p.

از کربلا تا شهر نیویورک: تعزیه در حرکت
“Iran: mounring becomes revolution”, *Asia*, No. 3, 1980, 30-37, 44, 45 p.

ایران: عزاداری به انقلاب تبدیل می‌شود
“Tazi`yah”, *The Oxford Encyclopedia of the Modern Islamic World*, Edited by John L. Esposito et al, Oxford, Oxford University Press, 1995, Vol. 4, 200-202 p.

Mazda Publishers, Costa Mesa, CA, Mazda Publishers, 2004

حسین بن علی [ع]، تعزیه حسین [ع]
«حمایتگر و پرهیزکار: هنرهای عامیانه»، نوشتهٔ پیتز چلکووسکی، ترجمهٔ آزاده فرامرزیها و ساسان قاسمی، صفحه، شماره ۳۷-۳۶، آذر-دی ۱۳۸۵، ۱۸-۱۵ص
دربارهٔ تکیه دولت در دورهٔ قاجار و سوگواری‌های ماه محرم است.

“Dasta”, *Encyclopedia Iranica*, Vol. 7, Edited by Ehsan Yar-Shater, Mazda Publishers, Costa Mesa, CA, Mazda Publishers, 1996\

دسته [عزاداری]
«دور از دشت کربلا»، چشم‌انداز، شماره ۱، آبان ۱۳۷۳، ۹۵-۸۸ص
دربارهٔ برگزاری مراسم محرم در کشورهای حوزهٔ دریای کارائیب است.

تعزیه

Ta`zia: indigenous Avant-Garde theatre of Iran, Tehran, Soroush, 1976

تعزیه: تئاتر بومی پیشرو در ایران
“Taziye in Parma”, By Anna Vanzan and Peter J. Chelkowski, *The Drama Review*, Vol. 49, No. 4, Winter 2005, 24–25 p.

تعزیه در شهر پارما

«تعزیه در میان مسلمانان شیعه»، تلخیص و ترجمهٔ آزاد افروز فروزند، شبیه‌خوانی، گنجینه نمایش‌های آیینی مذهبی: مجموعهٔ مقالات سمینار پژوهشی تعزیه، به کوشش جابر عنصری، [تهران]، یازدهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر، ۱۳۷۲، ۱۱۸-۱۰۵ص
“Hosayn b. Ali, iii. The Passion (Ta`zia) of Hosayn”, *Encyclopedia Iranica*, Vol. 12, Edited by Ehsan Yar-Shater,

Conn., Trinity College, Hartford Seminary, 1988, 13-23 p.

ترجمه به فارسی

«هنگامی که نه زمان زمان است و نه مکان مکان: تعزیه امام حسین (ع)»، *ایران‌نامه*، سال ۹، شماره ۲، بهار ۱۳۷۰

به کوشش

تعزیه: نیایش و نمایش در ایران، گردآورنده پتر. جی. چلکوسکی، ترجمه داوود حاتمی، [تهران]، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷، ص ۴۱۰

بازانتشار

تعزیه: آیین و نمایش در ایران، نوشته پیتر جی. چلکوسکی، ترجمه داود حاتمی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۴، هفت + ۳۷۵ ص مجموعه مقالات مجمع بین‌المللی تعزیه که در سال ۱۳۵۵ در شیراز برگزار شده است.

مصاحبه شونده

دیدارها: گفت‌وگو با سید حسین نصر، احسان یارشاطر، پرویز مروج، کامران وفا، پیتر چلکوسکی، شیوا (منصوره) کاویانی، تهران، فکر روز، ۱۳۷۴، ۲۲۱ ص

«عاشق ایران و تعزیه هستم: گفت‌وگو با پیتر چلکوسکی شرق‌شناس آمریکا»، مصاحبه از مهدی عزیزی، *ایران*، ۲۹ بهمن ۱۳۸۵، ۱۸ ص

«گفت‌وگو با پیتر چلکوسکی»، مصاحبه کننده صادق همایونی، *گفتار و گفتگوهای درباره تعزیه*، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۸۰، ۱۶۰-۱۴۵ ص

این گفتگو درباره تعزیه است.

“Mohammad B. Ghaffari: Taziyeh Director”, *The Drama Review*, Vol. 49, No. 4, Winter 2005, 113–129p.

محمد غفاری: تعزیه‌گردان

ناقد و بررسی کننده

“Hosay Trinidad: Muharram Performances in an Indo-Caribbean Diaspora”, By Peter Chelkowski, *History of Religions*, Vol 44, No. 4, 2005, 353-356 p.

[نقد کتاب] حسی ترینیداد: مراسم محرم در پراکندگی قومی هندی-کارائیبی

mourning”, by Peter J. Chelkowski and Frank J. Korom, *The India Magazine for Her People and Culture*, Vol. 13, No. 2, 1993, 54-63 p.

محرم در ترینیداد: یک عزاداری جشنی

“Muharram in south Trinidad”, *Folia Orientalia*, No. 29, 1992-1993, 55-64 p.

محرم در ترینیداد جنوبی “Popular Shi'i mourning rituals”, *Al-Serâf*, Vol. 12, No. 1, 1986, 209-226 p.

مناسک عزاداری عامیانه شیعی

“Nakhl”, *Encyclopedia Iranica*, Edited by Ehsan Yar-Shater, Mazda Publishers, Costa Mesa, CA, Mazda Publishers

نخل [برداری/گردانی]

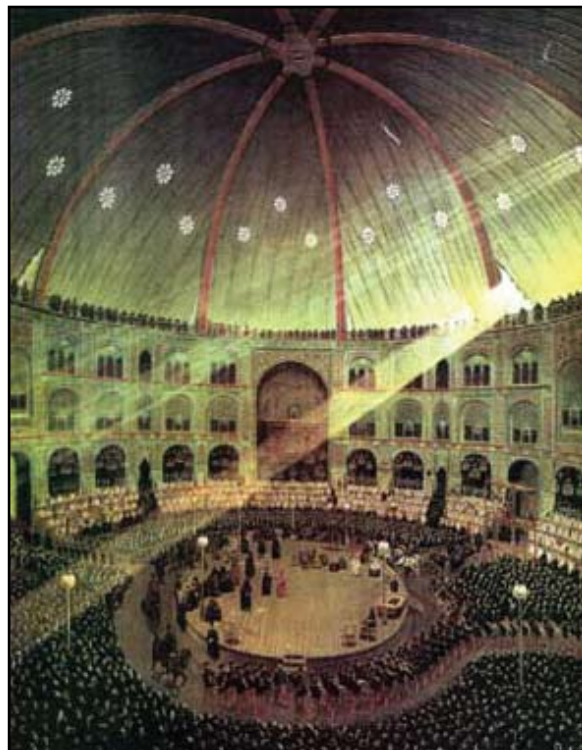
“Narrative painting and painting recitation in Qajar Iran”, *Muqarnas: An Annual in Islamic Art and Architecture*, Edited by Oleg Grabar, Leiden, E. J. Brill, 1989, 98-111p.

نقاشی روایتی و نقاشی خوانی در ایران دوره قاجار

“Shia muslim processional performances”, *The Drama Review*, Vol. 29, No. 3, 1985, 18-30 p.

نمایش‌های دسته‌جمعی مسلمانان شیعی “Popular arts: patronage and piety”, *Royal Persian Paintings: The Qajar Epoch, 1785-1925*, Edited by Layla S. Diba with Maryam Ekhtiar, London, I. b. Tauris, 1998, 90-99 p.

هنرهای عامه: حمایت و پارسایی “When time is no time, and space is no space: The passion plays of husayn”, *Tazi'yah: Ritual and Popular Beliefs Iran*, Edited by Milla Riggio, Hartford,



“Rawda-Khwani”, *The Encyclopedia of Islam*, Edited by E. van Donzel, C. E. Bosworth, W. P. Heinrichs, Leiden, E. J. Brill, ۱۹۹۳

روضه‌خوانی

“Time Out of Memory: Taziyeh, the Total Drama”, *Drama Review*, Vol. 49, No. 4, Winter 2005, 15–27p.

زمان خارج از ذهن: تعزیه، درام کامل “Iconography of the women of Karbala: tiles, moral, stamps, and posters”, *The women of Karbala: ritual performance and symbolic discourses in modern Shi'i Islam*, edited by Kamran Scot Aghaie, Austin, University of Texas press, 2005, 119-138 p.

شمایل‌نگاری زنان کربلا: کاشی‌ها، معانی، تمبرها و پوسترها

“Community process and the performance of Muharram observances in Trinidad”, By Frank J. Korom and Peter J. Chelkowski, *The Drama Review*, Vol. 38, No. 2, 1994, 150-175 p.

فرایند جماعت و نمایش رعایت‌های محرم در ترینیداد “Moharram in Trinidad: a festive

سه دهه با تعزیه:

نگاهی به کتاب «تعزیه: آیین و نمایش در ایران»

سال ۱۳۶۷ با عنوان مقاله آغازین آن: «تعزیه: هنر بومی پیشرو ایران» توسط انتشارات علمی و فرهنگی در ۴۱۰ صفحه منتشر شده بود، به زودی جای خود را در میان پژوهشگران مناسک آیینی ایرانی/شیعی، تعزیه‌شناسان و متخصصان هنرهای آیینی باز کرد. این کتاب سال‌ها نایاب بود تا اینکه در چهار سال قبل و با توجه به نیازی که به وجود کتابی دقیق درباره تعزیه در مجامع علمی کشور احساس می‌شد، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) اقدام به بازانتشار

نمایشی بی‌مانند بومی پرداخته است. خواننده وقتی کتاب را مرور می‌کند، دامنه گسترده کار را بهتر درمی‌یابد.» (ص ۱) علاوه بر آن اشمال مقالات کتاب به مهم‌ترین رویکردهای ممکن در بررسی تعزیه را می‌توان از دیگر شاخص‌های این کتاب دانسته، همین‌طور می‌توان وجود یک کتاب‌شناسی تعزیه مشتمل بر شماری از آثار اساسی درباره تعزیه را از ویژگی‌های مثبت کتاب در نظر گرفت.

ترجمه فارسی

ترجمه فارسی این کتاب که برای اولین بار در

سرویس مردم‌شناسی: تعزیه به عنوان یکی از صورت‌های اولیه نمایشی در ایران اسلامی، همواره موضوع پژوهش‌های فراوان بوده و پژوهش درباره آن از ابعاد متفاوت و با رویکردهای متنوع صورت گرفته است. برخی از این رویکردها تاریخی و الهیاتی و شماری هنری و اجتماعی (مردم‌شناختی/ جامعه‌شناختی) بوده است.

یکی از برجسته‌ترین آثار درباره تعزیه که با رویکردی عمدتاً هنری و اجتماعی درباره تعزیه به بحث و بررسی پرداخته، کتاب *تعزیه: آیین و نمایش در ایران* (Ta'ziyeh: Ritual and Drama in Iran) است. این کتاب که در حقیقت مجموعه‌ای از مقالات ویرایش شده است، ابعاد و ساحت‌های متعددی از مسئله تعزیه را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. ویراستار علمی این اثر دکتر پیتر چلکووسکی، ایران‌شناس و متخصص برجسته تعزیه است.

درباره ویراستار

ویراستار این کتاب دکتر پیتر ج. چلکووسکی (Peter J. Chelkowski)، یکی از مردم‌شناسان متخصص مناسک آیینی شیعه و از برجسته‌ترین متخصصان تعزیه است. او هم‌اکنون استاد رشته‌های مطالعات خاورمیانه، شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی در گروه مطالعات اسلامی و خاورمیانه دانشگاه نیویورک است. وی طی سال‌های فراوان، تحقیقات میدانی بسیاری در ایران و ترینیداد و توباگو درباره مناسک آیینی شیعه و به‌خصوص تعزیه انجام داده و آثار فراوانی را در این حوزه پژوهشی به جامعه علمی ایرانی و غیر ایرانی تقدیم کرده است.

اهمیت کتاب

داوود حاتمی، مترجم کتاب، در پیشگفتار چاپ دوم این کتاب درباره ارزش علمی آن چنین می‌نویسد: «اهمیت عمده کتاب، بی‌گمان، به آن است که نخستین و -تا این تاریخ- یگانه اثر آکادمیایی بین‌المللی در تعزیه‌شناسی است که در قالب مجموعه مقالات، به قلم بیست تن از پژوهشگران معتبر و نامدار ایرانی (از جمله، محمدجعفر محجوب، احسان یارشاطر، عنایت‌الله شهیدی و ...) و خارجی (پیتر چلکووسکی، آنه ماری شیمبل، اول ساتن، ژان کالمار و ...) به ابعاد مختلف و متنوع این پدیده

تعزیه: آیین و نمایش در ایران، گردآورنده پیتر جی. چلکووسکی، ترجمه داوود حاتمی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۴، هفت + ۳۷۵ ص



تعزیه:
آیین و نمایش در ایران
گردآورنده: پیتر جی. چلکووسکی
مترجم: داوود حاتمی

این کتاب کرد. هدف سازمان سمت از انتشار این کتاب در درجه اول فراهم آوردن منبع اصلی برای درس «آشنایی با تعزیه» برای دانشجویان رشته هنر (نمایش) در مقطع کارشناسی به ارزش ۲ واحد بوده است. با این وصف باید گفت که چاپ دوم این کتاب با عنوان «تعزیه: آیین و نمایش در ایران» ۱۸ سال بعد از انتشار چاپ اول در سال ۱۳۸۴ توسط انتشارات سمت منتشر شد. چاپ دوم کتاب در حقیقت ویرایشی جدید از ترجمه فارسی نیز است. در چاپ جدید، ویرایشی کلی در ترجمه صورت گرفته، فهرست اعلام کتاب به مراتب دقیق تر شده و برابر نهادهای انگلیسی-فارسی کتاب نیز اندکی افزایش یافته است. چاپ دوم کتاب در قطع وزیری و در شمارگان هزار نسخه منتشر شده است.

مترجم کتاب

مترجم کتاب به فارسی چهره نام‌آشنایی در زمینه پژوهش‌های آیینی در ایران است. داوود حاتمی در عرصه‌های متفاوتی در حوزه پژوهش‌های آیینی به عرضه اثر پرداخته که تألیف و ترجمه اصلی‌ترین آنهاست. تألیف مدخل‌های پرده، تعزیه، تعزیه در هند، تعزیه‌گردان یا شبیه‌گردان، جنگ شهادت، خیمه و خرگاه (تعزیه) و عروس قریش در دائرةالمعارف تشیع، نگارش مقالات «بزار و رسانه‌های تبلیغی اسلام - تعزیه‌خوانی» (روزنامه سیاست روز، ۱۵ بهمن ۱۳۸۴، ص ۶)، «چشم‌انداز زبان فارسی در آسیای میانه» (نشریه ایران‌شناخت، شماره ۱۲، بهار ۱۳۷۸، ص ۲۳۱-۲۰۲) و ترجمه کتاب‌هایی چون سرزمین و مردم پاکستان (نوشته روبرت لانگ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲، ص ۲۵۸)، تاریخ هند (نوشته شیلادهار، نشر عصر جدید، ۲۳۶ ص) و میان‌رشتگی (نوشته جو مورن، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۷، ص ۲۷۲) از دیگر فعالیت‌های علمی وی است.

بررسی پیشینه‌شناختی

همان‌گونه که ویراستار علمی این کتاب در بیستمین بخش کتاب اشاره کرده، شمار زیادی از آثار علمی در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه درباره تعزیه به زبان‌های گوناگون موجود است. اما در این بخش قصد داریم تا پیشینه مطالعات مستقل درباره تعزیه را در ادبیات علمی زبان‌های غیر آسیایی پی‌گیری کنیم. پیش از انتشار این کتاب در سال ۱۹۷۶م/۱۳۵۵، در زبان‌های غیر آسیایی تعداد کتاب‌های محدودی مختص تعزیه وجود داشت؛ چنانکه انتشار این کتاب را می‌توان انقلابی در پژوهش‌ها در زبان‌های مذکور به حساب آورد

و نگارش مستقل در موضوع تعزیه در آن زبان‌ها را به قبل و بعد از انتشار این کتاب تقسیم کرد. در ساده‌ترین بیان آثار انریکو چرولی (Cerulli Enr-co)، ر. ه. دوژنره (de Generet)، اتوره روسی (Et-tore Rossi)، آلسیو بومباچی (Allessio Bomba-ci)، شارل ویرولو (Charles Virolleaud)، هانری ماسه (Henri Massé)، آلساندرو بوزانی، ژان کالمار (Jean Calmar)، پیتر ج. چلکووسکی (Peter J. Chelkowski)، مهدی فروغ، عباس بنی‌صدر، پرویز ممنون و داود منشی‌زاده را می‌توان آثاری دانست که پیش از کتاب حاضر درباره تعزیه به زبان‌های غیر آسیایی به رشته تحریر درآمده‌اند.

مقالات کتاب

کتاب حاضر مجموعه مقالاتی است که به همایش (سمپوزیم) بین‌المللی تعزیه در جشن هنر شیراز در تابستان ۱۳۵۵/۱۹۷۶م. تقدیم شده است. مقالات اهدایی به آن کنفرانس توسط دکتر چلکووسکی ویرایش علمی شده و با ترجمه مقالات فارسی آن به زبان انگلیسی، به صورت کتاب حاضر درآمده است. دکتر چلکووسکی در این باره می‌نویسد: «این کتاب، ثمره کوشش‌های آن کنفرانس است که من افتخار ریاست آن را داشتم. افزون بر مباحثات و قرائت مقالات، بهترین گروه‌های تعزیه از مناطق مختلف به مدت ده روز در حسینیه مشیر و روستای کوچک کفترک، نزدیک شیراز، نمایش دادند. نمایشگاهی نیز از موضوعات مرتبط با تعزیه، نظیر طرح‌ها و عکس‌هایی از «تکایا»، البسه، وسایل بازی، نسخه‌ها، فیلم‌هایی از مراسم محرم و تعزیه‌خوانی‌ها و اشیاء مختلفی که علی‌الرسم در تظاهرات محرم مورد استفاده قرار می‌گرفت نیز برپا شد. نقاشی‌هایی با رنگ روغن نیز از صحنه‌های مختلف واقعه کربلا وجود داشت که یک نفر به طور سیار آنها را نشان می‌داد.» (ص ۴)

اولین مقاله این کتاب، نوشته‌ای از ویراستار علمی کتاب است. این مقاله که «تعزیه: نمایش بومی پیشرو ایران» نام دارد، تعزیه را در کلی‌ترین صورت خود مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. او عنوان این مقاله را «صحیح‌ترین توصیف از تنها نمایش (درام) ارائه شده دنیای اسلام» می‌داند. چلکووسکی در این مقاله با رویکردهای تاریخی، الهیاتی، هنری و اجتماعی پدیده تعزیه را مورد بررسی قرار می‌دهد.

دومین مقاله کتاب «تحلیلی از تعزیه عروسی قاسم [ع]» نام دارد. این مقاله نوشته صادق همایونی (متولد ۱۳۱۳)، تعزیه‌پژوه برجسته معاصر است. همایونی پس از آن نیز کتاب‌ها و مقالات

فراوانی درباره تعزیه به رشته تحریر درآورد که کتاب‌های تعزیه در ایران، حسینیه مشیر، گفتار و گفت‌وگوهای درباره تعزیه و شیراز خاستگاه تعزیه نمونه‌هایی از آن است. مقاله «تحلیلی از تعزیه عروسی قاسم [ع]» به زبان فارسی به این کنفرانس ارائه شده و برای انتشار در متن اصلی کتاب به زبان انگلیسی ترجمه شده است. این مقاله درباره مراسم تعزیه حضرت قاسم (ع) برادرزاده امام حسین (ع) و فرزند امام حسن (ع) است. قسمت مهم این تعزیه مراسم عروسی حضرت قاسم (ع) است که به صورت ویژه‌ای برگزار می‌شود. مؤلف این مقاله به «استفاده فراوان از سنت‌های اصیل ایرانی» در این تعزیه اشاره ویژه دارد. (ص ۳۶)

مقاله سوم این کتاب، تعزیه را از نقطه‌نظری نمایشی مورد بررسی قرار می‌دهد. این مقاله با عنوان «ابعاد فرهنگی قراردادهای نمایشی در تعزیه ایرانی» در پی آن است که تعزیه را با توجه به ژانر نمایشی بودن و بازنمایی آن مورد بررسی قرار دهد. نویسنده این مقاله، دکتر ویلیام بیمن (Liam Beeman) مردم‌شناس متخصص ایران و استاد کنونی مردم‌شناسی در دانشگاه میسوری امریکاست. وی به عنوان مردم‌شناسی که به ابعاد مردمی فرهنگ ایران علاقه داشته و آثار زیادی درباره این امر به رشته تحریر درآورده، در این مقاله تعزیه را، به طور عمده، از جهت وجود شماری از قراردادهای نمایشی مورد بررسی قرار می‌دهد.

«جنبه‌های نشانه‌شناختی تعزیه» عنوان چهارمین مقاله این مجموعه است. این مقاله را آندرزج ویرث (Andrzej Wirth) نوشته است. وی در این مقاله، تعزیه را با استفاده از دانش نشانه‌شناسی مورد بررسی قرار داده است. مبنای تحلیل ویرث در این مقاله، تعزیه حضرت علی اکبر (ع) است. او در قسمتی از مقاله خود می‌نویسد: «نقش آفرینی بازیگران بر اساس کیفیت صدا انجام می‌پذیرد؛ ولی در رمز ادراکی مهم ارزش اخلاقی است (اصوات آوازی زیر برای اولیا و اصوات بم برای اشقیاست). تأثیر متقابل بازی و تماشا جهت سخنرانی را داراست و بنا به تعریف، هیچ زمان نمایشی در سخنرانی یا خطابه وجود ندارد. در اجرای تعزیه، گذشته، حال، آینده به طور هم‌زمان اتفاق می‌افتد.» (ص ۵۵)

عنایت‌الله شهیدی با مقاله «دگرگونی و تحول در ایبات و موسیقی» درباره عناصر ادبی و موسیقایی تعزیه در چشم‌اندازی تاریخی سخن گفته است. تعزیه سرشار از عناصر ادبی و موسیقایی است. در هر بخش تعزیه، اجراکنندگان قطعاتی را قرائت می‌کنند که اساساً در صورت‌های ادبی بزرگ

بهره می‌گیرد.

انریکو فول کین یونی (Enrico Fulchignoni) نویسنده دهمین مقاله این کتاب است. وی در مقاله‌ای با نام «ملاحظات چند در مقایسه بین مراسم تعزیه ایرانی و «نمایش مصایب و آلام مسیح» در سده‌های میانه مسیحی در مغرب زمین» با رویکردی تطبیقی به بررسی تعزیه و نمونه‌های مشابه آن در سنت‌های فرهنگی آن در اروپا می‌پردازد. بررسی ادامه مقالات این کتاب تا مقاله بیستم را در شماره بعد نشریه ملاحظه خواهید کرد.

ادامه دارد

می‌دهد. «اقامه تعزیه: اطلاعاتی مقدماتی برای پژوهش جامع» به قلم ژان کالمار (Jean Calard)، ایران‌شناس برجسته معاصر، نهمین مقاله کتاب تعزیه: آیین و نمایش در ایران است. کالمار در این مقاله سعی دارد تا بررسی جامعی از تاریخ تعزیه و عناصر فرهنگی موجود در آن داشته باشد. او تحلیل خود را از دوره صفویه آغاز می‌کند و تا دوره معاصر به پیش می‌رود. علاوه بر آن وی برخی عناصر فرهنگی را نیز در تحلیل مفهوم تعزیه به کار می‌گیرد؛ به عنوان مثال از مسائلی چون نذر، وقف و امثال آن در بررسی تاریخ فرهنگی تعزیه

طبقه‌بندی می‌شوند. موسیقی نیز با ابزارهای متعددی در تعزیه اجرا می‌شود. شهیدی خود از فعالان عرصه تعزیه بوده که آثاری را نیز در این زمینه منتشر کرده است. سال‌ها بعد، عنایت‌الله شهیدی با همکاری دکتر علی بلوکباشی کتاب پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی از آغاز تا آخر دوره قاجار در تهران را منتشر کرد که هم‌اکنون به عنوان یکی از بهترین آثار در زمینه تعزیه در نظر گرفته می‌شود.

وی در ابتدای مقاله حاضر می‌نویسد: «هدف از این مقاله فراهم‌آوردن تحلیلی مختصر از دگرگونی‌ها و تحولات ادبی است که در دو سده گذشته در تعزیه پدید آمده‌اند. از آنجا که موضوع مورد بحث من تا اندازه‌ای به جنبه‌های موسیقایی و تئاتری نیز مربوط است، بر این دو جنبه نیز به اختصار مروری خواهم داشت. من در این زمینه، مگر در مواردی چند، بیشتر به مشاهدات و تعزیه‌نامه‌های دست‌نخورده استناد کرده‌ام تا به مفروضات و آرای منتقدان دیگر» (ص ۶۶) در بُعد ادبی، وی بیش از همه به «عبارات تکراری در تعزیه‌های اولیه» اشاره دارد و آنها را فراوان می‌داند (ص ۷۶). این مقاله نیز به زبان فارسی نوشته شده و برای متن اصلی اثر به انگلیسی ترجمه شده بوده است.

مقاله ششم کتاب بار دیگر تعزیه را با رویکرد هنری مورد بررسی قرار می‌دهد. ساموئل ر. پترسون (Samuel R. Peterson) در مقاله «تعزیه و هنرهای آن» ابتدا به بیان تاریخ و پیشینه «تکیه» در ایران می‌پردازد و آنگاه نمایش‌های تکیه‌ای را در سال‌های میان ۱۸۴۰م. تا ۱۹۳۳م. در ایران مورد بررسی قرار می‌دهد. از آن پس وی به طور ویژه درباره «تعزیه و نقاشی مذهبی» سخن می‌گوید. وی در پایان این مقاله می‌نویسد: «به رغم این واقعیت که تعزیه بر طرز فکر عوام نسبت به نمایش انسان تأثیری چندان ژرف نهاد که مایه الهام مظاهر جدید هنر ایرانی شد، هم «تکیه» و هم نقوش کربلا به منزله تکامل طبیعی و ساده‌ صور بسیار قدیمی پرستش مذهب تشیع بودند» (ص ۱۱۲)

مقاله هفتم این کتاب تاریخ تعزیه و پیشینه آن در ایران قبل از اسلام را پی‌گیری می‌کند. احسان یارشاطر در مقاله «تعزیه و آیین‌های سوگواری در ایران قبل از اسلام»، نمونه‌هایی از آیین‌های سوگواری ایرانی را در قرن‌های گذشته مورد بررسی قرار می‌دهد. وی بیش از همه بر اسطوره سیاوش و آیین‌های سوگواری مرتبط بر آن متمرکز می‌شود و عناصر سوگوارانه آن آیین‌ها را مورد بررسی قرار



سیدرضا ندیم سرور:

امتداد جهانی سنت نوحه‌خوانی شیعی شبه‌قاره هند



کویت، عراق، سوریه و اردن نیز حاضر شده و برای اجرای برنامه عزاداری به ایران نیز آمده است. ندیم سرور همچنین برای اجرای برنامه‌های مذهبی خود در اروپا نیز حضور یافته است. وی علاوه بر اجرای برنامه در سوئیس، سوئد، آلمان، لوگزامبورگ، هلند، بلژیک و فرانسه، بارها در شهرهای مختلف انگلستان نیز به نوحه‌خوانی پرداخته است. در آفریقا شیعیان دارالسلام، اروشا و موروگورو در تانزانیا، نایروبی، مومباسا و تانگا در کنیا، آنتاناریوو، تولیا، موراندوا، آنجربا در ماداگاسکار و نیز شیعیان ژیر و کنگو میزبان وی بوده‌اند. ندیم سرور همچنین به اجرای برنامه‌هایی در آمریکای شمالی پرداخته است. به عنوان نمونه می‌توان به مراسم نوحه‌خوانی وی در نیویورک، التون، نیوجرسی، اورلاندو در آمریکا و تورونتو، ادمونتون و همیلتون در کانادا اشاره کرد.

جماعت‌های مهاجر اردوزبان

ندیم سرور در سفرهایش به طور عمده برای جماعت‌های (community) مهاجران مسلمان شبه قاره هند (هند، پاکستان، بنگلادش، کشمیر) نوحه‌خوانی می‌کند. این مراسم بیشتر در امام‌بارگاه‌ها اجرا می‌شود. استفاده از رسانه‌های جدید (مانند شبکه‌های ماهواره‌ای) و امکانات دیجیتال مدرن (همانند اینترنت) در فعالیت‌های ندیم سرور قابل توجه است. وی به وسیله این امکانات به صورت روزآمد با مشتاقان فراوان خود در ارتباط است و آخرین «نوحه‌خوانی»‌های خود را به ایشان عرضه می‌کند. ندیم سرور در ایران چهره ناشناخته‌ای نیست و سال‌هاست نوحه‌خوانی‌های او در میان ایرانیان محبوب است.^۱

پی‌نوشت:

- ۱- نوحه‌خوانی اصلی‌ترین تخصص ندیم سرور است. غیر از نوحه‌خوانی وی در منقبت‌خوانی و سوزخوانی نیز متبحر است.
- ۲- امام‌بارگاه در فرهنگ پاکستان تقریباً معادل حسینیه و تکیه در فرهنگ ایران است.
- ۳- نکات زندگی‌نامه‌ای ندیم سرور از سایت رسمی او به آدرس زیر انتخاب شده است:
<http://www.nadeemsarwar1.com/vthree/html/bio/index.html>

منبع:

عارفی، محمداکرم، ۱۳۸۵، شیعیان پاکستان، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی

سالگی به طور ویژه آن را در دستور کار زندگی خود قرار داد. وی از آن زمان تاکنون به صورت مداوم به نوحه‌خوانی پرداخته است. ندیم سرور به زبان‌های مختلفی نوحه‌خوانی کرده که از آن میان می‌توان به اردو، سندی، سریکی، پنجابی، پشتو، پوربی، هندی، گجراتی، فارسی و حتی عربی، انگلیسی و فرانسه اشاره کرد. او از اشعار و مراثی شاعران گوناگون اما برجسته‌ای در نوحه‌خوانی‌های خود استفاده می‌کند. احتمالاً مشهورترین این مرثیه‌سرایان میربایر علی انیس و میرزا سلامت‌علی دبیر هستند. ندیم سرور که در رشته مهندسی مکانیک و طراحی داخلی تحصیل کرده، متأهل و دارای دو پسر و یک دختر است. وی هم‌اکنون همراه با خانواده‌اش در شهر کراچی پاکستان زندگی می‌کند. پسران او با نام‌های «علی شناور» و «علی جی» نیز همانند او نوحه‌خوانی را از کودکی آغاز کرده‌اند.

نوحه‌خوانی در مقیاس جهانی

احتمالاً ندیم سرور را می‌توان نوحه‌خوانی دانست که بیش از هر نوحه‌خوان دیگر در وسیع‌ترین مقیاس ممکن به مناطق گوناگون جهان سفر کرده و به نوحه‌خوانی و برگزاری مناسک عزاداری پرداخته است. مناطقی که وی به اجرای مراسم نوحه‌خوانی پرداخته، سرزمین‌هایی در پنج قاره را شامل می‌شود. وی در سراسر کشورش پاکستان و شهرهای بزرگ مسلمان‌نشین هند، همچون لکنهو، کانپور، آگره، بمبئی و حیدرآباد به اجرای برنامه‌های عزاداری پرداخته است. در جنوب شرق آسیا به چین، کره جنوبی، ژاپن و هنگ‌کنگ سفر کرده و برنامه‌های نوحه‌خوانی اجرا کرده، در خاورمیانه در شهرهای جدّه، مکه و مدینه واقع در عربستان سعودی، قطر، عمان،

سرویس مردم‌شناسی: «نوحه» نوعی شعر حزن‌انگیز در رثای اموات، شهدا و به‌ویژه شهدای کربلاست و یکی از فراگیرترین قالب‌های شعری در ادبیات شیعیان جهان به شمار می‌رود. از نوحه‌ها در مناسک سوگواری حسینی استفاده عمده‌ای می‌شود و از آن بیشتر به «نوحه‌خوانی» تعبیر می‌شود. در مراسم سوگواری حسینی شیعیان پاکستان، نوحه‌خوانی جایگاه بسیار مهمی دارد. شیعیان پاکستان در تمامی هشت منطقه اداری-سیاسی پاکستان یعنی ایالت‌های بلوچستان، سند، پنجاب، سرحد و مناطق شمالی (فانا)، مناطق قبایلی (فاتا)، دارالحکومت فدرال اسلام‌آباد و نیز کشمیر سکونت دارند. جمعیت شیعیان این کشور حدود ۳۰ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. (عارفی ۱۳۸۵: ۹۳)

در ایالت‌های پنجاب و سند که چنانکه خواهیم دید، پایگاه اصلی ندیم سرور است، مراسم سوگواری حسینی اجزای متعددی دارد. در این ایالت مراسم سوگواری حسینی از «سوزخوانی» (اشعار حزین که پیش از مرثیه در مصایب امام حسین (ع) خوانده می‌شود)، «سلام» (اشعاری که متضمن فضایل ائمه اطهار (ع) است)، «مرثیه» (خطابه‌ای که به وسیله علما یا ذاکران و روضه‌خوانان حرفه‌ای که غیر روحانی‌اند، ایراد می‌شود) و نیز سینه‌زنی، دعا و زیارت‌خوانی تشکیل شده است. (عارفی ۱۳۸۵: ۱۶۳-۱۶۲)

یکی از برجسته‌ترین نوحه‌خوانان معاصر کشور پاکستان و شبه‌قاره هند، سیدرضا ندیم سرور است. او فرزند مرحوم سیداسرار حسین رضوی و سیده‌نرگس خاتون که هر دو اهل شهر کراچی پاکستان بودند، است. ندیم سرور نوحه‌خوانی را در چهارسالگی نزد مادرش آغاز کرد و از هشت

KHEIM Cultural Social Monthly



خیمه

ماهنامه
فرهنگی
اجتماعی
خیمه

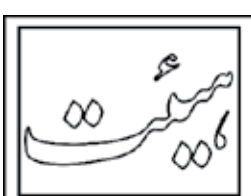
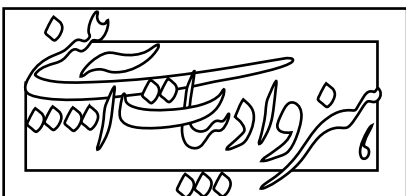
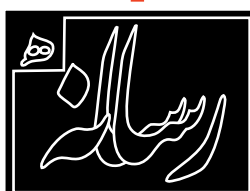
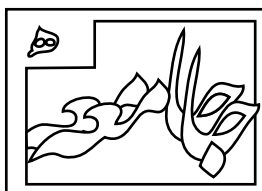
KHEIMEH
Cultural - Social
M o n t h l y



تلفن همراه یکی از رسانه‌های ارتباطات میان فردی است که با پیشرفت امکانات آن به موازات پیشرفت فن آوری و همراه بودن آن با کاربران به صورت دائمی، مزیت «هر انسان، یک رسانه» را تحقق بخشیده است. در این شماره به بررسی امکانات تلفن همراه در فرهنگ دینی و حسینی می‌پردازیم.

KHEIMEH
Cultural - Social
M o n t h l y

ماهنامه فرهنگی اجتماعی خیمه
KHEIMEH Cultural - Social Monthly



می‌شود و تابوی «مرد که گریه نمی‌کند» به واسطه نمایش چهره مردانی که در برنامه‌های مذهبی و عزاداری‌های ایام سوگواری اشک می‌ریزند، شکسته شده است.

چه کسی گریه می‌کند؟

کسی که در برابر دوربین می‌گرید، بسته به اینکه در چه نوع برنامه‌ای به تصویر کشیده شود، معرف فردی احساساتی، لطیف، پشیمان و یا فردی مذهبی، معنوی، خطاکار و توبه کننده است. گریه کردن شخصیت‌ها، تفاوت آنها را با سایر شخصیت‌های فیلم (که گریه نمی‌کنند) نشان می‌دهد و به نوعی وجه تمایز آنها با کسانی است که این تحول و شکستگی دل در آنها به وجود نیامده است.

تحول روحی یا محدودیت رسانه‌ای

گریستن راحت‌تر از هر عمل فیزیکی دیگری نشان دهنده تغییر در حالات روحی فرد است. در موقعیت‌های احساسی، زمانی که فرد در برابر واقعه یا برخوردی به شدت تحت تأثیر قرار بگیرد، گریه کردن تنها یکی از واکنش‌های ممکن است. ولی رسانه به علت محدودیت در بازنمایی کامل واقعیت، به نمادهای تصویری این تحول متوسل می‌شود و ساده‌ترین و دم‌دستی‌ترین واکنش نسبت به یک واقعه تأثیرگذار را به نمایش می‌گذارد.

همدلی با سوژه

تصویر سوژه‌هایی که گریه می‌کنند (چه در برنامه‌های مناسبی و چه در سریال‌های نمایشی) از نمای نزدیک پخش می‌شود، به گونه‌ای که قطرات اشک برای مخاطب قابل تشخیص هستند. این تصویربرداری از نزدیک حامل نوعی حس همراهی و همدلی با سوژه است و مخاطب را در احساس او شریک می‌کند.

انتقال حس یا برهم خوردن خلوت افراد

در برنامه‌های مذهبی زنده یا ضبط شده، دوربین با زوم کردن روی چهره افرادی که در برنامه حضور دارند، سعی در به اشتراک گذاشتن حس معنوی آنها با مخاطب تلویزیونی دارد. این عمل علاوه بر اینکه حس معنوی سوژه را منتقل می‌کند، در صورتی که توجه او را به دوربین جلب کند، نه تنها حس معنوی و ارتباط او با معبود را بر هم می‌زند، مخاطب را هم در اصالت این حس به شک می‌اندازد و کارکردی معکوس پیدا می‌کند. ■

شعاری که در تلویزیون می‌شکند

مرد که گریه نمی‌کند

بازنمایی فرهنگ بکاء در رسانه

سید مرجان حسینی

رسانه همواره عرصه بازنمایی مفاهیم متعددی است که برخی از آنها با اعتقادات مذهبی مخاطبان و برخی با احساسات و عواطف آنان عجین شده است. در این بین یکی از نمونه‌هایی که به نوعی با این دو مقوله در ارتباط است، گریه کردن (بکاء) سوژه‌های تلویزیونی است.

فرهنگ بکاء بیشتر به مسلمانان و به‌ویژه شیعیان و بیشتر در ایران دیده می‌شود. در فرهنگ عامه ایرانیان به‌ویژه در مناطق غرب و جنوبی ایران فرهنگ سوگ و سوگواری، پدیده‌ای مرسوم است که آداب خاص خود را دارد.

کاه بر سر ریختن، خراشیدن سر و صورت و گل مالیدن از جمله مناسکی است که در فرهنگ عامه مردم این شهرها به وضوح مشخص است.

اما بازنمایی این فرهنگ در رسانه ما در نقش‌های جنسیتی زن و مرد چگونه به تصویر کشیده شده است؟

چرا گریه؟

در بین تمام حالات ظاهری که قابل مشاهده و ارزیابی است، گریه کردن به راحتی معرف حالات درونی انسان است و در موقعیت‌های مختلف برای معرفی او و شخصیت او به یاریش می‌آید.

به تصویر کشیدن گریه هم می‌تواند منتقل‌کننده حس معنوی و حالات روحی عرفانی باشد و هم عکس‌العمل فرد را نسبت به یک اتفاق ناخوشایند به تصویر می‌کشد. معمولاً عمل گریه کردن در دو نوع برنامه به نمایش گذاشته می‌شود: برنامه‌های مذهبی و سریال‌های نمایشی.

برنامه‌های مذهبی

در برنامه‌های مذهبی که به عزاداری برای معصومین (ع) و یا پخش دعا و زیارت اختصاص دارد، معمولاً یک خطیب یا مداح، در محیطی مذهبی (مسجد، تکیه، ...) به سخنرانی و خواندن زیارت می‌پردازد. مخاطبان با شنیدن دعا یا مناجات در اثر لحن سوزناک و محتوای معنوی کلام متأثر می‌شوند و یکی از عکس‌العمل‌ها نسبت به محتوای غم‌انگیز یا عبرت‌آموز وعظ و مناجات گریستن است. معمولاً چهره حاضران در حال گریستن توسط دوربین به نمایش در می‌آید.

سریال‌های تلویزیونی

در سریال‌های تلویزیونی یکی از عکس‌العمل‌های مهم برای شخصی که به شدت ناراحت است و اتفاق ناخوشایندی برایش افتاده، گریستن است. وقتی فرد در اثر انجام خطایی پشیمان است و به خاطر کار خود (در برابر انسان یا خدا) معذرت‌خواهی می‌کند هم، اولین عمل گریستن است. به این صورت که کلام عذرخواهانه و گریه با هم آمیخته می‌شود و شدت تأثر فرد را نشان می‌دهد. صحنه‌های مربوط به دعا و راز و نیاز شخصیت مذهبی فیلم با خدا در نماهای متوسط و بزرگ و معمولاً در مقابل سجاده تصویربرداری می‌شود و این راز و نیاز با گریه و تضرع فرد آمیخته می‌شود و حالت معنوی او را منتقل می‌کند.

مرد که گریه نمی‌کند...

در سریال‌های تلویزیونی معمولاً گریه در بین زنان بیشتر دیده می‌شود، ولی به تدریج شاهد این هستیم که مردان نیز ناراحتی و اندوه خود را با گریه نشان می‌دهند. در برنامه‌های مذهبی و مناسبی سیما، تصویر گریستن مردان بیشتر به نمایش گذاشته

بازنمایی شیعه در اینترنت



در چت‌روم‌های شیعیان بحث‌هایی نظیر قوانین اسلامی، مباحثه میان شیعه و سنی، مباحثه میان مسیحیت و اسلام رواج دارد. یکی از مزایای چت آن است که جنسیت مخالف که در دنیای واقعی نمی‌تواند با هم در تعامل باشند، در چت‌روم‌ها به راحتی می‌تواند با هم بحث کنند.

مناسک شیعی در اینترنت

شیعه در مناسک غنی است. زیارت امام و امامزادگان نقش اصلی را در مراسم دارند. برای هر روز یک مراسم خاص (اعم از نماز و دعا) وجود دارد.

سایت‌های بسیاری متون و صدای ادعیه را در اختیار کاربران قرار می‌دهند که می‌توان با انتخاب آنها به محتوای آنان گوش سپرد. در سایت moharram.ir وقتی سایت بالا می‌آید، در ابتدا نوحه‌ای می‌شنویم. در صفحات دیگر آن، کاربر می‌تواند از هر کدام از روزهای دهه محرم کلیپ و یا نوحه‌ها را انتخاب کند.

سرویس استخاره در بسیاری از سایت‌ها ارائه می‌شود. ارسال ایمیل به سایت حضرت معصومه (س) و مسجد جمکران که شامل آرزوها و خواسته‌های کاربران است، مرسوم است.

زیارت سه بعدی، پیگیری مراسم جاری در حرم‌های ائمه (ع) به صورت آنلاین از دیگر مناسک آیینی است که در اینترنت دیده می‌شود.

دسترسی آسان و گمنام بودن از جاذبه‌های اینترنت برای حضور است. اینترنت این اجازه را می‌دهد که علاوه بر آنچه که به صورت رسمی به عنوان مذهب تبلیغ و ترویج می‌شود، گروه‌های دیگر نیز فعالیت داشته باشند. ■

با هم‌فکران مذهبی، دریافت خطابه‌های مذهبی و حفظ هویت دینی می‌داند. او در بررسی‌های خود دریافت که شیعه در بازنمایی خود در اینترنت بیشتر مناسک مذهبی را به نمایش می‌گذارد. آموزش نماز، وضو و غسل، اعمال حج از چنین اعمالی هستند.

سمبل‌های تصویری که در سایت‌های شیعیان دیده می‌شود، شامل تصویر کعبه، تصویر حرم‌های ائمه، عکس مراجع تقلید، تصویری از شهادت امام حسین (ع) (که در حسینیه‌های ایرانیان مرسوم است) و حدیث روز، فایل‌های صوتی مذهبی است. بازنمایی امامزاده‌ها و همچنین معرفی

کالینوک در بررسی‌های خود دریافت که شیعه در بازنمایی خود در اینترنت بیشتر مناسک مذهبی را به نمایش می‌گذارد

دختر نبی اکرم (ص)، فاطمه زهرا (س)، در سایت‌ها دیده می‌شود. سایت‌های امامزاده‌ها بیشتر به اطلاع‌رسانی تاریخی مکان و همچنین معجزات آن امامزاده می‌پردازد. برخی از سایت‌های شیعیان سمت و سوی اقتصادی دارند؛ مثلاً فروشگاه آنلاین سی دی، کتاب‌های اسلامی و نرم‌افزارهای اسلامی که در سایت www.karbala.com دیده می‌شود.

وی سایت مراجع عظام را به عنوان یک زیرمجموعه جدا بررسی کرده و از مزیت وجود آنها پرسیدن سؤال‌ها به صورت آنلاین و بدون نام بیان می‌کند.

سرویس رسانه: سابین کالینوک که پایان‌نامه دکترای خود را بر روی مناسک مذهبی زنان شیعه در ایران امروزی نوشته و به مطالعه میدانی در سه شهر تهران، اصفهان و شیراز پرداخته است، در مقاله‌ای با عنوان «زیارت آنلاین مداوم» به بررسی سایت‌های شیعه دوازده امامی در ایران پرداخته است.

وی معتقد است که شیعیان دنیا و به‌ویژه شیعیان ایران، مناسک آیینی را نسبت به مسلمانان سنی با جدیت بیشتری پیگیری می‌کنند؛ چنانکه مراسم عزاداری و اعیاد و تولدهای امامان (ع) نسبت به سنی‌ها بیشتر است.

وی دریافت که استفاده اینترنت در تهران برای اهداف مذهبی رو به افزایش بوده و کارکرد اینترنت را در حوزه مذهب به‌ویژه شیعیان بررسی کرده است.

کالینوک علی‌رغم وجود فیلترینگ سایت‌های ضد نظام و ضد اسلام، کارکردهای اینترنت در حوزه مذهب را ایجاد اجتماعات مجازی و در تماس بودن

در مترو یا اتوبوس BRT ایستاده‌ای که جیبیت می‌لرزد. به گمان دریافت پیامک گوشی را درمی‌آوری و می‌بینی که برایت بلوتوث آمده، اسم فایل و اسم گوشی فرستنده مشخص است. سر می‌چرخانی که فرستنده را از خیل گوشی‌ها به دست‌ها پیدا کنی، اما تعدادشان بیشتر از این است که تشخیص دهی، مسافر کنار دستی است یا آنکه آن طرف میله‌ها ایستاده. اسم فایل هم «نوحه» است. فایل را اکسپت (Accept) می‌کنی و تا تمام حجم فایل کامل دانلود شود، فکر می‌کنی که

محتوا چه می‌تواند باشد، آخرین ورژن مداحی فلان مداح مشهور یا فایل مقایسه مداحی ائمه (ع) با ترانه‌های آن‌ور آبی یا شاید هم فایل تصویری یکی از جلسات مداحی که یا طنز است یا

جلساتی که همه مشغول سینه‌زنی‌اند. یا نه. فایل دانلود می‌شود و تو آن را play می‌کنی و ...

برای همه ما ممکن است این اتفاق در روز چند بار در مسیر دانشگاه و محل کار یا در پارک و سینما و حتی جمع‌های خانوادگی بیفتد که فایلی را با موضوعات مختلف اعم از عکس و صوت و تصویر از دیگران دریافت کنیم که در صنعت سرگرمی‌سازی رسانه‌ای این روزها به امری معمول تبدیل شده است.

اما آنچه مجال حاضر را به خود اختصاص داده، توجه به نظام تولید و مصرف محتوای بلوتوثی است. آگهی‌های تجاری تلویزیون‌های خارجی، دوربین مخفی، روابط خصوصی افراد، صحنه‌های ورزشی، دعوای خیابانی و ... بیشترین فراوانی را در فایل‌های بلوتوثی به خود اختصاص داده‌اند که در میان همه این فایل‌های سرگرمی، محتوای مذهبی رد و بدل شده نیز سهم خاص خود را دارند. اما این محتوا نیز در قالب‌های متفاوتی ارائه می‌شود: صدا یا تصویر

سخنرانی یکی از وعظ بزرگ و نصیحت‌های اخلاقی آنان و یا تصویر جلسات مداحی مثبت‌ترین و البته شاید کمترین محتوای مذهبی مبادله شده است و متأسفانه طبق تحقیقات نگارنده بیشترین این محتوا با نگاهی طنزآلود یا تمسخرآمیز تصویری از جلسات مذهبی ارائه می‌دهد.

متأسفانه مثال‌ها کم نیستند و بدون نام بردن از مصداق‌ها می‌توان آنها را متصور شد: مونتاز صدا و تصویر نامناسب بر روی تصویر وعظ در مراسم عزاداری، مونتاز تصویر زنی با لباس نامناسب در کنار مداحان مشهور، مونتاز صدای خواننده زن بر روی صدای مداح، تصویر مردان عریان در حال سینه‌زنی، حضور زنان بدحجاب

بلوتوث‌های عزاداری فرصت‌یافته‌ید؟

از این اتفاق‌ها جلوگیری کنیم و نگذاریم که هیچ کس از محتوای کلام مداحان (مثل محتوای شعری که عیناً از روی یک ترانه خواننده مشهور زن برای ائمه (ع) خوانده شده و متأسفانه دستمایه به سخره گرفتن مداحان و جلسات مداحی شده است) برای به تمسخر گرفتن اشعار منسوب به ائمه (ع) استفاده کند یا از فیلمبرداری جلساتی که در آن سینه‌زنی و زنجیرزنی بر بدن‌های برهنه انجام می‌گیرد، ممانعت به عمل آوریم و دیگر اینکه از همه مهم‌تر خود به تولید و انتشار محتوای فاخر جلسات مداحی و دروس اخلاق در بین جوانان اقدام کنیم تا از این پس وقتی فایلی با نام نوحه و مداحی به گوشی‌مان بلوتوث شد، با انتظار دریافت یک محتوای فاخر و ارزشمند یا یک صدای زیبا یا یک شعر جذاب و یا یک نکته اخلاقی، فایل را اکسپت کنیم. ■

* کارشناس ارشد ارتباطات

در هیئات عزاداری، مراسم قمه‌زنی، رنگ و لعاب طنز دادن به حالات گریه و شور عزاداری مداحان و یا پخش نذری‌ها در مراسم و ...

اینها مصادیق بسیاری از فایل‌های بلوتوثی مذهبی با کارکرد غیر مذهبی است که بدون شک هر کدام از ما پس از مشاهده به سخره گرفتن یکی از پرشورترین مناسک مذهبی‌مان در گوشی‌های تلفن همراه، جز متأثر شدن و تأسف خوردن و یا پاک کردن آن از روی گوشی‌مان و یا گاهی توصیه به دوستانمان برای ممانعت از انتشار آن کار دیگری نمی‌توانیم بکنیم.

اما به راستی نمی‌شود کاری کرد؟ آیا آگاه کردن کسانی که حاضر در محل تولید این محتوا هستند از این سوءاستفاده‌ها کار سختی است؟ آیا آگاهی بخشی به عزاداران حسینی و مداحان در کاهش این سوءاستفاده‌ها مؤثر نخواهند بود؟

بدون شک ما نمی‌توانیم از صداگذاری بر تصاویر وعظ جلوگیری کنیم، اما می‌توانیم با اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی به جلسات مداحی



بعد از ۴۰ شب

«شبی امام رضا (ع) به خواب یکی از علما آمد و گفت: «بگوئید؛ زنانی که جوراب نازک می‌پوشند، به زیارت من نیایند. زنی بدون جوراب داخل حرم شد و چهل روز بعد تصادف کرد و مرد. هرکس این نوشته را بخواند، باید در ۴۰ جای دیگر بنویسد، وگرنه اتفاق بدی برای وی می‌افتد.»»

از اینکه کتاب دعایی برداری و به ناخودآگاه چشم‌ت به نوشته‌ای که برایت ایجاد مسئولیت و

بود که بسیار رواج داشت. در اماکن مذهبی و به‌ویژه در کتاب‌های ادعیه، پر از داستان‌های مختلف بود که از ساده‌دلی و باورپذیری مردم برای پخش چنین شایعاتی استفاده می‌شد.

حتی گاهی در جواب چنین داستان‌های خود ساخته، برخی در کتب ادعیه می‌نوشتند: «لعنت بر کسی که در کتب ادعیه چیزی بنویسد.» و بر بیت‌المال بودن آن و خراب کردن آن، هشدار می‌دادند.

مدرنیته و خرافات

صدای تلفن همراهت بلند می‌شود، پیامکی از طرف دوستی به دست رسیده است: «پنج صلوات برای ظهور امام زمان (عج) بفرست و

خرافه‌های مدرن شده در بستر تلفن همراه

همچنین نفرینی کند، دستت می‌لرزد.

کتاب دعاهایی را که برمی‌داشتی و در صفحات خالی آن، چندین داستان مختلف حاکی از عدم عمل به دستور و عقوبت‌های مهلک آن نوشته بود.

آنها که می‌ترسیدند در کتاب‌های مختلف همان متون را دوباره می‌نوشتند تا از نفرین اینکه نوشته را خوانده‌اند، در امان باشند.

برخی نیز راه‌های سریع‌تری را انتخاب می‌کردند و یک داستان این چنینی را می‌نوشتند و زیراکس می‌کردند و میان زوار پخش می‌کردند.

نقل‌های کاغذی

نقل‌هایی میان زوار پخش می‌شود. می‌ترسی که آن را بگیری یا نه؟ از خانمی که پخش می‌کند، می‌پرسی که آیا باید به کاری عمل کرد یا نه؟ و می‌گویدی آری و تو منصرف می‌شوی که به عنوان تبرک بسته نقل را دریافت کنی.

نمی‌خواهی تن به مسئولیتی بدهی که برگه داخل نقل‌ها، دستورالعمل آن هستند.

اینها و مثال‌های دیگر از مجموعه خرافاتی

با این پیام‌ها چه می‌کنید؟ پیام کوتاه عرصه‌ای برای بازنمایی و انتقال فرهنگ شفاهی ما ایرانیان شده است. پس زمینه‌های فکری ما، هنوز در دنیای مدرنیته جاری است. شاید اگر دیروز واقعاً افراد از سر ترس گرفتار شدن به عقوبت شخصیت‌های داستان‌ها یا از روی جهل دست به کپی داستان‌ها می‌زدند، اما اینک کارکرد این چنین داستان‌هایی تغییر کرده و کارکردی تفریحی و سرگرمی و طنزگونه یافته است. ارسال آن نیز برای دیگران بسیار آسان‌تر شده و کافی است تنها اسامی گیرندگان را وارد کرده و با دکمه ارسال در یک لحظه برای گروه کثیری از دوستان و آشنایان یک پیام را بفرستید.

این پیام‌ها که دربردارنده یک دستور و همچنین اعداد مقدسی نظیر ۵، ۷، ۱۴ و ۴۰ هستند، با درونمایه مذهبی سعی در اقتناع کاربر دارند.

اما برخی آگاهانه برای تمسخر و پایین آوردن شأنیت یک شخصیت مذهبی و یا تمسخر برخی مناسک است که با بیان طنز، عقلانیت را از آن می‌زدایند.

ما نیز با تجاهل خویش و تنها به دلیل جالب بودن و ایجاد خنده بر لبان دوستان چنین پیام‌هایی را برای دیگران ارسال می‌کنیم و در چرخه جریان و تثبیت چنین پیام‌هایی وارد می‌شویم. شاید تولیدکننده پیام نباشیم، اما یادمان نرود که به چرخه جریان و تداوم چنین پیام‌هایی پرداخته‌ایم.

این بار که چنین پیامکی را دریافت کردید، چه می‌کنید؟ ■

این پیام را برای ۱۰ نفر دیگر بفرست. تا شب خبر خوشی دریافت می‌کنی.»

شاید این پیام و پیام‌هایی نظیر این، شما را به سمت تشریک در انجام یک مناسک آیینی سوق دهد و بخواهید دیگران را در این تجربه شخصی دعوت کنید. اما آیا تمامی پیام‌ها این گونه‌اند؟

گاهی پیام‌های مسخره‌ای با ساختار همان داستان‌های پشت کتب ادعیه به دستت می‌رسد.



پیام کوتاه آمیختن مذهب با تابوهای اجتماعی

مطهره آخوندی

شاید باورتان نشود، اما پیامک (Short Mes-sage Service SMS) جوانی رشید و بالغ شده است. آری ۱۹ ساله است. تولد آن در سال ۱۹۹۰ بود که در سال ۱۹۹۸ به شکوفایی خود رسید. اما در ایران با تأخیری ۱۳ ساله وارد شد. (سال ۲۰۰۳ میلادی مصادف با ۱۳۸۱ هجری شمسی).

شما با ارسال ۱۶۰ کارکتر انگلیسی و یا ۷۰ کارکتر فارسی و عربی و یک سوم هزینه یک پالس تماس، می‌توانید به راحتی پیام خود را به فردی دیگر منتقل کنید.

کارکرد پیامک

چرا پیامک را می‌پسندید؟ شاید مقرون به صرفه بودن، فضای خصوصی و در دسترس‌تر بودن نسبت به تماس (چیرگی بر عدم آنتن دهی) از عوامل جذاب استفاده آن باشد.

در ابتدا باور بر این بود که پیامک‌ها جنبه اطلاع‌رسانی دارد. اما کارکردهایی که اکنون می‌بینیم، فراتر از آن چیزی است که پیش‌بینی شده بود.

شرکت در مسابقات تلویزیونی و رادیویی، ارتباط با مرجع تقلید و پرسیدن احکام و استفتائات، تبلیغات تجاری و سیاسی، پستی مخفی ارسال جوک‌های سیاسی، بستر امن ارتباط پسر و دختر که در بستر جامعه امکان آن کمتر است و ... را می‌توان از کارکردهای پیامک در جامعه امروز برشمرد.

شکستن ذهنیت درباره تابوهای اجتماعی، پیش درآمدی بر شکستن عینیت است. در تحقیقی که احمد نادری به تحلیل

گفتمان ۲۴۰ پیام کوتاه از قشرهای مختلف جامعه پرداخته است، نتایج زیر حاصل شد که در زمینه مذهب آن بیشتر وارد بحث می‌شویم.

حیطه طنز و جوک حیطه اصلی گفتمان SMS امروز ایران را تشکیل می‌دهد که عنصر محوری فرهنگ عامیانه بوده و انعکاسی از وضعیت اجتماعی جامعه در خود دارد. درونمایه اصلی گفتمان SMS امروز ایران را سه حوزه جوک‌های جنسی، مذهبی و سیاسی به خود اختصاص داده‌اند که از این میان جوک‌های جنسی سهم عمده‌ای را به خود اختصاص داده است. در واقع جوک‌های دو حوزه دیگر (سیاسی و مذهبی) نیز آغشته به این حوزه و تحت لوای این حوزه بیان می‌شود، پس اگر بگوییم که گفتمان عمده SMS در ایران گفتمانی جنسی است که بیشتر خود را در حوزه جوک‌های کثیف می‌نمایاند، سخن به گزافه نگفته‌ایم.

این جوک‌ها در نهایت به گونه‌ای بازاندیشانه با شکستن و نقی ارزش‌ها و هنجارهای جنسی، اخلاقی، نقض و شکستن تقدسات و تحقیر و تخطئه ایدئولوژی سیاسی و رهبران سیاسی، معرفت و ارزیابی افراد در مورد این امور در رده شناختی و ذهنی را تغییر خواهد داد.

محتوای کلی این جوک‌ها بدین شرح است:

۱- تحقیر اعتقادات دینی و مذهبی در مورد ارزش‌های جنسی و تخطئه ایدئولوژی مذهبی با ابزار تخریب شخصیت‌های مذهبی

۲- فحش رکیک به شخصیت‌های منفی

مذهبی در حوزه تاریخی که نفرت از آنان از طریق مناسک بازتولید می‌شود، نظیر یزید و ...

۳- تخریب ارزش‌های جنگ که پیوندی ناگسستنی با اعتقادات مذهبی دارد

۴- تخطئه احکام مذهبی

۵- هجو دعاهای وارد شده در مذهب و احکام مذهبی در موارد مختلف

۶- تمسخر تفکرات پایه‌ای تشیع، مانند اعتقاد به شفاعت، شفا، مهدویت و ...

۷- هجو آیه‌های قرآن و ساختن آیه‌های جعلی

۸- تخریب اعتقادات مذهبی چون عاشورا و محرم

۹- تمسخر فلسفه آفرینش در فرهنگ دینی

۱۰- نقی حقایق مسلم مورد تأکید ادیان نظیر مرگ و ...

۱۱- تخطئه روحانیون و تأکید بر ریای مذهبی در شخصیت آنان

۱۲- رواج تاریک‌بینی و سیه‌نگری در حیطه اجتماعی توسط تخطئه نگاه مذهبی به ازدواج.

آنچنان که مالدینوفسکی می‌گوید؛ هنجارهای جامعه قبل از آنکه در عینیت جامعه شکسته شوند، در ذهن افراد جامعه می‌شکنند. بنابراین اگرچه همه این موارد گفته شده در سطح ذهنی و شناختی هستند، اما آنچنان که فوکو تأکید می‌کند، این گفتمان به مثابه مادی کردن و عینی کردن ذهنیت‌ها و شکل‌گیری ابژه‌ها بر اساس آنان است.

بنابراین کارکرد منفی این گفتمان، تغییر شکل جنبه‌های معرفتی و شناختی و به عینیت رسیدن آن در یک پروسه تاریخی رو به جلو است که تازه این بخشی از قابلیت‌های نظام زبان - که یک نظام فکری پیچیده - (مدرسی ۱۳۸۳) است که جنبه بروز یافته است.

اگرچه سیستم پیام کوتاه (SMS) در ابتدا با قصد اولیه اطلاع‌رسانی صرف و با کمک تکنولوژی‌های دیجیتال اطلاعاتی مدرن به عرصه گفتمان رسانه‌ای کشور وارد شد، اما در یک سیر تاریخی کوتاه، اهداف پنهان این تکنولوژی که همانا تولید گفتمان سرگرمی و طنز و جوک است، جایگزین هدف اولیه شد که تبعات آن را می‌توان در این حیطه به وضوح دید. ■

در اینجا فرهنگ عاشورا و امام حسین (ع)، سهم وسیعی در تم‌ها، کلیپ‌ها، مداحی‌ها و تصاویر پشت زمینه دارد.

حتی در دهه اول محرم بسیاری از افراد بر این عقیده‌اند که صدای زنگ موبایل نیز باید به یک روضه تغییر یابد.

بیشتر کلیپ‌های موجود همان تصاویری است که توسط موبایل شرکت‌کنندگان در مراسم‌های عزاداری گرفته شده است، نه آنکه لزوماً کلیبی در این حوزه با توجه به خصوصیات تلفن همراه تولید شود.

چندین نکته که در کلیپ‌ها مورد غفلت واقع شده‌اند:

- عدم تناسب کیفیت تصویر و کادربندی با صفحه موبایل
- عدم خلاقیت در طراحی یک انیمیشن با محوریت عاشورا
- عدم تنظیم صدا در کلیپ‌های صوتی روضه خوانی و مداحی و ناهنجار بودن صدا
- عدم رعایت حق مؤلف در استفاده از تصاویر، نوها و آواها

این نکته کلیدی فراموش نشود که برای آنکه در رسانه‌ای بتوان موفق عمل کرد، باید ویژگی‌های آن را به خوبی شناخت و در قالب آن عمل کرد.

نرم‌افزارهای مذهبی موبایل برای کاربران سهولتی را در انجام اعمال مناسک آیینی پدید آورده و همچنین به عنوان یک منبع اطلاعاتی درباره اعتقادات و احکام دینی نیازهای فرد را در لحظه پاسخگوست.

جالب اینجاست که در خلوت‌های فردی افراد در تکایا و اماکن مذهبی می‌بینیم که فرد به جای آنکه کتابی در دست داشته باشد، با کتاب الکترونیکی که در تلفن همراه خود دارد، دعا را زمزمه می‌کند و یا آسان‌تر آنکه دعا را از تلفن خود می‌شنود.

همچنین گاهی تا آنجا پیش می‌رود که تلفن همراه وسیله‌ای مقدس می‌شود؛ به دلیل آنکه کلام خدا را در خود جای داده است و فرد با همان تقدسی که با کلام خدا برخورد می‌کند، با تلفن خود عمل می‌کند.

خواه‌ناخواه تکنولوژی در خلوت‌های مذهبی ما نیز جای خود را باز کرده است و خوشبختانه رویکرد خوبی برای تولید نرم‌افزارهای اسلامی وجود دارد و نرم‌افزارهای مناسبی هم در بازار موجود است. ■

از اینجا تا خدا تنها یک تماس!

سرویس رسانه: - الو! من الآن صحن حرم امام رضا (ع) ایستاده‌ام؛ رو بروی ایوان طلا. - چه سعادتتی! جای من دعا کن. به آقا بگو...

- صبر کن! الآن گوشه‌ی رو می‌گیرم به سمت حرم، خودت نیتت رو به آقا بگو.

زمانی پاپ اعلام کرده بود که تلفن همراه، وسیله مضر است که انسان را از معنویت دور می‌سازد. ولی گویا دیگر این روزها چاره‌ای جز آشتی با رسانه‌های نوین ندارد. جامعه توده‌ای به سمت فردی شدن ره می‌پیماید و تکنولوژی‌های نوین گاه در گسترش و عمق دادن به فردیت‌ها و گاه در پیوستن به اجتماع‌ها نقش بازی می‌کنند.

ورود خدمات پیامک در سال ۸۱ به ایران، اتصال به اینترنت از طریق موبایل در سال ۸۷ و ارسال ام ام اس در اواخر همان سال تلفن همراه را از صرف تنها وسیله ارتباطی جدا کرده است و با دسترسی به شبکه اینترنت، به گسترش روزنامه‌نگاری شهروندی عمق می‌دهد.

با داشتن امکانات تصویربرداری، عکاسی و ارسال آنها از طریق اینترنت، تلفن همراه به سایت، میان تولید و پخش محتوا و پیام، فاصله اندک می‌شود و هر فرد در اینجا خود «رسانه‌وار» عمل می‌کند.

از دیگر مزیت‌های تلفن همراه، داشتن نرم‌افزارهای مختلف است که به دلیل همراه بودن دائمی آن با فرد (به دلیل کم جا بودن و قابلیت حمل) نسبت به سایر رسانه‌های دیگر، نیازهای روزانه مبتلابه را می‌توان با رجوع به آن رفع کرد.

برخلاف گفتمان آلوده پیامک‌ها به تابوهای اجتماعی، نرم‌افزارها از محتوای غنی برخوردارند

و موضوعات بسیاری دارند. شاید بیشترین نرم‌افزارهای مورد استفاده تلفن همراه شامل دیکشنری (انگلیسی به فارسی و بالعکس)، قرآن، نقشه شهرها، ادعیه و توضیح المسائل و نرم‌افزارهای تدوین و تصحیح موسیقی و تصویر باشد.

در میان نرم‌افزارهای مختلف، جایگاه حضور نرم‌افزارهای مذهبی که در اینجا اسلامی مد نظر است، به خوبی مشهود است.

دین یکی از نیازهای انسان است که در زندگی روزمره و در لحظه به لحظه ما جاری است. به همین جهت نرم‌افزارهای مناسبی، دائمی و کاربردی مذهبی زیادی در این راستا دیده می‌شود.

نرم‌افزارهای مناسبی که بیشتر به رفع نیازهای مذهبی در یک دوره خاص می‌پردازند؛ برای مثال نرم‌افزار ساعات شرعی ماه رمضان در شهرهای مختلف، احادیث معصومین (ع)، تقویم اسلامی سال، دعای قنوت نماز عید فطر. نرم‌افزارهای دائمی نیز به کل حوزه اسلام و احکام برمی‌گردد؛ برای مثال نرم‌افزار احکام، رساله مراجع تقلید، قبله نما، قرآن کریم.

جالب اینجاست که بسیاری از این نرم‌افزارها و همچنین کتاب‌های الکترونیک، تم‌ها و محافظ صفحه نمایش تلفن همراه و تصویر پشت زمینه را افراد ذوقی بدون وابستگی به نهاد یا شرکتی تولید می‌کنند و در وبلاگ‌ها و سایت‌ها برای دانلود علاقه‌مندان قرار می‌دهند.

اما متأسفانه برخی از کارهای بزرگ این حوزه نیز که توسط شرکت‌هایی تولید شده است، توسط برخی با شکستن قفل برنامه، بدون توجه به حقوق مؤلف بر روی اینترنت قرار می‌گیرد که کاری غیر اخلاقی است.

رادیو و برنامه‌های مذهبی قبل از انقلاب اسلامی ایران

دستخوش تغییر می‌شد و تابع یک برنامه‌ریزی بلند مدت ثابت و مشخص نبود. نحوه عملکرد اسفندیار بزرگمهر مؤید این واقعیت است.

در حدود سال ۱۳۳۱ اسفندیار بزرگمهر مدیرکل وقت اداره کل انتشارات و تبلیغات شد. او در بدو ریاست خود ابتدا سخنرانی‌های استاد حسینعلی راشد را که از اولین سال‌های تأسیس رادیو در ایران، هر شب جمعه پخش می‌شد، قطع کرد. بزرگمهر در نگارش این خاطرات لحن مؤدبانه‌ای ندارد و به نظر می‌رسد، اصلاً آقای راشد را نیز نمی‌شناخت. وی دلایل این کار را در کتاب خاطرات خود چنین آورده است:

«... تافته‌ای بود جدا بافته، به اسم حسینعلی راشد که نه واعظ بود، نه روضه‌خوان و نه سخنران! من او را از روزنامه اطلاعات می‌شناختم، مقالاتی برای آن روزنامه می‌نوشت و در آن سال‌ها سفری به لندن کرد و به قول خودش تحصیل کرد و در مراجعت با سفارش دربار و به‌خصوص علماء، شب‌های جمعه در رادیو سخنرانی می‌کرد و هر بار صد تومان می‌گرفت و حال آنکه وعظ دیگر بین سی تا پنجاه تومان می‌گرفتند و قرار شد که خودش هم به رادیو نیاید، دستگاه ضبط صدا را به منزل او می‌بردند و صدایش را ضبط می‌کردند.»

سپس او در این خاطرات نظرات مغرضانه دیگری درباره آقای راشد می‌دهد مبنی بر اینکه: «سخنان راشد بیشتر تکراری و بی‌ارتباط به هم بود و...» و ادامه می‌دهد: «صدای آخوندهای دیگر مثل «صدر بلاغی» که تازه آمده بودند، درآمد که چه امتیازی بین راشد و سایرین است که صدای او را در خانه ضبط می‌کنند و هر بار صد تومان می‌گیرند؟» (۷)

منابع:

- (۱) اسنادی از تاریخچه رادیو در ایران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۲
- (۲) همان. ص ۲۶۷
- (۳) همان صص ۲۶۹-۲۶۴
- (۴) همان. ص ۲۷۸
- (۵) همان. ص ۲۸۳
- (۶) تاریخچه مدرسه عالی سپهسالار. تهران: (بی نا، بی تا)
- (۷) بزرگمهر، اسفندیار. کاروان عم. تهران: سخن، ۱۳۸۲. ص ۲۴۷

گیتی کاوه

در قسمت پیشین از حضور شهید مطهری و سخنرانی مذهبی وی در رادیو سخن گفتیم، در این شماره از تشکیل اداره تبلیغات اسلامی سخن می‌گوییم.

طبق اسناد به دست آمده در حدود سال‌های ۲۸-۱۳۳۷ اداره‌ای به نام اداره تبلیغات اسلامی تأسیس شد. این اداره از ادارات تابعه اداره کل انتشارات و تبلیغات بود. (۱) «صباح کازرونی» در سال ۱۳۲۸ ریاست این اداره را به عهده داشت. (۲) اعضای شورای عالی آن که عبارت بودند از آقایان: «ابن‌الدین»، «حاج سراج انصاری»، «سید غلامرضا سعیدی»، «سید مصطفی سراجی»، «محمد جناب‌زاده»، «صدر شیرازی»، «منوچهر علّامی».

وظیفه این شورا، نظارت بر برنامه‌های مذهبی رادیو بود. از این رو همه تقاضاها و پیشنهادهای توسط شورا بررسی می‌شد. سعی شورا بر این بود که از اجرای گفتارهای نادرست و سخنرانی افراد بد صدا و یا افرادی که اغراض شخصی و انگیزه شهرت‌طلبی دارند، جلوگیری به عمل آورد.

نظرات این شورا مورد تأیید نخست وزیر وقت «محمد ساعد» بود. (۳) این اداره در سال ۱۳۲۸ به پخش مذهبی از رادیو به زبان‌های فارسی، انگلیسی و فرانسه پرداخت که مورد استقبال مجامع مذهبی قرار گرفت و در دهه اول محرم همین سال برنامه‌های ویژه سوگواری به زبان‌های یاد شده برای رادیو تهیه کرد.

از دیگر سیاست‌های این اداره مخالفت با

تقاضای تبلیغ از طرف سایر ادیان آسمانی در بخش فارسی رادیو بود. البته در بخش خارجی رادیو معنی برای تبلیغ مبلغان ادیان دیگر، وجود نداشت. (۴) طبق اسناد به دست آمده برنامه‌های مذهبی تدارک شده، مورد استقبال مسلمانان ماداگاسکار قرار گرفت. (۵)

از اوایل سال ۱۳۲۹ برنامه‌های مذهبی، به طور مستقیم توسط استادان مدرسه عالی سپهسالار تهیه می‌شد و چندین ماه متوالی از رادیو پخش می‌شد. برای این کار یکی از اتاق‌های مدرسه

از دیگر سیاست‌های این اداره مخالفت با تقاضای تبلیغ از طرف سایر ادیان آسمانی در بخش فارسی رادیو بود

به صورت استودیو آماده شده بود و دستگاه‌های لازم در آن نصب شد. این اقدام به درخواست مدرسه مدتی قطع شد، اما دوباره در پاییز سال ۱۳۳۰ به جریان افتاد. آقای صدر بلاغی، استاد راشد و تعدادی دیگر از استادان مدرسه از جمله سخنرانان مذهبی این برنامه‌ها بودند. «ناصر خدایار» یکی از تهیه‌کنندگان و گویندگان رادیو با حضور در استودیوی مستقر در مدرسه موجب برقراری این ارتباط بود. (۶)

چنانچه پیش از این اشاره شد؛ سیاست تبلیغاتی رادیو درباره برنامه‌های مذهبی، تابع نظرات رؤسای اداره کل انتشارات و تبلیغات بود. این رؤسا با تغییر دولت و هیئت وزیران تغییر می‌کردند و چون رؤسای این اداره کل توسط نخست وزیر منصوب شده و زیر نظر آنها کار می‌کردند، می‌توان گفت خط مشی تبلیغات مذهبی رادیو با تغییر هر نخست وزیر



مهر آمین

در خدمت ترویج نماز



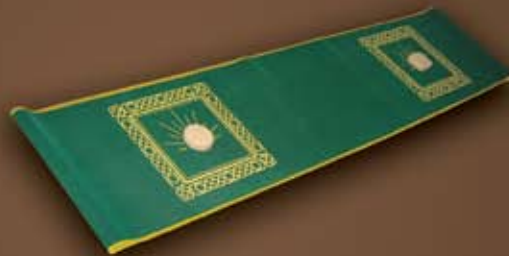
● دستگاه جلوگیری از شکایات نماز (ساده و قبله نما دار)



● جای تیمم زمینی و دیواری



● انواع مهر نماز در شکلیها و ابعاد مختلف



● جانماز رولی برای منظم نگه داشتن صفوف نماز



● مهر نماز قبله نما دار



● جامه‌ری مساجد و نماز خانه ها (در پنج اندازه مختلف)

تلفن: ۰۲۱-۵۵۶۲۷۳۴۶-۵۵۶۳۴۷۸۲
۰۴۱۱-۵۵۵۹۲۹۲-۵۵۳۰۹۴۰

WWW.MOHREAMIN.COM

◀ آیت الله بهجت ندای حق را لبیک گفت

آخرین روزهای اردیبهشت ماه به تلخی و سنگینی سپری شد. آیت الله محمدتقی بهجت فومنی، ساعت ۱۴:۴۲ روز ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸ در ۹۶ سالگی پیش از بستری شدن در بیمارستان ولی عصر قم به علت ایست قلبی درگذشت. پیکر ایشان بیست و نهم اردیبهشت ماه از مدرسه عالی امام خمینی قم در میان خیل عظیم سوگواران در قم تشییع و در حرم مطهر حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد. قم یکپارچه در غزا شد و مراجع، نهادها، ارگان‌ها، طلاب، دانشجویان و اصناف با بیانیه‌ها و مراسمی به بزرگداشت مقام والای آیت الله بهجت پرداختند. در هفتمین روز ارتحال این مرجع عالیقدر نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، حجت الاسلام والمسلمین ابوترابی، در مراسمی با حضور حضرات آیات مکارم شیرازی، نوری همدانی، وحید خراسانی، جوادی آملی، مصباح یزدی و نمایندگان بیوت مراجع، مدیر دفتر رهبر معظم انقلاب در قم، برخی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، برخی از نمایندگان مجلس خبرگان و شورای اسلامی، مسئولان استان قم و آحاد مردم از آیت الله بهجت به عنوان استوانه فقاقت و مشعل پر فروغ و ستاره درخشان عالم فقه و عرفان و عالم وارسته‌ای که از پیش از ایام جوانی و نوجوانی به حوزه سیرو سلوک و عبودیت گام نهاد، یاد کرد. مراسم چهلم ایشان در روز پنجشنبه چهارم تیر ماه بعد از نماز مغرب و عشاء در مسجد اعظم قم برگزار شد.

◀ اعتکاف بزرگ جوانان و نوجوانان

واحد جوانان و نوجوانان عاشورایی هیئات رزمندگان اسلام مرکز به مناسبت فرا رسیدن ایام‌البيض در مسجد جامع بازار تهران، مراسم اعتکاف را با حضورت سخنرانان و مداحان برجسته به مدت سه شبانه روز برگزار می‌کند. طبق اعلام برنامه از سوی دفتر مرکزی هیئت رزمندگان اسلام این مراسم از روز یکشنبه ۱۴/۴/۸۸ مصادف با ۱۲ رجب المرجب ۱۴۳۰ هجری از ساعت ۲۲ آغاز خواهد شد. در این مراسم معنوی که مخصوص برادران است، مناجات سحر، تلاوت قرآن، سخنرانی، مداحی، مولودی، سینه‌زنی، پرسش و پاسخ، زیارت امین‌الله، زیارت آل یاسین، قرائت ام

داوود و ... با همراهی حج اسلام آقایان: صدیقی، پناهیان، ماندگاری، مصلحی، سفیدی و مداحان، آقایان: حاج صادق آهنگران، حاج قربان، حاج ابوالفضل بختیاری، حاج رضا بکایی، حاج مهدی خادم، حاج قاسم رضایی و حاج مجید بادکوبه برگزار خواهد شد. ثبت‌نام از شرکت‌کنندگان در مراکز هیئت رزمندگان اسلام صورت می‌پذیرد و علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره تلفن ۳۳۰۵۱۹۰۶ تماس گیرند.

◀ خطرات و حوادثی

که زوار ایرانی را دربر گرفتند

و اما نیمه شب یازدهم خرداد ماه، یک دستگاه اتوبوس حامل زائران ایرانی که از مدینه عازم مکه بود، به دلیل خواب‌آلودگی راننده و سرعت زیاد واژگون شد. خوشبختانه در این حادثه تنها یک نفر دچار شکستگی از ناحیه کتف و ۱۴ نفر دچار جراحات سطحی شدند.

متأسفانه، واژگون شدن اتوبوس‌های زوار در این چند ماه اخیر، به یکی از حادثه‌سازترین رخدادهای مرتبط با زوار تبدیل شده است که از آن جمله می‌توان به واژگونی اتوبوس زائران ایرانی در بصره، ایلام و نجف که کشته و زخمی‌های زیادی در پی داشتند، اشاره کرد. همچنین در اقدامی بنیاد شهید امور ایثارگران، با ارائه لیستی از شهیدان و جانبازان بمب‌گذاری‌ها در عتبات عالیات، به مراکز استان دستور داده است تا خدمات مورد نیاز به جانبازان و خانواده شاهد حملات تروریستی عتبات ارائه شود.

بنیاد شهید و امور ایثارگران، تنها به افرادی که به صورت قانونی به زیارت عتبات عالیات رفته‌اند، خدمات ارائه می‌دهد.

در راستای بمب‌گذاری در عتبات عالیات، یک منبع آگاه در بغداد از بازداشت تروریستی در یکی از غذای‌های نزدیک «باب‌القبله حرم»، آستان مقدس حرم حضرت جوادالائمه و امام موسی کاظم (ع) خبر داد.

«باب‌القبله» حرم کاظمین (ع) سال گذشته شاهد وقوع انفجاری مهیب بود که بر اثر آن ده‌ها تن از پیروان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) به شهادت رسیده و زخمی شدند.

از بیم ادامه حملات تروریستی علیه زائران حرم امام موسی کاظم (ع)، دولت عراق نزدیک ۱۰۰ گیت بازرسی در اطراف حرم دایر کرده است.

گذشته از چنین حوادث آگاهانه و تروریستی، ۱۵ خرداد ماه سال جاری از دمشق خبر رسید که هتلی که در آن زوار ایرانی اقامت داشتند، به دلیل اتصال برق آتش گرفته است. خوشبختانه تنها ۵ تن از ۱۲۲ زوار ایرانی در هنگام حادثه در هتل بودند که با کمک نیروهای امداد همگی آنها نجات پیدا کردند.

آتش‌سوزی از طبقه دوم آغاز و به طبقات چهارم و پنجم سرایت کرده بود که در مدت سه ساعت آتش مهار و اطفاء شد.

◀ پایتخت‌های فرهنگی

جهان اسلام

سازمان تربیت، علوم و فرهنگ اسلامی (آیسیسکو) نجف را به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال ۲۰۱۲ معرفی کرد. پیش از این شهر «تربیم» استان «حضر موت» یمن برای سال ۲۰۱۰، شهر «تلمسان» الجزایر برای سال ۲۰۱۱ و شهر «نجف» عراق برای سال ۲۰۱۲ به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام معرفی شده‌اند.

اسکندریه در سال ۲۰۰۸ پایتخت فرهنگی جهان اسلام بود و امسال نیز «قیروان» در تونس که نخستین شهری است که اعراب مسلمان در تونس بنا نهادند، چنین جایگاهی را داشته‌اند.

انتخاب نجف در سال ۲۰۱۲ فرصتی برای شیعیان است که بتوانند جایگاه حضرت علی (ع) را آن گونه که شایسته است به جهان اسلام بشناسانند.

راه‌اندازی نشریه نجف پایتخت فرهنگی ۲۰۱۲، خدمات اینترنتی برای استقبال از پیشنهادات، همکاری با برخی از شبکه‌های ماهواره‌ای به دلیل معرفی ابعاد مختلف نجف، تشکیل مرکز پیشرفته اطلاع‌رسانی، تأسیس شبکه ویژه استان نجف، اطلاع‌رسانی و آماده کردن شهروندان نجف برای این مناسبت، تشکیل گروه‌های ویژه استقبال از هیئت‌های رسمی در آینده، از اقداماتی هستند که به این مناسبت انجام می‌شوند.

◀ اولین حسینی شیعیان ژاپن

افتتاح شد

با سعی و تلاش و پشتیبانی مالی تعدادی از شیعیان شهر کربلا مقیم ژاپن، در اقدامی مسرت‌آمیز اولین حسینی شیعیان ژاپنی افتتاح شد. مصادف با شهادت حضرت فاطمه زهرا (س)، این حسینی افتتاح شد و ریاست آن را



پست جواب قبول

نیازی به چسباندن تمبر ندارد

هزینه پست بر اساس قرارداد شماره ۳۷-۳۷۱۸۴ پرداخت شده است.

صندوق پستی: تهران، ۱۹۴۱-۱۵۸۱۵

تلفن دفتر تهران: ۰۲۱-۸۸۹۳۴۹۷۰

تلفن دفتر قم: ۰۲۵۱-۷۷۵۱۴۲۳-۴

ما به عاشقان سیدالشهدا اعتماد داریم

مشخصات فرستنده: نام و نام خانوادگی:

استان: شهرستان:

آدرس دقیق پستی:

.....

.....

تلفن: کد / صندوق پستی:

شماره و تاریخ فیش واریزی:

فرم اشتراک

هزینه اشتراک ماهیانه خیمه

پست سفارشی

پست عادی

شش شماره ۷۵۰۰۰

شش شماره ۵۱۰۰۰

دوازده شماره ۱۵۶۰۰۰ ریال

دوازده شماره ۱۰۲۰۰۰ ریال

مبلغ اشتراک را مطابق جدول بالا به شماره حساب سیبا (بانک ملی) ۰۱۰۱۲۸۹۵۵۴۰۰۱ به نام مرتضی وافی، قابل پرداخت در کلیه شعب سراسر کشور واریز نمایید. فرم اشتراک را دقیقاً تکمیل نموده، و به همراه اصل رسید بانکی برای ما ارسال نمایید.

تلفن دفتر تهران: ۰۲۱-۸۸۹۳۴۹۷۰

تلفن دفتر قم: ۰۲۵۱-۷۷۵۱۴۲۳-۴

یک روحانی ژاپنی، بر عهده دارد که در جذب ژاپنی‌ها مؤثر خواهد بود. حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ «ابراهیم سوده هاجاکی»، ریاست حسینیه فوق، چندین سال در شهر مقدس قم به تحصیل علوم دینی در حوزه‌های علمیه مشغول بود.

روز جهانی اذان

اذان هم جهانی می‌شود

دهم ماه مبارک رمضان، سالروز فتح مکه و اولین اذان، جهانی می‌شود. مدیرکل اداره نغمات آیینی سازمان صدا و سیما گفت: «دهم ماه مبارک رمضان، روز جهانی اذان اعلام می‌شود.»

مهدی دهقان نیری، در گفت‌وگویی با خبرنگار خیمه افزود: «اداره کل نغمات آیینی مبتکر روز جهانی اذان، در نظر دارد که برای اتحاد جهان اسلام، روز فتح مکه و اولین اذانی که بلال حبشی گفت -دهم ماه مبارک رمضان- را به عنوان روز جهانی اذان اعلام کند.»

مدیر رادیو نوا از اعلام رسمی این روز توسط معاونت صدا و همکاری اداره کل نغمات آیینی در آینده‌ای نزدیک خبر داد.

برگزیدگان شانزدهمین

سوگواره تعزیه کرمان معرفی شدند

در مراسم اختتامیه سوگواره تعزیه کرمان، از سیدعظیم موسوی و مظفر قربان‌نژاد به عنوان پیشکسوتان تعزیه کشور قدردانی شد و ثارالله انکوتی، در نقش «شبیبه حارث» در تعزیه «دو طفلان مسلم» از هیئت تعزیه‌خوانی حضرت ابوالفضل (ع) ده زیار، رضا میراحمدی در نقش «شبیبه شمر» در تعزیه «حراز» از هیئت تعزیه‌خوانی علی‌اصغر هوتک، حسین میراحمدی در نقش «شبیبه مسلم» در تعزیه مسلم از هیئت تعزیه‌خوانی سیدالشهدای هوتک به عنوان برگزیده معرفی شدند.

همچنین گروه داوری، از حمید سعادت‌ی سمعان در نقش مخالف‌خوان تعزیه، عباس و شوزب در هیئت تعزیه‌خوانی «علی اکبر سرآسیاب شش»، محمد افضل و حمیدرضا افضلی در نقش‌های دو طفلان مسلم در تعزیه «دو طفلان مسلم» در هیئت تعزیه‌خوانی حضرت ابوالفضل ده زیار، هوشنگ انکوتی در نقش خُر از هیئت تعزیه‌خوانی حضرت ابوالفضل ده زیار به خاطر پوشش لباس مرتب و مناسب حر و محمد سلیمی در نقش شبیه شمر در تعزیه حضرت عباس از هیئت تعزیه‌خوانی کهنوج، تقدیر کردند.

عباس سالاری، رئیس حوزه هنری استان کرمان در این سوگواره، لوح تقدیر این حوزه هنری را به «ماشالله احمدی‌نژاد» به پاس تلاش‌های بسیار وی در برگزاری این سوگواره تقدیم کرد.

عباس سالاری زمان برگزاری سوگواره سراسری تعزیه بعدی را دهه دوم فاطمیه سال ۸۹ اعلام کرد و گفت: «تعزیه کرمان، علی‌رغم برگزاری شانزده دوره سوگواره تعزیه در استان و دو دوره برگزاری سوگواره سراسری و همچنین برپایی نزدیک به ۱۵۰ مجلس تعزیه در طول هر سال، به وسیله گروه‌های تعزیه کرمان در داخل و خارج از استان، هنوز در کشور ناشناخته مانده و همین امر، عدم ثبت ملی تعزیه استان را به دنبال داشته است.»

وی از تعزیه‌خوانان، سرپرستان گروه‌های تعزیه و معین‌البکاهای تعزیه‌های کرمانی خواست تمامی مدارک موجود در گروه‌ها را که ثابت‌کننده سابقه تعزیه در استان است، به منظور پیگیری برنامه ثبت ملی تعزیه کرمان، به حوزه هنری این شهر تحویل دهند.

